



This is a reproduction of a book from the McGill University Library collection.

Title: [Tragica vertentis belli Persici historia. Turkish] Tarih-i seyyah der beyan-i zuhur-i Agvaniyan ve
sebeb-i inhidam-i bina-i devlet-i Şahan-i Safeviyan
Author: Krusiński, Tadeusz Jan, 1675-1756
Publisher, year: [Qusṭantīniyah, Daruttıbaatımemure, 1141/1729]

The pages were digitized as they were. The original book may have contained pages with poor print. Marks, notations, and other marginalia present in the original volume may also appear. For wider or heavier books, a slight curvature to the text on the inside of pages may be noticeable.

ISBN of reproduction: 978-1-77096-046-6

This reproduction is intended for personal use only, and may not be reproduced, re-published, or re-distributed commercially. For further information on permission regarding the use of this reproduction contact McGill University Library.

McGill University Library
www.mcgill.ca/library

RESERVE

KRUSINSKI. Ta'riḫ-i sayyāḥ dar bayān-i zu-
hūr-i Aḡwānīyān wa-inhidām-i binā-i dawlat-
ī šāhān-i Ṣafawīyān. Istanbul 1241 H.

(Turk. transl. of Tragica vertensis belli
persici historia etc.)

ZENKER I 929 BROWNE IV p. 116

Printed by Ibrahim Müteferriqa

C96

.K94t

.T

INSTITUTE

OF

ISLAMIC

STUDIES

29856

★

McGILL

UNIVERSITY

Je vous prie M^r Maton
d'accepter ce livre
en souvenir
Jugon le 16 Mars 1888.

تعظیم شان دولت اہتمامیہ ذب و زینت بولمغله تحفہ الکبار فی اسفار
 البعاز نام کتاب لطیفی اگرچہ قلیل الاوراق جمعی صغیر لکن معنای مفاد لہ
 بی نظیر حقا کہ سالکان براہ جہاد کبرا و محرار ہر حازقی و غازیان مجاہدان
 صمیم الاجتہاد کراہنمای صادقی نصیحتی و وصایای خلوص امیزی جہاد
 اندیشانک ما بہ التمییزی بر نسخہ نفیسہ اولمغله تا لیف عبدہ و تصانیف
 مفیدہ سندن انتخاب اولنوب لک دخی عباراتی طبع و تمثیل و اشکال
 و صورتی تصویر و تشکیل و بعض محسنات ضعیی اہلہ عاجزانہ توضیح
 اولنوب ابدی خواص و عوامہ تحفہ سنیہ برر گزار و عجبہ نوشکفتہ
 بہیہ بر یاد کار اولمق امید بلہ طبعنہ شروع و عنایت حق اہلہ اپکی نسخہ
 مرغوبہ دخی حسن ختامہ رسیدہ اولمق خلائکہ مالک شرقیہ دہ مدت
 مدیدہ دن برومتد اولہ اموری حاوی و اول اقطاردہ زمین ایرانہ طوایف
 اغوائیان و عجمیان و ملل سایرہ میانہ ظہور و حدوث ابدن و قایمی
 محتوی تاریخ سیاح در بیان ظہور اغوائیان و سبب انہدام بناہ دولت
 شاہان صفویان نام کتاب عبرت نما و بصیرت افزایہ ظفریاب اولوب لسان
 لاتندن ترکیبہ تبدیل و ترجمہ و بصمہ خطوطیلہ توفیری بانہ اذن
 و رخصتی متضمن فرمان عالی ارزانی بیور لمغله نسخہ مر قومہ لک طبعنہ
 شروع اولنوب فلاہ الحمد والمنہ اتمامی پسر اولدی اصحاب انصافدن
 نیاز مندانہ تمنی اولنور کہ تعبیر وادادہ و رسم واملادہ

واقع اولان ہفوات و عشراتیزی عفو و قصور

و کسور ییزی صفحہ جمیل اہلہ

ستریون

جمهوری امر شریف

محل صبح

ترجمه مذکور نفعی عام و سبب تیقت اولی الافهام و لغله انتشار منافعی چون
بصمه خطوطیله نکثیر بنه اذن و رخصت ویر مملکه ممانعت او انیمه دیو حکم

جمهوری عرض حال

سلطانم

حضرت نری صانع اولسون

وسعادتلو

دولتلو

خاکهای دولت لرینه حقیرانه عرض اولنان ترجمه تاریخ سیاح در بیان
ظهور اغانیان و انهدام بنه دولت شاهان نام بحاله ناک فن بصمه ایله توفیری
ولیدی ناسه و وصولی رأی رزین اصف نظیر لرنده مناسب کور بلور ایسه
بصمه سی باینده اذن شریف لرین متضمن امر شریف عنایت بیور ملق باینده
امر و فرمان دولت او سلطانم حضرت نری نکندو

بنده
ابراهیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِسْمِ تَعِينِ

همدرازکیات اول مبدع کائنات و موجود مصنوعات جنابک اتحاف
 کرده معلا ساحت تقدیسی اولغه شایان و حقیق قدر که صحایف مکونات
 نکاشته قلم ابداعی و عزت و سعادت دارین دستیاری عنایت و توانایی
 و ذلت و کدایی حکم دیوانخانه قضا و قدری ابد و کن قل اللوم مالک الملائک
 تو ت الملائک من تشاء و تنزع الملائک من تشاء و تعز من تشاء و نذل من تشاء
 بيدک لخير لک علی کل شیء قدیر کلام مجیدی ابله باصره کلیلہ اظان
 توتیاسای تنویر و متحدید قلمش در وصلوات نامیات و تحیات فایحات اول
 خلاصه موجودات و نقاوه بمکانات جنابک حوض مورد لشنکان امت
 و منبع ذلال فیاض فیض شفاعت اولان خاک پاک مشکساینه شایان ابلاغ
 و اهدا در که وجود شریفی باعث تربیت مقدمات مصنوعات و ذات
 قدسی الصفاتی سبب ترکیب بسایط و مرکبات در و ترضیه و تعظیبات
 صافیات حیات دین مبین و هدای راه یقین نجوم الزهرات ال و احباب
 و اتباعه روادز که سعی و همتلری مقیر ماند کان دیجور حیرته نجم هدایت
 و غبار سمند جهاد پیشه لری مجاهدان صمیم الاجتهاد که توتیای بصر
 بصیرت لری بنر ابعاد سبب تحریر کتاب مشکین نقاب اولدر که جناب
 نسق ساز کارگاه جهان و شیرازه بندته کتب اسمان جل شاننه و عم نواله
 حضرت لری اقتضای حکمت علیه و سبق عنایت از لیه ابله مجدید قواعد
 دین مبین و احیای حسن نجر اولین ایچون علی وفق العاده اسباب خیر
 و صلاحی اماده ابدوب وقتا که نوبت خلافت روز افزون عثمانی و عطیه
 کبرای وراثت تحت سایمانی خلاصه دودمان خلافت و نقاوه خاندان

Handwritten note in Persian script, partially illegible.

Handwritten note in Persian script.

Handwritten note in Persian script.

Handwritten note in Persian script.

Handwritten note in Persian script.

Handwritten note in Persian script.

Handwritten note in Persian script.

Handwritten note in Persian script.

Handwritten notes at the bottom of the page, including the word 'سلطنت' (Sulṭanat) and other illegible Persian script.

ساخته شده است
فصلنامه علمی و ادبی

سلطنت صاحبقران دور زمان طلسم دهنده امن و امان مظهر تأییدات
بر روی مملکت عرب و العجم والروم الا وهو السلطان الاعظم
ابن السلطان المعظم ابو الفتوح والمغازی السلطان الغازی احمد خان
ابن الله الملك المنان حضرت نرینگ شرفمند باب دولتری اولق مقدور
و پسر اولدی عهد میمنت مانوسلر نده پیرایه کتابه روزگار اولمغه شایان
نیجه نیجه معالی امور و مصالح جمهور بیای پی جلوه کر مجلای ظهور اولوب
قلم سنین در انتظام هجرة نبویه بیگ یوز قرق بر حدینه واصل و عهد
خلافت علیه بکرمی الی سنه ۶۰۰ متواصل اولد قده اتقن اعمال حسن
اشتمال اولان مناهد نور سیده صناعت طبع عالم مثالدن منصبه
ظهورده طرازنده حله وجود ابله خرامیده اولار ق عرض دبدار ابلدی
پس بوفن بدیع الغور و عجیب الطور بله تکثیر کتب و احیای معارف
و فنون و زمره طلبه علوم بر یوزدن شاد و مسرور بیور لوق همتنه
التفات رجاسیده حالاد دولت علیه ابد استمرارده تشریف ساز مقام
صدارت عظمای سایه انداز مسند و کالت کبری وزیر بر جس فطنت
مشیر عالی همت باب مداین الطاف و کرم داماد شهریار معظم اعنی به
حضرت ابراهیم پاشایسر الله مایروم و مایشاء حضرت نرینگ پیشگاه مکارم
دستگاهلرینه عمر فحال اولد قده نتایج افکار اصابت شعار لری و تفاریح
لرای مملکت ار لری مقرون صلاح اهل عالم و متضمن نظام احوال ام اووب
بوفن مفیدک حصولنه رغبت و زمره موحدینه بو طریقیله امداد
واعانت لازمه ذمت علوه همت و مهمه اساطین دولت ابدوکی علم عالم
شهر لرنده ظاهر اولمغه هماندم عقلاء اولی الابصار و فصلا ذوی الافکار
ابله عجاله اعداح مشاور و مدیران اصابت این ارکان دولت ابله فتح باب

Object
favori de O. K.

فصلنامه علمی و ادبی
علاقه conjunction
بکرمی سعادت
مانوسلر نده
felicissima

ornament. decy.
پیشانی
felicissima
comparative of ornate.
فصلنامه علمی و ادبی

State Commodity
عالم مثالده
فصلنامه علمی و ادبی

theatry
theatry only
Ferry
Acu pictor
فصلنامه علمی و ادبی

complicata
vaccinatio
mollis in foyto
Labeling
supplet

مجاور بیوروب بوا مر ذیشانک اساس و مبناسی قواعد شرح مبین
واسعۃ البیانہ تطبیق و توفیق ابلہ مرصوص و مأسس قانق و اکتوزین
صواب دبداری بیور لمغله حالاً متعهد امانت کبری فرمان فرمای مسند
فتواعده کشای مشکلات خلق عالم شیخ مشایخ خیرام علامه عصر
فرید دهر مولانا عبد الله افندی حضرت نرندن استفتا اولنوب اشرف
مساحی و احسن صنایع اولمغله منافع عامه بی متضمن برفن مفید اولدوغین
اشعار و قلم بجز رقم حکمت امیز لبله افتا و میان بیور ملر بله موجبه
عمل اولمق باینده جانب شهریاری عالم پناهدن خط همایون شرف
مقرون شرفیافته صدور مینت و رود بله دامان قیامتہ دکین عنوان
مفاخرت و ذکر بالجمله وسیله اولمغچون سرد فترما محمد نلری بیورادی
بناء علی ذلك بو طبع مطبوع و رسم مرغوبك انوزج و خودی و خزونه
ظهوری اولمق ایچون اقدام مبادی فنون عربیت و عنوان علوم شریعت
اولان فن لغت ابله ابتدا مناسب کور بلوب کتب لغات میاتنه صحاح
جوهری ترجمه سی اولان وان قولی نام کتبلک جودت و ندرتی و طلاب
علومک رغبتی و تحصیلک عسرتی مقرر اولمغله طبع و رسمه مباشرت
اولندی لکن نسخه زی کیاب و ظفر یاب اولدوغز نسخ دخی ضبط
و خطادن خالی اولیوب خط همایون و اشارت علیه لبله بجهت ما مور
اولان فضلانک نهذیب و تنقیه اشتغال لری اثناسنده کارخانه طباعت
کله سی کاه بکاه خالی قالوب تزییح او قاندن تحاشی ملاحظه سیله
مرحوم و مغفور له کاتب چلبی الملقب بحاجی خلیفه خالص النیت شاکر
النعمت خیر خواه دینود دولت بر ذات عالی همت اولوب بالجمله مولفاتی

فهرست کتاب	مقدمه در بیان ظهور دولت شاهان ومدت حکومت ایشان ۲	زبل در بیان بقیه احوال شاه عباس ثانی ۳
تفصیل احوال شاه سایمان ۴	احوال مادر شهزاده ۶	بیان احوال میرزا عباس ۷
وفات شاه سایمان ۷	احوال شاه حسین ۸	عدد شاهان صفویان ومدت حکومت ایشان علی و فوق تواریخ عثمانیه ۹
النکات فی زوال دولت شاهان ۹	عدد ممالک ایران ۱۰	بیان احوال اغوانیان وسبب ظهور ایشان ۱۲
بیان احوال جنک اغوانیان ۱۳	ذکر مسالک و مسافات من شهر اصفهان الی قلعه قندهار ۱۵	اوصاف قندهار ۱۶
سبب استیلاي شاهان همچنان بقله قندهار ۱۶	نتمه ما فی الباب ۱۷	بیان عصیان یورکی خان والی کورجستان وانهزامش ۱۷

امدن یورکی خان بامنهان	امدن بابچی از جانب پادشاه	ندبیر کردن شاه ورجال
واعتماد کردش در پیشگاه	هند برای استرداد	و فرستادن یورکی خان
شاه جمجاه: ۱۷	قندهار ۱۸	بالشکر کوچستان ۱۸
برای استحکام قلعه	بیان احوال میراویس	امدن میراویس باصفهان
قندهار و دفع مطالبه	۱۹	واحوال سائرش باشاه
پادشاه هند ۱۸	.	و رجال ۱۹
عرض حال دادن میراویس	استفتا کردن میر	عودت کردن میراویس
در پیشگاه شاه برای	لویس از علماء حجاز	باصفهان از طریق حج
رفتن بحج شریف ۲۱	۲۲	۲۳
امدن پیام بابچی از جانب	و مشورت رجال در	ندبیر میراویس در احوال
چار مسقو باصفهان	احوالش	بابچی مسقو
	۲۳	۲۴
عزیمت کردن میراویس	وصول میراویس	و ندبیر کردن برای قتل
از شهر اصفهان بجانب	بقندهار	پورکی خان والی قندهار
قندهار ۲۶		۲۶
مشورت کردن میراویس	عزیمت کردن میراویس	مشورت کردن اغوانیان
باغوانیان بعد قتل پورکی	برای فتح قلعه قندهار	بعد فتح القلعه
خان ۲۷	۲۸	۲۹

مکاتبات و مراسلات عن جانب میراوبس با رجال پادشاه هند ۳۰	سفر عجم در قندهار و سر عسکری خسروخان و محاصره قندهار ۳۱	ندارک کردن میراوبس برای مقبله بالشکر خسروخان ۳۲
فراغت کردن لشکر عجم از محاصره قلعه قندهار ۳۳	و فرار کردنش و انهزام شدنش ۳۳	وفات میراوبس ۳۴
جلوس میر عبد الله در تخت قندهار ۳۴	بیان احوال میر محمود و قتل کردن میر عبد الله و جلوسش در تخت قندهار ۳۵	سفر کردن عجم فی الدفعة الثانية برای تحایص قلعه قندهار ۳۵
سر عسکری صغی قولی خان و احوال فرزندش خان نوجوان ۳۵	انهزام عسکر عجم ۳۵	و قتل شدن سر عسکر صغی قولی خان و فرزندش نوجوان خان ۳۷
ندبیر رجال عجم برای سفر بجانب اغوانیان ۷۳	و سر عسکری لطفی علی خان واحوال جزیره بحرین ۳۷	استعداد عجم از دونهام پورنقال ۳۸
آمدن میر محمود بکرمان و محاصره و تسخیر کردن کرمان و جنگ کردن ۳۸	بالشکر لطفی علی خان انهزام میر محمود و فرارش در قندهار ۳۸	نفاق رجال عجم در حق لطفی علی خان ۳۸

احضار شدن لطفی علی خان از شیراز و حبس شدن شرح در شهر اصفهان ۴	قلع کردن دیبهه کاز اعتماد الدوله بنفاق رجال عجم ۴۰	بیان احوال اعتماد الدوله لطفی علی خان و تزویرات رجال رد حقیقش ۳۹
بیان کردن احوال لطفی علی خان ۴۷	الجواب عن جانب اعتماد الدوله ۴۲	دبوان کردن شاه و مرافعه شدن خصمها با اعتماد الدوله ۴۰
عزیمت کردن میر محمود بجانب مملکت کرمان ۴۹	بیان ظهور علامات سماوی وارضیه فی الدوله الصفویه ۴۹	تمه در بیان بقیه احوال لطفی علی خان ۴۸
تحریر وندارک کردن عسکر در شهر اصفهان برای مقابله بالشکر میر محمود ۵۱	از جانب شاه برای تجسس احوال میر محمود و خروج لشکر عجم از شهر اصفهان ۵۰	عزیمت کردن میر محمود از کرمان بجانب اصفهان و فرستادن خان هویزه
مقابله کردن لشکر عجم بالشکر اغوان وانهزام شدن لشکر عجم ۵۲	برای مقابله بالشکر اغوانیان ۵۱	قدم لشکر میر محمود در جوار اصفهان و مشاوران کردن رجال عجم ۵۰
فرستاده شدن خان هویزه برای تجسس احوال اغوانیان ۵۴	مشورت کردن اغوانیان بعد الغلبه برای رجعت در کرمان ۳۵	ضبط کردن اغوانیان اوردوی عجمیان بعد الغلبه ۵۳

ارسال شدن مکروب از جانب خان هویزه برای مصالحه با غواییان ۵۴	فراغت کردن غواییان از هوای رجعت در کرمان ۵۵	وغیر جمیع ایشان بشهر اصفهان ۵۵
احوال جولفه ۵۶	مباشرت غواییان بمحاصره اصفهان از جانب جولفه ۵۷	پیمان احوال فرح آباد ۵۶ انهزام غواییان در هجوم بجسر شیراز ۵۸
وغبت کردن غواییان با امر مصالحه با عجمیان ۵۸	رسیدن پیام از جانب خان هویزه با غواییان و فراغت ایشان از رغبت مصالحه ۵۹	ندارک شدن ذخایر از جانب اغواییان برای محاصره ۵۹
ارسال شدن خان هویزه از جانب شاه برای مصالحه با غواییان ۵۹	هجوم اغواییان بجسر اب ساباد و مباشرت ایشان در محاصره تمامی شهر ۶۰	مخاربه اهالی بن اصفهان با غواییان و اخذ ذخیره از دست ایشان ۶۰
انهزام میر محمود در جنگ اهالی قصبه بن اصفهان ۶۱	احوال آمدن عسکر عجم برای امداد اصفهان و انهزام قرنداش علی مردان ۶۱	استمداد شاه عجم از جانب وختان خان والی کورجستان ۶۱
احوال شهزاده طهماسب ۶۲	احوال میرزا سائمان و میرزا صفی ۶۳	تأهل کردن طهماسب در شهر قزوین بتخریک و حال بد نهادش ۶۳

مراجعت کردن ناس بجانب خان هویزه ۶۴	و جمع و مراجعت کردن ناس بدولت خانه ۶۴	زیل در بیان وقایع غریبه در اصفهان از سدت محصره ۶۴
بیان احوال قحط در شهر اصفهان ۶۶	بیان احوال خادم احمد اغا ۶۵	هجوم و غلو کردن ناس بسرای شاهی ۶۵
وضبط شهر اصفهان واحوال سائره در میان اغولون و عجم ۶۹	تسایم کردن شاه حسین تاج شاهی و تخت ایرانی بجانب میرمحمد ۶۹	عدد مقتولان از شمشیر و هلاک شدگان از قحط در شهر اصفهان ۶۸
احوال جمع و تحصیل خزینه از جانب میر محمد ۷۳	بدولت خانه و جلوس میرمحمد در تخت شاهی ۷۱	ضبط شهر اصفهان و ترتیب الای و رفتن میر محمد و شاه حسین ۷۱
گفتاری پند امیر سپاح ۷۵	بیان قتل عظیم در اصفهان ۷۳	ارسال کردن عسکر برای فتح قزوین و وقوعه قزوین ۷۳
مشورت کردن اغوانیاز برای ندادن عسکر ۷۷	ندادن کردن ذخایر برای اصفهان ۷۶	ترفع شدن قدر اغوان و تعیین حدود و مرتب در میان ناس ۷۶

ندارك اغوايان برای فتح ونسخیر بلاد در حوالی اصفهان ۷۷	فرستادن عسکر برای فتح شیراز ۷۸	سر عسکری فر بدون خان ارجانب طهماسب وعزیت بایالت بریه ۷۰
اطاعت کردن اهالی کشان ۸۲	وقعه امان الله خان ۸۲	عزیت کردن میر محمود برای تأدیب اهالی شهر کز ۸۴
طهور جنون میر محمود ۸۵	قتل کردن واسنیصمال کردن میر محمود شهرزاده کان عجم ۸۵	روایت کاذب فی سبب اسنیصمال شهرزاده کان ۸۶
بیماری میر محمود ۸۶	فرستادن سید علی خان بجانب قزوین وانهزامی اوست ۸۷	جلوس اشرف بجای محمود وقتل کردن محمدر ۸۷
اوصاف و مناقب میر محمود ۸۸	بیان احوال برادر میر محمود ۸۸	بیان مقدار عسکر اغوان و عدد ایشان ۸۹
احوال اشرف سلطان ۸۹	بیان فرستاده کردن میر محمود اشرف خان را بزندان ۹۰	اسئالت دادن اشرف خان با اهالی ایران ۹۱

تجربه کردن اشرف	وارسال کردن نعشه	تطیب کردن اشرف خان
خان شاه حسین را	شهزادگان بشهرقم	شاه حسین را ونسلی
درارزوی شاهی ۹۲	۹۱	دادن خاطر اوست ۹۱

پیان فرستادن نامه	فرستادن اباچی از جانب	تکلیف کردن شاه حسین
از جانب اشرف بجانب	اشرف سلطان بجانب	ترویجی دخترش
طهماسب ۹۳	طهماسب ۹۳	باشرف خان ۹۳

اهتمام کردن اشرف خان	عسکر اشرف خان	عزیت کردن ارسلان
برای جمع و تحصیل خزینه	یقزوین و مقابله وانهمام	خان از جانب طهماسب
۹۶	لشکر عجم ۹۶	بجانب شهرقم و قدوم ۹۶

احوال قرنداش اشرف	احوال میاچی میرمچود	احوال امان الله خان
خان ۹۷	۹۶	۹۶

احوال مادر میرمچود	خاتمه ۹۷
۹۷	

تذکره

۱ خفی اولمیه که اشبود استان ظهور اغوانیائی وانهدام بناء دولت شاهانی
متضمن ترجمه نك اصل اصبلی اولان كتاب عبرتآب حیرت انسابك
مسودی ملت مسیحیه دن عالم فسحة الفضا ده سیر و سیاحتی ملتزم
وامور غریبه و وقایع بدیعہ ضبط و تحریر نہ ملازم ارباب سیاحت دن قابل
سداد ملحوظ ارتسام رشاد طوبت شان هدایت نشان پر شخص سیاح
مرجو الفلاح مأمول الصلاح اولوب فی الواقع منصفانه تحریراتی و حکیمانہ
ادا و تعبیراتی سیاح مرقومك متجسس الامور صاحب فراست دناى قواعد
حکمت اشناى قوانین میاست تمیز احوال مالک و ملتہ اهل خبرت بر مرد
عاقل و تجربہ دقایق امورده صاحب فطنت فرد کامل ابد و کنه دلیل کافی
اولدوغندن ناشی لسان لاتن وزن جمع و ترتیب ابلد و کی تاریخك سباق
و سیاقنه تعرض و مضمون عبارتنه زیاده و نقصان و تحویل و تغییر مراد
اولنمیوب لسان ترکیه تبدیل و ترجمه ده و معنایی ادا و تعبیرده عین
مقصوده موافقت بولنق اوزن صرف مکنت عاجزانہ قلمشدر فاله
التوفیق للصواب والیه المرجع والمآب ترجمه الحقیر والفقیر

ابراهیم من متفرق کان

درگاه عالی

تاج اعوانیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِسْمِ اللَّهِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على جميع الانبياء والمرسلين ما بعد
يو عبد عاجز وفقير وحقيرنا چیز قوافل رها پندن سیاحان سیار مسکت
شعار طریققرینه سعی وسلو کیده تحصیل مال ومنال سود اسندن فارغ
البال وما سوای جناب خالق الموجودات کف عنان امال اجتهاد ن
کندومه نسبت حسب حال و بوندن اوز که مسند و معال اولمدوکی
خارج دایره قیل و قال ابدوکن یقینا بلوب بو عالم کون و فساد فسیحة
الفضاده پیانی تک و تاز ابله دارو دیاری شماری سیروتماشاهو اسی لاجرم
ارتکاب تعب طریق سیاحت و تحمل بار کیران مسافر ندر و اگر چه تجربه
امور سود اسی لاید هوادش روز کارنا هموار ابله متکسر الحاطر و فی اللیال
والنهار ظهور و قایع مختلفه الاطوار ابله دل و درون کدر الود اولمقدن
عبار ندر ابحق یوما فیوما بلکه انا فانا مشاهده آثار قدرت نامتناهی
و مطالعة آیات باهرات جناب خدای ذوالجلالی ذوق روحانی و موجب
نشاط و انبساط درونی ابدوکی دخی اولی الابصار ذوی الاعتبار قتنده خفی
و پوشیده دکلدربنا برین بوبنده کترین دستمایه شوق رؤیت عجایبات
و تازیانه از روی تجربه غرایبات سوق دلفریبی تقریدیه لازمه ذمت
طریقتم اولان سیر و سیاحت سمتنه عطف عنان عزیت واقطار غریبه دن
بلاد و امصار شرقیه جانبلرینه اماله زمام عاجزانه همت برله بعد مدت
دار ملک زمین ایران کرسی ممالک شاهان افتخار صغویان شهر شهیر
اصفهان

اصفهان و وصول بولوب بو خطه جليله حكمت علميه و بانيه مقتضا سنجه ۲
حقيره بر مدت جاي قرار و باشخوري پاپند سمند اختيار اولمغله ايام مكث
واقامت و هنگام ارام و راحت و انتساب لسان نقر پيله گاه سرگذشت
عجماني متضمن كتب معتبره توارينخلر بني تتبع بر له صرف اوقات و گاه ارباب
دانشلر ايله صحبت و اختلاطى التزام و گاه ظهور و حدوث ابدن وقايع
غريبه و دولهي عظيمه و شذرو مندر اقوام متنوعه و هر ج و مرج طوايف
مختلفه عجميان و اغوايان ايله سر كردان و ادب حيرت اولوب بالجه روى
زمينه نممكن اجناس ناسه دوام و قيام دولت اسبابى ادر اكله براينه مجلا
و طوايف مختلفه و ملل متفرقه عالم اولى الابصارينه باعث انهدام بنيان
دولت اولان احوال و اطواري اذعانده بر مرآت عبرت نما و ذوى الافكار اولان
مدققين و محققينه بصيرت افز اولق ملاحظه سيلاه روز بروز بالمشاهده
اطلاع و بالمعاينه علم و وقوف تحصيل ابلدينم امورى جمع ابد و ب بر عجاله
يازدم و نفعى عام اولق همچون اداى مقصوده السنه حكيمان اولان
لسان لاينى اختيار ايتدم مقدمه در بيان ظهور دولت شاهان و مدت
حکومت ايشان منظومه سلاک سنين هجرنده منسلاک تاريخ وقتا که طقوز
يوزالتجى سنه يه بالغ اولوب نظم پر انتظام سلاطين محمدت انار عثمانيانده
نوبت خلافت سلطان سليم خان عليه الرحمة و الغفران حضرت نلرينك
پداماتلرينه مفوض اولوب قلم رو حکم عرب و عجم و روم اولق تقدير
لم زلى اشكار اولمش ابدى عهد سلطنت سعادت قرانلرنده بمالك شريفيدن
تخطه از و بايجانده يانى بناه دولت شاهان و مؤسس اساس جمهورخانه دان
عجميان اولان شاه اسماعيل اردبيلي بن شيخ حيدر بن شيخ جنيد بن شيخ ابراهيم

بن شیخ علی بن شیخ موسی بن صفی الدین اسحق ظهور ابدوب دول سابقه دن
دولت فارسیه تعبیر پله شهرت زده افاق عالم اولان دولت قدیمه بی
زعیمه احیاسوداسیله اول دولت رجالندن تعداد اولتیق هواسیله
مسند نشینی داراوجم ادعاسنی کندویچ حسب حال قلوب باعث حدوث
دولت صفویه اولدی سلطان سلیم خان ابله واقع معارکه یه کلبه کوکی
اقباله کورینوب بعد الانهزام نجفی برکشته وچوق زمان مرور ایتیموب
کندوسی دخی گرفتار پنجه شیراجل وتاج وتختی ترک ابدوب یرینه اوغلی
طهماسب شاه اولدی اندن صکره ناک اوغلی اسماعیل بعد خداینده بعد
عباس بعد صفی بعد دیکر عباس شاه اولدیلر واشبو عباس اول بیوک
عباس دیکله شهرت بولوب تاریخ هجرتک طقوز یوز طقسان دورت
هنه سنه تحت شاهی یه جلوس وقرق بش سنه مدت شاه اولمشدر
ومالک عجمه نجه ولایتلر ضم والحاق ابله دولت صفویه یه استحکام
ویرمشدر بیگ اوتوز دورته قندهان سفر ابدوب اول اولکده هند
پادشاهی النذن الوب دولتنه ضمیمه قلمشدر بیگ قرق بر ربیع الاخر نه
فرح اباد نام محله وفات ابدوب یرینه بنیره سی شاه صفی اون سکر یاشنده
ایکن شاه اولوب اون دورت سنه مدت شاه اولمشدر بیگ الی بر تاریخنده
ینه عجم دولتنه نوعا ضعف طاری اولغله هند پادشاهی عسکر کوندروب
قندهار قلعه سی اولکده سنی عجم استیلا سندن تخلص وفتح و تسخیر
ابدوب دولتی ضمایندن قشدر تاریخ مز بورده سلطان مراد خان
بغدادی فتح و تسخیر ابدوب مالک عثمانیه یه الحاق شاه صفی ایسه جانبینه
حواب ومقابله دن عجز بنی ادراک ابدوب دولت علیه ابله مصالحه بی ترجیح

ورأى صواب كوروب بوجا بندين ما مون الغائله اولد وخی جمله قلعه^۲
قندهاری هند پلر الندن فتح و تسخیر سودا سیله الی بش تاریخنده ماه
شعبانک التجی کوننده اصفهان دن حرکت و اول جانبه عطف عنان عزیمت
قلوب قسطن نام شهره واصل اولد قلعه اجل ایریشوب راه قندهار دن
فارغ و شهر رمضانک اون اپکنجی کوفی طریق اخر ته رو براه اولمشدر و کوچک
شاه عباس نام اوغلی اون اپکی یاشنده اپکن برینه تحت شاهی به صعود
ابدوب شاهلقد بر مدت استقرار و دولتته نظام و یروب استحكام بولد قلعه
قندهار تسخیری اهتنامه دوشوب بیک الشمس تاریخنده مهمات کثیره
و عسکر و افره ابله اول جانبه عزیمت و جوار قندهار و وصول بولد قلعه
هند پادشاهی طرفندن عسکر کثیر ابله ما مور اولان پادشاه زاده
حروب شدیده و قتال عظیمه دن صکره عاقبت مغلوب اولوب منزه ما
فرار و طوایف اغوانک هند پلره عصیان و عجزله امداد و اعانتلری
نقر بیدله قندهار قلعه سی و اولکه سی ینه عجم شاهلرینک دست
استیلا سنه گرفتار اولدی زیل در بیان بقیه احوال شاه عباس ثانی
مقدمه هند عسکری قندهار اولکه سنی عجم الندن قلع و نزع ایلد کاری
اشاده خراسان اقلیمه دخی دست درازلق ابدوب ضبط و تسخیر ایلریله
خراسان ملکی اول و قعه ده فرار و برجانبه چکیلوب اختفای باش ابدی
بود فعه عجزله هند پلره غالب کلوب قندهار اولکه سنی ضرب دست ابله
اخذ و ضبط ایلد کلر بنی ملک مرقوم تحقیق ایلد و کی برله هند پلر الندن
ملک تخلص هواسی و اخذ انتقام سوداسی جای کیر ضمیری اولغله شاه
عباسه ایلچی کوندر و ب و عبودیت نامه یازوب مضموننده ملاطفه یوللو

کنایات تجریر و بومخلص کنز ابا عن جد بالارث والاستحقاق اقلیم خراسان
 مالکی اولوب خانه دان صفویه جاننده برد و لوسوء قصد یز سبقت ایتش
 دکل ابکن جانب شرقیدن سواد الوجه بر سبع ظهور و طرفلر بکزه
 اولان مضرتہ قناعت ایتیموب سزک تقریبکرا بله ملک موروثی بدیدن
 نزع و تحت و تاجی غصب و ر بوده قلمق سزک علوشانکز و عالمده عالی نامکن
 و طرفزدن حقوق جوان هر حاله حرکت و رعایتده سعی و اهتممزوار ابکن
 منایسته میدرد بو بو کونه عبارات و کنایات تجریری برله ملک مرقوم
 مشاهدهن استمداد ایلدی و من بعد دخی شاهک خلوص و صد اقتنہ
 ثابت قدم و خیر اندیشلقده راسخ الدم اولمق اوزن تعهدلر ایلدی بناء
 علی هذا شاه عباس فرصتی غنیت عد ابدوب کرکی کبی ندرک ابله خراسانه
 سفر و اقلیم مرقومی هند بلر لندن الوب ممالکنه ضم و الحاق و ملک خراسان
 ابله شروط و قیودی متضمن عهد و میثاق عقد ابدوب ملک مزبوری
 حکومتده ابقا و نقر و توسلی منقرض اولنجیه دکن حکومت خراسان
 کندولرنده قالوب عجم شاهلری طرفلر نندن تعرض اولنماق اوزن منشورلر
 یاز بلوب و یرلدی و بعد الانقراض عجم شاهلری طرفندن کیف ماشاوا
 اقلیم مرقومه حاکم نصب و تعیین اولنه دیو عهد نامه لر النوب و یرلدی
 شاه مرقوم دخی بکرمی بش سنه مقداری مدت تحت شاهیده کامران
 اولوب خرم اباد نام محله وفات و تحت و تاجی غیر یه سپارش قلدی
 فعلی هذه بیک بنش طقوز تاریخنده ماه محرمک بکرمی بشنجی کونده ابکنجی
 میرزا صفی تحت شاه یه جلوس ابدوب فرمان فرمای ملک زمین ایران
 اولدی شاه مرقوم ایسه اشای حکومتده بر مہیب و هولناک رویا کوروب

خوف

خوف و تشویشه دوشدی و تبدیل نام ابله تغییر قضای ازل نمکند و
ملاحظه سیله صنی نسیمیه اولنور ابلکن اسمنی سلیمان اسمنه تغییر ابدوب
من بعد شاه سلیمان نسیمیه اولنوردی و کوردکی هولناک رؤیانک اثری
اگرچه کند و عهد نه ظهور ایتدی لکن فرزندى شاه حسینک شاهلانی
زمانه بالمعاینه وجوده کلدی تفصیل احوال شاه سلیمان شاه
مرقومک برسلطاندن اوج فرزندى وجوده کلوب سنا اصغری شاه
حسین ابدى و شاه سلیمان مرقوم بدجبلت و مذموم الاخلاق عجول
و غضوب بنی و جمونی شفقت غایت ابله خودبین و خشین بر مرد ناقص
اولوب برکون فرزند امجدینک مرضیسی اولمیان بعض ناهموار حرکتی
مسموعی اولدوغی برله نارغصبی اشتعال بولوب نه شفقت پدرانه طبعنه
ذن دکلوهیجان و نه مشفعین رجاونیازلری درونده جاپکیرامکان اولوب
دردمندی ادنا جرم ابله قتل ایتدردی دیگر فرزندى پدرى شاهک
بوکونه تحور بنی و غضب الود حالنی کوروب کندویه خوف و هراس عارض
و وهم تشویشه تابع اولوب پیشگاه شاهیدن نفرت و ابا و نچه زمان پدرى
حضورینه وارمیوب عزات نشین زاویه تجرد اولمش ایکن شاه سایمانه
عاقبت فرزند امجدینی بی جرم قتل ابلد و کته نوعاندامت و تأسف ال
ویروب اورتا نجه اوغلونی کورمک ار زوسیلله حضورینه دعوت ایچون
امر کونرددی لکن شهزاده نوجوان برادری مقتولک احوالنه پریشان
الخطر اولوب وهم و خوف کندویه غالب وادی حیرنده عاجز و درمانه
بیم جان عزیز ابله السعید من اتعظ بغيره کلامی مضمون فکر ابدوب براوغردن
شاهک پیشگاهنه وارمدن تحاشی و اجتناب پدرک پدری برادر مقتولک

حاله ندامته القا و كندی حقنه مروت و شفقت پدرانه هيجاننه تحريك
 و ترغيب و بويابد ارشاد و الزام اسبابي ندارك اشتغالنده ايك بونپتنه
 تمسيت بولد و مقاميد بيله بركون پدری شاهك خاص بايغنه سنه دخول
 والته تبرالوب انظار شاهانه و تريمه ملوكانه ليله پرورش یافته اشجار
 بالابلند و مژمه دن برنهال سر و قدی اطهار تهو ريله صورتا قطع ابلك
 مباشرتن كو ستردی شهزاده درد منك مقصودی شاهی ارشاد و الزامه
 محصور ايك عكس قضيه ظهور ايدوب شاه خشين و خود دين و غايت
 ايله كند طبيعت اولغله شهزاده نظريفك تراكت اميز شفقت انكيز
 حرکتی فهم و ادراك ايله مقيد اوليوب انجق تهوران و وضع و حرکتی
 اندیشه سنه دوشوب احوال سايره بي صرف ذهن ايتيموب شاه بي
 مروتك تنور غضبي بونك دخی حقنه پر نار و قتل و اسنيصا لن حكم و
 قوريجی باشپسني چاغردوب بلا مان قتل ابلك اوزن امر و تنبيه ابلدی
 قوريجی باشی مرقوم عاقل و دانا صا حب رأی و نديبير و ارباب شفقت
 و مرحمتدن بر مرد کامل اولوب ولی نعمتی بولنان شاه سلیمانك جگر گوشه سی
 و فرزند معصومينك قتلنه صادر اولان امر و عزيمت ناشايسته سی طور
 طبایع ادميان دائيره سندن دور اولوب با خصوص بوبيله بر معصومك
 خون ناحق كندی دست مباشرتيله افشان اولغی زياده كریه كوروب
 بووادی عزيمت حيرت اشتمالده بر زمان متغير و سرگردان اولدی و بديل
 مقدور بيله بويابد شاهك نار غضبي تسكين و نايژه سوء قصدی اطفا
 و سكونت بولق اسبابي ندار كنده شمير ساق اهتمام ايدوب پيشگاه شادي
 مرونده بوكونه كلام مصلحت اميزه اغاز ابلدی بيم مروئلوشاهم ولی نعمتم

مرحمت

امرجت شعار افندم سلطائم حضرتلری بو عبد احقر صداقت پرور •
 کترین قوللری عنایت کوستر شاهم مروئلوا فندیک محضی عنایت
 واحسانلرندن مالک اولوب قوشاندیغ شمشیر تیزم مجرد شاهمک
 دوشمنلری اولانلرک خونین ریزان وافشان واعداى دولتندن اخذ
 لتقام برله دنیاده برنام ونشان قومق ایچوندر اولانان ونعمتيله پرورده
 وانظار علیه شاهانه لر بله پرورش یافته اولدوغم خاندان عظیم الشانه
 بوکونه خیانت وولى النعم افندیگ نورده لری اولان فرزندان بی
 گناهلرک ناحق بره سفک دمالرینه مباشرت وبوطر یقیله الی یوم القیام
 هدف لعنت خواص وعوام اولغنه العیاذ بالله تعالی وسیله اولمق ایچون
 دکلدربو امر منکره تصدی قولکزه کون حیزامکان اولیوب شاهمک
 فرزندی کناعی رینه نیم کی نجه لک قتلی اولی وبکانسبت اسهل واهوند
 بلکه شاهمدن بکالطف واحساندر زیرابوندن اقدام فرزندان مجد پکری
 قتله امر وجواز بیوردیغکنز اناده بو خصوص میان خلقده عظیم کفت
 وکولوب قلوب ناسه نوعا برودت ایرات ویا جمله قوللر بکزک جناب
 شاهیلرینه اولان میل محبتلرینه فتور کتوروب بارگاه دولت پناه کزدن
 نیجه لرینک نفرت ووحشتلرینه سبب اولمش ابدی دیوب مرقوم
 قوریحی باشی وجه مشروح اوزن حضور شاهیده کاه واقع حالی عرض
 واعلام وکاه دروغ پرفروغ وضروب مصلحت امیزلر ایراد وحسن تعبیر ابه
 کلامین تربین وپند ونصیحت یوللو تضرع ونیاز طریقلرینه سلوکيله
 هاقبت الامر شاه بی مروته پشیمانی وندامت الی ووروب فرزندی قتل
 ایتدرمک نیت قبیحه دن وبوامرنا شایسته یه عزیتدن فراغت یوزین

کوستر مغله توريجی باشی به انجامنده خطاب ابدوب دبد بکده ناره غضیم
 اطفا وسکونت بولدی و بو خصوصده بکندامت ال ویردی بنی ایقاط
 ابلد بکک خدمت مبرون ک و وبالدن صقند یغک غیرت و خیمت و افره ک
 و خلوص و صداقت اوزره خاندانزه اولان خیراندیشلغک ظاهر
 و اشکار اولوب عندیمزده مقبول و پسندیده اولدی امثال و اقرانک پیننده
 باعث امتیاز برسی جمیلده بولنوب اثارن مشاهده پذیرسن انجق بونیت
 و عزیمت ناشایسته مزو بو خطا الود حرکتمز من بعد اپکیمز پیننده ستر و کتم
 اولنوب بوسرخنی و مکتوم اوله و افراد افریده دن برفرد بوحاله واقف
 اولمیوب بوماده نسیمانسپا فراموش اولنوب زینهار و زینهار فرزندم
 دخی ماجرادن برنقریدیه خبیر و اکاه اولیه دیوشاه هر قوم قوريجی
 باشی به محکم تنبیه و تائکید ابلدی قوريجی باشی دخی شادک صداقتکار
 بنده سی و دولت صفویه نك رفعت خواهی اولمق فکر و ملاحظه سیله
 اگرچه بوسرورازی دبکرانه کشف ایتدی و لکن حسن تدبیر و رای
 رزین اولمق اعتقاد بله شاه زاده بی دوستانه ایقاط و من بعد رضای
 شاهیه موافق حرکتده بولتمق و هر حالده امرینه رام و شاهک منفوری
 اولان وضع و حرکتده متصدی اولماق تنبیهنی متضمن پند و نصیحتلر
 ابله طرح و تسویه قلدیغی بناء تدبیرینه استحکام و یروب غفلات ابله
 بر مخالف شی ظهور ایلماک ایچون شاه زاده بی ماجرادن خبیر و اکاه
 قلمنی امر صواب عد ایلوب محرم اسرار قلدی پس کل ما جاوز الاثنین
 شاع کلامی مفهومندن تغافلدن غیری سوؤ تدبیره سالک و ناقصه العقل
 نسوان طایفه سنه حقه ستر مکتومی و دیعه قلمق رای ناصوابه متصدی

اولوب

۶ تولوب اول امرده شاه زاده نك والد سنه خفيه خبر كوندروب واقع حالی بلدردی و او غلی شهزاده یی شفقت مادرانه مقتضا سنجه پنك و نصیحت ابدوب من بعد عاقلانه وضع و حرکتد حکیمانه و ادبانه شاهك درگاهنه ملازمتد قصورا بلمامك اوزن توصیه و تربیه و بوسر مکتومدن بر فردی اکاه قلماق اوزن تا کید و اکید تنبیه و سیارشلر ایلدی احوال مادر شهزاده چون شهزاده مادری ماجرا دن اکاه اولدی دروتنه خوف و هراس مستولی و فکر و اندیشه کندویه غلبه ابدوب واقع حالی اگرچه خفی و مکتوم اولیق اوزن شهزاده یی اعلام و افاده ایلدی و شفقت مقتضا سنجه تربیه و توصیه ده دقیقه فوت ایتدی لکن نسوانه مقدر نقصان عقل و رأی و ندبیرده عجز و فتور خلقی و رویت و تشبیت امورده قصور جبلی حسدیه بوامر مو حشك فکر و اندیشه سیله غم و کدر و الم کون بکون افزایش بولدی و من بعد غضب شاهیدن امنیت اعتقادی با نکلیه فاسد اولدی تا کد برکون فرزندسی شهزاده ابله نهانی کورشد که طبعند شفقت مادرانه بالضرور هیجان ایتمکله او غلونه بوگونه پند و نصیحت ایلدی که نیم نورددیم او غلم قرداشك بی چاره دن نه منند جرم صادر اولمش ایلدی که پدری بی مروت اول مظلومی قتل ایتدردی مادامکه شاهد بوگونه غضب و ظلم و غدر بله الوده طبیعت وارد و مزاجنه افراط تهور غالبدر ادنا بهانه ابله سنی دخی قتل ایلک امر مقرر در انک ندامت بی ثباتنه اعتماد و پشیمانی سریع الزوانه طینق و مروت و شفقت پدرانه سنه اینا بق محضی حماقتدر شمشیر خونریزدن رها بولمه ده اوز که طریق بودر که تغییر نام و تبدیل جامه قلوب لباس

درویشانه کیره سن وعزم سیاحت ایدوب بودیاردن نابود ونا پیدا
 اوله سن گوزك كوردوکی یره کیدوب بر زمان کم نام اوله سن جلا دبی امان
 شمشیر تیزینه طعمه اولدن شاید کدبو طریقیله رها بولمقد بدل مقدر
 اید سن دبد کده شهزاده نور سیده جوانک در بند مادر مشفقه ک پند
 ونصیحی جا کیر او کوب سوز پله عامل اولغه فابل و بوجه اوزن
 اسباب نجاته تشبته مابل اولوب هماندم کسوه درویشانه رغبت
 و صوب مقصوده عزیت برله مادر مشفقه سیله و داع و سرای شاهی
 اولان دولت خانه دن بر تقرب غرب پله چقوب هی و ذی درویشان
 و تبدیل نام و شانیه اول دیاردن نابود ونا پیدا اولدی بر قاج ایام مرورنده
 شاه سلیمان شهزاده نک احوال ملامت مورثه واقف اولمق اطراف
 و اکنافه ادملر تعیین ورتقلر ارسال ایدوب شهزاده نک بولنوب اله
 کتور لمسنه هر جانبه نکوپو عظیم نقید واهتمام قلد پلر و هر چند که بو بابده
 جستجو ایدوب سعی و کوشش قلد پلر شهزاده نک زم و نشاتدن اربولمیوب
 ما یوس ونا امید اولد پلر شاه سلیمانک دخی سنیه پر کینده فرزند ی غم
 و عاری و بوقضیه نک حجاب ناری یوما فیو ما از دیاد بولدی چون
 شهزاده نک حقنه صدور و ورود بولان سوء قصد بنی وقتل وازالسنه
 ذاهب اولدوکی عزیت ناهموارینی بر فرد بلیوب بو خصوصه واقف
 قلدیغی محرم اسراری انجق قوریحی باشی ایدی واقعه باعث وبادی
 اولدردیوب قتلنه فرمان ایدوب بار سردن دور وراس مقطوعی سرای
 میدانده غلطان قلد پلر قوریحی باشینک قتلی ماده سی میان ناسد
 کفت وکواولوب عاقبت شهزاده فرارینک مادری اولان سلطنتک

دخی مسیحی اولیجقنی چان بیوهم ووسوسه غالب وفرزند بی شهزاده ننگ
فیتند مدخلی اید وکنه شاه واقف اولمش فکر واندیشه سیله ^{سکجه}
شاهدن خلاص بولوق ملا حظه سیله اول دخی کندویی تلف
ایک اسبانه مباشرت ایلدی عاقبت بوقصد ایله برکون بالای بام سرای
چقوب کندوسن زمیننه انداخته قلوب خرد خاش اولدی بوخبر
موحش ندامت انکیزدخی شاه سلیمانک کوشنه لاحق اولیجق الم وکدری
صد درجه از دیاد بولوب دل مجروحند حزن داغ اوزن داغ اولدی
سلطانہ علاقہ دار بولمغله بو طریقہ نلفنه غایت متکدر اولدی
واگرچه ماسبقه اشدندامت ایله نادم وپشیمان اولدی لکن کوفت کوی
خلقه وشماتت ناسه کوجیلہ مقبل اولدی منوال محرر اوزن شاه سلیمان
ایکی نسر فرزند دبدارندن محروم اولیجق میل و محبت پدرانہ بالضرور
طبعند حرکت وقلب بی رحمند شفقت ورحمت بر مقدار رمیده اولوب
میل ومودتی اوچخی فرزند میرزاحسپنه عطف وامله ایله علاقہ
ایلدی میرزای مرقومک بیوک والدسی هنوز سرای شاهیدہ مقیمه
بولمغله شاه جانندن مرقومه یه رعایت والتفات ایله نوازش خاطر
قلنوب میرزا حسپنک یاتند موجود بولنوب والدسی مقامند
مشفقانه تربیه و مادرانه نظارت سپارش اولندی و معلم تعیین اولنوب
تحصیل علوم و فنون و معارف اسبابی اهتممند دقیقه فوت اولندی
میرزا مرقوم دخی اگرچه نظرده خور و حقیر و قصیر القامه قدملری
دخی بیتاق ایلدی لکن عقل و زکاده و فهم و فراستد عقل اول اولوب
صاحب استعداد اولمغله پدری شاه سلیمانک مرقومک حقند میل

و محبتی یوما فیوما ترقی بولدی و حضور شاہی بہ مداومتدن منتفک
 اولوب بوجہ شاہک رضاسنہ موافق وضع و حرکتہ سعی و کوشش ابلہ
 شاہک درون جذب و تحصیل علوم و معارفہ سعی بلیغ ایدوب پند
 و مادرینک حسن نظر لری و شاہانہ تربیہ و پرورش لرینہ اهل و مستعد
 اولوب ہمتلر بلہ مدت قلیلہ دہ صاحب کمال اولدی حضور شاہینہ
 حرکات و سکناتی پسند بہ اولدوغندن غیری رجال دولتی قاتندہ دخی
 مقبول و مرغوب جملہ نک قلوبن صید و شکار ایش ایدی حتی بدرینک
 حال حیاتندہ ولی عہد تعیین اولنق اتفاقی کفت و کوا و امش ایدی میان
 احوال میرزا عباس شاہ سلیمانک دیکر سلطانن دن میرزا عباس نامندہ
 برفرزند ی دخی اولوب لکن میرزا مرقوم پدری کی کند طبیعت و خشین
 اولوب تحصیل علوم و معارفہ نامستعد لکن فارس و جنک اور و ذاتندہ
 بہادر جسور و دل اور و الات حرب استعمالی فنندہ ماهر اولوب اکثری
 اوقاتن سلحشور لق و تیر و تو فنگ انداز لغہ صرف ایدوب بوفندہ
 فرید و بکانہ لکن علم و معرفتندہ بی بہرہ جاہل و نادان قالمش ایدی وفات
 شاہ سلیمان بر مدت سلطنتن دن صکرہ ستاہ سلیمان علیل المزاج و صاحب
 فراش اولوب بالین موتہ باش قودی حیاتندن نا امید اولیحق رجال
 دولتی حضور نہ دعوت و جمع ایدوب پند و نصیح یوللو و وصیتلر ایلدی
 میرزا احسبندک علم و حلمی و معارف و فنونندہ فضل و کالینی تفصیل و بیان
 و میرزا عباسک جہل و نادان لغنی و حرور و قتالہ میل و استعدادینی
 تعریف و عیان و شرح و بیان ایلدکہ تخت و تاج شاہی ی میرزا احسبندہ
 ودیعہ و وصیت قلمدی و بو حال اوزنہ وفات ایدوب داراخرتہ کیتدی

۸ فی احوال میرزا حسنینک پیوک والدہ سی قیزلر اغاسیبلہ اتفاق اوزن سرکاران دولت اولان رجاہ مراجعت و متوفی شاہک وصینئ اوزن میرزا حسنینک تخت شاہی یہ جلوسنہ اقدام و کین منصبہ ابقا و استقرار کین ترفیع قدر و منزلت برلہ کامیاب کینہ پر مبلغ نقود و یرملک وعدہ سبلہ ترغیب و تحریص قلوب میرزا عباس تخت شاہی یہ قائم اولق تقدیرنہ غضوب و خشین و خود رأی اولد و غنہ نچکزی حقارت ابلہ قتل و منصب و مال و منالندن دور ابلہ جکی بدیہی اولد و غندن غیر ی باب جنک و قتالی فتح ابدوب ارامش دولت الدن کیدوب بالجملہ راحت و ارامکز مشقتہ مبتدل اولور دیو میرزا عباسہ میل و رغبتدن جملہ بی تنفیر ایتد پلر و فی الواقع رجال عجم دخی فریضہ جہادی رقبہ لرنندن اسقاط ابدوب حضور و راحت حضری تعب و مشقت سفرہ ترجیح برلہ تن پرور لر و ذوق و صفایر ستلر اولوب کمال خواہش ابلہ میرزا حسنینہ میل و رغبت و هماندم تخت شاہی یہ اجلاس ایتدروب میرزا عباسی حبس ابلد پلر احوال شاہ حسین چون شاہ حسین ذاتہ معتدل حلیم و کریم و عالم و فاضل کسنہ ابدی تخت شاہی دہ استقرار بولد کہ برنجہ مدت صلاح و تقوایر بقلرینہ سلوکیلہ زہدہ اہتمام و منہیانندن ادنا بر فعلی مرتکب اولمش دکل ابدی لکن نقدی نازل برلہ نچہ زمانندن بزومزاج دولت صقویان معلول و بناء نظام اتفاق و اتحاد جهور لر شقاق و تفاقہ مبتدل و خرابہ یوزطوتوب انہدامہ مشرف اولمش ابدی الناس علی دین ملوککم معہومی امکان پذیر ظهور اولیوب مجرد شاہک صلاح حالی و اعتدال و تقوایہ سلوکی بیماری فساد طبایع ناسہ درمان کافی و اصلاح

مزاج دواک بیمارزینہ علاج وافی اولہ میوب بالآخرہ شاہ حسینی دخی
تقریباً یقیندن فراغت وخلقنہ اقتدا و موافقت برلہ مجبور قلد پلر
الخلاصہ نتیجہ حاللری برقیافته کیردی کہ شاہ ورجال عوام وخواص
خواب غفلت ابلہ و عیش و عشرتہ متغلیله برکونه مستغرق اولد پلر کہ
بالجمله وقایع لیل و نهار دن بی خبر لر اولوب امور دولتری و مصالح
جمهوری رؤیت و تشبنتنه مقید و ملتفت بر کلامی نافذ صاحب
بصیرت کسنه لری تمام میوب شاہی دخی خواب غفلتدن ایقاظہ قادو
برخیر اندیشلری بولندی مسود تاریخ اولان سیاح مرجو الفلاحک
عجم تاریخ لرندن ایلق اوزن شاهان صفویانک عدد لری ومدت دولتری
ضبطندہ نقل وروایت ایلدیغی صورت بودر کہ تحریر اولندی مترجم تاریخ
بو حقیر برتقصیر دخی عاجزانه ظفر یاب اولد و غم کتب تواریخ عثمانیہ ده
ضبط اولندیغی اوزن شاهان صفویان احوالی علی الترتیب جمع ودرج
و خلاصہ ایدوب شاهان صفویانک ظهور لری تاریخ و عدد و ترتیب لری
وهر برینک تاریخ ولادت و تاریخ جلوسی ومدت دولتی و عزل و وفاتی
تاریخی ضبط اولنوب بو محله ثبت و قید اولندی و مسود تاریخ اولان
سیاح مرجو الفلاحک شاهلرک حقیقہ نقل وروایت ایلد و کی
احوال کتب تواریخ عثمانیہ ده ضبط و تحریر اولندیغنه چندان مخالف
اولیوب روایتین ببننده انجق بر قاج سنه تفاوت اقتضا ایدر غالباً بو
اختلاف دخی کتب تاریخ نسخه لری ایادی نسا خدن ضبط و خطا
اوزن تحریر اولندیغندن ناشی واقع اولمشدر پس کتب معتبره
تواریخ عثمانیہ ترنپ شاهان بو منوال اوزن ضبط اولمشدر

اول شاهان صفویان شاه اسماعیل بن شیخ حیدر طقوز یوزانی تاریخند ۹
اون دورت یاشنده ایکن خروج ابدوب و شاه عنوانینی طاقنوب بگرج دورت
سنه حکومتد نصیره اوتوز سکزیاشنده وفات ایشدر ثانی شاهان صفویان
شاه طهماسب بن شاه اسماعیل طقوز بوز اوتوز تاریخند اون بچق یاشنده
ایکن تخت شاهی یه جلوس واللی دورت سنه سلطنت ابدوب الشمس
اوج بچق یاشنده پسر کهتری حیدر میرزاومادری مباحشر تیله نسیم اولنوب
هلاک اولمشدر مرادخان ثالث عهدنده تهنیه سلطنت ایچون اشبو شاه
طهما سب طرفندن نامه وهدایا بله حاکم روان ونجوان طوقاق خان
ابلیجی کوندربلوب طقوز یوزیش دورت سنه سی اوایلنده محرز شرف
تقبیل رکابفتابتاب اولمشدر ثالث شاهان شاه اسماعیل ثانی بن طهما سب
طقوز یوز سکسن دورت تاریخند اوتوز سکزیاشنده ایکن تخت شاهی یه
جلوس و برسنه ویدی ای شاهلق ابدوب اوتوز طقوز سنه بکی ای عمر دن
صکره وفات ایشدر رابع شاهان صفویان سلطان محمد خداینده طقوز
بوز سکسن بش تاریخند تخت شاهی یه جلوس واون سنه سلطنتدن
صکره عزل اولمشدر خامس شاهان صفویان شاه عباس اول بن
خداینده طقوز یوز طقسان بش تاریخند اون سکزیاشنده ایکن باباسی
یرینه تخت شاهی یه جلوس و قرق ابکی سنه سلطنتدن صکره الشمس
یاشنده وفات ایشدر سادس شاهان شاه صفی بن صفی میرزا بن شاه
عباس بیگ اوتوز سکزی تاریخند اون سکزیاشنده ایکن تخت شاهی یه
جلوس واون دورت سنه سلطنتدن صکره اوتوز ابکی یاشنده وفات
ایشدر سابع شاهان شاه عباس ثانی ابن شاه صفی بیگ واللی ابکی تاریخند

اوزن ابكي ياشنده اپكن تخته جلوس و بگرمي بش سنه سلطنت ابدوب
 اوڭورچدى ياشنده وفات ايتمشدر نامن شاهان شاه سايمان كه مقدا
 صفى نسيمه اولنوردى ابن عباس ثانى بيك تيمش بدى تاريخنده بگرمي
 ياشنده اپكن تحت شاهى يه جلوس و بگرمي سكر سنه سلطنت ابدوب
 قرق سكر ياشنده وفات ايتمشدر تاسع شاهان و اخرايشان شاه حسين
 بن شاه سليمان بيك يوز اوج تاريخنده بگرمي بش ياشنده اپكن تحت
 شاهى يه جلوس و بگرمي طقوز سنه سلطنت دن صكره تحت و تاج ايراني
 مير محموده تسليم ايلدى فعلى هذا اول شاهان صفويان اولوب باني بناه
 دولت روافض اولان شاه اسماعيلك ظهور ندى اخر شاهان اولان
 شاه حسين تحت و تاج ايراني سردار اغويان اولان مير محموده تسليم
 ابدنجه طقوز نفر شاهلرك مدت دولتملى كتب تواريخنده ضبط اولند و غي
 اوزن ابكيوز بگرمي سكر سنه مقدارى زمان اولمش اولور انكات فى زوال
 دولت شاهان اگرچه بو عالم كون و فسادده سابقده ولا حقه ظهون
 كلان دولتملك طلوعى و زوالى و اعمارنك مدت امتدادى و انطواسى
 و ظهور و زوالده تقديم و تاخيرى همان افرادنى ادمك ولادت و ممانته
 و سنين عمرينك و فرت و قلمتنه مشابه جناب خدائى متعالك ارادت
 عليه و تقدير ازايه سنه منوط درو بو مد عام معرفت الله برله بهره ياب الجمله
 ملل متنوعه و اديان مختلفه عالم اربابنده مقبول و مسلمدر انجق عقد
 و حل امور جمهورده قصور و فتق و رتق مهام دولتمك فتور و روى و تدبير
 مضالچ ناسده اهمال و نهاون و كسور مقولهسى نقايص ظهور و قضا و قدن
 بادي و باعث اولمق اعتقاد بيله دولت صفويه نيك رتبه انقراضده اديارينه
 اصحاب

۱۰ احباب دقت و از ناب فرست ظاهر او معنای کونه اسباب و علل اراد و بیان
ابلسلر در اول اخفی اولیه که دولت صفوی به تعبیر اول نور جمهور و عجمک
بانی بنیاد دولت لری اولان شاه اسماعیل بن شاه حسین که پنجاه سال
شاهلرک استیلا ابدوب قبضه تصرف لرینه ادخال ابلت کاری بمالك
اون التي عدد مقداری اقلیم عرفیه به بالغ اولور که اقلیم لری بونلر دو
عراق عجم خوزستان لورستان فارس کرمان مکران سجستان قندهار
زابلستان خراسان مازندران کیلان ازربایجان روان شروان طاغستان
و کورجستان و شاه اسماعیل مرقومک ظهوری زمانه اقلیم مذکور نیک
هر رینه مستقل برویا ایکی و یا اوج ملک بولنوب و هر بری بر مقدار
مملکت به باشلور باشنه مالک و متصرف تائیمورک دست استیلا سی اول
دیاردن کوتاه اولوب چکلوب زایل اولدیغی زماندن بروشا هلرک
ظهورینه کله طوایف ملوک اولمشلر ابدی بو حال اوزن فیما بینهم اتفاق
و اتحاد بولند یغندن غیری ملک و مملکت نزاعی بران خالی اولمیوب
متفرقه القلوب و پریشان الاحوال بلوک بلوک اولوب بولمشلر ابدی
جماهر عجمیان ایسه اول ظهور لرندن برنجه مدته کله بازار کارزار
مد عالینه رواج و یرمه و تأسیس دولت لرینه سعی و اهتمامه بالضرور
متفق الدرور بولند قلمری اجلدن بمالك مرقومه یی تعب یسیر و زجت
قلیه ابله قبضه تصرفه کتوروب دایره دولت لرینی از زمانه وسعت
عظیمه ابله توسیع قلمشدر در و اون التي عدد اقلیم عرفیه ده بکرمی
سنگزدن زیاده سنی و سنوی مذهب ملوک اسلام بولنوب شاهان
بد نهاد لر جمله سن قتلدن صکره اولاد و انساب لرینی دخی قتل و استیصال

اېلېښېلر درو بو امر بر حڪمت غزيبه در كه بو نجه اقايمك متصرفلرى اولان
 طوايف ملوك اهالى اسلامدن سنى سنوى اعتقادلر اېكن روافض
 ظهورنده ملك و مملكت تراغندن و باغ و بايغچه و تارلا غوغاسندن ناشى
 بغض و عداوت و كين و غرض و بروت ائفا قلمرينه مانع حاجز و اتحاد
 اوزنه مدافعه قيدنده اولملىرى نه سد سد بېد اولوب برلىنىك ملك
 و عرض و ناموسى زوالنه و بناء دولتلىرى انهدام و اخمص حلالنه بقرق
 محتمل اولد بىلر و بوندىن اغربدر كه فرزندان دانا يان عجم بو حڪمت
 باهره يي اذعان اتمىوب بو نجه داروديان اسنىلار لى نه باعث سهولتلىرى
 اولان معنائى فهم و ادراك اېده ميوپ قبضه تصرفلرى نه اذخال اېلد كلىرى
 بمالكك ضبط و ربطنده قاعده يي تا بىدى دستور العمل قلوب هر بر
 اقبامى اولاد و اولاده ارثيله انتقال اېلك اوزنه برر خانه و يروب ضبط
 ايندر دېلر مرور اياميله خانلر نصب و عزلدن امينار و مملكتار نه مستقللر
 اولوب انلر دى طوايف ملوك حكمنده اولد بىلر وقت حاجته هر فرد
 كندى حاليله مقيد اولوب شاهلرىنىك و برلىنىك امداد و اعانتلرىنى
 مهم اېدند بىلر و متصرف اولد قلىرى مملكت كندولرى نه ارثله منتقله اولغله
 بو نعمت جليله شاهلرىنىك دوام دولتمندن اېدوكن بىلر و نصب
 و عزل و تا ديب و قتل كندولرىندن مرفوع اولغله شاهلرى نه چندان
 طاعتلىرى اولمىوب حقوق ديوانيه لى دى خزينه شامى يار سالده تكاساللىرى
 كالد اولوب هوا و هوسلرى نه تابع اولد بىلر تا عجم دولتلك فرىضه
 جهادى احياء اېده لك عدوى قوى الاقتدار لى اولمىوب بو نجه زماندن
 يره وقوع بولان بىنك وجد اللرى اكثر يارعايا مقوله سى عجزه

وضعا

وضعفا ببله اولوب دولتلىر نده وجودى مهم مهمات سفرىه واليات حبيب
 وقتال ندار كنده و ترتيب و تجهيز عسكرمهمه سنده اهمال و تكاسل اولون
 اولوب بوا مر واجب الاذعانده غفلت اوزن اولديلر ثالثا شاه عباسه
 كنجه عجم شاهلى حكم و حكومتلىر نده و عزل و نصب و سائر امور لى نده
 مستقلا اولوب شاه عباسدن صكره كلان شاهان زبون دست تسلط
 خدام اولملىر بيله بندان دولتلىرى مشرف انهدام اولمش ابدى رابعاً شرب
 خمر بيوك شاه عباس زمانندن پروا دن عام صادر اولمش يوللو عوام
 و خواص ناس ميانده بر در لو ممنوع اوليوب صغير و كبيرلى اشكان عيش
 و عشرته مبتلا مورد دولتلىرى كورلمه دن قالمش ابدى حتى شاه حسين
 تحت شاهيه استقرار بولد قده صلاح و تقوايه مبلى غالب اولغله
 بو فساد عظيمك علاجى ند بيري و ندار كنه مباشرت ابدوب شرب خمرى
 اشد عقوبت ابله منع و نفس اصفهانده و اتصالنده واقع چولقه ده
 بولنان خمرى بالكلية يره دوكدروب ملوك نصبار اباچلر ندى غيري برده
 قطره خمر بولمى قدن صكره شيراني دخی من بعد خمر اتمسونلردى اولمى
 و شد بد تنبيه ابلش ابدى انجام كار نيه منتج اولدى بو مرضه مبتلا اولمش
 خلق صبر و تحمل ابدى ميوب و ما لوف اولد قلرى شربدن امساكه
 قدز تلىر قالمىوب على الاتفاق صغار و ككبازلرى بريره جمع اولوب
 بو بابده چوق مشور تلىر ابلدىلر و كافي الاول شرب خمره شاهدن اذن المق
 ند بيري ندار كنده اولدىلر عاقبت شاهك بيوك والده سنى بو مراد لرى
 حصولنده واسطه ابدوب حيله طريقلر ينه تشبث قلد بلىر و شاهك
 بيوك والده سى اتفاق بيله تارض ابدوب طب بيلره حيله تعاليم و بوداء

مهلكه تناول نمودن غیری درمان مبسر دكلدر دبدرتدبلمر اصفهان
 وچو ~~نهاده~~ داده آثری بولنیوب ملوك اچیلرینه مراجعت ایلدبلمر چون
 مراد لری حیلله یه مبنی ابدی همان برابکی قدح می تناول ونوشیله شاهك
 بیوك والده سنك بحرانی صحتیه یوزطوندی بو تقرر بدله شاه حسینیه دخی
 مشفقانه پند ونصح ضمنیه ابرام والحاخ ابدوب اباواجدادینك مسلكنه
 ترغیب ابدرك سوزن کچوردی و برابکی پیاله ابله مشق ابدرك دفع
 غم مرتبه سنه واردبلمر بو کون دفع غم یارین دعوت کیف دیه رك شاه
 مزبور برکونه مبتلا اولد بکجه امورینی کورمکدن بالکلیه فارغ اولوب،
 ذوق و صفایه مشغول و خواننده و سازنده لر بله مجلس ارا اولوب امور
 دولتی نهر حاله سیارش قلدی چون زمام حکومت رجالک الینه کیردی
 وقصد فاسد لری بو یوزدن تشبیت بولدی من بعد امصار واقطارده
 غادر و مغدور ظالم و مظلوم حق و باطلی ارا نیوب ایراد و مصرف لری
 بانیبوب روح دولتلری حالت نزعیه واردی روایت اولنور که شاه حسین
 تماما عمرنده قزل رنگ لباس کیمدی وعادتلری اوزن خانلرخانی اولانلر
 قرمز رنگ لباس کیمیوب احمق برکسنه قتل اولنمق اقتضا ایلد و کی
 کونلرده کیرلر شاه حسین ایسه برفردی قتل ایلنیوب بردفعه بانجه سنده
 قوشلره توفنك اتوب برتفا چن دو شرب و قتل ایلکله بو بابده دخی
 کندویه ندامت ال و یروب خزینه خاصه دن اچکیوز تومن اچه تصدق
 ایلش کریم الطبع محب فقرا حایم و مسایم صاحب جود و احسان کسنه
 ابدی لکن پادشاهلره کون السیف والاحسان تو امان کلامی مفهومندن
 غفلت ایله انقلاب دولتلری زماتیه مصداقت ایلدی ماشا الله کان

ومالم

۱۲ و ما لم یسألکم بکن خامس اطو ایف عجم اهالی اسلامدن کجنوب اسلام
دعوا سنده غایت ابله اصرار اوزن اولدقلری حالده بو عجبدر که شجائر
اسلامدن معدود فرایض و سننی اسقاط و اهمال ابدوب با خصوص
رابطه قویه و اعظم سبب نظام دولت اولان قانون شرع اصفهانده و بلاد
سایره ده اجرا اولنمقده اهماملری اولمیوب بو بایده وضع و حرکتلری
مختل و مشوش اولمش ابدی حتی شاه عباس زماننده تقود آنچه دایره
دولت لرندن طشره اخردیان کئیسون ملاحظه سیله فریضه حنی دخی
منع و اسقاط ابدوب مملکت لر نده بولنان مقبره لرینی زیارت ابله اکتفا
اولنمق حیله سیله ینه اموال و تقود دینار لر نده قالمق ند بیئر ینه قرار و یروب
من بعد حجه کیدنلری کاه سر اوکاه حکامه اذن ایچون مبلغ عظیم و یروب
بو مراد لر ینه مصارف کثیره و مشقت عظیمه ابله واصل اولور لر دی
و بو خصوص شاهلر ک سوء تدبیر و طمع خاملرندن ناشی بر معنا اولمق
اعتقاد ابله صلاح و تقوایه راغب اولوب حجه کئمک ارز و سنده اولان
عوام و خواص لیل و نهار شاهلر ینک دولتی زوالینی تمی و درکاه ذوالجلاله
مناجاندن خالی اولمازلر ابدی و کذا سایر مظلوم و مغدور عجزه وضعفا
شاهلر ینک زوال دولتی دعاسنی یا حکمت خداوردوزیان ابدن شلر ابدی
ساد سا بالجه رجال عجم ابکی فرقه متفرقه اولوب بری برلر ینه ضد کامل
اولمشلر ابدی امور دولت لر نده بفرقه نیک مناسب کوردوغی خصوصه
البتده اول بفرقه معقول کور میوب بوشقاق عظیم جمله دن زیاده انهدام
دولت لر ینه باعث بلکه علت مسنقله اولمشدر بیان احوال اغوانیان
و سبب ظهور ایشان ارباب وقوف و اصحاب دانش اولانلر بو ببله نقل

وروایت اولنور که طوایف اغوان فی الاصل بحر حرز ساحلند طاغستان
 اتصاله مواقع شروان اولکه سنده یا خود باب الابواب خار چند طاغستان
 زبلند واقع بحرالرده ساکنه و مجهوله الاصل برطایفه در ویا بونلر قوم
 حرز ویا انلردن بر قوم ویا خود بر شعبه اوللر طایفه مرقومه عادت
 مسخره سی اوزن ایران زمینه و سایر اتصالیه واقع ممالک اقل ابدوب اول
 دیاری نهب و غارت ایتلمز یله تیمور ظهوری اثناسنده اول نواحی فتح
 و تسخیر اولنوب اهالی ایران بونلردن تشکی و تطلم و فساد لرینی اعلام
 ایلدکارنده تیمور خان طایفه مزبون بی دیار اخره اجلاویوز قوناق
 مسافه یلرندن تبعید ابله متعهد و ملتزم اولوب جانب شرقه ایران زمین
 نهایتنده قندههار اطرافنده هند ابله مایبنده واقع بحر ابریه یلرده
 اسکان ایلدی تا کم بو طر بقله زمین ایرانک جانب غربنده واقع ممالک
 اهالیسی مرقومونک نهب و غارت یله معتاد لر ی اولان ایصال مضر نلرندن
 راحت واسوده حال اوللر بعض کتب تواریخده طایفه مزبون ارمنیان
 جنسندن اولق اوزن نقل و روایت اولنور زیر شروان اولکه سی
 سابقده البانیانسمیه اولنوب اهالیسنه البانیلر دبد کلری کتب
 جغرافیاده مسطور و مصر حدرد بوبله اولجه اغوانیلر البانیلر غلطی
 اولق غالب احوالدر و حالا شروان اتصالنده قره باغ ناحیه سنده
 واقع ارمنیان مناستری قند سارنسمیه اولنوب سر طریقلرینه اغوانچ
 دیرلکه ارمنی اسانی اوزن اغوانلرک باش بوغی دیک اولور و ایالت کنجه
 وروان و نخجوان نواحیلرند و کیلان حدودنده ساکن و صغناق تعبیر اولنور
 جبالده شکران رامنه طایفه سی حالا بونا میله افتخار ایدوب اغوانلق

دعواسن

دعواسن ایدرلر واحتمالدرکه سرطریقلری اولان قندسارباش بوچی
 اسکانلری اثناسنده قندهارده ممکن اولمغله قندهار لفظی دخی مروو
 ایامیله قندساردن غلط اولمش اوله زیراقلعه مرقومه بعض کتبه
 اسکندر بناسی اولمق اوزن تحریر اولمشدرطو ایف مرقومه اسکانلری
 اثناسنده ارمینلر ایین ومذهبنده اولدقلری دخی محقق اولوب چون
 وطن اصلیه لرندن دور ومهجوروبالکلیه یاب وزها بدن ممنوع ومنقطع
 اولدبلرا هالی هند ابله اختلاط والفت وموانست پیدا ایدوب علی مهل
 جمله سی مسلمان اولدبلر وحالا طایفه مرقومه نك کندولری بشر دکلری
 اتمک اوزن حاج واری برنشان قورلر غالباً ایین ارمینانده اولدقلری زمان
 جاهلیت لرندن قالمش برسدر وفی الاصل نهب وغارت ابله اباعن جد
 ما لوفلر وخلققلری دخی یاغما وتاراج هواسی اوزن مجعول اولوب
مسکنلری دخی سرحد اولمغله جنک اور اولمشلردر بیان احوال جنک
 اغوانیان طایفه مز بون نك جنک وقتالده معتادلری اولان طور وطرزلی
 بو بله درکه اولایچلر نده اعلی واذنا ضابط نامنده وافر کسنه لری اولوب انلرک
 معرفت لربله مراد ایلد کلری وقتده در حال الا بلرین قوروب فی الحال صف
 صف اولورلر ونجه زماندن برو تعلیم و تربیه اولمش عسکر مثلاً و جنکه
 الای وصف اولمق نظامی طریقلری کنده وقاعه لری اوزن خوشبجه
 بلورلر وبو خصوص جمله ضابطان ونفراتک معلوم ومضبوطی اولمغله
 سرکارده اولنلرینه چندان زحمت دخی ویرمزلر جنکه مباشرت
 ایلد کله صفلری ترتیب و تنظیم اولنوب جمله ضابطان عسکرک ایلر وسنده
 طورولر وجه دن اقدام ضابطلری جنکه اقدام ومباشرت ایدرلر

لسانلری اوزن ضابطلرینه نساچی ویدلوان دیزلر تمام کاکار زار جنک
قز شوب اشنداد بولدقه ضابطان کیر وچ کلوب کیرودن عسکره
وکیفیت جنکه نظارت ایدر لر و دشمندن یوز چوروب کیرودوش
کسنه اولور ایسه بلا امان قتل ایدر لر و بومقوله لک قان و قتلی هدر دیر لر
حئی اصفهان محاصره سنه ابوساباد دیکله معروف جسر کقر بنده عجم
ایله اغوانک محاربه لری اولدقه بو حقیق بویله مشاهده ایلدم که
اغواندن برکسنه جنکه صاع الی مقطوع اولوب دشمندن کیرو
دوش عسکر ک قفا سنه طوروب نساچی تعبیر اولنان ضابطلر مرقومی
جنکدن قاچش ظن ایدوب قتل ایلک مراد ایلدیلر اولدخی حالی میان و صاع
قولی جنکه مقطوع اولدوغن بلد ردکه ینه ضابطلر کیرو
دوندوکنه راضی اولمیوب ای فخذ ونا بکار صاع قولک کیتد یسه او غور
دینه صول قولک ایله جنک ایله اولدخی کیدرسه اغزک ایله دشمنه
صال تکه بووجه اوزن اجر جز بله نائل اوله سن دیویته جنکه سور دیلر
برغریب حاللری دخی بودر که عسکر قفا سنه اولان ضابطلر جنکه
مقتول اولانلر ک جسدلرینی چقارمغه مأمور لر در لکن یوزن
دشمندن دوندردکن عسکره مقتول اولانلری واریسه سائر لره عبرت ایچون
اولمقوله لک جسدلرن چقارمازلر و قالد ر میوب میدانه براغوب دفن ایتمزلر
غابت ایله مزراق و قلبی ایو قوللنور لر و سربع وچ کلر اولوب قلبی
ویا مزراقی یره دوشسه اند زاینزدن فی الحال یردن ال لر کامل فارس لر در
فی الجمه توفنک اند ازلق دخی بلور لر اصفهان کلدکار نده چپلاق و عریان
ایدیلر بعد اللرینه اموال و افره کیروب لباسلرینی و الت حربلرینی مکمل

قلدیلر

قلد پلر و جنکه کثرت مداومت طریقیه فنون حریمه ده بر قات دخی ۱۴
مهارت حاصل ایتد پلر میدان جنکری غایت ایله مدوح و معتبر و منات
اوزن در زیر میمنه و میسره و میانه الا پلر و صغیر بغایرب دشمنه جمله و
همومه یک درون اقبال و ادبارده جمله سی یک شناس معاتوجه و معار جعت
ابد لر و لکن بر قلعه و یابرشهر محاصره سی طریق نی هنوز بلزلر و متر سر نه
ابد و کندن بی خبر لر در حالا اصفهان ایالتند صوی ایچنده کفایت
اوزن اولان نجه نجه بلاد و قرا قبضه تصرف لرینه کیر مامش ابدی زیر
کند و لرینه استحکام و یروب محکم متر سلسله قورینور لر دی اغوانیان دخی
بومقوله لرده تلف نفوسی ر واکور میوب چندان اهتمام ابد غزلر دی صوی
طشره دن قنوات ایله کلان امصار و بلاد ک صوین قطع ابد و ب
یسرت ایله الوب ضبط ابد لر دی طایفه مز بون عسکری جنک وجداله
دائر امورده حاکم و ضابط لرینه فوق الغایه منقاد و مطاع لر در بر مرتبه ده که
هیچ ملوکدن بزینک عسکری بونلره قیاس اولماز حتی بالدفعات مشاهده
اولندیکه عسکر لر ی پراکنده هر فرد کند و ایشنه مشغول و سیر و پیانده کزر
ایکن ضابط لر ی طرفندن برادنا کسنه کلوب فلان یره جمع اواق ایله
مأمور سکر دیو خبر و یرد و کی برله هر فرد مشغول اولدوغی ایشی و طعام
اوزن دخی بولنسه ثن اولی ترک ابد و ب فی الحال محل مأمورده جمع اولوب
حاضر و اماده بولنور لر دی سردار لرینک امر و نهینه انقیاد و امتثالده
جمله دن اغرب حال لر ی بودر که قلاع و بلاد و امصار دن برین ضرب
دستلر بله فتح ایلد کلر نده اول لر لونک اها لپسی جواهر و نقود نی علما
باشنه قویوب کزوب یور یسه عسکر بدن و توابعدن بر فرد زن دکلو

تعرضه و دست دراز لغه تصدی ابلزلر حی زیده ذکر اولند و غی اوزن
 محمود خان ایله اشرف خان جلو سله ری زاعنده اغوان عسکری ایکی شق
 اولوب شهر اصفهان اهالپسی نهب و غارت احمالندن دکانلرینی قیایوب
 و هر فرد خوف و وحشته دوشمش ایکن بو حالت اشرف خان سمعنه
 لاحق اولد و غی برله مناد پلرند ایدوب هر فرد بلا توقف دکانی اچوب
 کافی اول کار و کسبه مشغول اولوب بو بله برهنکام اختلافه بر فرده زن
 مقداری ضرر و کزند ترب ایلدی اسرانی فیما بینهم بیع و شیرایه چندان
 رغبت ابلزلر کتایته کسوب خدمت لرینه استخدا ایدر لر و ازاد ایتمکی سور لر
 و چوق کسنه لر ی قتال وقتنه تقر بیلله قتل ایتمش بولنلر بله اولاد لرینی
 کندولرینه اولاد ایدنک عادت لر بدرزنا و لواطه بینلر نده نادر بولنور
 و بومقوله لک جزا لر ی تربینی فوت ایتمز لر اوردولری و سائر مناز لاری
 بی نظام و ملوسدر بر حیوان اوردولر نده مرده بولنسه لاشه بدر ایجه دخی
 اولسه تحمل ایدوب تخلیه ایتمز لر و کندولری دخی طواولری اراسنده
 یا توب قالمغنی اعتیاد ایدنشلر در طعاملری قلت اوزن اولوب و انواع
 اطعمه بلیوب جزئی شی ایله قناعت ایدر لر اثنای سفر لر نده صغیر و کبیر لری
 محمود خانه و ارنجه طواده قاورلمش بغدادی اکیله اکتفا ایدر لر دی
 بالجمله امور لر نده متوکملر در فی الاصل رعایا مقوله سی و بریه
 خلق اولملر بله کسوده و اطعمه ده هنوز تن پرورلق ایله مألوف
 اولما مشلر در چولفه شهرینی فتح ایلد کارنده نچه لر ی صابونی پنر و یاسکر
 صانوب جامه لرینی کندو ولایتلری جامور بله بیقار لر دی نباتات بریه نک
 اکثرینی باخصوص لخنه بی حیوان مثل لور لر اثناء سفر لر نده بر باغرسغه

۱۵ صورت اول دروب بلارینه قوشانور لروقت حاجتده استعمال ایدر لر نقل
 اولنور که چولغه فتحندن صکره اغوانک بری بر حاجت ایچون برامنینک اوینه
 واروب اولدخی اگرام مراد ایدوب هندستاندن کلش تازه قر تغید ابله
 ملبو بر قوانوس مربانی اوکونه قویوب النه بر قاشق و یرمش اغوان تناول
 ایتدکه حظ ایدوب بتون مربانی ییوب کند و سنه بر ضرر ترب ابلامش
 طعام بد کلر نده بر در لو تکلف لری و سپنی وصفه و پدشکر غائبه لری اولمیوب
 هر نه یرده اولور سه او توروب اتی و پینری و سایر اداملرینی اتمک
 اوزرینه قویوب یرلر و اطعمه نفیسه دن بر در لو طعام بلزلر و صودن
 غیر ی برشی ایچمز لر لباس لری بر ملتک لباسنه مشابه اولمیوب غایت
 عجوبه هیئتدر با خصوص قفتان لری بر در لو هب اوکنه دوشربلی
 فیل خورطومی کبدر بجاق لری چپلاق و قبازدن بول پاچالی دیزلق کیوب
 اته سوار اولدقلر نده طوماق کی ایقلر بنه بر پارچه دری چکوب بنر لر
 اعلا و ادنی تک آموزنده بر رشالی اولوب کندولرین کونشدن و سلح لری
 یغموردن انکله حفظ ایدر لر بیاض ویشل وقر مزی الوان بز لری بریره
 کتوروب باشلرینه صارر لر او کلر نده اوچن کوستروب اکسه ده یاری
 بیله وارنجه طیلسان مثل او صارق در لر واکثر یا اورته یاشلوا اولان لری
 دخی زلف تاشور لر لکن عجمه غلبه دن صکره طور عجم اوزن کینوب
 مند لدن غیر یستی استعمال ایدوب دیزه وارنجه زرباق قفتان لری کید بلر
 ایچق بول پایا حالود بز لقلر بنی ترک ایتمد بلر و هر نه یرده اولور سه دوشمه
 ارامیوب توزو طوپراغه بقمیوب حلقه حلقه او تور لر نسوان لری
 نقاب ابلمیوب پوز لری اچق کزر لر حسن لری بک نادر اولور

اكثر يا كرىه المنظر بد چهره لراولوب نقابه دخی حاجت لری یوق قولاق لری نه
 وند بک بالور لری نه وارحه عجم لری بار کیر لری بویننه اصد قلمری کبی دور لو
 دور لو بو بخت لری طاق نور لری باش لری نه شبوه لراور لری بار کیر لری قویروغن کسوب
 صاحب لری نه ضم والحاق ایدر لری قوشا قلمری نی بالای سپنه ده ممه لری التونه
 قوشا نور لری تا که ممه لری سار قوب ظاهر اوله ای قلمری نه عجم پایو جن کیر لری
 چامور بو لا شدیغی برله اللربنه الوب عریان ایق کیدر لری نچون بو بوله
 ایدر سکزد بدیکم زده ایاق بیقانور لکن پایوج ملوس اولد که جدیدن
المق اقتضا ایدر دبو جواب ایدر لردی ذکر مسالك و مسافات من شهر
 اصفهان الی قلعه قندهار کرسی ممالک ایران ومقر حکومت شاهان
 اولان شهر اصفهان زمین ایرانک جانب غربی سنده اقلیم عراق عمیک
 وسطنده مقتضای فن جغرافیا اوزره بنمش سکزد رجه طولده واقع
 اولوب کذلک قاعده مملکت قندهار اولان قلعه قندهار ایران زمینک
 جانب شرقی سنده هند اتصالنده یوزدرجه طولده واقع اولوب مسافه
 مابین بکرمی ایکی درجه اولور که خط مستقیم اوزن کار بان بو مقدار
 مسافه بی الشمس الی کونده و سوار مجرد قرق دورت کونده اولاغیله
 کیدن بکرمی ایکی کونده قطع ایدر انجق مقتضای فن اوزن استقامت
 واستوای طریق شرط اولوب بو مثلاً و مسافه بعیده ده ایسه شروط
 مذکور هک و جودی حیزا مکانده اولیب اعوجاج وانحراف طریق
 و ارتفاع وانحطاط جبال و وهاد زمین محقق اولمغله مسالك مرقومه
 واقعیه مطابق ذکر و بیان اولنسه شایاندر پس فی زمانها هذا واردین
 و صادر بک متواتر نقل و ضبط نه موافق اولان بودر که اصفهان دن

قندهار

قندهاں اېکې طريق وار درېرى معمور و ابادان و برې بړيه و چو لستان اولوب ۱۶
 باد سمودن دخی خالی دکلدر معمور اولان بولدن کار بان طقسان کونده
 وار و چپار یعنی منزل کچه بور میوب انجق کوندز یوریمکله اللی کونده
 وار بریه دن اولان بولدن الشمس کونده وار لر و یاز کونده ذکر اولنان
 بولدن عسکر و کار بان مرور اېده مز قېش کونلر بڼه مخصوص
 بولدر معمور بولدن دخی کیتد کار نڼه نهر سجستان کنارینه وار دقلر نڼه
 برقاج کون مکت اېدوب ککرکی کبی صولنوب بووجه اوزن چولدن
 قندهاں کیدر لر اصفهاندن قندهاں معروف و مشهور اولان طریق
 بولدر در انجق عجم شاهلری قزوینه و طهرانده اقامت اوزن بولندقلر نڼه
 قندهاں کوندر دکلری عسکر اکثریامشهد و هرات یوليله کیدوب
 گلشدر دروبو بول زیاده معمور و اباداندر اوصاف قندهاں قلعه قندهاں
 روم ابلنده اولان قلعه ترک رسم و شکلنده در علی روایه اسکندر بناسی
 اولوب بعد هند پادشاهی بروقتده قبضه تصرفنده کتوروب تجدید
 ایتشدر فرانجه معمار لر بڼه بنا ایتدروب متانت و یرمشدر و سرحد هند
 بولنغله استحکامنده ککرکی کبی همت و اهتمام اولمشدر سبب اسنیلانی شاهان
 عجمیان در قلعه قندهاں وقتا کد طوائف اعوان دست قهر نیمور خانیه
 ترک وطن اېله شروان اولکھسی سمتلرندن تبعید و اجلا و هند بریه لر بڼه
 اسکان و ایطان اولند بلر برمدت اول بریه لده ساکن اولوب مرور ایام اېله
 جبال و صحرا ره یا بلوب وافر عشا یرو قبایل اولد بلر و کیمی قونار و کوچر
 و کیمی بلاد و قرا ده متمکن و هند بلر بله الفت و موانت اېدوب اهل اسلامدن
 اولد بلر و هند پادشاهنک کاه رعیننده و کاه محافظه سرحد لری خدمتنده

بولنوب غالباً قلعه قندهار مرو را یا میله دخی بوبله برتقریبیله دست
 رسلری اولوب کندولرینه استحكام ویرد بلیران زمینه اقل و عجم یرلر بنی
 کما فی الاول نهب و غارتدن بران خالی اولد بلیر شاه عباسه کلجه بوفساد
 و شقاوت علاجی بولنمیوب اغوانلرک طغیانلری وزمین ایرانه مضر تلری
 دفع و رفع اولنق حیزامکان اولدی بو حال اوزن ایلکن شاه عباس تحت
 شاهلریه جلوس ایلدوب اغوان طایفه سنک زمین ایراندن دفع
 مضر تلری ندبیر وند ارکنده اولدی بالدفعات مکالمه و مراسله برله
 بو مصلحتک حصولنه سعی و اهتمام ایلدوب فایده ویرمدی بالاخره هند
 پادشاهی ایلدوب عجم شاهلری بیننده خصومت و عداوت غلبه ایلدوب آتش
 حرب و قتال اشتعال بولدی فرصت ظفر و غلبه شاه عباس طرفنه
 ال و یروپ هند عسکری مغلوب اولدی بو تقریبیله قلعه قندهار بالجمله
 توابع و لواحقیه و طوائف اغوانیان ایلدوب هجرتک بیک او توز تار یخنده
 ضرب دست شاه عباسیله فتح و تسخیر اولنوب من بعد محکوم شاهان عجم
 اولد بلیر چوق کچیمیوب هند پادشاهی ایلدوب شاه عباس بیننده قندهار
 اولکده سی مع لواحقه عجم شاهلری ضبط و تصرفنده ترک اولنق اساسی
 اوزن صلح و صلاح عقد و تمهید اولنوب شاه عباس قندهار قلعه سنه
 استحكام و یروپ طوائف عجمدن کفایت مقداری محافظه نصب و تعیین
 و قبایل اغوانک نظام و انتظاملری باندن اهتمام تام و هند پادشاهی ایلدوب
 ماینلرند منعقد مصالحه نک شروط و قیودینه مخالف وضع و حرکت
 اغوانیانک من بعد مکنت و اقتداری قالمق ایچون اوزر لرینه عاقل
 ومد بر اصحاب رای وند پیرولات و حکام و محافظه نصب و تعیین ایلدی
 ننه

ثمة ما في الباب حتى اوليه که قندهار تابع و ايفان خواندن غيری حضاری ۱۷
تعبیر اول نور بر جنس اغوان دخی وارد که بو طایفه دخی نجه نجه عشایر
و قبایله منقسم قندهار اولکه سی شمالی و اتصالنده اوز بک یرله نواحی
قندهار پیننده ممکن اولور لکن قندهار اغوانی سنی مذهب حضاری
اغوانی ايسه زفاضی اولوب بو طایفه اوتته دن برور قرض و اعتزالده هم مذهب
هم اولمر بله برو قنده عجم شاهلری اطاعتندن روگردان اولیوب هند
طرفلر پنه و یا غیر ی به کرها و طوعا میل و اطاعت اینما مشلردن تا اول وقت
کجه که قندهار تصرفی دست اغوانیانده استقلال بولوب نوبت حکومت
اغوانیان میر محمد ک بد استقلالنه و دبعه قلمش اولدی میر مر قوم تحت
قندهارده قرار داده اولدوغی برله سنی اولان اغوانلره اذن و یروب حضاری
اغوانی نهب و غارتیله مشغول اولد بلر انلردخی مقاومته قادر اولیوب
اجواللربنی پیشگاه شاهه عرض و محضر لر ایدوب تشکی و تنظیم و استمداد
ایلد بلر بر نجه زمان شاهک امداد و اعانتنه متر قیلر عاقبت الامر ما یوس
و ناامید لر اولیحق میر محموده تابع و اکا عسکر اولد بلر و جنکله معا کیدوب
بولند بلر میان عصیان یورکی خان والی کورجستان و انهر امش بوندن اقدم
یک یوزاون دورت تاریخی انا سنده عجمه تابع کورجستان و الپسی یورکی
خان شاهک اطاعتندن روگردان و هواسنه تابع اولوب بو فساد
عزیمت و تمشیت اسبابی ندرکنده اپکن جاسوسلر شاهی ابقاط ایدوب
شاه دخی ناره فتنه ناک اطفا و اسکانی ندر بیر پنه صرف مکنت شاهانه
و خفیة ادملر کوندر یوب کورجستانک بوی بکیرینه وعد و وعید لر ایله
اسمالت و یورکی خانه متابعت و طغیان و عصیانده موافقت ایلامک اوزن

ایقاظ و اکید و شد بدنتیبه و تا کیدلر ایلدی لکن مزبوت یورگی خان
دماغنه مضمرفسادی اجرا ایلکه محکم تدارک کورمش بولمغله
اخربو فسادی کتم و ستر ممکن اولمیوب بر زمان مرورنده عصیان و مخالفی
طاهر و اشکار اولدی شاه دخی واقف قضیه اولیحق عسکر تدارک و کجه
والپسی کلب علی خانی سر عسکر نصب و تعیین ایدوب یورگی
خان تا دیننه کوندردی جانبینک عسکری تلاق ایلدی چک یورگی
خانک بوی بکری جنکدن متحاشی بر جانبه کیدوب چکلد پلر سار عسکر
طایفه سی بونلری کوروب انلره دخی فتورال و یروب یورگی خان جابی
مغلوب اولیحق خان مرقوم منهنز ما فرار ایلدی چون بازار کارزار زمگاه
صاوولوب بر طرف اولدی کورجستان بکری نه سر عسکر عجم کلب علی خان
جانبدن علی مراتبهم نوازش خاطر و اکرام و افره اولند قده محل معار که دن
قالقوب تفلپس جانبنه عزیمت ایلد پلر قلعه مرقومه اها الپسی مدافعیه
اقدام ایلمیوب کورجستان بکری توسطلر بله فی الحال قلعه تفلپسی
کلب علی خان طرفنه تسلیم ایلد پلر آمدن یورگی خان باصفهان
و اعتذار کردنش در پیه شکاه شاه جمجاه مرقوم یورگی خان طاغله
محضن ایدوب یاننده عسکر قالمیحق افعال ناهمه وارینه نادم اولدی مرقومک
قرنداشی شاه یاننده دیوان بکی اولوب شاهک خدمتند بولمغله فی الحال
مکتوبلر یازوب اعتذار و استغفار جاسنده اولدی و کندوسی دخی غیری
سلامته چار بولمیوب در حال اصفهانه متوجه اولدی وصول بولیحق
کند و قلین بو بننه اصوب شاهک دیوانه واردی شاهک ایاغنه
دوشوب کمال ابتهال و مسکنت ایلد تضرع و نیاز لری ایلدی شاهم جرم
و عصیان

و عصيانه مقرر و معترف و نادم و پشیمان درگاهنه کلام ديلرسك كند و ۱۸
قلیچمه بار سردن بی دور ابله ديلرسك كرمندن بوجرم بنهانی عفو
و ازاد ابله دبد که قنداشی دیوان بکی و سائر هوادار لری اولان مقر بلری
دخی و الکاطمین للغیظ مضمونن اعلان و عفو ابله معامله اولی اولدوغی
جانبی رجیح و بیان و شان و شوکت شاهان مجرمله انعام و احساندر یوللو
کفتار لر بله شاهه ابرام و الحاح ایتملر بله خان مرقومك جرایم ماجرا سندن
شاهی بالکلیه کچوردیلر و شاهك كرمنه هزار تحسین و افرینلر دپوب
هزار و صد هزار القیشلر چاغر شدیلر آمدن ایلچی از جانب پادشاه هند برای
استرداد قندهار کیف ما اتفاق هنوز یورکی خانك داستان احوالی افواه
ناسد کفت و کوا بکن هند پادشاهی کمال کرمیت ابله قندهار قلعه سنك
استرداد ی سودا سنه دوشمش و بود عو ابله الچی تعیین ابدوب و اولدخی
ات بوی ننه دوشوب ره براه اولمش دیوسر حد ایران و الیلری بارگاه
شاهه عرض و اعلام ایتملر بله بو پیام ملامت انجام متواتر و شاه وور جاله
فکر و اندیشه مورت بر معنای مو حش اولمغله ارباب مشاوره و اصحاب محاوره
اولان رجال و اعیان بریده جمع اولوب باب مکالمه یی کشاده قلدیلر
و ایلچی مرقومك حقیقه عنقیله معامله اولنوب جواب یأس ابله عودت
ایتدر ملک و یا خود ایلچی یه معتاد دولت اوزن اکر ام اولنوب برمدت
جوانی تا خیر ابله ندرک کور یله دیو و افر منظره ایتدیلر اخلاصه
ایچنك وره دندن اول بومهمه کور بلوب ایلچی یه لازم کلان
جواب دخی صورته افراغ اولنق لازمه همت اساطین دولتدر
دیو اتفاق رای شاه ورجال بولمغله قلعه قندهار کرکی کبی متانت
وندارک مهمات ابله کاه و حقه استحکام ویر بلوب عجاله محافظه سیچون

برمدت مسافرانه مکث و اقامتدن صکره جواب قطع و پیام یا س ابله
 ارجاع و اعاده اولنه دیوقضایای مشر و تلری بویوزدن نتیجه بندی اولغله
 رأی و نوبیرلری استصواب اولنوب جمله دن امضای قبول ابله ختم کلام
 اولندی لکن بوامرک تنفیذ و تمشبتنه برعاقل و دنار شید و توانا سر عسکر
 نصب و تعیین اولنوب بحاله صوب مرامه ارسال و محلنه ایصال الزم
 لوازم لازمه و اهم مهام مهمه و امور عظیمه دن اولغله اتفاقا یورکی خانک
 وقعه سی و شهر اصفهانده صورت و سابق مذکور اوزن موجود بولنه سی
بوزمان مضایقه و وقت احتیاجه مصادفت ابلدی تدبیر کردن شاه
و رجال و فرستادن یورکی خان بالشکر کورجستان برای استحکام
 قلعه قندهار و دفع مطالبه پادشاه هند پس یورکی خان اتفاق رأی شاه
 و رجالیله بین الاقران و الامثال انتخاب و امتیاز اولنوب مملکت کورجستان
 ینه کندی یه توجیه و منشوری نام بدنامنه یاز بلوب قندهار محافظی
 نصب و تعیین اولندی و بووضع و نوبیر فرزندان دوراندیشان عجمیانه
 خبلی خوش کورینوب روی نشاط و سمیت خطوط و انبساط اظهار ابدوب
 دبد بلرکه اولا یورکی خان تقر بیلله کورجستان عسکری قندهار
 چکلوب کیتد که کورجستان عسکردن خالی و ایحق اول طرفلردن
 ما مون الغابله اوور زانیا یورکی خان شاهمزک ازاد کرده و عفو و عنایت
 دبه بنده سی اولغله ما مولدر که ما جرای من بعد فراموش ابلیبوب
 خدمات دولته و اوغور شاهیده باش و جائیله خدمت و صدق و خلوص
 برله بدل مکنت ابدوب من بعد عصیان و طغیان فکر بنی دخی ابلیه نالشا بوبله
 بررار و نامد از خانیله و مکمل و جنگ جوی عسکر بهادر ابله قندهار

محافظه

۱۹ محافظه سینه استحکام و یرد بکمز حالت هند پادشاهنک مسموع و معلومی
اولیحق احتمالدرکه دعوادن فراغت و قلعه قندهار استرداد ی باینه
چندان افراط ابرام و الحاح اوزن اولیه فعلی هذا پورکی خان مهمات
ولوازمین کوروب یرینه قرنداشی اوغلی خسروخانی کورجستانه قائم
مقام تعیین و کورجستان عسکرینی الوب قندهان چقوب کیتدی
وصول بولد قده قلعه قندهان متانت و استحکام و یردی طو ابقاغوانی
ضبط و ربطنه الوب نظام و انتظام و یردی اطرافه هجوم و اقمیندن
و بالجمله همجوان ایصال مضرندن دست تعرضلرین کوتاه ایدوب حکم
وضبط اکید و شدید ایلله جمله سن مضبوط و محکوم قلدی بووجه ایلله
عم شاهنه صدق و خلوص برله خدمات مبرون وجوده کتوردی
و اتفاقا بویا آمده میراویس دخانغوان طایفه لری اوزن کلدار یعنی محصل
الاموال نصیب و تعیین اولمش بولندی بیان احوال میراویس میرمرقوم
طویف اغوان پینلرنده غایت ایلله معتبر عزیز و مکرم ممول عنقا کسنه
اولوب بالجمله اغوانیانک میرمرقومه کمال انقیاد و اطاعت و توجهلری
اولدوغندن کند و یره برمقدار غرور دخان عارض اولمش ایدی هند
اهالیسی ایلله علاقه ایدینوب کند و مالی ایلله برتجاج بلوک کاربان هند
تاجرلر بلله معاتجارت و هنده کیدوب کلورلر ایدی الی قندهار یورکی
خان واقف احوال اولیحق میرمرقومک بوکونه طور و نظر زبانه تعظمنی
حضم ایدمیوب نذلیل و تحقیری نذیر بنه بلکه اموال کثیره یره طمع ایلله
زوالی قیدنه دوشدی حضورینه کتوردوب اگرام و اسمالت و نوازش
خاطر مراسمنه کاپنبغی رعایت ایلله خاطرین الالوب ایناندردی

و بر همه ایراد ابدوب عاقل و مدبر او را بدو غنکدن زویت و تمشیتی همچون
 سنی اصفهان کوندرمک مراد مدر دیوب حصوله کلدوکی تقدیرده
 نچه نچه و عدله ابلدی آمدن میراویس باصفهان و احوال ساژرش با شاه
 و رجال میرمرقوم خانک سوز بنه راضی اولوب اصفهان روانه اولدی رو بر راه
 اولدغی برله والی مرقوم مکتوب بلریازوب دولت شاهی به خلافن عرض
 ابلدی و حامل مکاتب میراویس بود یارک ذی قدر تندرند در مجرد بود یارده
 وجودی باعث فتنه درو عصیان و طغیان دماغنه مضر درو وصولند
 اخذ و ضبط اولنوب بر دخی بود یان کله سنه جواز و برلیه دیوتا کید ابله
 تحریره در عقب چیار ابله طریق اخردن شاه جان بنه ارساله شتاب ایلدی
 میرمرقوم اصفهان داخل اولدوغی برله کوز حسنه قودیلر نیه اوغرادوغن
 بلوب مغموم و متکدر اولدی بر نچه ایام بو حال اوزن فکر و اندیشه ده
 اولدی عاقبت شاه جمجاه دولتی مختل و مسوش اولوب ایکی فرقه
 متضاده به منقسمه و بری برلینک علیه ایلد قلمینه واقف اولدیحق
 بر مقدار متسلی اولدی سلامت ابله رها طریقلرینه تشبث ایدوب
 برطر بقیله اعناده الدوله و دیوان بکی و ساژسر کرده اولان رجال دولت
 ابله کورشمکه و یساقچیلر معیتله شهرک مسیره برلینی کزوب سیر
 و تماشایه اذن الدی در حال اعناده الدوله به واروب خاک پاینه یوز سوردی
 کرانها کشمیری شالردن و ذی قیمت هندتفارقلمرندن هدیه بهیمه لر
 اخذ از و اهد ابلدی اعناده الدوله نیک طرف کیرلری ابله دخی فراد او فرادا
 کوریشوب هر برینه علی حد هم هدایا عرض ابلدی ایرته سی کون
 شاهک دیوان بکنه واردی اکادخی کونا کون هدیه عرض ابدوب

انک و

۲۰. وانك طرفكبر لر بله دخی كور شوب هدايا ویردی بر قاج كون
مرورنده قندهار و البسی یورکی خانك قرنداشی اولوب شاهك دیوان بکی
اولانك عظیم جمعیتی اولدوغن خبر الوب علی طریق الزیاره حضورینه
واردی اکر ام و رعایت ابدوب یاننده الیقودی مجلس صحبت تمام اولیحق
قرنداشی یورکی خانك وضع و حرکتتن سوال ایلدی میرمرفوم دخی
حکیمانہ طور ابله باب مداهنه یی فتح ابدوب مدارا طریقیله یورکی
خانك مدح ناسنده مبالغه ایلدی یورکی خان عاقل ومدیر صاحب رأی
رزین رعایا پرور جسور ودلاور شاه جمجاهك صادق بنده سی اصل
واصیل بر مرد کامل در و بو ائنده قندهار والی نصب اولندوغی محضی
اصابتد رهند پادشاهی دخی واقف احوال اولیحق دعوی قندهار دن
فارغ اولمه سی شاهد عادل در و بر قاج ایام سعی وهمتی ایله اول دیار فوق
المأمول معمور و آبادان اولمق امر مقرر در دبد كده دیوان بکی صبره
تحمل اید میوب حاضر بالمجلس اولانلره خطاب بوللو کلامه اغاز ابدوب
دبد بکد بنم قرنداشم احق اولمشدر بو کونه مدح و ثنا سنده او بوب هزار
وصد هزار تومن دینار ك صرفیله تحصیل ممکن اولمیان صادق دوستنی
ادرك ابله میوب خلافنی عرض ابله نه حماقتدر و ایرته سی كون
قرندا سنه مکتوبلر یازوب واقع حالی بلدردی شاهك سر اینی سنك
مدح و ثنا کله مملوقلوب غیرتك ابله خاکپای اولان بر محب صاقینی بچون
شاهه خلاف انها عرض ابلدك دبو و فر تعزیر و سرزنش لرا ایلدی میر
مرفوم بر اکی کون حلولنده اعتماد الدوله طرفکبر لر بله مجلس ارالولد قلمرینی
خبر الوب علی سبیل الزیانه اول ارایه عازم اولدی البتهال وتواضع برله

جملہ دست و دامن بوسی و عاقلانہ تدلل اطہار ابدوب قارشولرندہ
 قائم اولدی بر مقدار امدن صکرہ اعتماد الدولہ کلامہ آغاز ابدوب دپدی کہ
 یکن کونلر دہ طرفہ کلد بکزدہ مشغلہ کثیرہ مزدن ناشی قند ہار واپسی
 یورکی خانک کیفیت احوال سو ال ایلیکی فراموش ایتدک واقف اولدوغک
 مرتبہ اول طرفلرک حالن بزہ افادہ ایلہ دپدکدہ چون میرم قوم رجال عجمک
 شقاق اوزن اولدوغن تحقیقا بلیش ابدی جملہ سی ایکی فرقہ متضادہ
 اولوب د ایباری بر ایتدک علیہنہ نفاق و غرض و بغض و عداوت اوزن
 اولدقلرینی بالمشاہدہ و بالمعاینہ کورب احوال ناہم وارلرینہ کرکی کبی علم
 و اطلاع حاصل ایلش ایدی اسلوب حکیمانہ اوزرہ حرکت و جوابہ جسامتہ
 لمصاحہ بر مقدار تردد اوزن اولدی اعتماد الدولہ ابرام ابدی عجمک شقاقلرینہ
 موافق احضار قلدینی جواب مذمتہ قصور قوم یوب پوزکی خانک
 سوء حالن تمام شرح و بیانہ فرصت یاب اولدی سوزلری مسموع ابدوکن
 فہم و ادراک ایدہ جک حصمندن اخذ و انتقامہ سعی و کوشش ایلدی
 انجمنہ پوزکی خان بر قاج سنہ بوتدن بو بلہ قند ہار واپسی اولورسہ
 اول دیار دہ فساد عظیم ظہور ایدجکی امر محققدر کندوسی سحر و شام
 مست مدام عسکرینک ضبط و ربطی اندہ اولمیوب ہر فرد ہوا سنہ
 تابع رعایا بر ایتدک عرضنہ و مالنہ و اہل عیالنہ دست دراز لقلری حدن
 مجاوز اولدلرینی کاه غصب و کاه سرقہ و بلوک بلوک کورجستانہ کوروروب
 عادتلری اوزن فروخت ایدر لر کندوسی دخی عسکر و خزینہ جمعی
 سودا سیلہ عسکرہ پوزویروب غالب کورجستانہ اجر ابدمدوکی عصیان
 و طفیان فسادینی بو اثناء فرصت بولوب فعلہ کنورمک طمعندہ دو

بونجہ

بوتجه عسکر کثیره و خزینہ و افرہ جمعہ سنی و کوششی عن قرب ۲۱
ہند پادشاہیلہ اتفاق و اتحاد عزیمتہ و باخود غیری بفساد عظیمہ
جسارتہ دلیل و احمد ز شاہ دار احشمتک موردیدہ کار از مودہ اباعن
جد مجرب الاطوار خان زادہ خانلری ہم دین و ہم مذہب معتدلی
وار ایکن بر کافرو جاہل و نادان بی ایمان والی نصب اولنوب اہل اسلامہ
تسلیط و اول سد سدید سرحد شاہی امرینی بویلہ بر عجم باجنسہ
توفیض محضی سوہند بیرو طوز و طر عقلدن دورو بعید بر امرندامت
انجام ابدوکی ظہر من الشمس و ابین من الامسدر دبدکہ چون دیوان
یکی فرقہ سی اعتماد الدولہ فرقہ سنک خلافتہ ابدی میر مرقومک
بوکونہ بسط کلامندن اعتماد الدولہ و طرف کیرلری فوق الغایہ ممنون
و محظوظ اولیحق فرقہ مخالفہ واقفا حوال اولدوغی تقدیر دہ میر مرقومی
مضر نندن صیانت ملاحظہ سیمیلہ اعتماد الدولہ پند و نصیحت بوللو
کلامیلہ عرض حال تسو پد ابدوب حجہ کتمکہ شاہدن اذن طلب ابلہ دیو
میراویسہ خطاب و سلامت طرفقہ تشبثہ رمز و ایما ابلدی میراویس
بوکونہ اسلوب حکیمانہ اوزن حرکت و شقین فریقینی دل خواہلر پنے
موافق مدارا یوللر پنے سعی و سلوکیلہ طرفقہ میل ایتدردوب ایکی فرقہ
ار بابی دخی میر مرقومک صلاح حالنہ وزہد و تقواسنہ و شاہ دار
احتشامک خالص و مخاص بندہ سی اولدوغنہ حضور شاہیدہ شہادت
و حقنہ شفاعت و یورکی خان میر مرقومک حقنہ یازدوکی احوال مجرد
نفسانیت و اغراض فاسدہ و افکار باطلہ دن ناشیدردیو تفصیل و بیان
اہل کک لرنہ شاہ جمہاہ اعتماد و میر مرقومک بالجملہ جرایمندن

چکوب حقنه عفو نام ابله معامله و معرفتک تعر بفلرینه مطابق بندگان
خیزانندیش اندن عدو شمار ابلدی بو خبر مسرت نالدن میراویس
خبیر و کالایحی گاه سناذ و مسرور و گاه فر بقبک شقاق و نفاقندت
بر اثر موخس ظهور ابدرا حتمالیا عم و دردن خالی ابلدی عر ضحال دادن
میراویس در بدشگاه ساه برای رفتن حج شریف میرمقوم دور بین
و عاقبت اندیش اولدوغنه بناء نیور طونده دو کولمک کرک مفهومی
اوزن بر قاج ایام مرورنده مفصل عر ضحال یازوب حج شریفه اذن طلب
ابلدی مفهومی منده بر قوللرینک مقصودی بالجمله غوابلی دنیایی ترک
ابله من بعد بقیه عمر عزیزی مقدرم مرتبه سی صلاح و تقوی به سعی
وسلایکیه لیل و نهار دعای دوام دوات شاهی ورد زان ابدنوب
بر قاج سنه اول مقامات متبرکه ده مسکنت اوزن مکت و قامت و قاضی
الحاجات در گاه ذوالحلاله توجه برله عبودیتند عا جزانه صرف مقدر
مقصود اولوب بعد زمان پنه عودت و شاه جمجاه مر و نلو افندیک
عنایت مالا غایه لری عبد حقیر لری حقنه مبذول بیور بلور ایسه
عمرم آخر اولدقچه خطه اصفهانده مقیم و اهل عیالم بندلرنی دخی بود پار
جلایه کتوردون اذن و رخصت شاهانه لری در کار بیور بلور
ایسه قبیله می دخی شهر اصفهان فر بنده فرمان بیه رادغی محله اسکان
و ایطان ابلک مغلوب در دینب مغهرم عر ضحال شاه جمجاهک معلومی
اولیحق میرم قومک حج شریفه عزیتنه اذن و رخصت ارزانی و بر فرد
مانع و مزاحم اولیه دیو محکم تنبیه ابلدی بنا برین میرمقوم ندارکن
کوروب بالجمله خدم و حشمیله در حال اصفهاندن چقوب حج شریفه

عالم

۲۳ عازم و متوجه اولدی مکه مکرمه یه واروب علما و صلحا و اشراف ناس
 ابله کوریشوب انلره دخی علی حد هم بجم دیاری تفار بقلرندن هدایا
 پندل ابلدی ادای فریضه حجدن صکره مدینه منوره کادی مقامات
 متبرکک یی زیارندن صکره انده دخی علما و صلحا ابله کوریشوب هدیه لر
 و یروب اشناک پید ابلدی بعد الا یام بنه مکه مکرمه یه کیدوب انده
 برمدت مقیم و مجاور اولدی علما مجلسنه مداومت ابدوب فضل و کمال
 اظهار ابلدی علم مباحثه لر اولان محله ملایم ابدوب مکده مکرمه
 فضیلا سی کندوب یه میل و محبت ابلدی استفتا کردن میر و بس از علماء حجاز
 بعد زمان فضیلا ی مدققین ابله کندوسنه مخصوص اولوب دروند
 مکتوم و مضمیر اولان احوالی کشف ابدوب اعماد و اطمینان تحصیل
 ابلدی کی کسینه لر ابله خفیه مذاکره و مکالمه مباشر اولوب واناردن
 نجه نجه مورنده استفتا مراد ابدوب کندو و مظلوم نبی بوسیاقده تسوید
 ابدوب عرض ابلدی بز مملکت ایرانک نهایت شرق پسند ممالک هدایا صلوات
 اهل اسلامدن سنی سنوی برالای عشائر و قبایل منقسم خلق ایز بر نجه
 مدت رو افضله دن بجم شاهلری اوزر لر یزه غلبه ابدوب زید دست قهر
 و تخت تسلط لرنده عاجز و در مانده محکوملری اولمش زدر حالا تخت
 رعیت لرنده اولدوغن ظا بغه بجم پی حد و پی حساب و انواع تعدیلرندن
 غیبه یوز یزه و کوز یزه قارشو چهار یار کوز بنک بعضیلرینه شتم
 و دشنامی اشکار ابدو و حالا اوزر یزه حاکم و والی اولق اوزن بر جاهل
 و نادان کافر بی ایمان کورجی خانینی کورجی عسکر بله محافظه نامیله
 تعیین ابدوب خلاف شرع مبین نجه نجه اموری زنگاپه کره و جبر و عرض زره

واهل و عیال مزه تعرض و دست درازلق و اولاد دیزی گاه غصت و کا
 سرقه طریقیله الوب کورجستانه کوندروب فروخت ایدر لر و نسوانگری
 رفاضی و کورجی کافرلی جبر او قهر اتزو میچ ایدر لر بزعا جزله غیرت د بنیه
 ال و یروب بونلره قلیچ چکسک شرعا جا نر میدرو و بوا مرک تمشیتی حرب
 وقتاله موودی اولد قده فائلز غازی مقتولمز شهید اولور می و عون جنای
 حق بله باد ظغر و غلبه طرفزه و زان اولد قده روافضک اموالی حلال
 و غنیمت اولور می و انلری سبی و استرقاق یا خود مملکتی جوار و اتصالزده
 اولوب اسلام اوزن اولان هند پاشاهنه تسلیم ایلسک شرعا رخصت
 ورامیدر بزه بیان بیورک دیو رجا ایلد که جواز بنه د اثر متعدد فتوالر
 ویردیلر و بالجمله فضیلائی مدینه و مکه جواز بنه مشعر تصدیق و اضالر
 ایتدیلمیر مرقوم دروننده مکتوم و مضمربت و عزیمت امر بنی و ننفید
 و تمشیتی بوجه مشروح اساس شرع اوزن مبنی قلد قده مدت مجاورت
 نهایته یروب جانب اصفهان ره یراه اولدی ننه مافی الباب عجم شاهلرنده
 نوبت حکومت ایران بیوک شاه عباسه کلجه طوا پف عجم فریضه
 حی ادا یه مداومت ایدوب سنه بسنه انلردن جم کثیر حجه متوجه
 اولوب عالی مکه و مدینه انلردن منافع و افره ابله منتفع اولور لر مش شاه
 عباس بو حکمی تغییره سعی ایلسوب بالاده اشارت اولندوغی اوزن اموال
 ناس مملکتنده قالمق فکر ابله اماملرک مقابر زیارتیله اکتفا اولنق ند بیرین
 ایش و عوام ناسدن چهلری بونی اعتقاد ایدنخس ایدی اول ایلدن
 عجم طایفه سی خراسان اولکه سنده مشهد امام رضایه و بغداد اولکه سی
 اول انناده قبضه تصرفلرنده بولنغله جوارنده واقع مشهد امام علی یه

و مشهد

۱۳
و مشهد امام حسینیه متوجه اولد بلمر و مقامات مذکور بی زیارت
ابدن زوار کر بلائی نسیمه اولنوب حالا بو قدر ایله حجه وار مدن عوام
ناسدن نجه لری اکتفا ایدر لر لکن بو فریضه بی بالکلیه اسقاط ممکن
اولیوب ینه بعضیلری فرصت و امکان بولد قچه حجه وار مقدمه بذل مال
ایدوب سعی و کوشش ایدر لر و بو خصوص عجم شاهلر ایله اهالی مکه
و مدینه میانه سبب برودت عظیمه اولمشدر عودت کردن میراویس
در اصفهان از طریق حج میرمقوم ادای فریضه خود نصکره عودت
ایدوب شهر اصفهان وصول بولد قدر رجال عجم ایله کور پشتوب مکه
مکر مه جانبدن احضار ایلد و کی عود و عنبر مثل او هدایای کر نیها
بخششی ایله نجه لر ک درون صید و جذب ایدر لر احباب کثیره پیدا
ایلدی و رجال دولت بیننده معتبر اولوب مظهر الطفات اولدی حسن
حالی و عاقلانه و ادبانه وضع حرکتی و خلوص و صداقت الود بر مرد کامل
اید و کنی شاهه قول قول عرض ایلد کر نده شاه دخی میرمقومه محبت
ایدوب بعضی امور دولت مشورتلر بنه ادخال ایدر لر دیو تنبیه ایلدی
امدن پیام اچی از جانب چار مسعودر اصفهان و مشورت رجال دو
احوالش کیف ما التفق اول اثناده مسقو چاری طرفندن برایچی
انتخاب و تعیین اولنوب حدوده کلمش و شاه جمجاهه کلمک ایچون
اذن طلب ایدر دیو سرحد و ایلمری جانبدن عرض و اعلام اولنش
رجال عجم بو خبری کتورن کسنه بی احضار ایدوب اول اچی نه منند
اچیدر اسمی نه در ونه جنسدر دیو سوال ایلد کر نده اسمی

اسرائیل اور بدر جنسی ارمنیدر مولدی قیان نام محلدردیو جواب
ویردکده ارمنی الاصل اه لدوغن اشتد کارنده مختل لدماغ اولد بئر اصلنده
قیاتلی اولوب بزم رعایا مزابکن مسقو چارینه برطر بقله انتساب سیدیمله
شمدی اچیلک پله شاهمزك حضورنده رسم اچیان اوزنه اوتور بزدخی رجال
دولت رعایا مز مقوله سی ارمنی کافرینه التیام واکرام قیدندار لقی بروجله
معقول و مناسب اولیوب بونک کلسنه رخصت ویرلسون مسقو چاری
کندی جنسندن برغیری اچلی کوندرسون دیو مشاونه لرینه نتیجه
ویردکارندن صکره اول وقتده شهر صفه انده فرانجه پادشاهی طرفندن
اقامت اوزنه بولنان موسی بمشل نام اچریه دخی خبر کوندروب سؤال
ایلد بئرکه مسقو طرفندن بر اچلی خبری کلوب ادینه اسرائیل دیرلر دش
اول شخص نمنند کسنه درنه جنسدر و مسقو چارینه انتسابی نه
تقر بیدیه در معلوم کزایسه بر قاییه یازوب لر فرزه دوستانه فاده ایرک دیو
النماس ابد بئر اول دخی جو اینده کلان اچیلک اصلی ارمنیدر تجار مقوله
سندن اولوب فرنکستانه دوشمش فرانجه عسکری ارسانه بر مدت قهوه
جیلک ابدوب بعد جنکچی یازلمش وافر سفر لرده موجود بولمخله
کند سنه ویرضا بطلک ویرلمش بعد نمچه یه کیدوب لسان دایغی تقر بیدیه
لیو پولدش تامر قوجه قرالک بعضی خدمتنده بولنش لادن دخی مسقوه
کیدوب ازا ق قلعه سنه کند میه بیک باشی ضابط لفی ویرلمش بو تقر بیدیه
وطن اصلیه سنه قر بیت حاصل ابدوب صلدر حم ارزو سنه دوشمش
ونمچ چاساری طرفندن مسقو چارینه شفاعت ابدردوب النماسیه
الچی تعیین اولنش بر اصل راده کسنه اولیوب رعایا مقوله سی اولمغله

اباچلاک

۲۴. اچلیک عنوانیه شاه جضوزینه واروب اوتورمغه شایان ارباب اگرامدن
اولیوب سفلی جنس دنی الاصل برارمنبدر چون اول زمانده فرانجه اولبله
نجه لو بپننده قتال وجدال در کار ایدی اچلی مرقوم ایسه نجه چاساری
شفاعتیه اچلیک پانه سنی اکتساب ایش ایدی اول اجلدن مقتضای
وظایف اچلیان اوزن فرانجه اچلسنه دخی سرا ایل مرقومله حقننده اول
وقتده عداوت اوزن معامله حسب حال اولمش ایدی غریبه قره باغ
اولکه سنده متوطن ارمنیان سر طریقلری خلقه خبرو یروب کاملارندن
استخراج اولمش و کتابلرنده یازلمش اولمش اوزن بوسنه لرده زمین ابرنده
ارمنیلر جنسنندز بر پادشاه ظهور ایدرو بو پرله غالب اولوب تحت
حکومتنه ادخال ایدرو ارمنیان دولتی قدیمده اولدوغی اوزن وضع
اولنه عودت ایدردیو میان ارمنیانده گفت و کوا اولوب نجه لری اعتقاد
وانتظارند اولمش بر معمای غربی اولمغله شاه دولتته دخی اخبار اولمش ایدی
ایچی مرقوم مسقوجا بندن بحر حرز اولبله شروان اولکه سنده ساحل بحر ده
واقع نیاز ابادنم محل کلوب اندن شهر شماخی یه کله اول طرف ارمنیلرندن
یائنه اوچیوز ادم یاز بلوب عظیم حشمت و مهار اوزن شماخی شهر پنه بش
یوزن فر ادم بله واصل اولدوغی متور اولمش ایدی و اچلی دخی حمله کار اولوب
جلب منفعتی اچون تنهاده بولدوغی ارمنیلره از منیلر پادشاهلری
نسلندم دیه خبرو یروب بپنلرنده بومدعا عظیم شیوع اولمش ایدی
کتابلر یزده یاز بلان چقدی ظهور ایدی بو بزه پادشاه اوله جقدر
ولایت دعواسنه گلش در غربت و حشمت نمدردیو رعایا بر ایاغیره
دوشمش ایدی فرانجه اچلیسی واقف احوال اولمغله شاه دولتته خیر

گوندرد بڼه بو خصوص ارمنيان عالمرينك استخراچي اولمق اوزن
 كتابلرنه يارلديغي نقد يرده اسرايل اوري لفظنك حروف في قلب مكان اولنمه
 السراروي اولوب لسان سري يانده پادشاه ديك اولور بو كونه ظنيات
 ووهيمات عبث ابد وكنه ساده دل اولان عوام انتقال ابد ميوب ومدعي
 حيله كار بو كونه صنايع ابله مدعاسنه رواج ويرمك قيدنه اولور سه
 بوندن يرفساد عظيم ظهور ايتيمك غالب احتمالدر وقتيله دفع نداركي
 كورلك مهيدر ديد كده واقع حال شاهه عرض اوليحق فكر واندیشه يه
 واردى ودر حال اعتماد الدوله يي چاغردوب اچي مرقومك كلمه سي مى
 مناسب يو خسه كيرو عودت ايتدير لسه سي مى مناسب ارياب مشاؤون
 مشورت ابدوب بران اول بونك قيدي كولسون ديوتنبه ابلدى
 نديمير مير اويس در احوال اچي مسقونبارين بالجه اعيان ورجال دوات
 بريره كلوب چوق محاور ابلد بلر عاقبت بو عقد مشكل بنديك حلي
 دستوار الحصول اولغله مير اويسى دخی دعوت ابدوب مشور نلرينه
 ادخال ايتد بلر چون باب محاور فتح اولوب دارمكالمه كشاده اولدى
 هر فرد عقلي وادراكي مرتبه ده سوزسو بلكه مأذون اولوب كيمي اچي
 مرقومك كلمه سن وكيمي كيرو كنه سن مناسب كوروب اهون الشرين
 ترجيح اولنديغندن چوق قيل وقال اولدى انجامنده مير اويسه خطاب
 اولنوب سز دخی شاه جمجاهك صداقت پرور بنده سي امور دپده و كار
 از موده عالم وفاضل خيرانديشى اولديغكزده برفردك ريب واشنباهي
 قالميوب لايقدر كه سز دخی بو بابده ذاتكزده جهلي خلوص وطويت
 وعقد و حال اموره استقامت لمعكز مقتضبا سنجه صواب ديدكز اولان

جهتی عیان و بوقضیه ده عند بکرده مرجح اولان شکلی تصویر و بیان ۲۰
ایله سرزد کارنده میراویس هضمالنفسه عتزار و احتقار طریق قاری
مراسمی تمامادا و تکمیل و کستاخته وضع و حیرتکننده غایت نقاشی
واجتناب اوزن اولدوغی صورت و سباقی اظهارند نصرتینه جهه تک
ایرام و حاجی مشتد اولیحق منافع قیه امامادیه دائر بو کوفه تقریرده مباشر
اولدی بوداعی دولتکزک را اری ناجیزو عقلی کم اندیشنه ککون ایچی
مرقومک بوجانبه کله سی مرجح و موجه ککورینور زیرا بواریه
کدکده الیکرده بو اولونش اهور برفته یقاطنه فرصت بولمازم مباشرت
سوداسنده اولدوغی فهم اولنسه علاجی بولنوب یا حیس اولنوز و یا
مسوما اهلاکی اسبابنه تشیث اولنور لکن اذن و یرلیوب بو شهره
گلدوکی صورنده مسقوچاربنه ککیرو عودت ایتدرله سی اقتضا
ایلدوکی تقدیرجه مسقوچاری اچلیسی قبول اولنوب کیره کوندرلدوکنه
لا محاله عار و حجاب ایدوب کوجنسه کدر کدر بونار عار ایله غیرته دوشوب
بر یوگ نار غوغا علوی اشتعال بولوب فساد عظیمه باهت و بادی بر
معنا اولسه کدر کدر یا خصوص که یورکی خانک بوندن اقدام خیانت ایله
فرار ایدن سانه زرمی خان نام قرنداشی مسقوده ایکن بو فرصت لنه
کیریب مسقو قرانی اغوا و ترغیب و علمیه کزه تحریریکه دقیقه فوت
ایلیوب و ساتینله دولتکزدن اخذ انتقام سوداسنده اولسه کدر
مشهور و معلوم کدر که سابقه مسقولو طرفندن کلش اولوق اوزن
شروانک برشتی صاحب فساد ظهور ایلدکده دفع و رफी عالیسی
دولتکری اتعاب ایدوب نه مرتبه ده خزینه کثیر کز و عسکر و افره کز

اثلافنه باعث اولمشدر شمدی ایسه مسقو چاری غیرت جاهیلنه سی
 مقتضاسنجه بنفسه حرکت واوزه بکزه کلکه مسارعت ایدرسه دفعی
 مشکل برداهیه واهیه اوور غالب احتمال دخی بودر که اچلی مرقومی
 گیرودوندر مک مراد ابدن سکز سوز بکز ابله عامل اولمیوب دروننده مضر
 ولکن علاماتی ظاهر فتنه بی شروان اولکهنده فعله کتور مکه متصدی
 اوله حال بوکه با جمله مملکتک زکریایسی ارمنیملر و معمول کسنه لر اولوب
 ادنا بهانه ابله تبعیت ایدوب خزینه دخی ویرر نتیجه کار العیاذ الله تعالی
 سفک دما پی حدی متضمن قتال وجدال مشتبه و ممتعه مؤدی اولور
 کورجستان خلایق هم ایین وهم مذهب ارمنیان اولملر ابله موافقت
 ایدوب انلردخی بای وجه کان مسقوی تحریک و طرفلرینه جذب و جلب
 ایدوب الکفر مله واحده مضمونی اوزن نجه یوز بیک عنده و مرده دن مرکب
 گروه باطله اوله جقلرینی فکر و ملاحظه بیورک با وجود قندهار و البسی
 یورکی خان ابله دخی مخاره طریقی الدن قوم میوب و اول دخی سابقه اجزیه
 قادر اواید و غرضی ضی فاسدی تمسبته فرصت یاب و تحصیل ابلدوکی
 خزاین کثیره بذلیله قندهار اطرافنده واقع ملل مختلفه دن جمعنه قادر
 اولدوخی عسکر ابله حرکت و هندی پادشاهنی دخی مملکت ویرمک و عدیله
 تحریک و نجه اموزنده استمداد ایدو و احتمالدر که طوا بفاغوانی دخی
 برتقریبله طرفنه جذب ایدوب کندوسنه عسکر ایدنه زیر ابن قولکز
 طوا بفاغوانی مزبوننک کلداری ایکن صغیر و کبیری سوز مدن خارج
 ناهموار ایشه وضع و حرکت ایتمد کلرینی کوروب و عین الیقین بلوب
 نبی خلاف آنها ابله اول دیاردن طرد و تبعید ایدوکی مجرد بوکونه نبت

فاسدینه

۲۶ فاسد بنده مشیت و یرمک ایچوندر و حالا العیاذ بالله قضیه مخدورون روغا
اولسه دخی بن قولکز اغوانلر ایچنده اولدقجه بردرلو فساده متضدی
اولمیوب اطاعت شاه جمجاهده بالجمله ثابت قدم وراسخ الدم اولجقلرینه
متکلم ویکاموافقته تکمیل ناموس دولت شاهیده بذل مقدر ابد
جکلرینه ضامن و متعهدم همان سزوقت حاجتده بروطرفلرک ندرکنی
کورک اخللاصه دفع مخدورات ایچون اچلی مرقومی بران اول طرفکرزه
کتورمکه بذل همتکز مناسبدروالاینه سزاعلمسزد بد کده میرمرقومک
کلامین جمله تحسین وعاقل ومدبر دوربین وعاقت اندیش خیر
خواهی دولت برمدکامل اولدوغنه مداد انصافله نتیجه نسلمی چکوب
انکشت افرین ابله حجتن مهور و امضا قلدیلر ومیرک تقرین قله الوب
نقیروقطمیر شاهه عرض ابلدیلر حضور شاهیده مقبول و پسندیده
اولوب نوازش خاطرینه اهتمام قلدیلر و خاعتلر کیدروب اغوانیان
اوزن کافی الاول بک و کلدان نصب و تعیین ابدوب مسارعت توزن قندهان
کوندر دیلر و اچینک کلمسنه دخی قرار ویر بلوب در عقب احضاری
ایچون ادملر تعیین اولنوب اثنای راهده لوازمی کورمک اوزن رقلریاز دیلر
عزیت کردن میراویس از شهر اصفهان بجانب قندهار چون میر
مرقومک حصول مافی الضمیرینه بو مقدار خونه وجود پذیر اولدی
قندهار و الپسی کند وسیله حسن زتد کانه میر عابت ابلک بابنده اکید
وشد بد نیمیبه کاغذلری ویرلدی امثال بینه امتیاز و کافی الاول اغوانیانه
یک تعیین اولنوب کنده التفات واکراملر سپارش اولندی واعتماد الدوله
سرانه تربیه و مکتومانه توصیه لر ابدوب دولت شاهیده مخوف اولان

اختلال نمونه دار اولی تقریباً قندهار و پسنیدن سوء نیت فهم و حسن
 اول نور سه فرصت یاب اولد قده بلا تا خیر قتل و دولته عرض و افاده به
 توقف ابله دیونبید ابلدی و بدینه بو معنای متضمن مهور و منی سند
 دخی و یردی شاهک دیوان بکی دخی قندهاشی مر قوم یورکی خانه مکتوب بلر
 یازوب میر مر قوم دولتک مجرب الا طوار خیر خواهی و شاهک نظر کرده سی
 اولدوغن شرح و بیان و خانک دخی محب صادقی و هر حاله ثنا کاری
 اولدوغن تفصیل و عیاز ابدوب تطیب خاطر میر ابله تقید و اهتام باینه
کر میت اوزن اول دخی سپار شلر ابلدی و وصول میراویس بقندهار
 و ندبیر کردن برای قتل یورکی خان والی قندهار میراویس دخی من بعد
 توقیفی جائز کو و موب رسم و داعی یرینه کتوروب وطن اصلیه سی اولان
 جانب قندهار متوجه و عازم راه اولدی گاه شاد و مسرور طی مراحل
 گاه فکر انجام کار ابله قطع منازل ابله رک وقتا که صوب مقصودینه وصوله
 قریب اولدی الیلر تور بلوب عزت و اکرام ابله قلعه قندهار داخل اولدی
 والی و اغوان اکرامنده اهتام ابدوب بوجه مسافرت برفاج کون زیارت
 و تبریک قدومه رعایت قلده بلر بعد خان طرفندن اذن و یر بلوب
 چفتلکنه و ارنجه تشبیه قلده بلر چفتلکنه مکت و ارام ایدوب اشنایان
 و بیکانیان دخی تبریک قدوم و تبریر حج ابله زیارتنه مداومت ابد بلر بعد
 الایام عشائر و قبایلدن و جوهر ناس و اصدقاء قدیمه ابله محرمانه صحبت
 و کشف باب نیت قلوب عمده مرامه موصل طریق تحصیلنده کمال تحری
 قلده بلر طوائف بالوجک دخی سر قبیله لری داخل مجلس اولوب محرم
 اسرار اولد بلر انفاقلرنده ثابت الاقدام و تشبیتنه جان و باش ابله اقدام

تعهد ابله

۲۷ تعهدیله جمله معصمه ال اوروب معاهده لر بنه استحکام و یرد بیلر اعیاد
 الدولتک یورکی خان حقنه و یردوکی سندی از بر ایدوب من عند الله
 کندولر بنه نعمت و بو فرضی غنیمت عد ایلد بیلر قزلباش و روافض
 و کورجیانک ظلم و جور بنی ذکر و یاد و اهل عیال لرینه تعدالرینی و نجه نجه
 افعال و اقوال شنیعه لرینی ایراد و تعداد ایدوب غیرت اسلامی در خاطر
 ایتد بیلر بالجمله امورده میراویسک رأی و تدبیرینه متابعتی بقات دخی
 در عهد و ایمانیه التزام ایتد بیلر وقتیکه قضایای مقصود لری اتحاد
 نتیجه سن و یردی ندر کار کور بیلر باسباب تشبیت مرام آماده
 قلندی چون بو بنانک طرحی لایحه بنیان دروغ با فروغنه و بو مصلحتک
 حصولی لاجرم حمله و خدعه رسم و شکنجه افراغه محتاج ایدی میر
 میران اغوانیان هادم خاندان شاهان فتنه عجمیان الحاحی میراویس
 غیرت نشان جهت عنوان بر کون بر مغلطه ایلد الی قلندهار اولان یورکی
 خانه کلوب قبایل بللوجدن فریاد و فغان و انلردن تشکی و نظار اطهار
 و الان طوائف مزور استقیاسی کلوب زده اغوانلرک او بیلر بنه حمله و هجوم
 و بالجمله اموال و اشیا لرینی نهب و غارت قلد بیلر و مواشی نامند حیوانلرینی
 سروروب کیمتد بیلر دبو دروغنه فروغ و یردکه یورکی خانه غیرت
 ال و یره ب کورجی عسکرینک سر بیلو کارینی احضار و فی الحال طوائف
 عسکر حاضر و آماده اولوب در حال بللوج استقیاسنی تعقیب ادک و بنی دخی
 بعد العصر قیو خلقم ایلد سوار اولوب بکامنتظر اولک و میراویسه دخی
 خطاب ایدوب سن دخی شتاب ایلد ندر اکنه قادر اولدوغک اغوابلرک
 ایلد فلان محله بکامتر قب اول و اول محله ملاقی اولدوغرد نصکره

پیشترده اماده اولان کورجی عسکرینه واصل اولوب جمله مزیک جسم
 کجه سرعت و وقت سحرده سرعت ابله علی الغفله بلالوج اولرینه جمله و
 هجوم ابله روزدیوم نوال مز بورا وزن ننبیه و تا کید ابلد کنه جمله سی عجاله
 حاضر و اماده صوب مامورلرینه راهی اولدیلر میراویس دخی کمال
 سرعت و عجله برله بلالوج قبا بی بلالو باشلرندن محرم اسرار و متفق اغراض
 اولنلرینه خبر اوچروب انلری و قعه دن خبر و خواب غفلتدن ایقاظ
 ابلدوب غیرت کوفی بو کوندر ما بپتمزده معقود شروط عهد و میثاق
 بو کون اجرا اولجق وقت فرصتدر دیو اول طرفی اکه قلد قده بروده
 عجاله تدارک ابلدوکی اوج بیک سواری اغوانله محل معهوده شتاب ایدوب
 جان و دلدن یورکی خانک و رودینه مترقب و فرصتنه مترصد اولدی
 برلظه زمان مرورنده یورکی خان بر مقدار قپو خلقیله ساده نغره ابله
 چاقوب کلدی اغوانلر اچکی شق اولوب سلامنه دیزلدیلر یورکی خان
 هنوز احوالدن فافل اوریتیرلرینه کلدوکی برله بحر زخار انتقام اغوانیان
 حرکت و جانب کورجیانه سیلان ابلدوب یورکی خان نادان میان
 جداران صفین ده مثال فرعون بی ایمان غریق بحر هلاک اولدی و بو
 مهلکه دن بر فرد ساحل سلامت چقمدی و قنده ان خبر ویزه جک
 برکمنه بولندی مشورت کردن میراویس باغوانیان بعد قتل یورکی
 خان مقصود اغوانیان بو یوزدن حاصل اولجق میراویس جمله اغوانی
 بریره کتوروب مشورت ابلدی وینه پند و نصیح و وعده و وعیدلر ابله
 و مصیحت امیزدرو غلر بله اغوان طابغه سنی نبت و عزیمت لرنده
 دوام و ثبات و بو طریقله تشبث امور لرنده باش و جان ابله اقدامه رغیب
 و تحریص

۴۸ و تحریرش ایلدی اولاً تحسین و افرینار و مدح و ثنای ایدوب بر خوردار
 اوله سز دین اسلام او غورنده حقابر خدمت مبرورده بولندی کز سکه بی
 مر مرده قازوب روز قیامتہ دکن السنه عالمه ذکر و یاد بکزه باعث بر
 اثر جمیل قود بکزه جمله کز قضا سی مبارک و سعیم کز مشکور اولسون لکن
 معلوم کز اولسونکه اعتماد دوله نیک یورکی خان قتلنه اولوب سزه ابراز
 ایلدی کم فرمانک اصلی اولیوب ساخته ایدی انجق غیرت دینیه ظهور
 ایدوب من بعد صبر و تحمل طاقتم قائم یوب سزی دخی بو بله برور طهیه
 او غرغنه غیرت و حمت دیندن ناشی مجبور و مضطر اولدم مضاماً مضاً
 بوند نصیkre بزه لازم اولان بودر که جمله مز یک دل و یک درون غیرت
 قوشاغن میان اجتهاده بند ایدوب دین محمدی او غرینه جائزی باشمزی
 فدایه وز چونکه بو تقریبله عجم شاهلرینه نصیبان ایتمش بولندق
 بوندن بو بله عجملر یانتده ادیز عاصی و باغی اولوب لامحاله عسکر تدارکنده
 اولوب اخذ انتقام قیدنده اولور لر العیاذ بالله فرصت بولوب غلبه
 طرفلرند و واقع اوله جق اولور سه ذکور ییزی با جمله قاجدن چکوروب
 نسوانی و اولاد ییزی سی و اسیر ایدر لر دبد و کنده اغوانیان بومهلکه یی
 القای ایادی ایلد کز رینه نوعان دامت ال و یروب پیرو اختیار لری سوزه
 اغاز ایدوب عجم دولتی ذی قوت و قدرت صاحب باس و مکنت بر
 دولت عظیمه اولوب برایتسه انلره نسبت بر اوج قبایل و عشائر رعیت
 مقوله سی خلق ایکن نظر ایلله مقاومت و پیچھے قهر لرندن رها و سلامت
 نه جای امکان و نه چیز تصور در دبد کزنده میر مر قوم عالم و دانا و فصاحت
 و بلاغتک دخی میر مشار بالبنانی اولغله کم من فئته قلیله غلبت ایت

قرآنیہ فی قراءت و مضمون نہ موافق پند و صحابہ درونکرینہ تقویہ
 و یردی ینہ بعضی لاطمئنان و خاجان درونکری سکونت بولیوب
 بزجلہ مز عجم شاکرینہ خیانت اتمامک و اطاعتلرندن برطریق ابلہ
 روکردان اولماق اوزرہ متعهد اولمش و بو عهد مز یین مز ابلہ
 تا کید ایشز در حال بو ابلہ ایکن انلر ابلہ مقالہ یه مباشرت مز شروع
 اولورنی دید کلرید میر کلام مر قوم جوابند عجم طابفہ سی حدی
 تجاوز ابدوب نچہ زماندن بر وعرض مز و اهل و عیال مزه تعرض و حالا
 اوزر یزه بر کافر نی دین حاکم نصب و بو جملہ دن اشنع چهار یارکز پنہ
 شتم و دشنامی یوزر یزه قارشوعن قصد از نکاب و التزام ابلر ابلہ عهد
 نامہ مز شروطنی تغییر و معاهدہ مز نقص و فسخ ابلد کلری جانبلرندن
 واقع اولدوغنی مقرر در و انلر ابلہ قتال اوزر یزه فرض عین اولمش در دیوب
 علماء حجازک بو جملہ یه دژویرد کلری فتاوی شریفینی و بوندن اقدام
 علمای ہند و علمای اورا انہر جانبلرندن تدارک ابلدوکی متعدد فتاوی
 ارازا ابدوب بو مشکلر نی دخی بو وجہ اوزرہ حل ابلدکنہ اکثرینہ
 غیرت ال و یروب جہادہ میل و رغبت قلدیلر و راعب اولمیلر دخی
 خواه ناخواہ تبعیت کومستر دبلر عزیمت کردن میراویس برای
 فتح قلعه فند ہار غبری ننفیذ امورلرینہ مباشرلر اولوب اوکلر نچہ کیدن
 کورجی عسکر نی قرمق ایچون طاعلر دہ و اوہ آردہ ساکن طوائف
 بلاوجہ عجالہ ادملر کوندورب محل مرور و عبورلر نی محکم سد
 و بند ابلدیلر و انلرک چوغنی بلاوج و اغوان اللارندہ اشیر و نلف اولوب
 کوزر جستانہ سلامت ایلہ عودت ابدنلری اقل قلیل اولدی میر

۲۹ مشیر صاحب رأی و تدبیر دخی یا تنده موجود اوج بیک مقداری اغوانیله
می فوزی کور جیان و عجمیا نیله متوکل علی الله قلعه قندهار جانینه
متوجه اولوب بین العشائین مساعده بخت برله علی الغفله قلعه مرقومه
اسهل وجه اوزن دخول و عجم ضابطانی و بقیه السبوف کوز جیانی قتل
و استیصال برله قلعه بی محکم ضبط و مخوف و مخاطره اولان یرله وقت
سحره دکن محافظه لر و قره غول لر تعیین ایلدیلمر مشورت کردن اغوانیان
بعد فتح القلعه صباح اولد کله جمعیت عظیمه و دیوان اولوب شاهه میل
و رغبت کوس تروب بو حرکتیه رضاداده اولمیلری دخی قتل ایدوب
ظهور فتنه احتمالی دخی بو طریقیله دفع و رفع ایلدیلمر بعدینه ادا اقداح
مشاوره ایدوب کند و امور لر می مذاکره سنه شروع برله تعداد احتمالات
و هر حاله احتیاطی کندولر پنه حسب حال ایلدیلمر پس چون بو قدر
وقعه پنجه قهر شاهیدن خلاصه کفایت ایتدی و کئی اذعان و عجم دولتی
کندولر ندن اخذ انتقامه و ارقوتی بازوییه کتورجکئی فکر و اندیشه
و مقاومت و عجز و قصور لرینی ملاحظه ایلدیلمر بعضیلر برای احتیاط
ماجرایی هند پادشاهنه عرض و اعلام و غیرت دینه مقتضاسنجه
وقت حاجتده امداد و اعانتلرینه حاضر و آماده اولمق رجاستی مناسب
کوردیلر لکن میر مشارالیه بو کونه ارایه زاخی اولیوب پنه تقویه
قلوبلری بابنده بو صورت اوزن بسط کلام ایلدی ای قوم اغوان الله
متوکل اولوب خاطر یکنزی نخوش طوتک بزم نیت خالصه مزور ایتکن عون
جناب حق ایلله مکنت عاجزانه مزبرله بزعا جز لر و افاض قوتان لرینه غالب
ولور ز مبادی عزیزه طرف حقندن بزم پسر اولان سهولت الیزده

برسند قو بدرمع هذا که دولت شاهان نا اهل اللرنده قالوب نچه زماندن
 برو مشرف انهدام اولمشدر اصفهانده اقامتم اثناسنده بالجمله حاللرینه
 واقف اولمشدر رجال دولتلری ایکی فرقه اولوب رائی و تدبیرده بری
 برینه ضد کمالر هر فرد نفسی نفسی دیوب مدام عیش عشرته شغل
 ایدوب مهم دولتی فراموش ایشلردر نه اسباب سفره ونه نظام
 مملکتده صرف ذهن ابدن اهل بصیرت لری قالمشدر طرف حقندن دخی
 کندولرینه بلایاناز اولمده در مسعودن ایچی کلوب شروان واذربایجان
 لر منیلرینی عصیان ایتدردوب کورجستان دخی مسقوه تابع اولوب
 درالت شاهمی ظهور بلا و هجوم اعدایله عظیم زلزله در بوکونه غایله واراپکن
 اوزرچره سفر امر دستوار در اولورسه دخی ندرک تام ممکن اولمیوب عون
 باهر یاوریز اولوب یتنه نصرت و ظفر بزمد رنعود بالله مقاومته مکت
 اولدوغی صورت روغ اولسه هند پادشاهنه تحصن و التاج حاضر یزدن
 ولکن بدل وجو یز ایله کرب ایلدیکمزال و ملک غنیمی بلا طایبل اخرک الله
 ویرمک ورعینی قبول ایتمک رواد کدر همت عالی ایدوب قند هاردن
 یومیه عجه راجع دورت و قیه التوتی و اطرافدن حاصل اولان اموالی
 کندومزه امساک و سائر مال غنایم ایله محتاج لر چیزی اغنایه سعی ایدلم
 دپد وکنده جمله نیک قلبینه قوت حاصل ومن بعد فر بصد جهادی احیایه
 راغبلم اولوب بو بایده اتفاق و اتحا دور فر ددن مخالفت صادر اولماق
 اوزن مصحف شریفه ال اوروب بین غلیظ ایله معاهده لرینی تاءکید
 ایتدبلر و میراویسی کندولرینه سردار اتخا ایدوب صغیر و کبیر بیعت
 ایدیلر مراسلات و مکاتبات از جانب میراویسی بجانب شاه عجم چون

میرمرقوم وجه محرراوزن خلقنه پند و صبح ابله تقویه بولدردی کندوسی ۴۰
دخی استقلال بولوب مقر حکومت قندها رده استقرار بولدی خدعه
حریه طریقلرینه رعایت ابدوب حکیمانه وضع ابله مدارا و مروت
سمت لرینی الدن قوم یوب شاه طرفنه اعناده دولتته مصنع مکتوبلر
یا زوب بلاتاً خیرار ساله شتاب ایتدی مضمونده بتم مروئلو عنایتلو
ولی نعمتم افتدم سلطاتم حضر قلمی کترین بنده لری شهر اصفهانده اقامتم
انساننده بو احقر لرینه خاک کپای ولی نعمی یه یوزلر سورمکه اذن
شرف ارزانی پیورلدوغی تقریبله قندها ر و ایلسی یورکی خانک احوالی
تفخص پیور بلوب سوء حرکتی و عاقبت اول مملکتده باعث فتنه اوله جغی
خاک کپای دولت لرینه حقیرانه افاده اولمش ابدی الحاله هذه بو عید عاجز
قندها ر و وصول بولدوغم اثناده چوق یکم یوب طوایف اغوان تجمع و پیورکی
خانک ظلم و جور مالانها یه سنه تحمل و طاقت کتور مد کارندن عاقبت
خدعه ابله کندوسی قلعه دن طشره چقروب و بر محله جهله سی هجوم برله
قتل ایلش لردر بعد برتقریب غرب ابله قلعه یی دخی الوب کندولری
ضبط ایلش لردر و بو عید حقیر بکزی دخی بولوب بولدروب چفتلکدن
کشان کشان افتان و خیزان قندها ر کتوروب حیر اوکرها کندولر بینه حاکم
وسردار اتحاد ایلش لردر و شمد بک بو یوزدن عصیان لری ثابت اولغله جمعیت
عظیمه لری وارد راجق بو بنده لری دولت شاه یی نک خیراندیشی و قوللغنده
ثابت قدم صداقت پرور برعید مملوکی اولد و غم زب و اشتباه پیور لم یوب
بو بله بروقت اختلاله کندولر بینه بزادان و ناخق شناسی باش بوغ
ابد غیوب بو عید احقر کی شاهک صد اقتکار بنده سنی اوزر لر بینه حاکم

نصب ایلدکاری حالت ینه قوت بخت دولت کزدند زیر ابو قلاری اوزرلنده
 اولد چقه بو اختلاک دفع ورفعه جان و دادن سعی ایدوب انشاالله
 تعالی حسن رأی و تدبیر تو سطلیه هر مشکل اسان اولور و بونا ره فتنه اب
 تدریج ابله اطفاسکونت بولوب کافی الاول مملکت شاهی نظام ماهو المرام
 ایله انتظام بولور لکن بو خصوصی صورت آخری ده خاکپای دولت کزه عرض
 و افاده ایدر لر ايسه وجود ویرلمیه همان بو طرفلرک احوالی بو قوا کزه
 تفویض اولنوب بر مدت اغماض العین ابله معامله بیور بله و تهو ر ایدوب
 خود پینلرک سوز بله بو بله برفتنه اوزر ینه عسکر کوندر لمیه زیر اجمه سی
 ایاقده اولوب یا مقاومت سود اسپله قتاله جسارت ایدر لر و یا خود دولت
 طرفندن عسکر کورت اوزن کله چکن ایشدوب مقاومت قدر تلیری
 اولدوغن حس ایدر لر سه الان بعضی ایزینک لسانندن جاری اولدوغی
 اوزن خوفه دوشوب سلامتلیری ملاحظه سیله مملکتی هند پادشاهنه
 تسایم ایدر لر اخلاصه تدبیر میچ و تانی و حزم و احتیاط بو عقده مشکل
 بندک حلنده لازم و مهم اولغله بو طرفلرک نظامی بو عید عاجز لر ینه تفویض
 بیور یلوب اشارته جسارت اولندوغی اوزن بر مدت اهمال و امهال
 صورتنده تدبیر میچ و تانی اصولی قواعدنه رعایت اولنور سه عون حق ابله
 و همت فی همتا کز بر له غایت سهولت اوزن مقصود و مراد نه ايسه حصوله
 کور مکاتبات و مراسلات عن جانب میراویس بارجال پادشاه هند میرقوم
 اوته دن بروا غنیا و اسخیا دن غایت ابله ممول هنده تجارت ابله مخصوص
 کاربانی کور کیدر عنقا و نامدار کسنه اولغله هند دوائی رجالیه با خصوص
 هند سرحد لرنده اولان ولات ابله دوستلق اوزن معامله طریق لرنده

قصود

۳۱ قصور قوم میوب کند و سنه وافر اشنا و احباب و خیر خواه پند البش ابدی
پس انلردن مقرب پادشاه و نافذ الکلام اولانلره مودت نامه لر تحریر
و وساطت لربله و قعه مرقومه هند پادشاهنه عرض و اعلام اولنمق
مناسب عد ابلدی و معتمد و قابل خطاب سوآله و جوابه قادر کند و سنه
خیر خواه کسنه لرابله ارسال ابدوب هر برینه اقتضاسی اوزن حالنه
مناسب و شانته لایق هدایا دخی فرستاده قلدی مضامن مکاتب
بو صورتیه فراغ اولنش ابد بکه ماجرا تفصیلا شرح بیان اولنوب مفهوم مکز
اولد قلده بودخی معلوم مکز اوله که بزم اغونلرک بو امر خطیره جسار تلرینه
باعث و بادی مجرد پادشاهان اسلامیانندن همجواریز اولان پادشاه
علو الشان پادشاه هند حضرتلرینک عنایتلرینه مغرور ادر و وقت حاجتیه
غیرت دینیه مقتضایه امداد و اعانت و حمایه و عیانت پادشاهانلرینی
اغوانیان اوزر لرندن بی دریغ بیورملری رجا و امید یله در و عهد
و اتفاقلری و قول و قرار و اتحادلری بو کام بنیدر که اگر عجم شاهلی اوزر یوزه
عسکر کوندر رسه اغور دینه بدل وجود ابدوب دین باهره محمدیه
یولنده جهادی التزام ایدر زرو افاض بد نهادک تحت حکومتنده اولغی
من بعد قبول ایتیموب اهل اسلامدن بر پادشاه ذی الاقتدارک زیر جناح
حمایه سنه التجا ایدوب کند و مزه مسند و ملجا ابدینورز و مملکتی دخی
دست تملکنه تسلیم ایدر زدیونیتلرنده ثابت قدملر و جمله سی یک دل و یک
جهتلر در پس وقوع و تثنی اولنور که واقع حالی شوکتلو و قدرتلو پادشاه
اسلام پناه هند پادشاهی مروتلو افندیزک پیشگاه مکارم دسته کاهلرینه
تعبیرات حسنه برله عرض و اعلام بیون سزرو افاض بد فعال بزردن اخذ

انتقام سود اسپاه مضایقه ویر سه صاحب چقمه لری مقتضای غیرت
 دینیه و لازمه شان و شوکت پادشاهانه لرد علی ای وجه کان مملکت
 حفظ و حراستنه عدم مکتبزی ادراک ابدوب طرف پادشاه لربنه
 تسایم ابدوز قدیمه فیرو کند و افند بلر یز لرد و رجال و اهالیسی بالحمه
 دین قرند اش لری ز در انجق اول امر ده فسخ مصالحه جانب لردن و وقع
 اولیوب صرف خزینه ایله عسکر تدارک وارسالده عجله بیور مسونلر
 شمد بلك دعای خیر ایله حسن همت پادشاهانه لری و نظر و توجه کما
 اثار لری طرفزه محضی امداد و اعانت اولوب انشاء الله تعالی دعای خیر لری
 توسط ایله اعدای دینه عاجزانه مقدور یز ایله غالب اولور زاغوانیان دخی
 وحشی قوم اولوب ایکی عسکر بریره کلد کده بعضی قصاص طهوری احتمالیه
 شاید که بعضی لری عجم طرف لری نه میل ایله باعث فتنه اوله منوال مشروح
 اوزن واقع حال هند پادشاهی رکابنه عرض اولند که محظوظ اولوب
 میرمر قومک ادملرینه کرکی کبی رعایت واکرامدن صکره مطلوب لربنه
 موافق جواب لری یز بلوب عودت اولند بلر میر مشاور ایله بو کونه مکاتب
 مدارت امین لربله جانبینه خواب غفلت ایچون پستیر احنی بسط و تمهید
 ابدوب اول جانب لردن محمل الطهور محظوری برمدت تاخیر و تبعید ابلد کده
 ترتیب عسکر و تنظیم امور مملکتنه صرف مقدور ابدوب ایکی جانبه میل
 و رغبت کومستر نلردن دخی و افر کسنه لری قتل و استیصال ابلدی سفر
 عجم در قندهار و سر عسکری خسروخان و محاصره قندهار برمدت
 حلولنده میراویسک احوالی شاه و رجاله حقیقتی اوزن عیان و عصیان
 و طغیان روز بروز زیاد بولدو کی نمایان اولیجق دفع ندبیر لربنه مباشر
 اولد بلر

اولدیلر و بو ایامده سابق الذکر اسرا ئیل اوری نام مسقوا باچچی سی دخی ۲ ۳
اصفهان کلوب نامه سن تسایم ایلد که مضمونی مجرد مراسم دوستلغی
تجدید و اجیلیه محصور اولوب اچینک لساندن دخی مملکت دعواسنده
وارمنیلره پادشاه اولق فکر و سوداسنده اولدو کی معلوم و بعضی
ارمنیلره پادشاه نسلندم دیدو کی مطلق انلره تعظم و رعایت و اکرامده
امتیاز بولق ملاحظه سیله ایدو کی محقق اولیحق شاه و رجال محظوظ
اولوب حدندن زیاده اکرام و ادای رسالتدن صکره نامه و یروب
عودت ایتدرد پلر اولد دخی اژ درهان قلعه سنه وصول بولد که مرد اولمش
دیومتواتر اولوب بو غایله لری بالکلیا مندفع اولیحق قندها ر نسخیری
ایچون عسکر کوندر مکه قرار و یرد پلر وارکن دولتلی شقاق و تفاق الود
بولغله بومادده دخی گاه اتفاق و گاه اختلاف ارالی درکار اولوب انجامنده
کورجیلر انتقامندهینه کورجی عسکری مقدم اولور و کورجستان عسکر دن
خالی اولیحق اول طرفدن دخی امنیت کلی حاصل اولور ملاحظه سیله
مقتول یورکی خانک قرنداشی اوغلی خسرو خانی کورجستان
منسویله سیه سالار نصب و تعیین ایدوب بالجمله کورجستاندن
ئدارکنه قادر اولدو کی کورجی عسکر بله قندها ر فتح و نسخیرینه
کوندر مکه قرار و یرد پلر لکن چون رجال عجمک امور مهه مشورتلی
عیش و عشرت و محاون جمعیتلی ادا اقداح می نابدن عبارت برکیفیت
اولمش ایدی بو حال ناهمور لری البته اختلاف لریینه بادی اولوردی بوندن
قطع نظر رجالک بفرقه سی هر حالده کورجیلرک علیهنده بولنق معتاد لری
اولوب فرقه مرقومه بود فعه دخی خسرو خانک سیه سالار رنبه سبله رفیع

قلند يکنده حظا یتیموب عاقبت خسرو خان کورجی عسکر بله قندهاری فتح
 ایلدوکی تقدیرده کورجیلره غرور حاصل اولوب اطاعت شاهیده ثابت
 الاقدام اولمازلر دبوچه نجه صغری و کبری ایلدیله انجامنده کورجی عسکرینک
 معیتلر بنه اون انی بیگ قزلباش عسکری ضم و الحاق و عباس قولی بیگ
 اوزر لر بنه باش بوغ تعیین و خسرو خان نه مصارف سفر ایچون مطلوبی
 اولان ایلک یوز بیگ تو من اچیه فرقه مخالفه ناک سوقیله یا لکز التمش بیگ
 تومننه حصر و عباس قولی بیگ عجمه باش بوغ و جمله یه ناظر و مصرف
 اولوب بیگ یوز بکرمی دورت تار یخنده مشهد پولیله قندار سفر بنه عزم
 راه ایلد پلر تدارک کردن میراویس برای مقابله بالشکر خسرو خان میر
 مرقوم عجم دولتی طرفندن قندهار تسخیر بنه کورجیان و عجمیان دن مرکب
 لشکر و افره تدارک اولنوب صوب ما موره عزیت اوزن اولد قلرینی استماع
 ایلد که کندویه متانت و استحکام قیدنده اولدی اکیملری بیچدروب
 ایچرویه الدی و عجم عسکری کلجکی یوللرده اون قوناق مقداری مسافه
 یردن بالجمله محصولاتی درج و قلعه یه نقل و سائر اوتلری اتشه و یردی
 دورت بش سنه مدت کفایت ایلد جک زاد و زخیره یی ایلکی سنه ده جمع
 ایتدی اطراف و اکنافده یول اوزرنده اولرده واقع قریلری صعب طریق
 طاغاره چقردی سواری عسکرینک اکثرینی در بندلره و کچدره تعیین
 ایلدوب کند و بنفسه بالجمله پیاده و بر مقدار سواری عسکر بله قلعه یه
 قیاندی عجم عسکری کچ کلکله میر مرقوم محارمه ده محتاج اولدوغی اوازم
 کرکی کی نوردی بعد زمان عجم عسکری اثنای خربنده قاسمه قریب وقتده
 چقه کلدی کورد پلر که قندهار اطرافی جمله خراب کوی کندی قالماش عجم

عسکرینک

عسکر بئک کتوردکاری زخیره دخی قلت اوزن اولوب وادی حیرته ۳۳
سرگردان قالد بلرنه چاره قلعه بی محاصره ایدوب جنکه مباشرت ابله
مجبور اولد بلر میراویس ایسه قزلباش عسکر بئک کشرتن کوروب
وزخیره لری قلت اوزن ایدو کین بلوب طشره چقمغه مناسب کوز میوب
قلعه دن جنک ایلدی فراغت کردن لشکر عجم از محاصره قلعه قندهار
وفرار کردنش وانهم شدنش قلعه متانت اوزن اولوب مدت مدتی
محاصره یه محتاج ایدوغن عجم عسکری ادرک ایدیک ما یوس اولد بلر
وبو ایامه زخیره لری دو کتوب اطراف واکتاف دخی یک پاره خراب
اوتاری یاخش بولنوب ایام شتا دخی تقرب ایتیکله عجم لری احوالی دیگر
کون اولدی نه طور مکه قدرت ونه عودته مکنت حیزتصویر اولدی
میان عسکرده ظهورفتنه وخسروخانه قصد هجوم مقرر اولیجق مشورت
ایدوب قلعه تسخیری سودا سندن چارناچار فراغت ایتد بلر برای
سلامت عجم عسکری بریولدن عازم راه اولدی کورجی عسکری دخی
اپکی بلوک اولوب بر بلوکی مهمات ابله اخریولدن کیدوب خسروخان
دخی الی پیک کز پله کورجی عسکر بله قفادار اولدی عسکره ناظر اولان
عباس قولی بک اختلافی کوروب قندهار هرارو عجم عسکر بئک حال
دیگر کونندن تقیر و قطمیر چا چاق خبر ویردی میراویس دخی بالجمله
احوال عجمه وسلامتیه عودنلر بنه وسیله اتخاذ ایدند کاری طریق بلیینه
ونجاندلری امید بله واقع رای وند بیرناصوابلر بنه واقف اولیجق فی الحال
سواری عسکرینه خبر کوندروب یاتنه جمع ایتدی وسکزیوز عدد مایه
دوه احضار وائلره ایدک پشرا دم بندردی وزن برق تعبیر اولنور بر قاج عدد

طوب دوه له تمهیل وکند و بنفسه عسکری نیک او کونه دوشوب عجم
 عسکری نه قفادن وصوله اقدام تام ایندی سپه سالار عجمیان اولان
 خسرو خانه نشوب جمله و هجومه مسارعت و جنک وجدالده دلیرانه
 غیرت ایدوب عاقبت خسرو خان منهزم و مقتول و کورجیاندن بش
 یوز نفر مقداری چاپک فرار سلامت بولوب باقیلری جمله طعمه شمشیر تیز
 اولوب یانلرنده موجود مهمات سفیری لری تمام امیر اویس طرفندن اخذ
 و ضبط اولندی یرته سی کون قزلباش عسکری راهی اولدوغی یوله مبادرت
 ایدوب انلرک دخی باش و بوغلری اولماغله بردلو دشمندن احتیاط
 ایدجک نظاملری بولنمیب علی الغفله اوزرلرینه جمله و هجوم ایندکارنده
 بردلو مقاومت اقدار لری بولنماغله اچلرندن برفرد خلاص بولمیبوب
 جمله سی اغوانلر الله مقتول اولدیلر بعد اغرلق ایله کیدن کورجی عسکری
 قعیبه متوجه اولدیلر لکن خسرو خان معارکه سنندن سلامت بولان
 کورجیلر بونلره ملاقی اولمش و ماجرادن خبرالمش بولنمغله مهمالمن
 مدافعه ندارکنده اولملر ایله اغوان عسکری اوکارینی سد ایتمک
 قیدنده ابکن السنور الما پوس فهو اسنجه جمله کورجیان یک دل و یک جهت
 سل شمشیر ایدوب اغوانلر اوزرینه جمله قلدیلر اغوانلر ایلکی شق اولوب
 بو طریق ایله کورجیلر یول بولوب میانلرندن کچوب کیمتدیلر چون
 اغوانلره دخی بر فاج کون ایچنده وقوع بولان وقایع تعب و زحمت و یروب
 کند ولرینه نوعاً ضعف و همتلرینه فتور عارض اولمش ایدی پس
 قچانلری قومیهلم عنایت حقدن بو قدر یوز اقلغی بزه نعمت عظامدر
 بونک شکرین بلهلم دیوب کورجیانی تعقیبیدن فارغ اولدیلر و سالماشاد

۳۴ و مسرور قندهار رجعت و اموال غنائی جمع و نقل ابدوب تقسیم ایتد پلر
غنیلر اولوب شنلکلر ایلد پلر و بوندن صکره دخ میراویسک و فائنه
کلجه الی یدی سنه مرورینه دکن هر سنه عجم طرفندن قندهار تسخیرینه
عسکر تعیین و ارسال اولنوب با حکمت خدا قزلباش عسکری هر بار
مغلوب و منهزم کیدر لر دی وفات میراویس پدی سنه مقداری زمان میر
مشیر و نامدار مقرر حکومت قندهار ده استقلال اوزن قرار داده اولوب
حسن رأی و تدبیر پله عجم دوائی کبی بر قوی الاحوار دشمن ابله مقاومه
اقتدار حاصل ایلش ابدی بو ائشاده میرمقومک بنای وجودی تعاقب
امراض ابله متزلزل اولوب مشرف انهدام اولمغله بالین اجله سر نهاده اولدی
بو حالت ملالت ماثر بالجمله اغوائیانه حزن و کدرو پروب غایت ابله پریشان
لخاطر اولد پلر پیرو دنا لاری عیاده سنه ملازمت ابدوب امور لرینه توصیه
و پند و نصیح نیازینه مداوم اولد پلر میرمقوم ضعف درونلرینی مشاهده
ایدیجکینه تقویه و تسلیه لرینه باعث نصیحتلر و امور جمهور لری قوام
ودوامنه بادی و صیتلر ایلدی اولامور پکزی جناب حقه نفویض
ابدوب طریق جهادده بدل مقدور نایا هر حالده همتکزی عالی ابدوب
چله کز متفق یک لحم و یک جسم اولوک من بعد و افضیه سرفرو ایتیموب
جان و باشکر ابله دفع مضر نلرند اجتهاد ابدک عجم دوائی رجالی شتفاقدن
پری و باجمله خلقی نفاقدن خالی اولیموب دولتلری مشرف انهدام اولمشدر
انلرک کثرتدن و حشمت کاذبه لرندن سزه و حشمت و دهشت طاری
اولیمه سز اتفاق قلب و اتحاد درون اوزن حرکتده او اوب متوکلا علی الله
اندره غالب اولوب اصفهانده دخی ظفر یاب اولور سکر مقوله سی و صایادن

صكره وفات ابدوب دار بقايه انتقال ابلدی جلوس میر عبد الله در تحت
قندهار چون میراویس وفات ایندی برینه قرنداشی میر عبد الله مقر
حکومت قندهار زده استقرار بولدی و میرمرقوم بالطبع جنك وجدالی
سوم میوب راحت حضری تعب سفره ترجیح ابدوب بر قاج ایام مرورندن
صكره اغوانلری یاتمه جمع و علی طریق المشورت بوبله بسط مرام ابلد بکه
هر بار جنك ابدوب بوبله قورقورلوز حتملر چکمدن مراد نیز اوزن عجم ابله
مصالحه ابدوب راحت و امنیت اوزن اولمق بزه اولی دکلیدر شمد بکه
حاله قرندا شمس وفاتی تقریبیله بو مقصودی بحصیله سعی ابدوبك بر
فرصتدرو غالب احتمال بودر که شاه بوباید سوزیزی رد ایتیمه پس بر
ادم کوندن لم شاه قندهار اولکده سنی توابع برلر بله بزم و اولاد و اولادیزك
تصرفنده ایقا ومن بعد ارامزه قزلباش قارشمیوب تکالیف شاقدی
دخی اوزر یزدن رفع ابدوب سمنده شاهك خزینه سنه وانى دخی کند و مز
تحصیل و تسایم شرطیله بر مقدار و معتدل حقوق دیوانیه و یروب وجه
مشروح اوزن شاه ابله صلح و صلاحه طالب اولسك مناسب و شاه دخی
ما مول اولنور که بو صورنده صلحه قائل و راضی اولور دپدکنده اغوان
طائفه سی میرمرقومك بو کونه کلامندن حظ ایتیموب بیئلر نده اختلافه
بادی و میرمرقومك حقنده جمله نك محبتی عداوته منقلب اولوب درونلری
نفرت و برودت اوزن اولمغله یوز طوندی روافض النندن رها بولمش ایکن
ینه رعیتی قبولدن غیر یوز یوزه قارشو چهار یار کزینه ششم و کوز یوزه قارشو
اهل و عیالمره دست درازلق و ادنا بهانه ابله بزم ابله معاهده بی فسح
ابد جککری امر محقق ایکن صاحبه نچه راضی اوله لم دیو بیئلر نده چوق گفت
و کو اولدی و من بعد جهاده بندل مجهوه ابله افناء عمر ابد جککری نینه بری

برلر بله

برلر بله عهد و میثاق ایلدی بلر لکن میر عبد الله بو کونه عزیزیمنده مصر ۳۵
اولوب و اغوانیاندن بعضیملرینی وعد و وعیدلر ابله رأی و ند بیرینه رغبت
ایتدردوب طرفکی لرغنه میل ایتدرمش ابدی و بو مضمونی متضمن مکتوب
یازوب بر معتمد امیله حقیقه شاهه ارسال ایلک اوزره ابدی بیان احوال
میر محمود و قتل کردن میر عبد الله و جلوسش در تحت قندهار اول اثناده
میر محمود اون سکر یا شنده بر نور سیده جوان بولنوب عوجه سی میر
عبد اللهک تحت تربیه سنده ابدی زیر ایدری میر او یس وفات ایلدی که
ذکور دن اوج اولاد ترک ایدوب بولنر ایچنده مجوده میل و شفقتی غالب
ابدی و جمله جنک کرده پدر بله معابولنوب جنکه استعدادی کالده ابدی
قرنداشنه سپارش ویاننده بیویوب تربیه اولنغی وصیت و ودیعه ایلش
ابدی بول اثناده مجودی اغوانلر ما وقعدن ایقناط ابدی محک لیل و نهان
عوجه سی مجلسلرینه مداومت ایدوب بوسره واقف اولغنه جد و اهتمام
ایلدی عاقبت بر کون یازیلان مکتوب انه کیروب مطالعه ایلدی بوسری
کنم ایدوب مترصد فرصت اولدی بر کون اراق بولوب قایجن الله الدی
عوجه سنی میر عبد الله او یقوده ابلکن قتل ایلدی دیار عجمک بعضی سر
حدلر نه و قندهار ده دخی معتاد قدیلری بویله در که شهرک میدانده
ذوقت تعبیر اولنور بر یوکسک قوله بنا ایدرلر اول قوله اوزر پنه ابلکی کوس
وضع ایدرلر شاه طرفندن ویانغیریدن خلقه اعلام اولیحق بر امر مهم
واقع اولسه اول کوسلری ضرب ایدوب صداسی اشدلدوکی برله جمله
ناس اول میدانه جمع اولورلر پس محمود عوجه سنی قتل ایلدی و کی برله
مکتوبیلری الله الوب سرعت ایلله ذوقته چقدی کوسلری ضرب ایدوب
جمله اغوان اول محله کلوب جمع اولدی میر محمود دخی او قور یازار دانش

ار با بدن او لمغله نصرت و فریضه جهاده دارنجه نجه ایات قرآینه و الجهاد
 حرفتی و خلقتی حدیث نبوی بی قراءت ابدوب فضیلت جهادی شرح
 و بیان دن صکره عم میر عبدالله قومنه خیانت ابدوب کند و ذوقی
 و حکومتده بر قاج کون راحتی فکر بله بزی ینه روافض النه و یرمک استر
 دیوب میر عبداللهک شاهه یازدوغی مکتوبی اغوانلرک الینه و یردی
 و صوت بلند ابله اکاه اولک که بن ائی قتل ابلدم دبد که اغوانلر مکتوبی
 او قویوب مضمونی مجودک تقریر بنه موافق بولنوب و فی الاصل مجود پدیری
 زماننده واقع معار که لک جمله سنده موجود بولنوب ذائنده شجیع و فارس
 و جمله نک کند و سنه میل و محبتی دخی هر کار او لمغله مجود اون سکنز
 یاشنده حاکم نصب اولنوب جمله سی بیعت ابلد پلر و سنایبوک قند اشنی
 قند هار و الپسی تعیین ابلد پلر وجه مشروح اوزن میر مجود تخت قند هارده
 استقرار بولمچ شاهه مکتوب یازمقدمه میر عبدالله ابله متفق اولانلری
 پکان یکان قتل ابلدی و عسکر نظامی قیدنده اولوب اول مرده جوار
 قند هارده واقع حضاری تعبیر اولنور و روافض اغوانلر اوزر لر ینه سفر ایدوب
 انلری نهب و غارت ابله مشغول اولدی طوایف مر قومه شاهه احوال لرینی
 عرض و افاده و اسناد ابلد پلر شاه طرفندن اهماال و مسامحه اولنوب
 فریاد رسلری اولما مغله اخر انلر دخی اغوانلره تابع اولوب یک دل و یک
 جهت اولد پلر عجمک مشکلی بر ایکن ایکی اولدی اغوانک متفق اجناسی
دخی ایکی ایکن اوچ اولدی سفر کردن عجم فی الدفعة الثانية برای
تخلیص قلعه قند هار و سر عسکری صنی قولی خان و احوال فرزندش خان
 نوجوان چون اغوانیاندن اوچ طا بغه متفق الحال اولدوغی خبر دولت
 شاهیه و اصل اولد که بوماده کند و لر ینه زیاده کدر و یروب مشورت
 ایلد پلر

۳۶ ایلد بیلر اغوانلر علی حاله برمدت دخی ترک واهمال اولنوب علاجلری
گوریلدوکی تقدیرجه عاقبت دولت شاهیده برفتنه عظیمه وقوعنه باعث
اولورلر بونلرک نداری کور بلوب دفع مضرلری امور مهامدندربای
طریق کان کورمللوردردیوقراروپردکارندن صکره کلیمتلوعسکر تدارک
اولنوب صغی قولى خان سرعسکر تعیین اولنق اوزن ا تفاق ایلد بیلر
مرقوم صغی قولى خان مقدمالصفهانده حاکم اولوب رجال دولترینک
اموردبده وکارازمودم معتدل ودا نا کسنه لری ایدی شاه حسینک کوتنه
رجالک اېکی فرقه اولوب اختلافلری تقر پیدله عزل اولنوب کندو
خانه سنده گوشه وچندنه منزوی اولمش ایدی بودفعه سرعسکرلک
تکلیف وایحق قبول اتمدی بعد شاه حسین طرفندن صغی قولى خانک
ایاغنه خلعت و عادتلری اوزن جواهر ابله مرصع تاج کوندر بلوب نامنه
سرعسکرلک منشوری یازلدی خان مرقوم ینه قبولدن اجتناب
وبوندن اقدام خصوص مزبون تعیین اولنان سرعسکرلر بو ایشک
عهده سندن کلکه قادرا اولد بیلر زیراسرعسکرلر امورلر نده مستقل اولوب
اوزلرینه ناظر نصب اولنق سرعسکرک مرادلری اوزن حرکتیه مانع برامر
ناصوابدر مطلق طوایف عسکر سرعسکردن خوف ورجاده اولد قجه
جنک شدتیه تحمل ایتمز بوندن دخی استنح بودرکه مادامکه دولت شاهى
اېکی فرقه مختلفه دردشمندن اخذ انتقام بروجهله حیزتصوردکلدر
زیرابوصورنده سرعسکر اولانلرک جدویاتهاون اوزن اولوب غالب ومغلوب
اولمسی بکساندر علی کلاله تقدیرین فرقتینک بری خلافتنه بولنسه
کرکدر وین دخی بوخذمتک عهده سندن کلم دیوعذر لریمان ایدوب

سرعسكر لكدن ابا ابلدی ینہ زجال دوات مشاورن ینہ رغبت ابدوب
 بو خصوصتی مکالمه دن خالی اولد بیلر لکن کند و جنسارندہ صغی قولى
 خاندن غیرى بو امر دشنوارك عهد سنندن كله جك برکسنه بولنمیوب
 مر قومی ارضا والزام قیدندہ اولد بیلر التزاملى فایده ویرمیوب حیلہ
 طریقلرینہ ذاهب اولد بیلر مکر صغی قولى خاتک اون بدی یاشندہ
 بزوجوان اوغلی وار ابدی جمله نیک اتفاقیله اوغلانہ خاتلق و سرعسكر لک
 ویرلک مناسب کورلدى تا کم بو طریقیله پدرى اوغلونہ اولان محبت
 مقتضا سنجہ فیرته کلوب و سفره معا کیدوب اموز بنہ نظارت ابدی فی الواقع
 جوان نور سیدہ شاه جمجاه جانبندن خلعت و مجوهر تاج و خاتلق
 منشوری و سرعسكر لک عنوانیله مکرم او ایحق قبولندہ مسارت ابدوب
 پدرینک یاغنه دوشدی هزار و صد هزار جا و نیاز لر بله پدرینک
 گوکلن میل ایتدردوب سفره معا کتک اوزن ارضا ابلدی پس پدرى صغی
 قولى خان اغا مالکم و اولاد کم فتنه لکم ایت قرانیه مفهومی اوزن فرزندینہ
 اولان میل و مودت سو قیلہ مهماتن کوز مکہ مباشر اولوب انجامندہ
 معتاد لری اوزن شاه جمجاه طرفندن عالی ضیافت اولنوب مرضع تاج
 گیوب قلیج قوشانوب دو تمشات ویر بلوب و اولاته سوار اولوب شاه
 سرانیدن اول کونده مکمل لایلر بله قزویندن چقوب راه مشهد و هرات
 ابله عازم سقر قندهار اولد بیلر صغی قولى خان اوغلونى امور سفره
 قطعاً قارشدن میوب جمله مباشرتی بالذات کندوسی التزام ابلش ابدی
 فی الحقیقه خان مر قوم مالک ایرانده نامور و جمله نیک عندندہ معتبر بر صاحب
 رأى و ند پیر کسنه اولمغله سرای شاهیدہ اوغلی قاچ قوشانوب تاج

و خلعت

۳۷ و خلعت کیوب بویکونه التفتات شاهانه ابله ملتفت اولدوغندن نفس
قزویندن و طراف و اکنافدن ذکور و انانیدن لاپلری سیرینه بی حد و بی
شمار خلق جمع اولوب حاضر اولمشلر ابدی وجه محرر اوزن صغی قوی خان
واوغلی سر عسکر نوجوان خان اون انی بیك قزلباش عسکر ابله صغهانندن
چقوب مکتب و شاقلری دخی حاضر و ماده کی پیشرو کی پیرو کی مین و کی
میسر فریاد فغانلر و صوت بلندن ابله دعالم ایدرک چقوب کیتدیلر انهم عسکر
عجم و قتل شدن سر عسکر صغی قوی خان و فرزندش نوجوان خان حضاری
اغوانی عجم عسکر پنک و رودی خیرن اشید یچک فی الحال میرمخوده واقع حالی
بلدروب استمداد ایلدیلر میرمخود دخی قطعات توقف ایتمیوب امداد لر بنه
تسکر تعیین ایدوب عجم عسکر پنک استقبالننه مبادرت ایتدیلر صغی قوی
خان عسکرک روحی مثابه سنده اولمغله عسکر دن منفک اولمازدی اوغلی
ایسه نوجوان اولمغله اوچیوز نفر مقدار سواران فارسان ایله صید و شکار
ایدرک عسکر دن ایریلوب ایلمروده بولندی کیف ما اتفق اغوانلرک قره
غولنه مصادفت ایدوب بلاتوقف هجوم ایتدیلر طرفیندن جنک
وجدال اشداد بویحق خان نوجوان اغوانلر النده مقتول اولدی سایر
معیتنده اولان قزلباشلر دخی هلاک اولوب بش انی نفر چاپک فرارلری
کوجیله قورتلوب صغی قوی خانه بوخبری ملالت اثری بلدوردیلر استماع
ایلدوکی برله مد هوش و لایعقل عسکرک تربیب و تنظیمی مهمه سنی فراموش
و بومهلکه دن غفلت ایدوب در حال سل سیف ابله اغوانلر جانندنه
وصولده شتاب ایلدی عجم عسکر صغی قوی خانک کمال غضب و تهور
ایله عنان اختیاری الدن کیتدوغن کوروب سرعت ابله پیرو اولدیلر

اغوانلرك دخی میراسد الله نامند برکسنه لری وافر عسکر یله کلوب
 امداد لر پنه پئشدی ایکی عسکر ملاقی اولیحق صغی قولی خان جبهه
 عسکرده بولمغله جمله دن اول اغوانلر ایچنه اوغرایوب جنکه اقدام ایلدی
 بازار کار گزار قتال ره اچ بولیحق صغی قولی خان قتل اولنوب عجم عسکر ی
 منزه مافران یوز طوندی جزئی عسکر قورتلوب اکثری هلاک اولدی لر
 اسد الله مهماتی اخذ و جمع ایدوب ولایتنه نقل ایتدی اغوانلر بو یوز دن
 غنیلره عظیم شادومسرور لر اولدی لر من بعد اغوانیان قلب قوت بولوب
 عجملرک منجی اولجا نیده برکشته اولدی ند بیرر جال عجم برای سفر در جانب
 اغوانیان و سر عسکر ی لطف علی خان و احوال جزیره بحرین بو خیر
 مو حش عجم دولتک سمعنه لاحق اولیحق غایت ابله مکدر و پریشان
 لظا طر اولدی لر و من بعد بوردردک علاجی ند بیرنده عاجز فالدی لر نه جان
 ینده مشا و ن مجالسی قور بلوب ند بیره باشدی لر اغوانلری علی حالهم ترک
 اتمک دخی بر طریقیله مناسب کور لیبوب وار قوتی بازویه کتور مکله ینه
 کلبتلی عسکر و برمد برسر عسکر تعیین اولنقی اوزن قراروردیلر واعتماد
 الدوله نیک اشته سی لطفی علی خانی جمله سی مناسب کوروب مأمور قلدی لر
 عسکر ند ایزک اولنوب مهمات سفریه کوریلر و ایزکن جزیره بحرین
 جانندن فریاد جیلر کلوب جزیره مرقومه یی بر قایح سنه دن برو مسکت
 امامی عجم الندن الوب ضبط ایلد و کندن غیری بندر عباسه تعدالی
 حدن بیرون اولمغله تقدیم اهم الزمدر ملاحظه سیله خان مرقومک
 کور بلان ند ایزک ابله بحرین سفر ینه عزیمی اولی در دیو بعضی رجال دولت
 بورای و ند بیره ذاهب اولمغله پنه اثر شفاق میان رجاله طهون کلوب

مصباحتنک

مصلحتينك فوننه باعث اولدی و جزیره بحرین بصره دن اشاغده بحر ۳۸
فارسك ساحل غربسندك ساحله قریب مخرج در مرورد بر محل اولوب
وقروده دخی بر قیاح ناحیه توابع یرلی اولوب بوجانبه سفر قندهان
سفر دن اسهل کوریلوب قریب مسافه ده بولمغله اکثری رجال بحرین سفری
تقدیمی ترجیح ایتدیلر استمداد عجم ازدنمای پورتقال لکن جزیره مرقومیه
عجم دولتنگ عسکر و مهمات نقل ایتدن جک سفینه لری اولیوب دیو
جزیره سنه ادم کوندروب پورتقال کفره سندن اجرت ایله سفینه لری
طلب ایتدیلر پورتقال دخی شاه عباس زمانندن شاخصینه کلمجه عجم
شاهلری طرفندن یزه ویرله کلدوکی صریبی و یروب ایلد بگکر تقدیرده
نه مقدار سفینه استر سکز و پرزدیو جواب ایلد کزنده ایاچی مرقومک
یوبابده رخصتی بولمغله در عهده ایلدی و فی الحال سفینه لری حاضر
واماده قلنوب یوله روانه اولدیلر قرق اللی بیك مقباری قزلباش
عسکری دخی صوب مأمور لر بنه روانه اولدیلر بندر عباس قریبده
ساحل بحر و وصولر نده پورتقال سفینه لری دخی کلوب او محله بئشدیلر
جزیره بحرینه مرور مراد ایلد کزنده سفینه لری اوزرینه باش بوغ اولان
قیودان و عد اولنان اچینه نك کلدوغن خبر الدوکی برله سفینه لری بنی الارغه
ایدوب کسنه بی سفینه لره المدی لطیف علی خان دخی یوله روانه اولدوغی
برله خلا فنده اولان فرقه فرجه بولوب شاهم بحرین ایچون بو قدر اچینه
پورتقاله ویرمک مناسب دکلدو بواچیه بوندن اهم بر مهمه صرف
اولنسه اولی دروبونک بر مقدار بنی مسکت امامنه ویردیکمز تقدیرده
جزیره بی طرفه ردایدوب مجدد اصیل و صلاح دخی عقد اولنور مثالو

سوزلر بيله اچهنك دخی ویرلهسی منع اولنیش ابدی پور تقال قیودانی
اچهنك کلدوکن تحقیق ایلدوکی برله کیلرینی یلکن ابدوب دیوه عودت
ایلدی قزلباش عسکری خایب و خاصر بقه قالدیلر امدن میرمچود بکرمان
و محاصره و تسخیر کردن کرمان و جنگ کردن بالشکر لطفی علی خان وانهزام
میرمچود و فراوش درقندهار بوارالقه میرمچود کرمانه کلوب محاصره ایله
کرمان شهر بنی و قلعه سنی الدی عجم عسکرینک فی الاصل مقصودی
بو ابدی که بحرین فتحی میسر اولد قده کرمانه کیده لر واندن کرکی کبی ندارک ایله
قندهار و ان لر چون میرمچودک کرمانی الدیوکی خبر سر عسکر لطفی علی
خانک معلومی اولدی عجم عسکر بيله سر دت ابدوب کرمانه واصل اولدی
عجم عسکری و فرت اوزن بولمغله اغوانلر ایله عظیم جنگ ایلدیلر عاقبت
غالب اولوب کرمانی الديلر مچود دخی منهزم اولوب قندهار جانبینه فرار
ایلدی نفاق رجال عجم درحق لطفی علی خان چون بو خصوصی لطفی علی
خان شاه دولتته عرض ایدوب و عسکره علوفه و ذخیره طلب ایلدی
لطفی علی خانک خلافتده اولوب حسد ابدنلری شاهی اغفال ابدوب میر
مچود دن النان غنائیم و اولطر قلده ندارک او انان ذخیره کفایت ایدردیو
شاهی اچهن ویرمدن منع ایلدیلر لطفی علی خانه کیفیت احوال معلوم
اولمچو عجم رجالینک کرماندن شیرازه کلجه هر نقدر مالکانه و چفته کلری
بولند یسه جمله سنی غارت ایتدوب ذخیره لرین عسکره توجیه ایلدی
و بولدیوکی دوه و سائر حیواناتی اخذ ابدوب خلافتده اولانلر ره رغما عسکرک
اعلوفه لر بنی و بخشش لر بنی دخی ندارک ابدوب توزیع ایلدی بعد عسکری
الوب شیرازه روانه اولدی شیراز شهری اصفهان دن اون ابکی قوناق
مسافه ده اولوب عجم رجالی اصفهانده لطفی علی خانک بو کونه حرکتی اسماع
ایلد کارنده

ایلدکارنده مرقومه بغض و غرض و کین و عداوتلری قات اندرقات اولدی ۳۹
و شاهه واروب اطفی علی خاندن شکابتلر و اظهار نظرلر ایلدیلر خان
مرقوم ما مور اولدو کی جانبه کئیوب ولایت خراب ایدرک شیرازه بو کونه
حشمت و تهور ابله کلدوغی دماغنه فساد اولدوغنه علامت درددیلر لکن
شاه بودفعه مرقوملرک سوزلرینه التفات ایتیب اغوانلره غالب
کلدیغندن غایت ابله شاد و مسرور اولدوغندن لطیف علی خانک
هرند کلو جرمی و ارایسه ده عفو ایلدم دیوجواب و یرمکه مسفورلری
اسکات ایلدی بیان احوال اعتماد الدوله فتحی علی خان و تزویرات رجال
عجم در حقیقش لطیف علی خانک خلا فکیرلری شاهک بو کونه مودت امیز
کلامن اشید بچک نار حسدلری ثنور سیننه یرکینلرند اشتعال بولوب
اتش غرض ابله یا ذوب یا قلوب هلاک اوله یازد بلر نه چانه بنه بو کروه مرده
بریره مجمع و مقتضای بدنهادلری اوزن مشورت و اطفی علی خانک علیه نه
باش و جانلر ابله حیلله ندییرلرند و ارمقدورلرین صرف ایدوب لطیف
علی خان حالا اعتماد الدوله نیک انشته سی و مخصوص چراغ افر و خسته سی
واعتماد الدوله دخی شاهک نظر کرده سی و معتمدی اولوب خان مرقومه
سر عسکرلک ابقا اولنوب بردفعه دخی اغوانلره غالب اوله چک اولورسه
شاهک کلیمتیه میل و محبتی بونلرک جانمنه منعطف اولوب بونلر بزه غالب
و سوزلری حقمزده نافذ اولوب مضر تلری محقق اولور مثلا و سوزلر ابله
بری برلر بنی تحریص و تحریک ایدرک حیلله یوللرند تک و تازایتدیلر عاقبت
حیلله و تزویرائیه بو ماده لری تشبتهنی طول و درازد شوارا حل مشکل
الفصل بر صورتیه افراغ ایلدیلر چون بوا ثناده شاه حسین دخی با الحمله
رجالیله اصفهان شمال پسند اوزن اچکی قوناق مسافیده واقع طهران شهرند

مکت و اقامت اوزن ابد پلر بوفرقه ضلالت طریق محل و مقامه مناسبه
 حيله نه هم ایدوب منلا باشی و حکیم باشی و ساطلر بله تشبته بوسیاق
 اوزن مباشر اولد پلر اولاسوء قصدر بنی اعتماد الدوله ثانیاً انشته سی
 و چراغ افروخته سی اولان لطفی علی خانک حقنه اجرا یه قرار و یرد پلر
 منلا باشی و حکیم باشی ایسه اندرون سرای شاهیدن معدود مقر بلردن
 اولغله حضور شاه یه وار ملر بنه عادتاً مانع و مزاحم اولیوب برکون
 اپکسیمی پیشگاه شاهیده مند لار بنی چقاروب فریاد و فغانه باشلد پلر
 و اعتماد الدوله طرفندن حدود عثمانیه یه قریب محله ساکن اکراد
 بکلر بنه یازلمش برقطعه مکتوب شاهک انه صوند پلر مضمونده اوته دن
 برو بتمزده معهود و مکتوم اولوب فرصته مترصد اولدوغمز خصوصک
 حمدولی روغنا اولدی همان عجاله اوج بیگ اتلو تدارک ایدوب بران اول
 طهرانه عزیت و وقت ایلام شاهک سرانیه سرعت ایدوب جمله عالم پستر
 راحت و شاه و توابع خواب غفلتده اپکن سرایه هجوم و دخول و شاهی
 اخذه صرف همت ایدوب سز دیو تحریر اولنش ایدی مضمون مکتوب
 شاهک مفهومی اولیحق مبهوت و متحیر ساده دل اولدوغندن حيله
 احتمالی فکرندن غافل نه ایدوبه جک ونه دبیبه جکی بلدی بنه مرقومان کار
 گزار بازار حبله یه رواج یرمده جد و اهتتام ایله کوردک می شاهم معتدک
 اولان اعتماد الدوله ساکنه رنبه خیانتنه جسارت ایلدی لطفی علی خانک
 بونجه عسکر یله شیرازده جمعیتی مجرد بونک را پیله درمرادی مطلق سزی
 کوردلره اخذ ایتدردوب کندوسی دخی شیرازدن عسکر یله بحاله کلوب
 اصفهانی ضبط و تسلطندرو بونک قیدی کورملکده عجله بیورمکراهم
 مهامدنر مکتوبک حيله یه احتمالی عدم امکانه دوزیر اعتماد الدوله ناک

۴. کند و مهر یله اولدوغی مشهود بکزد در فی الواقع دقت ابله مکتوبک مهری شاهک منظوری اولدقد اعتمالدوله نک مهری اولدوغی لاشبهه اولحق شاهه اعتماد کلوب در عقب قوریحی باشی بی احضار واعتمادالدوله نک سرمقتوعن حضور شاه یکتور مک اوزن فرمان ایلدی قلع کردن دینه کان اعتماد الدوله بنفاق رجال عجم بنه مفسدان مرقومان رجا طریقنه سلوکیله بناء تزه یلر بنه استخکام و دروغ بی فروغلمری کشف اولماق ایچون برقات لباس حیلله دخی الباس ابدوب شاهم تهوریله قتل اولسون باری کوزلرین چقار مق ابله اکتفالونسون دیو نیاز مند اولدیلر و بویله اولسه دولتک دخی کند و سندن سوالی لازم بجه مور معطل و بونجه مال و منال و جوهری ضایع اولماز دیو دلیل چکدیلر و بوا ثناده هر چند که شاه اعتماد الدلینی حبس و یا خود حضور بنه کتور مک مراد ایلدی مرقومان دامن غیرتی در میان ابدوب شاهی منع و عاقبت ایکی دبه لرین چقار دوب بو حال ابله حبس ایتدی لر شاه بو حالت غریبه ظهور نده کیتد کچه فکر و اندیشد بجرینه طالیدی کاه نار غضب و تهوریله یاندى یا قلدی کاه خطا اولق احتمالی خاطرینه خطورایله ندامت چکدی و بویله بر مجرب الاطوار صادق قولندن بو کونه خیانت صدوری حیزامکانه در دبو ملاحظه یو واردی مکدر الحال و مضطرب الاحوال اکل و شرب و خوابی ترک ببدوب اول کچه کند و سن محافظه ایتدردی و بو عجبیه تفکر بله نجه قاندى عاقبت عمله ایلد و کنه پشیمان اولوب منلا باشی و حکیم باشی بی احضا و سز بنی بو ماده ده غالباً خطایه سوق ایتد بکزد و بونک حقیقتنه واقف اولق اقصای مرادمدر اعتمالدوله کوزلر بنه نیما اولونسون دبو محکم تنبیه ایلدی احضار شدن

احضار شدن لطفی علی خان ارشیراز و حبس شدنش در شهر اصفهان
بواثناده شیراز حاکی منته رقم یازیلوب لطفی علی خانی اخذ و قید
و بند ابله اصفهان کوند ر مک اوزن تنبیه اولندی شیراز حاکی مضمون امری
عمله کتور مک طر بقدرین تفکر ایدوب بر کون لطفی علی خانی آورد و سندن
خانه سنه دعوت و کند و سنه بر عالی ضیافت ترتیب ایدوب اثنای
صحبتده بر مقدار خلوت و مجلسی اغیار دن تعی قلوب شاهدن لطفی علی
خانک حقیقه صادر اولان امری انمه و یردی خان مر قوم مضمون امره واقف
اولیحق قطعاً مخالفت ستمن کوستر میوب عاد نلری اوزن ابکی اللرین بری بری
اوزن بنه وضع و سمعنا و اطعناد یوب امر شاهه تسلیم اولدی بو منوال اوزن
اصفهانه ارسال اولنوب محبوس قلندی دیوان کردن شاه و مرافعه
شدن خصماً با اعتماد الدوله بویامده اعتماد الدوله نیک خلا فیکر لری فرصت
یابلر اولد قچه اعتماد الدوله حقیقه نفاق و نغمه و انواع حیل و تزویر ائبله شاه
حضور نده مدعالر بنه فروغ و تقویه و یرمه دن خالی اولد بلر لکن شاهه
بو ماده ده شبهه عارض اولوب غرض فاسد اید و کنه بر مقدار میل
و یرمش ایدی اول اجلدن حزم و احتیاط و بو ماده نیک حقیقتنه بعد
حراب الکوفه واقف اولمق ایچون غلبه دیوان اولسون و هر فرد بیلد و کنی
و کوردوغنی حضور شاهیده اعتماد الدوله نیک مواجهه سنده ایراد ایلسون دیو
تنبیه ایلدی چون اعتماد الدوله نیک قلع اولنان دبه جهاندیدار بنیک
یاره لری بر مقدار اوجه اولمش ایدی بردپوان عظیم قوریلوب انک دخی
احضاری مراد اولنوب خصماً سیله رو برو حضور شاهیده مرافعه
اولملری فرمان اولندی شاه دخی دقت و اهتمام ایدوب ندریج و تانی اوزن
طرفینک

و تانی اوزن طرفینک سوال و جوابی فهم و ادراک ایدرک سمع بصیرت ۴۱
ایله بود دعوی اسماع ایلك مراد ایلمدی دیوان قوریلوب جمله رجال
واعیان وارباب دیوان جمع اولدقه اعتماد الدوله نك دخی کوزلین
بغلیوب کشان کشان حضور شاهیده دیوانه کتوروب برکوشه ده
اوتورنده بلر چون مجلس دیوانلری حاضر و اماده اولدی شاه جمجاه
فرمان ایدوب اعتماد الدوله فتح علی خان حقند هر فرد بلد و کتی حضور
شاهیده مرقومک مواجهه سنه سو بلیه و سندی نایسه ابراز اید
واعتماد الدوله دخی قدرتی مزینه سی مدافعه و حقند اراد اولنان مواده
علی الانفراد جوابی و ارایسه سو بلیه دیو فرمان صادر اولدی و مناد بلر ندا
و بود بوان و دعوی اذن عام و رخصت تام ویرلدی فعلی هذا مناطره به
اعاز اولنه دیو شاهدن خطاب صادر اولیچون تلبیس ابلیس نهاد قزلباشک
بری فی الحال یاغه قالقوب میدان تزویرده کر بند غیرت ایله قائم و بو گونه
کفتان اغاز قلدی اولا اعتماد الدوله نك اغزندن اشدوب معتمد و معتبر
کسنه دن بو بله اسماع ایلمدم که اعتماد الدوله برکون شاه حسینک پدری
متوفی شاه سلیمانک صورتا زیارتنه واروب قبری اوزن طوروب ششم
غلیظ ایله خطاب و ای شاه سلیمان شمعی حالک نجهدر بنم پدری
بی کناه قتل ایلمدکین دخی اوغلاک شاه حسیننی عن قرب پدرم انتقامی
ایچون قتل ایتمدمکه صرف نقد و رایدم دیمش ثانیاً بو غرضنی اجرا
ایچون اگر ادبکر نه یازد و کی مکتوب کیجه کوندر جیبند محفوظ
و کند و سنه مخصوص مهر بله مهوردر بونک ساخته اولمق حتمالی و امکانی
دخی بو قدر نالئادولته دار مهمه مشورتلری اقتصا ایلمد که کند و

دائرة سنده اولان طرف کیرلر بله مشورت و تلر ابله مذاکره و مکالمه وانلرک
رأی و ندبیرلر بله مباشرت ابدوب شاهمزک دائرة سنده اولان رجال دولتی
مشورته اذ خال تیمیوب دانشمیوب قطعاً مورد دولته فارسندرمیوب حجر
و شجر مقوله سی شاهمزک دائرة سی رجال و خدامنی تحقیر و تدلیلدن
خالی اولدی رابعاً تماماً ایران زمینده دائرة دولت شاهیده واقع مالک
اهلانی بر مرتبه طرفنه جذب و بند ابلش که شاهمزک بر خصوص ایچون
رقمی یعنی خطی و فرمانی اول دیان و ارسه اهل بسی اعتبار تیمیوب اعتماد
الدوله تعلیغنه یعنی مکتوبه رغبت و اعتبار و مضمونیه عمل ابدرلر خامسا
کنند و قیزلرینی و قیزلری و اغوللری قیزلرینی شاه دولتنده صاحب شان و نام
مناسب و مملکت متصرفی اولان خانلره تزویج طریقله طرفنه جذب
ابدوکی دماغنه اولان فساد بنی وقتنده اجرایه تحصیل مکنت ایچوندور
سادسا اعتماد الدوله سنی مذ هبدر ازکی طایفه لرینده معیندر و حالاً
طایفه مرقومه نك عصیان و طغیان ای اعتماد الدوله نك رأی و ندبیر بله در
دبد که بودر و غه فروغ و یرمک ایچون مهریله مهور بر قطعه مکتوب
ابرا ابدوب سز که ازکی بکلری سز خوف و اندیشه ده اولمیوب همان
شرواندن حرکت و روان قلعه سنه کنججه واقع یرلری ائخذ و ضبطه
مبادرت ابدوب سز بنم قرداشم اوغلی روانده خاندن بو خصوص کند و سنه
افاده اولنش اغماض العین ابدوب اوزر یکره عسکر کوندرمیه دیوتنیه
اولنش مضمون مکتوب بوسه یاق اوزنه تحریر اولنش ابدی سابقا قرداشی
اوغللری هنوز صغیر و نارسیده اوغلنچقلر ایکن انلره خانلق و یروب
بر سر حدده والی نصب ابدی نامنا انشته سی لطفی علی حافی مسکت

امامی

۴۲ نامی اوزرینه شرفسگر نصب ایدوب بوجه سسگر ندرک اولش
و پورتقالدن سفینه لر کلوب بحرینه نقل ابله تخلیصی حد امکانه اولش
ایکن نه بحرینه کچدی ونه کرماندن اغوانلری تعقب ایدوب قندهان
کتدی انلاق خزینه دن غیره مملکت شاهی بی نهب وغارت ایتدردوب
خراب ایلدی و کندی طرف کیرلری اولانلرک چفته ملکری صیانت ایدوب
شاه دازه سنده اولانلرک اموال وارزاقلرینه تعرض ایلدی بوندن
ظاهر اولان بودرکه بر جانبدن مسکت امامی بر جانبدن ازکی و بر جانبدن
اغوان ممالک شاهی یه اعتماد الدوله رأیله استیلا ایدوب کندوسی
تمشبت مافی الضمیرینه فرصت یاب وانلر ابله متفق و متحد اوله تاسعا
اعتماد الدوله نیک بوکونه افراط اوزن کندویه مخصوص خزینه جمعنه
باعث و حالابو یابده کمال اهتمام و حرصنه یادی نه درالان انواع جواهر
والتون وکمش الات و اوادان و ذی قیم اسباب و اشیا و امتعه بی حسابدن
غیری طقوز یوزیمک تومانی مجاوز تقود خزینه سنده موجوددور
دبدکه مواد مرقومه اعتماد الدوله نیک مواجهه سنده تقریر و قلمه اندکده
شاه اعتماد الدوله یه خطاب ایدوب بونلره دائر جوابلک ارایسه سن دخی
فراد افراد ایان ابله سکاذن شاهانم درکار دراشیدلم واقعیدور
یلهلم دبدکه اعتماد الدوله قیام ایدوب تمهید کلام ابله بوکونه تقریره
انغاز ایلدی بنم شاه حمجام مرجت کستم افندم سلطنتم حضرتلری چون
لوات شاهانه لری واقع حاله اطلاع تحصیل وحقه باطلی بلنکده علم
حاصل و هر فردک حالی حسن و قبحی ظاهر و اشکار اولوب معلوم علم
هالم زاری بیور لایق چون بوقوللر بی سو پلنکه تعلق ایلدی نچون دبدکه

جهان بینلری چیقارمزدن اول نبی سو پلئدی بکزا اعدای بدخواه لری یک
 کاذیب و اراجیف و تزویرات صریح لری نه بوندن بویله و قوف حاصل
 ایلدیغ کز بو قوللری نه نه فانه یده و یرر بور سو ایلغله زنده اولمقدن
 شمشیر شاهیدن قتل اولمق بکا نسبت اولی و ارزوی دل و دروغند
 باعث حقارت مجر د شاهمه اولان صداقت و استقامتدر یوزیمه سو یلنن
 سوزلر با جمله کذب صریحدر حیلله و بهتان و افک و افترا دن عبارتند
 بیان شروع ایلسم حیلله لری عیان و خدمات شاهیده طریق استقامتدن
 زن مقداری عدم انحراف نمایان اولمق مقرر در انحق خوفم بودر که شاهم
 واقف قضیه اولمق ندامت المنه ک رفتار اولمق ابله معذب ورنجیده
 خاطر اوله سوز و بو بنده کزی دخی قتلدن کف پدا بدوب بو حال
 ملامت اشتمال اوزن نبی حیاته قویه سز دیو کفتار ملالت اثار بسطنده
 ایکن ماده متعلق جوابک و ارایسه انی کون لم دیو شاه جانبندن
 عتاب امیز خطاب صادر اولمغله اعتماد الدوله بیان کذب ماده عطف
 لسان ابلدی الجواب عن جانب اعتماد الدوله جواب اول شاه سلیمان
 قبری ماده ستمه دائر شاهم دولت شاهیده اعتماد الدوله اولانلر
 زیارت قبور مراد ابلد کلرنده معتاد قدیم اوزن با جمله قیو و خلق لری ابله
 معاکیدوب زیارت ابله کلمش لردر بو قول کز ارایسه زیارته وارد کده
 قیو خلقیدن غیر یی نجه نجه رجال دولت و علما و صاحب معیتلر ابله
 کیتدیکم جمله یه معلوم قبره فار شوشتم امیز کلام ناشاپسته می چون بو
 شخصندن غیر یی کسنه اشتمدی و اول دخی شقاونی سببیه بوندن اقدم
 تا دپ و قیومدن قوولمش اولوب بویله بر شقی مفسدک خبر واحدی

۱۹۳ اعتماد سزا سندا اولورمی ائصاف بیور بله حضور شاهید برفاج دکنک
 ابله تخویف بیورلسون در حال کذب و کیملرک تحریک و اغواسی
 اولدوغی غایبان اولور جواب ثانی بنم مهرم ابله شاهمک خلافتنه اولان
 مکتوب ساخته در زیر معلوم مکزدرکه برچه زماندن برود و تیزده پیدا
 اولان ساخته جیلر فرمان و مکتوب و سکه دخی یا پوب تقلید ابدرلر
 ونجه لری قتل وانوب بالکلیه استیصال ممکن اولدی ونه بک التوتنه
 تقلید ابدوب حضور بکزه کتورلدوکی وقتده تشخیص و تمیزده عاجز
 قالمش ابدک بنم مهرجه تقلید لری خوشر بوندن اسهلدر یازی بنم
 دکدر معلوم مکزدر بوندن قطع نظر مکتوبده یازلمش که تاریخ مکتوبک
 ابرتسی کونی کجه سی اوج بیک دم ابله کلوب شاهک سرانی بصبه سز
 هدود عثمانیه جوارنده ساکن اکر ادبکلری هر نه مرتبه ده سرعت و عجله
 ایلسه لر اون بش کونده طهرانه کلدری حدامکانده دکدر وشاهک
 سرانی بصبق اوج بیک ادمک ایشی دکدر و بن دخی بونلردن خمیر
 اولوب ندارک اوزن اولوق کرک ایدم مع هذا که اول کون قوریچی
 یاسینک نبی اخذ ایلدوکی کون اولوب بردر اولوند اربکه اولدم و حرمدن
 طشره چقیمدم العیاذ بالله بنده بوملعت اولمش اولسه وعدولر بیک
 ادعاسنه کون انشم لطفی علی خانیه بوفسادده یک دل یولنش
 اولسم خان مرقوم بونجه مهیا عسکر بله قرب وجوار اصفهانده حاضر
 ابلکن اکر اده مراجعت نه لازم ابدی حقیقتی بملک مراد بکزیسه مکتوبی
 سزه ویرندن سوال اولانسون کیمدن لمش ونه طر بقله انه کیرمش
 قفتش بیورلسون غورینه بو طر بقله واقفا اولورسکر بعده واقع حال

بلنوب مکر اعتماد الدوله برکون کیفه مغلوب ایکن خلافتنه اولانلرک
 تهر یکی و بر مبلغ آنچه و یرمه لر یله مقرب و محرمی اولان خدمتکارلرینک
 بری مهرینی قوی نندن چقاروب بر یکی بیاض کاغدمهر لیوب اللرینه
 و یرمش لا حقه خفی اولیمه که عجم دولتنده قانون قدیم اوزن اعتماد الدوله
 اولانلر با جمله اموره مستقلار اولیوب کندولرینه مفوض اولان
 دائره دولتنده واقع ممالک اها لسنک اموری و دعوا و نزاعلرینک
 فصل و تمین ی و سایر مملکت اموری نه و ارایسه بونلره سپارش اولنوب
 امور سائر هی وضع بد ابد مزملر مکر که شاه طرفندن کندولرینه اول
 ایشلرک کورلمه سی تمینیه اولنه سفرلر اموری ایاچیلرک خصوصی
 سرعسکرلرک عزل و نصبی قطع حدود احوالی و بونلرک امثال اموری
 بالذات شاهلر کوروب رأ بلرینه موقوفه در و اوتدن برور سم قدیلری
 بو ایکن بعضی شاهلر کند و ذوق در احتلری قیدنده اولوب با جمله اموری
 اعتماد الدوله اولانلره سپارش ابلک دخی واقع اولغله شاه حسین دخی
 بونلره قیاس ابله با جمله امور دولتی اعتماد الدوله سنه سپارش ابدوب
 کندوسی ذوق و راحتته مشغول اولمش ابدی و فی الواقع اعتماد الدوله
 شاهک صادق بنده سی و هر حاله خیر خواه دولتی اولوب با جمله
 امورنده اعتماد سز بر مرد کامل ابدی بناء علی هذا جواب ثالث تقریرینه
 بو یوزدن شروع ابلدی شام کندویه مخصوص اموری بنده لرینه
 سپارش ابلده کی زماندن برو شاهک دائره سنده اولان رجال و خدام و
 مقر بین حسد و عداوت ایدب اموردولتی کندومه مخصوص معتدلریم
 ایلدند اگر هی محتاج اولمش ایدم شاه دائره سنده اولانلری هر چند که امور

۴۴ مهمه مذ اگره شنه ادخال ایلش اولدم هر حاله بکار غماحتن رأی وتدیبری
قبول ایتیموب دولتک فایده و ضرر بنی ارامیوب کندولری نفسانیت
ایله قضایانک عکسی ظهورینه جدوا هتتام ایدرلردی و بوجه شاهمه
معلومدر دیوب بر نجه مواد بیان ایلدی جواب رابع مالک شاهیدن
برملکته شاهک رقی یعنی فرمانی وارد قده مضمونیه عمله اهتمام اولتیموب
خلقک امر شاهی بی رینه کتور مکده نکاسل و تهاونه جسار نلرینه
سبب و بنم مکتوبیم وارد قده بلاعت و بهانه مراد اولنان خصوصک
تمشپتنه جان و یاشیله اقدام و اهتمام ایلدکر یینه باعث بودر که طرفدن
وارن مکتوب مضمونیه عملده اهمال و مسامحه ایلد کلمری چندده عندمه
شفاعت و عذرو عالت و هدایا و رشوت بر درلو قبول اولتیموب امریه
مخالف بولندقلرنده لاجله قتل اولجقلمر بنی یقیمتا بلوب و برطر یقیمه
نجات بولمیه جقلمر بنی ادراک و اذعان ایلش لر ایدی شاهمک دایره سننده
اولانلر ایسه هر بری علی حاله بر شاهدر نفع و ضرر عالم و شان و ناموس
دولت نه ایدو کفی فهم ایتیموب و ارامیوب مجرد کندو فایده لر ی طبعیه
بوکون شاهدن بر مهم ایچون صادر اولان امره یارین مخالف امر اصدار بله
کندولرندن خوف رفع و زایل و شاهی باطل و عاطل لکن ظاهرده
مصنوع و صورتامزین اکاذیب و اراجیف کفتار لر بله خطا و غلطه سوق
ایدرلردی جواب خامس شاهم اعتماد الدوله قیزلر بنی صاحب نام
وشان خانلره تزویج ایلدی دبد کلمری واقع حالدر وزیرا شاهمک ایام
دولتنده قیزلری همکفلری اولیان نا جنس فرومایه لره ویرمک ر و امیدر
بوندن قطع نظر شاهمک دشمنلرینه ویرمیوب خدمات دولتده

خاندان شاه جمجاهه خلوص و صداقت ايله ابا عن جد مجرب الاطوار
 مدوح الاحوال قدیمی امکدارلر بکره قیزویرد بکم محل اتهام میدرانلرک بری
 شاهک قوللری اغاسی رسم ثانی رسم میرزادرکه خدمات دولتکنزده
 خلوص و استقامت ايله شهرت بولمشدرو بری دخی محمدقولی خان درکه
 حالاشهر شهیراصفهانده قائم مقام اولوب دولت صفویه نیک خیراندیشی
 و بودوات علیه نیک غیر نکشی شاهک مقبول و معتبر صداقت پرورقولی
 اولدوغندن حالا بوبنده لرینک اموال و اشیاسی صبط و تحریرینه
 مأمور بیورمشلردرو بونلردولت شاهیده عالی قدر و منزلتله ایلکن
 نه انکه شاهک خاطری بلکه قدیمی مغیر اولدوغنه دخی جوازویره لر
 جواب سادس شاهم بنم سنی مذهب اولوب لزیکی الاصل اولدوغم
 جمله یه معلوم و دولت شاهیده سنی قوللری حددن بیروندر جمله من
 صدق و خلوص اوزن شاهک استقامت پرور قوللر بیوزو هیچ بروقت
 و حالده ذن دکلوخیمانمز وقوع بولیبوب مسجوع اولما مشدر طرفدن
 اولمق اوزن لزیکی بکلرینه یاز بلوب مهرم ايله هم مور مکتوب دخی ساخته در
 مضمونی تزویر و بهتان و افک و افترا در اعمالدوله نصب اولندوغندن
 لزیکی طابغه لر بنی عصیان اوزن بولدم طواپف مرقومه نهایت ممالک
 ایرانده کوه البرزکی جبال رفیع التلال صعب المرور دشوار الوصره
 ساکن اولملر ايله انلرک صبطور بطی لاجرم حسن ندبیر ايله گاه قهر و گاه
 استمالت طریقنه موقوف اولوب اسلاف ذوالابصار بکز زمانلرنده
 انلره قار شوح و دلرده برقاچ بیک مرتب جنگجوی عسکر حاضر و آماده
 طور دقلرندن ماعد اشاه عباس انلره خزینه دن سنه ده بیک بد بیوز

تومان

تومان آنچه تعیین ابدوب کند و مملکت لرینی نه کند و لر بله ضبط ایندردب ۴۰
واقضما ابلد کچه بو تقر ببله طرف اخره دخی بر مقدار عسکر ببله مدادیزه
حاضر اولور لردی الحاله هذه كرك اول سرحد عسکر ينك ملوفه لری
و كرك لركيلرك آنچه سی بهر سنه خزینه شاهیدن اخراج اولند و غی
معلوم کزدر لکن اول آنچه محلنه وارمیوب شاهك دائره سی رجالی
پنلرنده تقسیم اولند و غی دخی معلوم کز اولسون طوایف مزبور نك
سبب عصیان لری بود رسنیلك تقر ببله بنم ابله اتحاده دأرد عواری اولسه
کچن سنه تا دیپلری مراد اولنوب لوزر لینه ککوندیر لان عسکرده
سر عسکر اولان لوزر ندشم اوغلی قتل ایتمز لردی و اول اثناده عصیانی
ارنکلب ابدن طاغستان بکلر ينك رجال ببله شمخال بکدن اباجی کابوب
مومی الیه شمخال اطاعتمز دن رو ککردان اولما مغله طوایف مر قومه ابله
صلح و صلاح عقیدینه توسط و جرملری عفو اولنوب رای کاغذ لری
و یرلك نیازنده اولمشلر ابدی لکن بو خصص دخی ساخته و ککند و
مصاحتلری ایچون حیلله و خدعه یه مبنی ابدی زیر اوختان خان کورجستان
والپسی بولنوب طوایف لركی ايسه عادت مسمره لری اوزنه کورجستانی
نهب و غارتدن بران خالی اولمیوب عاقبت بالجمله کورجستان خلقي اتفاق
ونفیر عام اولوب هنکام شتاده لركيلر طاغلردن زلری احیانده وختان
خان رای و تدبیری اوزده الشمس تمش ييك مقداری عسکر لركيلر اوزرینه
وارمغه حاضر و اماده اولد قلرینی لركيلر خبر الدقه بوغا ببله یی دفع ایچون
صورتا صاحبه رغبت و رایه طلب کوستر مشلر ابدی وختان خان دخی
وارقوئيله تدارك کوروب حاضر و اماده و مباشرت اوزن اولدوغن

حضور بکزه عرض و اعلام ابلد کدر جالد دولت مشاؤون ابدوب فی الواقع
 وختان خان صرف مقدور بله طاغستانه طفر بولوب اخذ و ضبط
 اید جک اولورسه اندن محلی اولان ضرر روزیان لزیکیلرک ضررندن
 اشدر زیرابونجه ممالک ضبطنه کیروب مسقوابله همجوار اولورادنا
 بهانه ابله طرف دولت شاهیدن رنجیده خاطر قلنسه اطاعتدن چاقوب
 هم این وهم مذهبی اولان مسقوکفره سیدله یکدل ویک جهت دولت
 شاهی بی اتعاب ابللری مقرر دو مثلوترهات وصفری وکبری دنصکره
 منلاباشی و حکیم باشی الصالح خیردیوب اباچی دخی کلمش طالب اولمش
 بولمغله صاحبه جواز ودر عقب چپار ابله طاغستانونک رای کاغذ لری
 ارسال و وختان طرفنه دخی اید وشد برف رقم یاز بلوب مضمونده سنکه
 وختان خان کورجستان والیدی سن رقم شاهی سکا ووصول بولدوغی
 برله طاغستان سفرندن فراغت و بر بهانه ابله اول جانبه هر جتدن کف
 عنان عزیت ابدوب زینهار و زینهار رقم وصولنده ائنه سوار اولمش
 بولندک ايسه اتندن ایتد سن یولده بولند یغک تقدیرده در حال رجعت
 و مقابله ده بولند و غک تقدیرده دخی شمشیر بکی نیامنه ادخال اید سن
 ولز کله بردر لور رنجیده به جز لوز کوستر میه سن زیر طرف شاهیدن اول
 طوا یغه رای ویرلشد ردیور یاز بلوب چپار ابله کمال سرعت اوزنه ارسال
 اولمش ایدی وختان خان واقف احوال اولمحق بوکونه ندارک ابله
 فرصت فوت اولدوغندن منکسر خاطر عظیم تا سنف ابله بردخی عجم
 شاهلرینک دشمنلرینه قلیچ چکمیبه جکنه علی ملاء الناس بین ابلدی
 وفی الواقع میینده صادق اولوب من بعد شاهلره خدمت ایتدی اوزین جانب

شمخالک

۴۶ شمخالك اپاستى راي كاغدلر بنى الوب طهر اندن طاغستانه روان اولدى
برنجه مدت مرورنده سائر قبایل بکلر ندن دخی اچیلر کلوب شاه عباسک
قانونی اوزن وجه معاشر بنی طلب ابلد کلرند نورو سلطانده
دیوان عیدده طقسان دورت قبایل بکلر ینک اچیلری صره لر بنی و رای
کاغدلر بنی الوب کتد پلر جواب سابع قرند اشلم اوغلر ینه صغیر لرایکن
خانلق و یروب بر منسوبه کوندردیغم واقعدو خانلق قانون دولت اوزن
مخازاده لره طرف شاهیدن احسان اولنه کلشدر نیم بدغم دکلدو
منسوبلر ینه کتد کلرند یانلر ینه عاقل ومدبر کتخد الر تعیین ابدوب
ظلم وتعد الر ندن و ناهموار حرکة کلر ندن توانه کلجه شکایت ایتش بر فرد
دخی یوقدر جواب نامن انشتم لطفی علی خان سرعسکر اولوب بحرین
جزیره سنه کچمدی ومسکت امامیله مقابل اولدی زیر شاه عباس
کوننده پورتقالک اخذ وضبط ابلدو کی یلر یزی ردومن ملاحظه سیله
انکلیز وفلمنک سفینه لری ابله پورتقال اوزر ینه سفر اولنوب پورتقال
غالب کلکلده قبضه تصرفنده اولان یلر یزی ردومن بعددو یادن مرور
و عبور ابدن تجار یزه تعدی ایلماک ایچون سنه بسنه خز بنه دن بیک
بشیوز تومان اچه ویرلک اوزن معاهده اولنوب بزم وقمزه کلجه و بزم
زماخزده دخی بر قاج سنه لک صره لری ویرلدی کوه و دیوقمودانلر پنه
خبر کوندروب کفایت مقدار سفاین رجا ابلدیکزده اجرت و صره لر پنک
بقیه سن طلب ابدوب طرفردن دخی وعد اولنغله عهد و فایرله بلاعوق
وتأخیر دونما کوندرد پلر اجاره لری وبقیه صره لری خز بنه دن
فراز و اخراج اولنوب دائرة شاهیده اولان رجال معتاد لری اوزن

خلافتنه ذاهب و دلائل و برهانلر ایراد ایدوب مبلغ مرقومک اصغهانندن
 چقمه سنی مناسب کور میوب شاهه منع ایتدر دپلر پورتقال دو نتماسی
 واقف قضیه اولیحقی خدمتدن روگردان اولوب یئرلر بنه عودت ایلد پلر
 شاهم خز بنه دن چقان اچمه محلنه واصل اولماز پورتقال دو نتماسی
 دفتر لر بنه نظر بیورد ائره کرجالی پینلرنده فی دخی تقسیم ایدوب اکل و بلع
 ایلد ککری فی الحال معلومک اولور لطفی علی خان سفینه سز بحر بنه
 کچمک ممکن اولدی کرمانه سرعت ایدوب میر مجودی بوزدی و قوودی
 کرمان یولیه تعقب ایلک حد امکانه اولدی بریه و چول اولوب چوق
 مهماته محتاج ایدی بو ملاحظه ایله شیراز دن معمور یول ایله کتک مراد
 ایلدی عسکره علوفه و زاد و ذخیره و مهمات سفریه مصرفی ویرلمکه
 رجالک مانع اولوب عسکر بولدوغی یردن المنه مجبور اولدی اعانتلری
 ایچون بن دخی مالمدن اوج بیگ دوه بوکی پرنج کوندر مش ایدم جواب
 تاسع ایام دولت شاهیده وافر خز بنم وارد ابا عن جد خان زاده خان
 اولوب اقربا و تعلقاتدن ارثیه و شاهم امور عظامی بو قولار بنه سپارش
 بیور مغله وافر خز بنه یه مالک اولدم انجق ظلم و جمر ابر فردک حقن
 المدم و کندی دن کسنه بی شکایت ایتدر مدم دبو مواد مذکور بی وجه
 مشروح اوزن اعتماد الدوله تقریر و شاه سکوت معامله سیله دقت اوزن
 استماع ایدوب حقیقت حاله واقف اولدی کندویه ندامت و پشیمانی
 ال و یروب کوزلرندن یاش باران کبی دو کیلوب سیلان اولدی صداقت
 و خلوصنی در خاطر ایدوب رقت قلب ال ویردی لصلحه دیواندن قلقوب
 عجاله دفع مجلس ایلدی فی الواقع دولت شاهیده بو بله بر کاملی صاحب

رای

۴۷ رأی شریف محمد بن محمد بن ابی بونک دخی حالی بوبله اولیحق افتاب
دولت شاهان قریب غروب ایدوکی تقدیریزدان ظاهر و اشکار اولدی
شاه حسین بی چار نان و نعمتیه پرورده قلدیکی خدام خذلان انجام
شرر پنه اوغرادوغنی یقینا بلدی و بالجمله دعوا و زاعلمی اغراض فاسده دن
کنایه و افک و افترا دن عبارت ایدوکنی بالمشاهده اذعان یادی و باعث
فساد اولنلرک حقلرندن کلنوب جزاری ترتیب اولنمقد جان و دلدن
سعی و اهتمام قلدی و من بعد اعتماد الدوله بی ینه بو حالیه خدمتنده
استخدام و بالجمله امورنده استقلال و یرمک مراد ایلدی لکن گروه
ضاله قوی الاتفاق اولوب شاهک مقصودینی لغو و ابطال ایچون پنه
براهین ابراز و سند ات و دلائل احراز ایدوب نه مفسد لک جزاسی
ترتیبی ممکن و نه اعتماد الدوله نیک مقام اولده قیامنه تایل و نه کندو
ولا پنده کوشه و حدتده ابروایه راضی اولوب بالاخره شیرازه نغی
و کوز جیسنده اولوب هیچ بیکنانه دن برفرد یا ننه وار مامق و سو پلشمامک
اوزن اجلا و یومیه اللی تومان اچیه ابله متقاعد اولدی بعده میرمخود
اصفهان و وصول بولدوغنی برله اغوانلره وصول مپسر اولسون دیو
قزلباشلر زهرلیوب قتل ایلدی لر اعتماد الدوله شیرازه نغی اولند قدده
داماد لری اولان میرزار ستم و محمد قولی خاز شاهک مرغوب و مقبول
الاطوار قوللری بو انغله عرض و ماللر پنه و منسو بلر پنه تعرض اولنمیوب
سائر ارباب اسنشان سنک اموال و اشیا لری بصادره و کندولری حبس
و مناسب لری دپکرانه توجیه و کاه اطلاق و مال و منال لری رد اولنوب
انجامنده مناسب طلبیدن و موردن یا اکلیه کف بد ایللری شرطیه

گوشه از واکند زینه مقام استقرار تعیین اولندی بیان کردن احوال لطفی
 علی خان خان مرقوم اصفهانده حبس اینک علیل المزاج اولدی شاه
 طرفندن مخصوص طبیب تعیین اولنوب نصیح مزاج ایلدوکی برله
 محاسبه سی کور بلوب عسکرک غارت ایلدوکی اموال و اشیا تضمین وولایندنه
 تقاعد فرمان اولندی لکن جهات اربعه ده اعدای دولت حرکت در
 مرقوم لطف علی خان رنجیده خاطر قلندیکی حسبیله انلرک بر بنه لاحق
 اولمق سوداسنده اولور احوالیله رجال دولت طشره کئسنه جواز
 ویرمیوب نینه اصفهانده اقامت ایلک اوزن کندوسنه تعیینات ویربلوب
 کوز حبسنده اولدی چوق کچمیوب اصفهان محاصره سی روخا اولوب
 بخت برکشته د ولتک احوالی مشتمد اولمق جمله نك اتفاقیه اغوان
 عسکر یله مقامته سپه سالار نصب و تعیین اولمق مراد اولندی وقت
 کچدی و عسکرک قلبینه خوف طاری اولدی بوند نصکره بو خدمتک
 عهده سندن کله م دیواعتدار و ماجرای ذکر و یاد و علت و بهانه
 ایلدوب بر طریقه قبول ایتمدی میر محمود خان مرقومک احوالنه واقف
 اولوب محبوس ایلدوکن بلش ایلدی اصفهانده ظفر یاب اولدوغی برله
 کتوردوب اکراملر ایلدی صاحب نام و شان اولغله خان مرقومدن
 اغوانیان زیاده خوف و وهم اوزن اولدقلرندن غیری ماوقع تقریبه
 شاه و رجالدن رنجیده خاطر اولمش بکاصداقت ایله خدمت ایلدی
 ملاحظه سیله میر محمود خدمتده استخدا لم مراد ایلدی بو جمله برله نینه
 اجناسی قزلباشلره میل و رغبتی غالب و طهماسبیه وصوله تشنه اولغله
 برکون اصفهاندن فرار ایلدی در حال میر محمود آگاه اولوب منادیلر

ند ابتدا در بد و عهد و وعید را بپله اخذ نینه تقید تا هر ابد و بد آخر کار حوار
۴۸ اصفهانند بن اصفهان نام قصبه ده قزلباش طوطوب اظهار صد اقت کاذبه
و ملاحظه انعام سو قیله کشان و کشان قید و نید ابله میر محمود ک حضور نینه
کتوردیلر اول دخی امان و یرمیوب قتل و لاشه سن دورت شق ابد و بد
دورت یول اغزل نینه براغوب اغوانیان کورد کده شرنندن امین اولد بیلر انجق
مقتول مر قومک او علی طهما سب ابله معاف را ابد و بد بر زمان یا تنده شهرت
بولمش ابدی غفلت اولنیه که اقطار شرقیه ده واقع بمالک و بلاد و قری
اول جوانب بریه لر نده ممکن اجناس ناس و قبا ایل و عشایر و سائر طوایف
مختلفه خلقی خلقت و جبلت لری مقتضا سنجه اقطار غربیه ده ساکن
و ممکن اولان اجناس ناسه خوریز لقمه و غدر و ظلم و جورده بالطبع
غالب لرو غایت ابله بی رحم و بی مروت ظالم و غدار لر در جنکیز خانک بمالک
ماوراء النهره استیلا سی و هلاک و خانک خلفاء عباسیه دو اتنه
غلبه سی و نیمورک زمین ایران و غیر ییه تغلبی حد و حسابدن بیرون
نفوس بشرک تلغنه بادی اولد و غی بوکا کافی دلیلدر عجم دولتته دخی
عجم دوائی خلقی همان بونلره قیاس ظلم و غدر و شقاق اوزن مجعول اولوب
کرک اعتماد الدوله فتح علی خان و کرک انشته سی لطفی علی خان سرکشتم لری
مجرد عجب لری زور ائی اولد و غندن ناشی بو قدر ابله ترتیب جزا لنده اکتفا
اولمش ابدی و الاحقار نده ساخته قلند قلمی تر ویراتک ذن مقداری
هجم اولمش اولسه نه انکه قوم پی رحم قزلباش مر قوم لری حیانه
قویه بلکه اشده عقوبت ابله قتلدن غیر ی اولاد و انسا بلرینی دخی معتاد
ناشایسته لری مقتضا سنجه خلاق طبایع ملل عالم استیصال ابد لر دی
وانلردن بر فرد قوم از لر دی نیمه در بیان بقیه احوال لطفی علی خان بالاده

اوزن وقتا که سر عسکر لطفی علی خان شیراز دن اصفهانه احضار اولنوب
حبس اولندی شیراز جانبنده اولان طوایف عسکر اشیدوب مهیر
اواد پلر نه کندولر بنه باش بوغ اولمق ایچون د بکر سر عسکر کوندرلدی
ونه زادو ذخیره و علوفه لر بنه دایر امرار صادر اولدی کندولری من بعد
ته بوزدن حرکت ویاسکونت ونه ایشه مباشرت اید اچکری نی مشعر
بر کاغد وارد اولدی بر مدت انتظار یله بعضیلری وهمه تابع اولوب فران
یوز طوتد پلر عاقبت اعتماد الدوله فتح علی خاتک دخی احوالی معلوم
و مسموعلری اولمق و عسکره صاحب چقار کسنه بولنمد بغندن جمله سی
پر پشان اولد پلر باش سز بوغ سز مرور و عمور ایلد کاری ولا پلری یقرق
بقارق چقوب کتد پلر عسکرک بالمله پر پشان اولدوغن اصفهانده رجال
دولت استماع ایلد که حظ ایدوب ممنون اولد پلر زی بر اراج کون
اول عسکر لری خصوصی پینلر نه مشاؤون اولنوب بعضیلری سر عسکر
کوندر بلوب علوفه لری و تعییناتلری ویریلوب کله چک یاز ایچون
حاضر و آماده بولنله لرینی مناسب کوروب شاه دخی بورا یه تابع اولمش
ایدی لکن بنه شقاق و نفاقه عادتلرینی ترک ایتیموب بر بلوک رجال بو پله
رای و تدبیر ایتد پلر که اشیو ایام شتا حلول ایدنجه بو نجه عسکر
علی حاله فالوب بسلند بکی تقدیرده کز شتد علوفه لرینی وزاد
وذخیره لرینی و سائر هنکام شتاده محتاج اولد قلری حوایجلرینی طلب
ایدوب بو نجه مصارف اقتضا ایدر حال بو که کلچک یاز دخی بلکه
نجه زمان مرور بنه دکن عسکره احتیاجیمز اولماز بو پله اولنجه اتلاف
خز بنه دن غیر بر شیمه مو دی اولماز اغوان عسکر بری کرمانه منهرم
اولوب

۹۰ اولوب كئدى برنجه زمان ابقلنه مزخارى اغوانندن دخی راى طابى ایچون
اپاچی گاه جکدر لزی طابغه لینه جمله ترای ویرلدى وختان خانك دخی
عسکری طاغدی مسکت امامنه بر مقدار اچده ویرلکه بحرینی تخلیص
ایده رز بووجه اوزن سهوات ایله هر ایش وجوده کلور هاند پلر فساده
مباشر نلر نلرند چوق احتماللر ویرد پلر خیرلوم صاحبتر نلرند صرف زهن
دخی ایند پلر انجامنده اعتماد الدوله حقنده واقع قضا احتلری و سر عسکر
لطفی علی حانه اولان حقار نلری و وختانك دلکیر اولوب بین علیظ ایله
امداد لرندن چکله بکی حالی با خصوص عسکر لرنک بو گونه رسوا بلاق
ایله پریشان و پراکنده ورنجیده خاطر اولوب الان ممالک عجمه بریده
حاضر و موجود عسکر اولدوغن جوانب اربعه ده اعدای دولت لری
خبر الدقلری کی بو فرصتی کندولرینه غنیمت عظامه اید پلر شاه ورجاله
اولمش اوله جق همان بزا پیشیزی کون لم دبد پلر فعلی هذا طاغستانه
واقع طوایف از کیان بکلری بری برلرینی تحریک و ترغیب و جنسمزدن
اولان اعتماد الدوله نك قزلباشلر زه رغا اصلى ازکی و مذهبی سنی اولدوغیچو
کوزلرین چقارد پلر دیوتهو یچ و تحریک فننه ایدرک بر تاج کون ایچنده بر عظیم
جمعیت پیدا ایتد پلر اول بهار اولدوغی برله عجم مملکتلرینه اقین ایندوب
نجه نجه برلرینی غارت ایتد پلر عجمک مدافعه ده اقتداری اولدوغن
حس ایتد کلری کی اتفاق اوزن شروان اوزرینه هجوم و دارملکی اولان
شماخی شهرینی اخذ و ضبط ایندب قار شورلرینه چقان قزلباش عسکری
قلیل و باش بوغ سز اولوب قلیچدن کچورد پلر میر محمد دخی شروان و شماخی
لر کپلر دن ضبط اولندوغنی استماع برله غیرت و حمت طبعنده حرکت

وکند و بیه عظیم قلب قوت حاصل اولوب رجال واعیان جمع و مشورت
 ایدوب اعتماد الدوله و سر عسکر لطفی علی خان عجم عسکر بیک پریشان
 اولدوغی حالی باخصوص لژکیلرک شروان اولکه سنی ضبط و حال اسائر
 عجم دیارینی نهیب و غارت مشغول اولدقلرین جمله یه عرض و افاده
 ایلدکه جمله نیک دروننده غیرت و حجت هیجان و حرکت ایدوب یکدل
 و یک جهت دیار عجمه اقبه رغبت و بوعز یتلرنده سرعت و مبادرت
 ایتدبلر وارقولرینی بازویه کتوروب عسکر جمع بر قاج کون ایچنده
تدارک رین کوروب حاضر و آماده اولدبلر بیان ظهور علامات سماویه
 وارضیه فی الدوله الصفویه بیک یوز اوتوز دررت سنه سنده خطه
 نبریزده عظیم زلزله واقع اولوب شهرک اکثری بناری منهدم اولدی و نجه
 زمان ممتد اولوب سکسن بیکدن زیاده نفوس بشریز زمین هلاکه
 متواری اولدوغنی شاهه عرض ایلدبلر اصفهان شهرنده ایام صیفه بلوت
 نادر کورلمش ایکن اول سنه ده اصفهان اوزرنده طومان و بلوت برکون
 اکسک اولدی کونش طلوع ایلدوکی وقتلرده افق اصفهان قان کی
 قزاروب کورینه وردی شاه حسین طهراندن اصفهان کلوب شهره کپردوکی
 کونده انش پانسی مثالو بر بلوت کندوسنی احاطه ایلر ایدی منجملری
 بو کونه علائم جوانب اصفهانده مثال انهار سیلان دم و وقوعه دلالتدر
دیو خبر ویرمشلر ایدی عزیت کردن میر محمود بجانب مملکت کرمان
 چون میر محمود ممالک ایرانه اقبین تدارکن کوردی شدت شتا و صوت
 سرمای بقمیوب صوب مقصودینه متوجه اولدی کرمان اولکه سنه
 واصل اولوب شهر کرمانی دخی محاصره ایلدی بر قاج کوند نصکره درون

شهرده

شهرده موجوداتش پرستان کرمان شهرنی ویره ابله میرمخوده تسلیم
 ابلد پلر لکن قزلیاشلر بناسی برمتین قلعه سی اولوب قلعه ده متانت
 وزاد و ذخیره لری و فرت اوزن بوانغله دروننده موجود اشکر قزلباش
 کمال کر میت ابله چنکه اقدام ایدر بچک قلعه فتح و تسخیری طول و دراز
 محاصره یه محتاج اید و کن اغوانیلر فهم و ادراک ایلر بله کندی احوال لری
 مشاوره دنصبره بر مقدار اغوان عسکرینی محاصره ده قویوب سائر لری
 هموز اصفهان غفلت اوزن ابلکن الغار ابدوب اطراف و اکنافی غارت ابلک
 اوزن قول و قرار ویرد پلر تا کم بوعز چیتلری حصول پذیر اولدقده کرمانه
 عودت ابدوب کرمان قلعه سی دخی اول مقدار زمان مرورینه دکن زاد
 و ذخیره لری فنا بولمق مضایقه سیله فتح و تسخیر اولنوب من بعد اغوانلر
 قندهان عودت ایتیموب بو صورت اوزن کندولرینه متانت و استحکام
 و باجمله اسباب سفریه لرینی انده ندرک و جمع ابدوب مراد ابلدکاری
 محارک نهب و غارتنه کرماندن مباشرت ایدر و کرمانی کندولرینه مرکز
 حصن و ملجا و مقر ابدینه لر دیونند بیر ایتد پلر پس کرمان شهرندن
 اصفهان شهرینه بکرمی بش قوناق مسافه اولوب وقتا که عجمک بریده
 موجود عسکر ی اولدوغنی و هنکام شتا اولغله عجمک دخی عسکر ندرکی
 بکن اولدوغنی میرمخود یقینا خیرالدی کرمان قلعه سی محافظه سنه
 کفایت مقداری عسکر قویوب کزیده و چاپک سوار عسکرینی انتخاب
 ایدوب اصفهان جوانینی نهب و غارت ابلک سودا سیله کرماندن سرعت
 و جانب اصفهان ره و برآه اولدی و خفی اولیه که میرمخود دیوندن اسبق سر
 عسکر لطفی علی خانه مغلوب اولوب منهر ما قندهان فرار ابلد کند نصبره

میرمرد قوم نچه زمان مرورینه دکن کرمانه کله جکنه عجم رجالی قطعا حمال
و ایرمدوکی کی میرمرد قوم دخی کرماندن اصفهانه کلوب اصفهانی قبضه
تصرفه کتورمک و عجم شاهنی طوتوب صاحب تاج و تحت اولق فکر
و ملاحظه سی میرمردک و اغواندن بر فردک خاطرینه دخی خطورایتش
بر معناد کل ابدی انجق میرمردک و بالجمله اغوانک مشاوان ابله صورت
افراغ ابلد کبری مقصود لری بو بله ابدی که ایام شتاده علی الغفله جوانب
اصفهانی غارت ابلد کبری تقدیرده اول اغوان عسکری غنیت عطیه
تحصیل ابد لر نایما ایام شتاده اطراف غارت ابلد کبری سببیه عجم خلقنک
قلوبینه نوعا خوف دوشوب کله جک یازین کرمانده اولان اغوان اوزرینه
عسکر کلندرکندن عاجز اولور لر و اغوانلر بو تقریبله فرجه بولوب
کرمانی الوب و قتیله ایمنلری محبوب قلعه یه لمق ممکن اوله و سائر استحکاملرینه
و عجم عسکری کلدوکی صورنده مقاومتته لازم اسباب ندرکیله اقتدار
حاصل و من بعد کرمانی کند و لرینه ملجا و مرجع ابدینوب محل
مزبور دن تشبث مافی الضمیر لرینه بو طریقیه سهولت حاصل ابد لر
و محل جمعیت لری و مقسم عسکر لری بوندن بو بله کرمان اولق اوزن اتفاق
واندن شیراز و لار و اصفهان جانبلر نی اقین ابله تضحیق ایلکی نصیم ابلشدر
ابدی عزیت کردن میرمرد از کرمان بجانب اصفهان و فرستادن خان
هویره از جانب شاه برای تجسس احوال میرمرد و خروج لشکر عجم از
شهر اصفهان میرمرد کرمانی محاصره ابلدوکی خبر سمع شاه و رجاله
لاحق اوله جق سکز بیک قزلباش عسکری ندرک اولنوب هویره
خانی کند و یه مخصوص بش بیک قزلباش عسکر بله کرمان طرف لرینه
کوند لر دی

۱۰
گویند رادی تا کم اولجوالیده بر مناسب محله مکث و کند ولرینی کرکی کی محافظه
ایله مقید اولوب اغوانلرک واقع حالن حقیقتیله تفتیش و تجسس ابدوب
اصفهانه عجاله بلدون و کندوسی اولجانبده توقف ابدوب اصفهاندن
کرکی کی مهمانله عسکر کثیر و رودینه مترقب و منتظر اوله هویزه خانیه عسکر
قزلباش عازم راه اولوب اثنای راهده میرمچودک عسکر کثیر ایله کرماندن
قالقوب شدت وصولت ایله جانب اصفهانه متوجه و وصول مرامه کمال
کر میت ایله صرف مقدورده ابدوکن خبر ایچق عسکر قزلباش مقاومتیه
واول حوالیده مکث و ارامه جرأت ابدو میوب بوخبر ایله رجعت و عجاله
اصفهانه کلوب واقع حالی بلدرد پلر تخریر و تدارک کردن عسکر در شهر
اصفهان برای مقابله بالشکر میرمچود بوخبر ملالت اثر شاه و رجال
و ناسک مسوعی اولیچق جمله یه عظیم وحشت و دهشت ال و یروب تغییر
اولد پلر و عجاله عسکر تدارکنی مراد ایلد پلر اکن جمله وهمه دوستوب چندان
عسکر یاز بلغه رغبت ایتمدیلر کورد پلر که ایش ایشدن چمکه قریب اولدی
خزینه دن وفرت اوزن لچه چقاروب اون کوز مقدار زمان ایچنده لچه
قونیه نفس اصفهاندن خپلی عسکر تدارک ایتدیلر و عجاله اوزن اصفهاندن
چقوب دورت ساءتلك مسافه دهه واقع کلنا باد نام قریه دهه قونوب
اوردولرینی قورد پلر اعتماد اوله قرق اللی بیلك عسکر و هویزه خانی
دخی و افر عسکر تدارک ابدوب برکروه عظیم اولد پلر نجه نجه خانلر و بکلر
وسردار و ضابطلر جمله سی معاشمت عظیمه ایله اصفهاندن چقوب بره میت
دهشت غا اولد پلر کثرت و فر تلیرینه الد انوب عظیم غرور ایله مغرور و بو
حال اوزن اغوان عسکرینک قد و منه اشتیاق لرا ظهار ابدوب منتظر

اولدیلر و عجم عسکرندن برفردانهزام احتمالن ویرم برب مسافه بعینه دن
کلیش تعب طریق ابله زده لشمش عشائر و قیابلدن مجتمع عسکر عجمک
توانادنج ذوبأس شدید عسکر جنک جو بیله مقاومت قدرت نه احتمالدر
واغواندن برفرده پنجه زور یزدن سلامت ورهانه مکندر دپوینترند
شاعرانه وادبلیرونکته امیزابیات و اشعار کفتاری رایج اولوب حتی
هویزه خانی شاهم میرمخودی دیری طوتوب اول نابکاری کشان کشان
حضورینه کتونیم قندهار سمتنه قاجسه قاجه مر عثمانلویه فرار مراد
ایلسه دخی تازی سواران عرب تعقیب ابدوب المذن خلاص اولمازدیو
وا فرلاف کزاف سو بلش ایدی قدوم لشکر میرمخود در جوار اصفهان
ومشاوون کردن رجال عجم برای مقابله بالشکر اغوانیان ایکی کوند نصکره
میرمخود عسکر بله کلوب عجم آورد و سنه قارشو بر ساعتک مسافه مقداری
یرده عسکرینی قوندوروب آورد و سنی قوردی عجم عسکرینی روساسی
مشور تلزایتد بلر چون عسکر تدبیری اعتماد الدوله یه وهویزه خانه
سپارش اولشمش ایدی حرکته بری برلرینه مخالفت اوزن اولد بلر
بعضیلمری مترسلر یا پالم اطرافزه استحکام ویرهلم ککند و مز اغوان
اوزر پنه کئیوب انلرک کلسنه مترقب اولهلم و اگر اغوان عسکرینی اوزر پنه
کئیوب اصفهان شهرینه واز متق قیند نه اولورسه بز عسکر بله تعقب
ابدوب اصفهانلرودخی قارشو چقوب ما مولدر که ایش اسان اوله
والحاصل بزه توقف مناسب نام طشره دن امداد بیز کلوب بر طر بقله
اغوانلری قوشادوب بر محله محصور اید و زوبوبله اولد قدره ذخیره لر پنه
از مدته قلمت کلوب کسه لر نه واقع جکدری دخی سده بکند ابدیوب

برفرد

۵۲ برفرد الیزدن خلاص اولمیه بعضی بوند بیره قایل اولیوب نام شان
کسی دعوا سنه دوستدیلر بو بله باغی هندی خزانلرینه قارشو مترسه
کرمک قدیدن برو عالمه متوار شهر تیزی محو و لغو ایتمکدرو عرض و ناموس
دولتی اضمحلالدر اچقدن بونلرک اوزرینه واروب عسکر جنک جو یز
جمله و هجومه بو کونه عسکرک مقاومته اقتدارینه احتمالدر ما مولدرکه
همان وهله اولاده لشکر دریا خرو شیزیک حرکتی کوروب قراری فران
تبدیل ایلر لوکابکاری بولی بوله میملر مقابله کردن لشکر عجم بالشکر
اغوان وانهرام شدن لشکر عجم بوند بیرک اربابی غالب اولغله بوجه اوزن
حرکتته میل و رغبت ایلدوب همان منجملر بر شرف ساعت تعیین
ایلسونلر دیو خبر کوندر دپلر انلر دخی بازار کونی وقت ظهرده جنک
مبارکدر دیو عرض ایلدیلر بو اثناده طشره دن بر مقدار عجم عسکری
امداده کلیمور دیو خبر کلش ایدی انک دخی ورودینه توقف مناسب
کور لمیوب و نام و شانده انلر ایلر ایلر شرکته جواز و یلمیوب وقت معینه
دخی فوت اولمیه دبو یوم معهودده اوبله دن بر ساعت اول قوللر اغاسی
اولان میرازر ستم قولندن اغوانلر جمله اولنوب جنکه مباشرت اولندی
مرفوم میرزار ستم نقسنده شجیع و بهادر اولوب یاتنه مأمور قزلباش
عسکری و قپو خلقندن غیری دور تیوز کوز بده منتخب کورچی عسکری
اولوب جمله دن اول اغوانک بر جانی اوزن هجومه اقدام ایلدی علی مردان
خان دخی بشیوز کندویه مخصوص کز بده عسکری و سائر میر بدن
تحریر اولنان عسکر ایله و سائر خانان و میران و ضابطان قول قول
جمله ده سرعت و مبادرت ایلدوب ناره قتل شدت اوزن اشتعال بولوب

عجم عسکری مبادی حربیه بر مرتبه ده سعی و کوشش قلند پلر که اغوان
 عسکرینک بر جناحی از محلاله قریب اولدی حتی هویزه خانی اغوان
 عسکرینک بر جانی منهزم اولدوغنی مشاهده برله عرب عسکر بله
 اغوانلر اوردوسنه سرعت ایدوب اوردولرینی غارت ویاغما وروایتلری
 اوزن میر محمد کاون ایکی قومن مقداری نقود التوتنی فیضه تصرفه
 کتوردی میر محمد بو حال ملالت اشتمالی مشاهده ایدیجک دروننه خوف
 وهراس عارض اولوب فرار قیدنده اولدی صانع قول صول قول
 سردار لری اولان امان الله و نصیر الله یانه شتاب ایدوب نجه نجه ایات
 قرآنیه و احادیث نبویه معنالی نی ذکر و یاد ابله پند و نصیح و تقویه
 و یرمک پای فرسینی قید و بند ایدوب پابند سمنده اختیار ایتدی بلر چون
 قلبکاه عسکر اولان سردارک سپنه سنده هیجان واضطراب بر مقدار ارام
 و سکونت بولدی مین و مپسرو میانه ده واقع عسکر دخی غیرته کلوب
 جانب قزلباشه قصد و عزیمت و صرف مقدور و مکننت ابله مردانه
 جنبش و حرکت و جان و دلدن جمله سی سلامت لری فکر و اندیشه سیله
 بو خطیره عظیمه و کرداب مهلمکه دن ساحل سلامتیه وصول امید یله
 قهر و تدمیر اعداده بذل قدرت و تعب و شدت حرب و قتله تحمل
 و مصابرتدن غیر ی چاره اولدوغنی ادراک ایتدی بلر بو اثناده اتفاقاً
 عساکر عجمک قلبکاه اولان اعتماد الدوله اوزرینه بر مقدار اغوان عسکری
 سرعت و کرمیت اوزن هجوم ایدیجک بازار کار گزار جنک و قتال رایج
 اولیجق عسکر قزلباشک مقاومتیه اقتداری درکار و یابدار اولیوب
 اغواندن رو کردان و جنگدن کریزان اولدی بلر با خصوص باعث
 قوت دل و درونلری اولان عسکر تو فتنکچیمان قراری فران تبدیل و ثباتی

اعرافه تحویل اید بچك ساپر عسکر طابغه سی دخی قیام اید میوب ۳۰
عجائب عجمیانه علامت ملالت اثرانهم روغنا اولدی ستون عسکر اولان
قوللراغاسی میرزارستمك یاننده اولان شاه قوللری دخی پوز دوندروب
اقبال واقدامی ادبار وفران تغییر ایتدیلر اغوانلر اوردسی غار نه مشغول
اولان عرب عسکری دخی قزلباشلرک اختلال وانهم امن مشاهد
اید بچك اسباب واثقالی براقدیلر حائلری اولان هویزه خانی ایسه غیرت
ایدوب الدوغی التونیه شتاب اوزن فرار ایلدی قزلباشلرک طویچی
باشبسی اتفاقا مبادی جنکده هلاک اولغله سارطو و عجمیانه کللال الویروب
طویلر باجمله معطل قالدیلر بو حالت جست و جسارت و شجاعت و قوت
اغوانیانه علت مستقله اولوب مرده لرا بکن زنده و دلیر اولدیلر هر چند که
عسکر قزلباش مقاومتیه اقدام اوزن اولدیلر نایند و یرمیوب پنه
مغلوبلر و عاقبت رسم میرزا و اوغلی و علی مردانک قزنداشی قتل
و کندوسی دخی مجروح اولدیلر و اغوانلردن محمدنشان نام خان کورجیلری
تعقب ایدوب جمله سن قتل و بی نشان ایلدی ضبط کردن اغوانیان
اوردوی عجمیان بعد الغلبه بو صورت و سباق اوزن طرفینک عسکرنده
شدت روز کار ناهموار ابله توج ایدن دریای قتال ایکی جانبدن مد
و جزرا ابله گاه تلاق و نلاطم و گاه زوج و گاه تفرد ابله رک یر بچق ساعت
عجمیه زمانی مرورنده بر مقدار سکونت بولمغله اموال و اسباب مهمات
ابله خالی قلان قزلباش اوردوسنده دك و خدعه احتمالیله اغوانیان
بردلر و تعرض ایشیوب کند و اوردولر پنه رجعت ایتدیلر ایکی ساعت
مرورنده عجم اوردوسنک احوالن کرکی کی تجسس ایلد کارندن صکره

تماماخذوبلا حائل ومانع دلخواه لری اوزن ضبط ایلد بیلر هم
 اوردوسنده بکرمی بش عدد حاضر و اماده اولمشر و اغزلنش بال یزطوب
 بولنوب سائر مهمات و اسباب و ائقال بی نهایی و بکرمی بش بیگ تو من
 نقود آنچه بولنوب اوردولر بنه نقل ایتد بیلر نکته چونکه بوانه کلجه ظهور
 وحدوث ابدن احوال عن قصد اولمیوب جمله اتفاق واقع اولوردی
 بود فعه دخی اغوانلرک اصفهانی محاصره ابلک فکر و سود اسی خاطر لر بنه
 دخی خطور ایتش معنی دکل ابدی اول اجلدن بولد قلی طی و پلر مرقطعا
 نظر و وضع بد ایلمیوب الحق اسباب و اموال سائر بی اوردولر بنه نقل
 ایلد بیلر و مراد و مقصود لری چالوب چار یوب اله کتورد کلی غنائم ایله
 قند هار جانلر بنه عودت ابلکه مقصود ابدی و بواثاده اصفهانی اولان
 وقایع ملالت اشمال و جزع و فرج و سائر احوال قیامت نشان ذکر و بیان
 محتاج اولمیوب ارباب عقوله معلوم اولمغله تحریرندن کف لسان قلم
 قلندی اغوانیان دخی بر قایح کون نغس و راحتته محتاج اولوب اطرافه
 پی در پی قره غوللر تعیین وار سال و بو طر بقیله صدوری محمل قضا
 ظهورندن بصیرت اوزن حزم و احتیاط و هر جانبده طرق موارد اعدایی
 صد و بند و دبه بانلر نصب و ارسال اولندی مشورت کردن اغوانیان
 بعد الغلبه برای رجعت در کرمان وقعه کونندن برو جانب اصفهانی
 اغواندن بر فرد بمحمله کور غیوب غیر میرورجال واعیان و اشراف قوم
 جمع اولوب کند و احوال لر بنی مشاؤون و مکالمه یی مباشر اولد بیلر بعضی لری
 الد بکمز اموال غنائم ابله کرمانه عودت سعی و همت ابدلم و بوز اقلق ابله
 وصولرند بیلر بنی کون لم بزوارمه دن قلعه فتح اولد یسه فیها ونم و الا فتح

و نسخیر بنه

و نهضیرینه صرف مقدور ایدلم تا کمین بعد بزه بوبله بر حصین حصین جای ۰۴
 قرار و هر حاله حصین اید جگ مقام استقرار اولوب قلعه یه کمال استحکام
 ویرد کد نصبره خزینه و مهمانلری قلعه یه قویوب کرکی کبی محافظلر
 نصب و تعیین و زاد و ذ خیره کورلد کد نصبره و سکر یزی طرف طرف
 اقبینه کوندر مک سهولتی تحصیل ایشش اولور ز انجق طوی پلری کتور مک
 ئدار کز اولد غندن شیر ی بر لره مهما امکان سبکبار لوق لازمه حال ایکن
 سرعت سیر یزه پابند بر امر خطیر اولغله لاحاله قزلباشلر بوله عزیز غنزدن
 آگاه اولجق وار قونلر بنی بازویه کتوروب بای وجه کان بر مقدار عسکر
 ئدار ک برله بره عقب کیر لر اولسه لر کر کدر دبد کله جمله اغوانیان بو ر ای
 و تدبیره راضیلر اولوب طقوز بیگ عسکر انتخاب و صورتا اصفهانی
 محاصره قصد نده اولد قلر بنی استعار ایچون اول جانبه سرعت و سار لر ی
 دخی اسباب و ائقالر بنی دوروب دوشوروب ایلر و بر مقدار عسکر اغر لوق
 ایله کیدوب بر مقدار در قفانطارت و اصفهانه کید جگ طقوز بیگ عسکر
 دخی بعد الا یام رجعت و بونلره قفادار اولوق اوزن مشا و نلر بنه نتیجه
 ویرد پلر فرستاده شدن خان هویزه برای تحسس احوال اغوانیان و بو
 ایام ثانیه خالیه ده حوالی اصفهانده اغواندن بر فرد کور غد یغندن مجملر
 متخیر اولد پلر اغوانلر غنمی الوب کتد پلر صاند پلر عاقبت هویزه خانی
 عرب فارس لر پله تحسسه تعیین اولنوب بر قره کویجه ده شهر دن چقوب
 اغوانلر سمتنه و بر اه اولدی محل معار که یه و اصل اولد قده اسباب و ائقال
 باخله نقل اولمش انجق طوی پلره وضع بد و انمیوب علی حاله جنگ یزنده فالمش
 قور مقدار اغوانیان پلر بنی تحسس اید حجه کور د بنگه اغوانلر اورد و لر نده ارام

وسکونت اوزن بریره حرکتلری بوق فی الحال ندرک کوروب طویلری
سرعت وکال کر میت وشتاب ایله اصفهانه نقل ایتدردی واغوانلرک هنوز
اوردولرند علی حالهم تالدقلر پنه خبر ویرنجه اغوان فرصت بولدی
کندولر پنه من بعد قلب قوت حاصل اولدی بزم اختلال واختلاف اغوانی
جست وجسورقلدی بوندن بویله الدقلری اموال غنائم ایله کیر وکتکه
تیت وعزیت علایمی کورغدیغندن اصفهانه تعرضه قصدند اولدقلری
ظاهر اولدی دیو جمله ناس ورجال وشاه متکدر اولد بلرا محق اغوانلرک
کورغدی وکی سکز کونده فی الجمله ارام بولوب بر مقدار عسکر تدارک و طشره لره
رقلر کوندروب عسکرک ورو دینه مترقب و اصفهان شهر پنه مهیا ممکن
متانت ویرمه ده اهتمام قلمش لر ابدی بو مقدار جه ندرک کندولر پنه
مقاومته وباری نفس اصفهانی حفظ وحمایه کفایت ایدر وغالباً
اغوانلرک دخی مطمح نظر لری جولفه وسائر حوالی اصفهان غارنه
محصور اولوب بومر اذری حاصل اولد قده اصفهان دن ال چکوب کیر وکتکه
قصد وعزیت ایدر لر فکر وملاحظه سیله اضطر ایلری بر مقدار سکونت
بولش ابدی ارسال شدن مکتوب از جانب خان هویزه برای مصالحه
یاغوانیان بواثماده بو یوزدن ظهوری روغاً اولان داهیه نیک حسن
تدبیر ایله دفع ملاحظه سیله شاه حسین هویزه خانی یاننه چاغروب
امر ایلد بکه میرمچوده کاغذ یازوب صورتاً شاهک خبر واکاهی اولیوب
هویزه خانینک کندواختراعی اولق اوزن مصالحه عقدنه فتح باب مصاحبت
ایله لر پس شاهک تنبیهی اوزن شاه ورجال کویابی خبر و هویزه خانی
کندی قریحه سیندن اولق اوزن میرمچوده کاغذ یازوب بر معتمد قاصد

ایله

۵۰ ابله ارسال ابلدی مفهومندک طر فکزه بوکونه غلبه لر واقع اولدی بونک
 نام و شانیه اکتفا بدوب الدی بکنز اموال و اشیا ابله و لا بتکره عودت ابله سکن
 مناسب اولوردی احتمالدرکه بادظفر خلا فکزه و زان اولوب هر بار تقدیر
 ازل مقصود بکزه موافق ظهور ایشیه بن دخی سنی مذهب و سز کله یکن
 اعتقاد اولدوغم بن طرف فکزه خیر اندیشک مقتضای دیا نئدر و بو عیندن
 ناشی طرف فکزه نافع اولق اوزن بر خدمت مبروره کرده بولنی در عهد
 و الزام ابله رمسلا متکزد در و عهد مضمحلوم اولغله شاهی ورجالی اغفال
 و تعلیط ابله رم نام قفا کردن عسکر کوند رلمیه و مصالحه اولی کوریلوب
 موافقت ابله بکنز صورتند قندهار اولکله سنی توابع یرلریله سزه تابید
 اولتور و من بعد شاهلر طرفندن تصرفنه تعرض اولنماز عسکر بکزه
 بخش ایچون طرف شاهیدن سزه بر مقدار اچده دخی هدیه نامیله الیوریلک
 ممکندوبویندم ابله عامل اولوب بران اول رجعت قیدند اولور سز
 طرفزه حامل ورقه ابله نتیجه لوجواب کوندن سز بو مواده سز کله معهود
 اوله رق حصوله کتورلمه سنه متعهد اولورم همان بران اول ادمی رجعت
 ایتد و سز تیز عزیمتکزه هر بار هدف مقصوده اصابت ایشیه جکی احتمالن
 فکر و ملاحظه دن غافل اولمیه سز دیوتمهید کلام ابلدی فراغت کردن
 اغوانیان از هوای رجعت در کرمان و عزیمت ایشان بشهر اصفهان اغوان
 عسکری دخی مقدم اتفاق ابلد کلامی صورت اوزن عودته حاضر و مهیا
 اولمش ایکن اتفاقا قصدید بله مکتوب چقد کلوب میر مجوده واصل اولدی
 امر و اعیان و ارکان اغوان بریه جمع اولوب جمله نک مواجهه سنه مکتوب
 مرقوم جهر بله قراءت اولنوب مفهومی معلوم اولیحق مشاوی ایتد پلر

مکتوب مرقوم بعض مواد پنه نسبت اگر چه مصلحت لکن حیل حربیه
احتمالاتی جهتندن عاری اولمغله همان عجملر کمال ضعفلر پنه علم خبر
اولوب اغوانلرک جانب وطنلر پنه معمم عزیمتلر نازن فراغتلر پنه بادی اولدی
ومشورت ایدوب بعضیلری طاهر مکتوب ابله عمل مناسب انجق قوی
سندلر و کفیلار و یرسو نلر دپدلر ولکن اکثری خلافتنه ذاهب اولوب
بو مکتوبدن عجملرک کمال مرئیه ده خوف و ضعف اوزن اولد قلری اشکان
اولدی عون حق ابله بو فرصت بزه ال و یردی جمله مز کیر و کتک سودا سندن
فارغ اولوب برایشه میاسرا اولالم دیوب هماندم میز محمودک میا محبسی
یعنی معلی و مر یسی اولان عالمه واروب دانشد پلر اول دخی بسط کلام
ایدوب قزلباش دولتی بر شهرت کاذب دن عبارت و کند ولری دخی بالخله
مرحمت و شفقتدن بی نصیب و مترصد فرصت مر تکب کذب و حیله بر قوم
غدار اولد قلری معلو مکز در عهدلر پنه اعتماد و یمینلر پنه استناد ممکن
اولمیوب چونکه صاحبه میل و رغبتلری وارد ر قندهار اولکه سندن مفهوم
مکتوبلری اوزن کف بد و حضاری و بلاوج اغوانلری بر نم ابله معا بولنوب
جنک کرده دخی موجود اولملر پله انلردن دخی بالکلیه ال چکد کد نصکره
شاه حسین قیز بنی میر محموده و یرسون و مملکتلر قیز پنهک جهاز پله معا هدیه
اولسون بعد حد و دتصب و تعیین اولنوب مایپندن بو طر بقیله برودت
قالقوب جدال ترک اولنور و دوستنه دوست دشمننه دشمن اولمق اوزن
شروط عقد اولنور بو جمله یراضی اولور لر ایشه مصالحه عقد اولنسون
دپد کده جمله اغوان مناسب کوروب هو یرزه خاننه قاضد پله قطع جواب
یازد پلر یاز بلان جواب رجال واعیانہ معلوم اولنجق مشورتلر ایدوب

شاهه

شاهه عرض ایلد پلر شاه انکشت تھیری دندان تفکره قویوب وادی ۰۶
 خیرنده سرگردان قالدی رجالنه عطف نظر ایدوب بو بایده انلردن جواب
 استدی رجال واعیان دخی شاهم جمله سی ممکن انجق قیزو یرمک نجه اولور
 شاهم ز رعایا سی مقوله لر بنه قزین و یردوکی حالده روی زمینده موجود
 ملوک و ملل پیننده البته شایع اولوب بردخی دن دکلو اعتبار نزل قالماز بویله
 بدنام اولدن جمله مزه اولمک بکدر همان عرض ایچون غیرت ایدلم
 بو کونده یارنده طشیره دن عسکر یز کلور اطراف شهره محکم حند قلر
 کسوب نفس اصفهانی محافظه ده اهتمام ایدلم فرح اباد خلقنی ورعایایی
 دخی ممکن اولد قچه ایچرویه الوب خدمته قوشالم شهر مزده دخی وافر
 موجود عسکر یز وارد بر مدت کند و مزی محافظه ایله غوائی اشغال ایدوب
 ذخیره لری دوکتور بو صورنده رجعت ایله مجبور اولور اول وقتده دخی
 اقتصاد سنه کون حرکت اولنور پس اغوائلره ککاغد باز بلوب مطالب
 سایر کز سناید که حصول پذیر اوله انجق سز سنی مذهب اولدوغ کزدن
 فیتری عجم شاهلر پنک رعایا لری مقوله لر ندن بولند بغنکز اجلدن قیزالمق
 و یرمک تقر پیدله مصاهره بروجهله حیزر امکانده دکلدردیو جواب یاس
 و یرلدی ظاهرده و باطنده بو کونه تحقیره رمز و ایمانی متضمن جواب
 اغوائلرک معلومی اولیچق غیرته کلد پلر و بونک اوزر بنه اتفاق ایلد پلر که
 بر قاج ایام دخی مکث ایدوب کونده بر قاج دفعه اصفهان اطرافنی چالوب
 چار یوب مهما ممکن غارت ایلر و بو کونه تضییق ایله مطلوب پلر بنی محصل
 ایلر یاری قیزو یرمز لر سه ده مواد ساره به رضا کوس تروب قوی سندلر
 و کفیلار و یرلر یا خود بو دخی اولمیوب اطرافدن عسکر کله جکنی فهم
 ایلدیکمز ده رجعت ایدوب نصیم اولند و غنی اوزن کرمانه عزیمت ایلر

دور ایه جمله اغوان تابع اولوب اطراف وجواتبه ذرحال چته لر تهیین
 ایدوب کوندردیلربیان احوال فرح اباد عجملردخی فرح ابادی تخلیه ایدوب
 انجق دش عد دطو پی کوتون میوب یره کومد کلر بنی اغوانیان خبر الوب
 اول جانبه دخی ادملر کوندروب تجسس قلبدیلرو فی الواقع فرح اباد نام
 محل خارج اصفهانده قلعه مثله متین دیوار ایله و خندق بعید القعر
 ایله محاط دروننده حیاض و میاهی و باغچه و باغاتی جنت مثال انواع
 اشجار و ازهار ایله رونق ثاقصبور و بیوت کونا کون ایله وسعت پیدارم
 ذات العماد بر سر ای بی همتا اید و کن اغوانیان مشاهده اید جگ غازیان
 و مجاهدانه موعود اولان جنت فردوس یره نزول ایدوب کندولر بنه
 تعجیل اجر جزیل قلنش صاندیلر پس اداخلوها امنین اپنی مفهومیله
 عملده سرعت و شتاب ایدوب جیفه مزخر فائیده ملوس اوردولر ندن
 قالقوب فی الحال سرایه نقل ایتدیلر بووجه اوزن اغوان عسکری فرح
 اباد سراینه قونوب دیوار لر بنه متانت و خندق لرینه توسیعه و یروب
 برقات دخی قلب قوت بولدیلر و ذرون و بیرون سرایه عسکر قویوب
 بر شکل اخره کیردیلر و مهمما مکن زاد و ذخیره ندر کی فکر نده اولدیلر بیان
 احوال جولغه جولغه اصفهانک محله سی مثابه سنه برواسع شهر مقداری
 ازمنیلر محله سی اولوب مایننی فصل ایدن نهر زنده رود در اغوانلرک فرح
 اباد سراینه کیروب کندولر بنه استحکام و یرمک قیدنده اولدیلر بنی
 عجملر کوردکده جولغه یه فرمانلر کوند وروب الجملة ارمنیلر سلا حلقوب
 اصفهانده شاه سراینی محافظیه کاستونلر دیوتنیمه ایتدیلر زیر اقل باش
 قوللری بوکجه جولغه اطرافنده اغوانلره قارشو مترس المعه مأمور
 المشلر درو بووجه اوزن جنکه شروع و مباشرت

مباشرت ايله جكار دربی چان ارمنيلر کال انقياد ايله عجم حيله سنه ۵۷
لدانوب کند و در دزینه درمان فکرندن غفلت ايله جمله سی ساحلنوب
صفهان کتد پلر و شاهک سراینی محافظه عزیمتده اولد پلر عجم غدارلی
پهچان لرك سلج و بساطلرینی يك پان الوب تعی دست جولفه یه کوندرد پلر
وقز ابا شلردخی جولفه محافظه سنه وارمد پلر و چونکه تقدیر ازل بوبله
برقوم بی رحم و غدارک جزالی ترتیبنه تعلق ایلش ایدی هرئند بیرونلر کیری
لا محاله خلاف صواب واقع اولوردی بود فعه دخی جولفه دن بر قاج بیك
مسلم عسکر حاضر ایدوب و عیاللری غیرتيله اونجه جنک ایتدردوب
کندولرینه تقوی و یرمک ممکن ایلکن اغوانه عسکر اولمیه لردی و ساحلرینی
القدرندن صکره مشورنلری بو کامنجر اولدی که اغوانلر البته جولفه یی
الوب ضبط ایدرلر و بز صاحب چقیمیوب دفعی قیدنده اولمیه لمز پر جولفه
ارمنیلر نه مال و جوهر و امتعه ذی قیمت بی حدوبی حسابدر اغوانلر کرکی
کی غنیمت الوب طویوم اولورلر و انندن صکره طور میوب کیر و کیدر لر
نرم دخی بو ارالقدر طشره دن عسکر یز کلوب تعقب ایدر لر و جمیع ماللریقی
الدرندن الورز عسکر یز کلدوکی صورته بر مقدار مال دخی بزویورن
بو تقدیرده جمله سی غنی اولوب ارزوی وطن درونلرینه دوستوب کندو
کندولرینه حقوب کینلر لصاند پلر اغوانلر ایسه همان اول کچه جولفه یی
یوریش ایتد پلر لکن شهر مزبورده ارامنه طا بقه سی غایت ايله کثرت
اوزن بولمغله اهل و عیال و اموال وارن اقلری غیرتيله شهری محافظه ایتد پلر
و شاهه فریادچی کوندروب امداد طلب ایتد پلر صورتا اگر چه عجملر
مداد وعد ایلد پلر لکن نه امداد ایتد پلر و نه ساحلرینی ویرد پلر عاقبت

نالمیدار اولوب قزلباشلرک دخی کند ولرینه سوء قصدینی کوروب جولغدی
 اغوانه خواه ناخواه تسلیم ایله مجبور اولد بلر اغوانلر جولغه یی ضبط
 ایلد کاری کبی ارمنیلردن اللی نفر دونمش ملبس و مزین قیز اوغلان
 قیز و عسکره بخش ایچون بخش بیک تومان اچقه طلب ایلد بلر و اغوانلرک
 بو کونه مطالبه لر بنی دفع و تعدیل و تسهیل بر دلر و حد امکانده اولمیوب
 چار و ناچار قیزلری نبارک و البسه فاخره الباس و بولد قلری در و جوهر
 ایله تزیین و اللرندن طوتوب میر محودک دائره سنه کوتوروب تسلیم
 ایتد بلر ایچق تمشر بیک تومان اچقه یی جمع ایدوب و یرمک امر مشکل اولغله
 پیرو اختیار و باش بو غلری بریره جمع اولوب مشورت ایلد بلر غیرت
 ایدوب جمع و تحصیل و اغوانه بو محجه مبلغی تسلیم ایلدیکر صورتده شاید
 که اغوان بودیارده پایدار اولمیوب کرها و یاطو و اچقوب کتدی کی نقدی رده
 مال رضایع اولد و غندن غیری قزلباش بزه جور و ستم و نجون و یرد بکر
 دیو اعذاب و تعجیز ایللری امر مقرر اولوب پس انفاقیه جواب و مالز
 اصفهانده اولوب بو حالده جمع و تحصیل بر طریقیه حد امکانده اولمیوب
 شهر اصفهانده ظفر یاب اولد و غکز حالده بالتمام ادا ایلد زدیو هزار نیاز
 و تصریح برله تمسک و یرد بلر مباشرت اغوانیان محاصره اصفهان از جانب
 چولغه یرته سی کون اغوانلر ارمنیلردن اغنیا اولانلرک اولرینه کیمروب
 اموال و ارزاق و افره لرینی غارت ایتد بلر و لکن فقرا اولرینه و کلپسارینه
 تعرض ایتدیوب بر فردی دخی قتل ایلد بلر چون یوم ایتده نوروف
 ظفر اثر و سعادت رهبر مقرر اولدی همان اولیوم فیروزده جولغه
 چابندن اصفهان محاصره سنه مباشرت ایتد بلر مابینده نهر زنده رود

واقع

واقع اولغله جگد ممکن اولیوب دوه لر بله زنبق تعبیر اولنور طویلری ۵۸
کتوروب قارشو قارشو جنک ایتدیلر برنجه ایام عجم واغوان پینده واقع
اولان جنک همان صبیانک لعبنه مشابه بی مال برقوری هنکامه ایدی
طوب و توفنک احیا ناللوب ادم قتل اولنق نادر اولوردی واصفهای
محاصره ده عاجزل اولوب انجق سرای فرخ اباددن جولفه یه کالج
احاطه ایلشله ایدی انهزام اغوانیان در هجوم بچسر شیراز بو حال اوزن
ایکن برکون اغوانلر شیراز جسرینی اخذ و ضبط ایچون یوریش ایلدیلر
قرلبا مثلردن چوق عسکر کلوب اغوانلرک دفعنه کال کر میت ابله کوشش
قلدیلر ضبط جسره ظفر مپسر اولیوب اغوانلردن وافر کسنه قتل
اولند قده باقیلری رجعت ایلدیلر اندن صکره اغوانلر جنکدن چکلوب
ایکی طرف بر مقدار استراحت ایلدیلر بر قاج ایام آرام ویرلده برکون
اغوان بلوک بلوک اولوب جسرلرک ضبطنه مباشرت ایتدیلر اینه کمی
تخته پارچه سن وکی قیوقنادن وکی پنجره لر قیاغن الوب سپرلنهرق
جسر شیرازی قبضه تصرفه کتوروب صودن دخی چککه باشلدیلر انجق
جسر مرقومک محافظه سیچون اون ایکی عدد طوب ندارک اولنش واصلی
فراجه لو بر استاد طوبچیلری دخی بولغله اغوانلرک زخام اوزن
یوریشلرینی کوردکله طوبیلری صاچه و طاش پارچه لر بله طولدروب
اغوانلر زخامی یقلشدیغی برله یک قتلدن اتش ایدوب اغوانلرک اکثری
ئلف اولدیلر و باقیلری دخی جنکدن روگردان اولوب فرخ اباده متوجه
اولدیلر عجم طرفنده خادم اغالردن احمد اغا نامنده بر شجیع و جسور ودلیر
ودلاور کسنه کندویه متعین عسکر بله جسر مرقومک محافظه سی

خدمتته ما مور اولمش ابدی اغای مرقوم کمال شدت و کریمت ابله اغوانلره
 عقبه کبر اولوب عین زمان کورماش بر جنک ایتدیلر اغوانلر بودغه
 مغلوب اولوب چوق کز بده کسنه لری تلف اولدی و حاللری اول کونده
 بر مرتبه ده دپکر کون اولمش ابد بکه اگر خادم احمد اغایه امداد ایدر بر مقدار
 عجم عسکری بولنیدی کلنا باد معارکه سی انتقامینی عجملر بلا شبهه بو کون
 اغوانلردن المواقاتی حاصل اولمش ابدی زیر اغوانلره بو کون تلف نفوس
 ابله انهزام بر محله واقع اولماش ابدی اغای مرقوم دخی عجمک کیرودن
 امدادی ظهورندن مایوس اولیجقینه دونوب جمرك محافظه سنده ثابت
 قدم اولدی و غبت کردن اغوانیان بامر مصالحه با عجمیان اغوانلرک ایسه
 بالو باشلو امور دپده لری میر محوده کلوب مشاؤون ایتدیلر و کلنا بادده
 صاحبه رغبت ایتد کلرینه ناملر اولوب چوق تا سف ایتدیلر عسکرک
 کز بده سی ضایع اولوب حیوانلریز لاغز اولد قده قزلباشلره طشره دن
 قوی امداد کلوب بزه مضایقه و یرد کلرندک حالتر مشکل اولور همان بر
 طریقله مصالحه تدبیرین کون لم دپدیلر و هماندم جولفه شهری
 ارمیلرینک بالو باشلورینی چاغروب دپدیلر که قزلباشلره وارک اگر
 بزم ابله صلح ابلک مراد ایدر لر سه کلنا بادده نصمیم اولند و غی اوزن خلقمزی
 ارضایده روز و سزدخی ثقائمزدن قورنلش اولور سز اعیان ارمیان دخی
 پینلرندک مشورت ایدوب صاحبه توسطی معقول کورمدیلر و بو کونه
 احتمالات و یردیلر که بزین السیفین قالمش بر قوم ایز توسطن ابله صلح عقد
 اولندیغی برله تمسکمز موجبنجه یتش بیک تومان لچه یی اغوانلر لاحاله
 طلب ایدوب بزدن الماری مقرر در و سز اغوانلر ابله برک اولد و کز دیو
 قزلباشلر

۹۰ قزلباشلردخی اصفهانده اولان مالمزی الدقلرندن غیری اغوان جکلوب کیمتدبکی کی نجه نجه بهانه لر ابله یزی نجه یزورنجیمده ابله جکلری محقدر بزه مناسب اولان ارالینه قارشمیوب مقید اولما مقدر هر نه حاللری وار ایسه کندولری کورسونلر بزه اهون الشرین بو اولق کرکدر واکر قزلباشلره امداد یشوب اغوانی دفع ایدر لر سه بزده انلر ابله معا اغوانلری تعقب ابله رز بو تقر ببله خدمتده بولنسک احمالدر که عجلر من بعد رنجیمده ایتیموب مالمزی ویره لر واغوانلره ویره جعفر یتیمش بیک تومان دخی یاغزه قالمش اوور همان مساعمه بله بو خصوصی تعویق ابله لم دیو اتفاق ایتد بلر رسیدن پیام از جانب خان هویزه باغوانیان و فراغت کردن ایشان از رغبت مصالحه اغوانلر بو ائاده خوف واضطرابه دوشوب نه یوزدن حرکت ابله جکلرینی بلیوب اشد اختلال و اختلاف ابله عظیم پریشان الحال اولمشلر ابدی قضا و قدر اول کجه هویزه خاندن خقیه ادم کلوب بو کونه خبر کتورد بکه کونیم بسزی ایش کورک و بردر لو فکر و اندیشه وزن اولمپوک بن دخی سزدغم انشا الله تعالی عن قرب مراد بکر حاصل اولور و اصفهان نه حالده ونه کیفیتده ابدوکنه و فتح و تسخیری نه طریقیله مپسر دردیونقیر و قطمیر خبر کوندره مکله کویا اغوانیانه هاتف غایبدن مرثده سلامت صداسی کلدی وهویزه خاننک بو کونه وضعنه باعث بو اولمش اید بکه کندوسی سنی مذهب اولوب اگر چه خدمتده شاهه خلوص اوزن ابدی لکن سائر رجالدن نجه موادده منکسر الخاطر اولوب اعتماد الدوله فتح علی خانک موادده سنی مذهب دردیو بونهت ابله قزلباشلر کوزلرینی جقارند کاری خطیره سی درونده جای کیر اولمش

ابدی و خان مرقومه شاه خزینه سندن اختلال بهانه سیله بهر یوم الی
 تو من آنچه ویر بلور ایکن و طشره دن امداد لری دخی کلور دیو امید لری
 غالب و لغله صاحبه راضی دکل ابدی ندرک شدن ذخایر از جانب اغوانیان
 برای محاصره پس اغوانلر هویزه خاتندن بوگونه خبر ابله عجملرک
 احوالنه و قوف تام حاصل و صلح و یاغیری طریقیله رجعت و عود نلرند
 دخی صعوبت عظیمه فکر و ملاحظه ابلد کارندهینه قیام و ثباته قرار ویرد بلر
 و ایکی ای مروزینه دکن قطعایوریش و هجوم یوللو حرکت ابله تلف نفوس
 ایتیموب کندولرینی اتعابه جواز ویرمد بلر انجق کندولرینه متانت و یروب
 اصقهانه قار شو بو حال اوزن طور و ب اطراف محافظه دن خالی اولد بلر
 و طرفیندن مصاحت ملاحظه سیله ادملر کلوب کیدوب شاه دخی
 طشره دن امداد کلور امید بله رفق و ملایت اوزن معامله برله اغوانلری
 اغفال و تعویق و تاخیر سمتنه ذاهب اولمش ابدی اغوانلر دخی بو ایکی ای
 ایچنده اطراف و اکنافه چته لر کوندروب بی حد زاد و ذخیره جمع و ندرک
 ابلد بلر و جوارلرند نجه نجه بلا دو قری بی کرها و طوعا فتح و تسخیر ابدوب
قبضه تصرفه کتورد بلر ارمال شدن خان هویزه از جانب شاه برای
 مصالحه با اغوانیان شاه امداد انتظارند ایکن بو قدر زمانه ظهور ایتیموب
 و اغوانلر دخی ایام خالیه ده ندرک مالزم ابله کون بکون قوت بولد قلرین
 فهم و ادراک ابدوب الصلح خیر دیوب مکالمه سی ایچون هویزه خانینی
 اغوانلره کوندردی چون امر مصالحه خان مرقومک دروتند منفوری
 ابدی بو تقریبله اغوانه واروب کندویه مخصوص امورینه تشبث
 و یروب اغوانلر ابله دوستلق و اشنالق پیدا ابلدی امر مصالحه یه صرف

۴۰ مقدور اتمیوب تعلیل و بهانه ایله تعویق و شاهه صعوبت لار کو ستردی
هجوم اغوانیان بجزراب ساپاد و مباشرت ایشان در محاصره تمامی شهر
اصفهان او چخی ای دخول ایلدوکی برله ینه جنکه مباشرت اولنوب
اغوانلر بروقت سحرده علی الغفله اب ساپاد جسرنه یوریش ایدوب
ضبط ایلدیلر جسرك محافظه سنه مأمور کورچی عسکرینی یک پان هلاک
ایدوب اصفهان جانبینه عسکر کچوردیلر شهرک جوانب اربعه سنی
محاصره ایدوب طرق و مواردی محکم سدوبند ایلدیلر احوال آمدن
عسکر عجم برای امداد اصفهان وانهزام قرندهاش علی مردان اغوانلرک
شهر اصفهانی بو طرز اوزن محاصره ایلدکاری خبره وحش اطراف و اکنافه
شایع اولمق بالمله قزلباش قومنک درونلرنده خوف وهراس ودهشت
ووحشت جابگیر اولدی جسراب ساپاد ضبط اولندقد نصیره اطراف
ملکتدن اصفهان امدادینه جمع و عزیمت ایدن باش سز بوغ سز قزلباش
عسکری اوزن ایکی دفعه جنک ایدوب اکثر یا منهزم اولوب اغوانلر
غالب اولمشلر ایدی و بو معار کله ده جمله دن زیاده اغوانلر ایله جنکه
اقدام ایدن علی مردان خاتک قرندهاشی ایدیکه ندارک اولنان ذخیره ایله
اصفهانه کیرمک مراد ایلش ایدی زیراعلی مردان خان سائر لراچنده
امور دبه کار از موده برمد بر خان اولغله وافر ذخیره ندارک
و بش یک قزلباش عسکرین جمع ایدوب ایوجه ندارک ایله اصفهان
امداد مراد ایدوب ندارک اولنان ذخیره و عسکری بر جمله قویوب
اوز لرینه کوجک قرندهاشنی سردار نصب و تعیین و کندوسی بر مقدار
عسکر دخی کتوروب قرندهاشنه کلوب ملاقی اولمق اوزن بر جانه کنش

ابدی سردار مرقومه اغوانلر اصفهانك فلان جانبی هنوز محاصره ايله
 احاطه ایلد بلر اول جانب اچقدر و اول طرفه اغوانلر ك نظر و اهتمامی
 بو قدر سهولت ايله شهره وصول و دخول ممکندر دیو بعض اعتماده
 ناشایسته خبر لرك كذبه اخیمالن ویرمیوب سرعت و مبادرت و علی
 مردان خانك عسکر بله قدوم و ورودینه توقف ایتمیوب یاننده موجود
 بش بیك عسکر و وافر مهمات و ذخایر ايله اصفهان و وصوله عزم راه ایلش
 ابدی اغوانیان ایسه خبر الدقلری بله قارشو چاقوب عظیم جنك ایتد بلر
 بحملر منهزم اولوب اکثری مقتول و سردار لری کوجیله فرار ایلدی
 و بونجه زاد و ذخیره اغوان النده قالدی علی مردان خان و قعه بی خبر
 ایچق کند و یه دخی یاس کلوب اصفهان و عزیمدن فراغت ایلدی
 و اصفهان خلقینك دخی امید لری ایچق علی مردانك و قورنداشنك قدومنه
 منحصر اولش ایکن انلر ك دخی حالی بو یوزدن اولد و غنه خبر ایچق جمله
همزون و مختیر اولد بلر محاربه اهللی بن اصفهان باغوانیان و اخذ ذخیره
 از دست ایشان اغوانلر دخی عجم عسکرینی بوزوب زاد و ذخیره و مهماتی
 اخذ و قبض و اوردولرینه نقل ایلک مراد ایدوب بو خصوصك تمشینی
 ایچون بر مقدار اغوان تعیین و انلر ايله ارسال ایدوب باقیلری خدمت
 مأمون لرینه کتد بلر مکر اصفهان دن بر ساعت مقداری محمد بن اصفهان
 تعبیر اولنور ایدلر و هو اذار و صاحبه الاشجار بر بلده معمور اولوب
 اطراف و اکناف دن بلاد و قری خلایق اول قصبه ده جمع اولوب و اطرافنی
 حندقلر ايله احاطه ایدوب کندولرینه کرکی کبی استحکام ویرمشلر ابدی
 اغوانلر الدقلری غنیمی اوردولرینه نقل ایدرکن اثنای راهده قصبه

مز بون ده مجمع قزلباش خلقي کمال کثرت اوزن اغوانلره قارشو چوقوب ۶۱
با جمله زاد و ذخیره و مهمانی اغوانلر الندن الوب بن اصفهانه نقل
ایتد ریلر و اغواندن چوق کسنه لری اخذ و قتل ایتدیلر انهمام میر مجود
در جنک باهالی قصبه بن اصفهان میر مجود بو خبری اشدی بچک عظیم الم
و کدر و تهور ابله اغواندن وافر عسکر سچوب ککند و بنفسه قصبه
مز بون ده تحصین ابدز قزلباش اوزرینه کیتدی لکن محل مز بورده
قزلباشلرک کثرتی اولوب کمال شدت و کرمیت اوزن جنکه قیام و اقدام
ایتدیلر عاقبت ظفر و غلبه پیسر اولیوب میر مجودک عسکری مغلوب
اولیحق وینه اغوانلر دن چوق کسنه قتل اولتوب محمد لری دخی قزلباشلره
اسیردوشدی میر مجود بو وقعه دن غایت ابله مغنوم و متکدر اولدی
با خصوص که اقربا و تعلقا تندن بر قاج نفر کسنه یاننده موجود بولنوب
بو جنکه قزلباشلره اسیر اولمشیدی بیان سبب قتل واسنی صال اسازای
قزلباش و عهد میثاق در میان اغوانیان برای اخذ انتقام پس میر مرقوم
عجالة اصفهانه ایلچی کوندروب شاه حسپنه بو کونه خبر کوندرد بکه شاه
حسین کند و جان بندن بن اصفهانه ادم و رقم کوندروب قصبه مز بون ده
مجمع قزلباشلر زینهار و زینهار اغواندن اخذ ایلدکاری اسرانی قتل ابله لری
و نچیزورنجیده ایتیموب خوش طوته لر تا که اغوان دخی اکامکافات ابله
قزلباش اسیرلرینه معامله ابله لری فی الواقع شاه حسین وجه محرر اوزن
رقم یازوب و مهماندار باشی میر زار اقی تام معتمدینی بو تنبیهی ابله کوندروب
و بر قاج اغوان دخی معاکیدوب بن اصفهانه و اصل اولد قلرند کوردیلر که
قزلباشی بد نهاد اغواندن دست راسی اولان اسرادن بر فردی صاغ

قوم ميبوب جمله سنی صلب ابلش وصلب اولنا نلرك وجود لرنه صانع ير
 قالميبوب كاپدن ايله قوياروب ييل موملری ايله يا قش ياندر مش و بونلرك
 ايجده مير مجودك كوچك قرندا شی و عیسی اوغلی و خاله سی اوغلی
 واغواندن نجه نجه بلو باشلور بولنوب جمله سی قزلباش او باش الندن
 بو كونه سكبجه ايله كرفتار پنجه شيراجلی اولد قلرینی اغوان كوزيچك
 فی الحال رجعت و اوردولرینه واروب مير مجوده و صغیر و كبیر جمله اغوان
 طائفه سنه بو احوالی اشاعت ایدوب بو فعل شنیعك و خبر مو حشك
 صیت و صداسی دل دریا انقام اغوانیانی جوش و خر و شه كتوروب
 بریره جمع اولد بیلر نلر دخی للرنده اولان قزلباش اسیرلرینی جمله قتل و من بعد
 صلح و صلاح لفظی دخی بر فرد لسانه الميبوب اغواندن بر فرد صانع قانجه
 اخذ انتقامه جان و با شمله بدل مقدر اید جكلرینه جمله سی متعهد
 و مصحف شریفی اورتیه كتوروب متفق الدرین جمله سی ال اوروب ایمان
 خلیط ايله عهد و امانلر ایدوب بونیت و عزیمتلرنه قیام و ثباتی تا كید
 و تا بیدایتد بیلر و من بعد عهد و امانلرینه موافق انتقامه جان حقیله
 سعی و كوشش ایتد بیلر و اللرنه موجود قزلباش اسیرلرینی صغیر و كبیر
 فقیر و غنی خان و رعایا اعلی و ادنی دیمیبوب قزلباشلرك كوزلرینه قارشو
 جمله سن صلب ایتد بیلر و بو حالی اذعان ایدن مسلم و نصارا و یهود و مجوس
 جمله سی يك لسان علیهم ما يستحقون دید بیلر استمداد شاه عجم از جانب
 وختان خان و الی كورجستان چون كلنا باد انهم ایمی اثناسنده علی مردان
 خان اصفهانه قیاغیب امداد ایچون عسکر تحریر و نلر كنه كمش ایدی
 و نلر ك ایلدو کی بش پيك عسکر و ذخیره و مهمات بالاده ذكر اولندوغی

اوزن

اوزن دست رس اغوانیان اولوب کوچك قرنداشيله عسکر منهزم ۲۰
اولدی بوخبر موخشدن سار عجملره دخی نفرت و وحشت کلوب
علی مردان یاتده بولنان بر مقدار عسکر دخی پراکنده اولمغه یوز طوتوب
اصفهانه امداد من بعد ممکن اولدوغن بلوب کند و محافظه سی ند اراکنده
اولدی و اصفهان خلقی دخی علی مردان دن و سار امداد و اعانت مأمول
ایتد کبری کسنه لدن مایوس اولمق کور جستاندن غیری بر در لو امید لری
قالدی جون مقدمه ماشاه حسین و ختان خانه عظیم اعتدار پله دعوت
نامه یازوب هدیة بهیه لر کوندروب اغوان الله مقتول اولان
خسر و خانک انتقامن الموق غیرتنه ترغیب ایدوب بوتقر بيله استمداد
و اصفهان کله سن مراد ایلش ایدی بو ائناده و ختانه فرستاده قلنان
بیك نامه ور کلوب و ختان خان مقدا ایلدو کی یمننده ثابت قدم و من
بعد عمر اولدقچه عجم شاهلرینک دشمنلرینه مهدم اولسون قلی حکیم
قولنده راسخ الدم اولدوغی جواب یأس دخی کلوب باب امید امداد
بالکلیه منسد اولدی احوال شهزاده طهما سب بوندن صکره ینه
مشاور ایدوب طهما سبی برطر بقیله اصفهان دن طشره کوندر مک
ند بیرین ایلد پلراون اکی دفعه امداد بیزه عزیمت ایدن عسکرک انهزامنه
باعث مجرد باش بوغلی اولدوغیدر شهزاده مرقوم بیرون اصفهانده
بولنسه البته خلق اشدوب کوروب یانسه جمع اولور لر و عسکر کثیر اولوب
زاد و ذخیره ندر ایدوب اصفهان کوندر مکه غیرت ایدر و بزه دخی
کلیتلو عسکر بله کلوب امداد و اعانت ایدر دیو مشورتلرینه نتیجه
و یرد کلرند سکر یوز کز بده جنکچی قجر عسکر بله بر شت تارده غیرت

ایدوب میان اغولدن چوب سلامت بولدی واکرجه اطراف واکنافه
 نك وپو عسکر جمع اهنمانده اولدی لکن خلق چندان میل و رغبت
 ایتیموب عسکر یازلمد پلرز برابوندن اول امداده کتمک مراد ایدن خانلره
 کرمان شاهان اورستان و شیراز و بونلرک جوارنده اولان خلق بردفعه
 عسکر یاز بلوب بوزلمش لر ایدی بعده طوائف اکراد بککرینه مراجعت
 ایلد پلر انلر دخی بز دولت علیه عثمانیه حدودی جوارنده ساکن اولوب
 کند ویرلر چیزی هر حاله محافظه یه محتاج ایز بوبله اختلال ائناسنده حرکت
 ایدن جک اولور سق عثمانلویه تابع اکراد و سائر ملل مختلفه مترصد
 فرصت اولوب در حال ولایتی غارت ایللمری مقرر دردیو جواب ویرد پلر
 و شروان حواله سنده اولان قزلباش خلقی دخی طوائف لزکیان ابله
 مشغول الحال اولوب انلر دخی پابند غا بله اولملر بله نه اصفهان امداد
 ونه طهماسبه عسکر اوله پلر بعده طهماسب قزوینه کلوب اوتوز بیک
 مقداری درئی عسکر پیدا ایلدی و اصفهان امدادینه کتمک سوداسنده
 اولدی نه یوزدن حرکت اوللودر ونه ندرک ونه صورت و طریق ابله
 کئلودر دیو مقر بلری اولان رجالیله مشورت ایلدی جون عجم خلقی
 بونجه زماندن بروروز کار ناهمواردن زده نتمش تعب اختلال و اختلاف
 احوال ابله پریشان الاحوال اولمش و شد اید حرب قتال دن کند ولرینه
 نفرت و دهشت کلش ایدی باخصوص که شهر اصفهانک احوال دپکر کونی
 قیماپنهم سیموع بولمش ایدی اول کرداب بلادن اجتناب و اول مهلکه
 عظیادن محاشی ضمیر لرنده مکتوم ایدی بناء علی هذا طهماسبی دخی اول
 طریق برتعبه عزیمتن و اول بادیه شوم دان تو جهدن منع و تجویل ایلک

قصیده

۱۳ قصد بلبه تعویق و تاخیر مراد ایتد پلر شاهم عجله ابله کند و عسکر بجزه
برخو شچه نظام ویره لم زاد و ذخیره و مهماتزی کرکی کبی کون لم و بر مقدار
عسکر دخی جمع ابدوب ندارک تام ابله وان لم ما مولدر که بچه مدت
مروینه دکن شهر اصفهان اغوانک دست رسلری اولیما از قضا اولدوغی
صورته دخی اغوان طائفه سی نهب و غارندن صکره طور میوب
عودت ابلک مقرر در بز دخی عسکر کثیر ابله عقبگیرری اولور ز و اموال
و اشیارینی اللرنندن سهوات ابله الور ز دیوب طهما سبی اغفال ایتد پلر
و بر قاج کوند نصکره ینه مراد لینه و سوء قصد لینه تمشیت و تقویه
و یرمک ایچون شاهم بو عسکر و افره ابله اصفهان اوزرینه وار دیکمزده
غالب احتمال بودر که اغوانی دفع ابله رز و اغوان دفع اولدوغی برله ینه
شاه شاه اولوب رجالی رجال اولور سزی دخی میرزا سلیمان و میرزا
صغی کبی حبس ابدر لر دیوب طهما سبی بو کونه اغوا ابله مقصود نندن
فراغت ایتد و دیلر احوال میرزا سلیمان و میرزا صغی ایام محاصره امتداد
و شدت داهیه بحمیان اشتداد بولوب شاه حسینک معتادی دولخانه
اولان سرای شاهیدن طشره چقمیوب و نظارت احوال عسکر و ناسه
اقتداری منعدم اولوب رجالد دخی کیدرک نافذ الحکم مسوم الکلام
صاحب ندبیر عدامه یوز طو و تغله بر کون جمله عجم انفاق ابدوب شهزاده
میرزا سلیمانی شاه حسیننه وکیل و قائم مقام اولق اوزن تخته چقار د پلر
شهزاده مرقوم مقتضای حال و وقتیه کون کیمنه قهر ابله و کیمنه لطف ابله
معامله ابدوب روز شب سعی و اهتمام ابله عسکره و خلقه حبلی نظام
بولدر مش بکن اون کون حکومتند نصکره غدار و ظالمدر و شاه حسیننی

تختندن اندیروب کوزلینه میل جکک سودا سنه دوشمشدر دیو
خلق جمع ایدوب عزل و حبس ویرنه شهزاده میرزاصفی بی تخته چقاروب
شاهه ولی عهد نصب و زمام حکومتی بد تصرفنه نفویض ایتد بلمیرزا
مرقوم برای مقداری وکالت ایدوب حکومته مستعد صاحب ذات
اولغله اگرچه نظام احوال عسکر و ناسه جدا و فی ایلدی لکن طبایع
افراد عجم بالکلیه متغیر و اصلاح پذیر اولمقدن دور و بعید سقیم المزاج
اولدوغن مشاهده ایدوب بر مقتضای قضای ازل عجمه عارضی اولان
ادرده دوامپسرا اولدوغن فهم و ادراک ایدو محک و لم یصلح العطار ما افساه
الدهر دیوب کندوسن حکومتدن عزل ایلدی عجم رجالی انی دخی حبس
ایدوبینه حکومت شاه حسینده قرار داده اولدی تا اهل کردن
طهماسب در شهر قزوین بتحریرک رجال بدنهادش ازین جانب ینه
طهماسبی مقربلری تعویق و تغلیط و صغری و کبری دن عبارت
قضایای کاذه ابله اغفال ایچون شاهم اصفهان نمازدن اول واروب
مخلص ایلسک شاه شاه اولور رجال ینه رجال اولور اندوغی کبی واروب
بز تخت و تاجی اغوان النذن اله لم تا کم یا جمله عجم نزم ازاد کرده مز اوله
بو صورنده سن تحت شاهیده برقرار اولوب سنکله معامک کشلرک
سکا رجال اوله دیوب بو کونه کلمات فساد امیز لر بله طهماسبی اغفال
واغراردن غیری عاقبت اولنک سودا سنه دخی دوشورد بلمرو خانلردن
برینک قیزینه فی الحال نامزاد اولوب قزوینده سورندارکن کورد بلمرو و نجه
ایام دونما و شنلاکرا ایدوب سرور و شادمانی اظهار ایتد بلمرو انفاقازافی
کیجه سی اصفهانک اغوانه تسلیم اولمندیغی خبر بله سور و شنلاکرینی
ایچامه رسیده قلد بلمرو اصفهانلو طهماسبک احوالین خبر ایحق مرقومی

طشره

طشره کوندروب بقر عسکرینی یاتسه تعیین ایلد کله ننه نادم اولد بیلر ۶۴
واوانک قیدینه دوشوب امداد لری اهنامنده اولدوغن ادراک ایلد کلرنده
اصفهاندن طشره یه فرار سوداسنده اولد بیلر ویوما هیوما قحط غلبه
ایدوب جنکه اقتدار لری قالمیوب علنا اصفهاندن چقوب کیدر لردی
اغوانلر دخی اغماض العین ایدوب چندان ممانعت ایتمز لردی فی الواقع
طهما سب اصفهانده بولنسه اوراق دفتر انسال وانساب شاهان انکله
دور پلوب عرق خاندان صفویه انده منقطع اولوردی و دو تقدیرده
عجلمر میر مجوده بیعت ایلک امر مقرر ایدی ز بل در بیان وقایع غریبه دو
اصفهان از شدت محاصره و تجمع و مراجعت کردن ناس بدولت خانه امر
محاصره تمتد اولیحق قحط غلا و سائر ماکولات مضایقه سپله و هر جانبدن
شد ایدود واهی پیایی ظهور بله اهالی اصفهان حیز تعبیردن بیرون
حال پریشانه گرفتار اولوب شاشوب قالد بیلر شاهلری اولان شاه
حسین ایام محاصره ده پدی ای ایچنده سرای شاهی اولان دولت
خانه دن برکز طشره چقمدی برکون عجمک صغیر و کبیری جمع اولوب
برکروه عظیم شاهک سراینه وارد بیلر سرای میدانده اه انبیلری عبوقه
چقوب جاغر شد بیلر شاه فریاد و فغانلرینه تحمل ایدو میوب طشره
چقمدی قوللرم مراد و مقصود بکز ندر دیو خطاب ایلد که جمله سی
صوت بلند ایله شاهم شدت قحطدن بونجه پیک نفوس بشر و غیرینک
ملف اولدوغندن خیر بکز و بونجه قوللر بکز شد ایدو بلا یادن هر روز شب
خاک مذلتده غلطان اولد قلرینه اکاهکز وار میدو شاهمیزک دیدار نه
اشه یاق غایته ایریشوب قوللری شاهک حالندن بی خبر شاه دخی

قولري نيك دېكر كون احوالندن كا دكل شاهم بوند نصكره ايش ايشدن
 چكدي غيري درد بيزه دوا قالميو ب همان غيرت ابدوب سر ابدن چقه سر
 و قولرك از اسنه كلوب جمله مزه قلب اولوب يك دل و درون صغير و كبير چيز
 اغوانه هجوم ايده رز بر فرديز حيانده اولد قچه جان و با شيله جنك ابد رز
 اچلقدن قرقلقدن بوضورنده شمشير اعدادن جمله مزه اولك اولي در
 ديوجوق اغلشد بلر شاه حسين دفع قيدنده اولوب نوازش خاطر لر ينه
 مهما امكن رعایت ابلدی بود فعه اموری هويزه خانه حواله ابدوب
 انك ياتنه كيدوب معيتمله اغوانه هجوم ندبير يني انك رأي واهنما منه
 سپارش ابلدی و هويزه خاتني و كيل مطلق ابدوب على الاستقلال
جمله يه سردار نصب و تعيين ابلدك دفع مجلس ابلدی مراجعت كردن
 ناس بجانب خان هويزه بوند نصكره جمله قزلباشلر هويزه خاننك
 ياتنه واروب غلوايتد بلر شاهك تنبیهی اوزن بزه سردار اولوب پيشرو چيز
 اول بزدخي سكا پيرو اولوب اعدی اوزرينه شبنون ابدلم ديوعظيم ابرام
 و الحاح ابله فریاد لر ايتد بلر خان مرقوم دخي دفع مراد ابدوب مدار ابله
 معامله و بلالو باشلو لر يني ياتنه كتور دوب عجله اتميوك برايكي كون دخي
 صبر و تحمل ابدوك بش كونه دك طهما سب لشكري شمار عد و تشكار ابله
 امداد مزه پتشمك اوزن در انلر بير وندن بزاندروندن دشمنه هجوم
 ابدوب بو طر بقيله انشاء الله غلبه ابد رزو بو كچه طهما سبدن بكا
 مکتوب و ادم كلوب ساخته مکتوب دخي اراز ايليوب اول كون كوچيله
 بوجعيتي دفع ابلدی ايرته سی كون ينه بجمع ابدوب دفع ممكن اولدی
 عاقبت خلك او كونه دوشوب بر مقدار اغوانه قارشو كدلد كاه

طرز عرب و عجم اوزن تطير و ثفال ابدوب بوگون يوم تحسدر و فالمر ۶۰
نامباركدر جمله مز تلفسا و لورزد يويته خلقى دفع ابلدى بوندن صكره دخی
بر قاج دفعه جمعته يله طشره چ قلوب گاه يوم محس و گاه فال نامبارك ديوب
عجم عسكرينك اغوان اوزرينه هجومى امهال و امهال ابلدى هجوم و غلو
کردن ناس بسراى شاهى غيرى عجملر هوزنه خاننك جنكده وارمغه مرادى
اولميو ب اغوانه معين شكند اولدوغن و ازاده بش كون مرور و طهماسب
عسكرندن اثر ظهور ابلد و كن كوروبينه تجمع و شاهك سر اينه توجه
ايتد بيلر كورد بيلر سراى قپولرى قپانوب محكم سئو و بند اولمش فر ياد لره
ياشليوب شاهك سر اينه مثال باران طاشلر ياغدر د بيلر شاه بونلره
كورغيو ب سكوت ايله معامله لكن بعضى خادم اغالى كلوب مطلق بكن
ندرد يوسو ال ايتد بيلر شاهمز طشره بيورسونلر حيانده ميدر بله لم بزه
قلقان اولوب دشمنه هجوم ابلد لم شاهمزي كورد كچه جمله مز اوغر بنه
و محبوب خاك ايلر بنه قربان اولورزد يويته زور جالميز فر ياد و فغانيله
چاغر شد بيلر و اغلشد بيلر حيز قبولده واقع اولميو ب سوزلر بنه التفات
اولمىدى شاه دخی كورغيو ب هر چند كه خادم اغالى دفع قيدنده
اولد بيلر فائده و يرميو ب شاهم اجلقندن هلاك اولد و هوزنه خاننك
بزه سوء قصدى در كار در البته غيرت ابدوب طشره بيورك قوللرينه
سپر اولوب دشمنه وار لم شاهمزيك يولنه جمله مز بوگون قربان اولالم
وياد شمنه غالب اولوب خلاص اولالم ديوب كتد كچه جمعيتلرى و فرت
و فر ياد و فغانيله شاهى طلبنده اصرار لرى كرميت يولوب عاقبت دفعنده چاره
بولميو ب اندرون سراى شاهيده موجود خدام سلاطنوب مقاومت

حاضر اولد بئر و حصار سراپه موجود قولون بورنه و ساير صاحبه
 طوپلرينه اتش ايدوب نچه لری هلاک و ساير لری برقات دخی منکسر الحال
 و پریشان خاطر اولد بئر من بعد شاهدن دخی مایوس و رو کردن
 او اوب بلوک بلوک اصفهان دن قراری قران تبدیله یوز طوند بئر میان
 احوال خادم احمد اغا ذکر می مروا بدن اغای مومی الیه صاحب شجاعت
 دلیر و بهادر کسینه اولوب سابقا جسر شیراز وقعه سنه شجاعی
 بالمشاهد جمایه معلوم اولمش ابدی و تحت حکومتنده اولان عسکر
 لشکر قزلباشک کزیده سی اولغله اغای مرقوم جانندن اغوانیان دخی دایما
 خوف و احتیاط اوزنه اولمشلر ابدی بود فعه عسکرینک زاد و ذخیره لری
 قالیوب شدت جوع جانلرینه طاق ایدوب اغای مومی الیه اوزرینه
 طلب ارزاق لری سوقیله هجوم ایتد بئر اللرن دن خلاص ممکن اولدوغن
 بلوب تخلیص کر بیان قصدیله شاهک مطبخنه جواله ایلدی و ارا
 بولور سکرالوب امروز کک فافلنوب فرادا ایچون رزقیزی خدام ابرام
 بریزدن کوندور ما مول ایدر زرد بد کده بر جمعیت عظیمه واروب
 بر نقر پبله شاهک مطبخنه یول بولوب بولد قلری ارزاقی یاغما ایلد بئر
 اغای مرقومه شاه عتاب و خطاب ایدوب نچون عسکر بکه بو کونه ایش
 ایتدردک دید کده شاهم بوندیم مقصودم مجرد عسکرالندن تخلیص
 کر بیانه محصور دکل ابدی بلکه قصدم بو اید بکه اندرون سرای شاهیده
 موجود خادم و ندیلر باری بر کجه اج قالب طشره ده اولان عباد الله
 شدت جوع ایلنه کونه بلایه کرفنار اولد قلرینی بر کز خاطره کتون لر
 شاه دخی اغای مرقومک بو کونه جوانندن ملزم اولوب رفقیله معامله بی

شایسته

شایسته کورذی بوائناده اغای مرقومه خبر کلد بکه طشره دن بر ۶۶
مقدار عسکر بله وافر ذخیره کلوب ایجرویه کیرمکه جسارت ابد مد کلرندن
جوار اصفهانده بر محله قونوب اطرافلرینه حندق کسوب بو حال اوزن
اصفهانلو ایله مخابره واثفا قلمر بله حرکت متری قلمر در اغای مرقوم فی الحال
هویره خاتنه واروب واقع حالی بلدردی وان لم بنجه لطر فندن اغوانلر
اوردوسندن دوکوشه دوکوشه کچه لم واول عسکر و ذخیره بی ایجرویه
اله لم دبد که هویره خانی مخالفت ایتمیوب وافر عسکر بله قالقوب طشره
چقد پلر احمد اغا عسکر بله پیشرو اولوب اغوانلر ایله عظیم جنک ایلدی
هویره خانی قفادن امداد و اعانت ایله مقید اولمیوب آخر کار احمد اغانک
کز بده عسکری قریلوب منهزم اولدی و کتدوسی دخی فرار ایدوب
کوچیله سلامت بولدی شاه واقع حالدن خبر اولیحق احمد اغانی
باغر دوب بخون هویره خاتندن اول حرکت ایدوب دشمنه واردک
ویجون انک رای و تدبیر بله عامل اولوب امر بینه منتظر اولدک دیو عتاب
و خطاب و تعزیرلر ایلدی اول دخی جوانبده شاهم هویره خانی سنک
دشمنکدر امدادیمه کلسه اغوانه غلبه مقرر ایدی و اول عسکر و ذخیره بی
ایجرویه المق حد امکانده ایدی لکن خان مرقومک دماغنده فساد
اشکاره اولغله اراقدن حالزری تماشا ایدوب نه کندوسی اعانت ایتدی
ونه اعانت مراد ایدنلره اذن و یردی چون شاهم دوستک دشمنک
یانندن قالدی بنم دخی الله ایله عهدم اولستونکه بردخی طشره چقوب دشمنه
قارشو وار میهیم ایجق اغوانلر کلوب شاهمی تختندن ایروب یاغندن
سور پیوب کوتورد کلر نده بن قولک دخی کلوب صد اقمی اثبات و جملیه

اعلان ایچون اول اراده شاهمک اوغورینه قلع چکوب خاکپای شاهه
وجود وجانی نثار ابدیم و یاغی التنه اولوب شاهمک قربانی اولان
دیوب شاهک حضورندن چقوب کندی خانه سنه کندی غایت
ایله غیور بر مرد جسور اولغله شاهک تعزیر بنی حضم ابدیم میوب و خاین
و صادق شاهک حضورنده بانندی دیو غیرتندن صبر و تحمل قراری
قالمیوب اول کیجه کند و سنی زهر لیوب هلاک ایلدی اشکر قزلباش اغای
مومی الیهک فوتی خبرین استماع ابدیمچک من بعد بر فردن امید لری
قالمیوب یاس کلی ایله ما یوس و نا امید اولد بلر بیان احوال قحط در شهر
اصفهان اصفهان محاصره سندن اوج ای مروینه دکن چار سو
و بازارده کفایت مقداری نان و لحم و سایر ما کولات اقسامی بولنوردی
اوج ای مرونده ات اتمک بولنمیوب دووه قاطر بار کیره حمار ائلری فروخت
اولنوردی و بر بار کیر بوغز لیمق ایچون اون اپکی تو مننه صائلوردی بر قاج
گوند نصکره بکرمی بش تو من چقدی و چوغه وار میوب بر حمار الی تو من
ایچه یه صائلدی بعلله بونلرک وجودی بولنمیوب کلب و کدی نیمکه
باشلندی و بر مرتبه یه وارد بکه درون اصفهانده کلب و کد بدن بردانه
بولنمز اولدی بر کون بو فقیر بر مهم ایچون فر آنچه اچپسی سر ایندن چقوب
انکلتیره بالیوزی سر اینه کتمک مراد ایلدم کور دیمکه سر ای قیوسی
او کونده بر بی چان خاتون بر کدی توتوش بوغز لیمق استردرد مند خاتون
شدت جوعدن ضعفه واروب کدی یه کوچی تمز اللری نی طر ملیوب قان
روان اولمش اپکن جان حقیله طو توب میلانمی ایچون اپکپسی دخی فریاد
وقغان ابدر عاقبت حقیر دخی صبر و تحمل ابدیم میوب بیچار حیوانی
بوغز لیمقده

۹۷ بوغزلقده خواه ناخواه خاتونه اعانتته مجبور اولدم دورت ای مرورینه
انسان آتی پنجه باشلندی وانسان اتی صتار بش نفر قصاب طوتلوب
سارلره عبرت ایچون باشلرین طاش التنه قویوب ازوب قتل ایتد کارینی
کوردم بوند نصکره اسواقده هلاک اولمش تازه میتلرک بودلرین کسوب
یرلردی وجهه اسواق اچلقدن هلاک اولمش انسانیلره رختم رختم اولمش
طولمش ابدی التمهید اگرچه بو حقیر ناچیزک اعتقادیده بوجهه مقتضای
قضای ازل بر امر بر حکمت لم یزلد رانجق قصور و کسورند بیردخی ظهوری
قضایه باعث اسباب و عالیدن ابدوکی لاریب ولا استنباهدر فعلی هذا
نفاق واختلاف خلق واختلال ناس ورجال و بالجمله امورلرینه قصور
وای وندیر اهالی اصفهانک بو حال حیرت اشماللرینه باعث وبادی علل
واسباب ظاهره دن ابدوکی دخی امر بید بهدرا اهالی اصفهان بلاد سایره
خلقی کبی روزمره محتاج اولد قلری نان ولجی هر کون بازاردن صاتون
الوب اولرند زاده و ذخایر بولماز ابدی ویر فردک خانه سنده بر ایکی ابلق
موجود کفافی یوغدی بوبله بکن اطرافده کدبلاد وقری خلقی ذخیره سز
شهره الوب کتورد پلر محاصره احتمالی قطعادر خاطر ایتد پلر ذخایر
ند اوکی ممکن بکن صرف زهن ایتد پلر اغوانلر فرح ابادی ضبط ایلد کدن
صکره جسر اب سباده تصرفلرینه کیرنجه اوج ای مرورینه دکن اطراف
اصفهان اچق بکن اصفهانده جنگچی نی قویوب رعایا و نسون و صبیانی
طشره چقر میوب اخر ملکته کوندر میوب ذخیره ندر کی فکرین دخی
ایتد پلر همان بر ایکی کونلک همکامه در صا اولور صاند پلردن یا گفته ای
مفرحه ایلد شاعرانه مبالغه لر و کفت و کوی کاذبه بله رسنما به جنک لراید وب

هكس قضيه ظهور ايدرسه حال نجه اولور ديد پلر بر كون اصفهانده
 مقيم فرا نجه لچسي اعتماد الدوله يه واروب فرصت الله ايك ندارك كورك
 وبي فائده خلقى طشره چقار ك انجا منده ندامت چكر سكر ديوب اي قاط
 مراد ابلد كده اعتماد الدوله شمد بلك اصفهانده بزجاج سنه يه كفايت ايدو
 ذخيره مر واردر ديو جواب و پردى حال بو كه بر فردده بر اى كفايت ايدو
 ذخيره بولندي مدهنه اربانك خوش امدى كلامنه و لاف و كذاف
 اميز كفتارينه الد انوب وار ديد كلرى صحیح ديو اعتقاد ايتمش ايدى
 بروقتده حنطه و شعير وار زوسا اير حبو بائدن دانه اثرى قالمیوب اخر كار
 انجلرك پيراغنى و قيوغنى دارچين مثال و وزينه فروخت و هو انلرده دو كوب
 كيك ايله قارشدر و ب دورت وقیه سى اون تومان اقچه يه صائلوردى
 انواع اونلر و كوكلر و ياغ و پينر پوسته كيلرى و سائر درى پارچه لرى
 پيشريلوب ينوردى كه نه پاپوج كون پارچه لرى و بونلرك امثال قاش
 پاره لرى صوده اصلد بلوب پاسطرمه يوللوينور اولدى بونلر دخى
 بولتماز اولدقده غيرى خلق سوقاقلره دوشوب اول صاحب خاندان
 خان زاده لر كوش يوزين كور مين خانلر نڭبه و باكره صاحبلى
 و صاحب سز خاتونلر و قيزلر در و ياقوت و لعل ايله دونمش عنقا بازرگان
 زاده لر سوقاقلره دوشوب ماملكلر بنى و جوهر لر نى باشلرينه الوب
 قرياد و فغان ايله بر پارچه نان طلب ايدر لردى نه جوهر لر نيه رغبت
 ايدر وارونه سدر مق اچون بزنان پارسنى و يرمكه قادر كسنه وار همان
 پچان لك فرياد و فغان ايله نفسلرى دو كنبوب ضعف جوع ايله يره دوشوب
 سورينه سورينه و هره كى ماويله ماويله جان و يرر ل ايدى هر كس نه يره

دوشسه

دوشسه انده قالبوب دفن دخی ممکن اولمیوب اول حال اوژن قالوردی ونهر
اصفهان دخی لاشه ابله لب براب طولمش ابدی بو احوالی کورن اهل دل
نفسی نفسی دیک حسب حالی ایکن کند و نفس و حال فراموش ابدوب
بونارک غمیله وادی حیرنده سرگردان ولا یعقل طوکا قالوردی غربه شاه
جسپنک بر عنقا میرزاسی بو حال حیرت اشمالی مشاهده ابدی بچک فکر
واندیشه یه واردی نور دبدلری اولان اولاد و انساب و اهل بی بی بر قاج
کوندن صکره نفقه لری قالمیوب بو حال وحشت افزایه خواه نا خواه گرفتار
اوله جقلمین بقینافهم و ادراک ابدوب ماملکن بذل ابله ابکی اوج و قیه
مقداری طعام ندرک ابلدی و بالجمله اهل بی بی و اولاد و انساب و اقرباسنی
دعوت ابدوب اطعام ابلدی بعده جمله یه خطاب ابدوب ددبکه ای نیم
نورد بدلم سوک و قرداش و اقربا لرم بو طعام جمله مزک صوک طعامیدر
زیرا اکل و شربه متعلق بوندن غیر برذن مز قالمی مکر میرزای مرقوم
اهل و عیال و تعلقاتی سو قافلره دوستوب اول حال وحشت اشمالیله
تلف اولیه لردی و طعامه سم هندی قاتوب بر مقدار زمان مرورنده
گندوسی و غیر پلری بالجمله خانه سنه هلاک اولد پلر اغرب غرایب
بو حقیر دخی بو ائنده اسرار حکم علیه ربانیه دن بر حکمت عظیمه
مشاهده قلدیم شهر اصفهانده محاصره دن اول بر قاج سنه دن یوسا پلاک
ابدیر بر مسکین اعما کوردیم اثنای محاصره ده ینه سا ناک ابدیر کوردیم
بعد المحاصره میر محمود کوننده ینه مسکین مرقومی سا ناک ابدیر کوردیم
و یوسری ادراکده غایت ابله متخیر و عاجز و در مانده قالدیم احوال اباچیان
ملوک نصاری در محاصره اصفهان اصفهانده موجود ملوک نصاری

اچیلری کندلرینی عجمه قیاس ایتیموب و وقت اختلالده ذخیره نندارکی
 کند و لرینه نسبت حد امکانده اولماز ملاحظه سینه پیشین نندارک
 کوردیلر و ما کولات و مشرو بائلرینه متعلق حنطه و دقیق وارزوسکر
 و حواچ بیوندن اولان حبوبات سائره و لحوم مقدده فی وفرت اوزن
 ادخار ایتدیلر ابتدای محاصره دن اوج ای مرورینه دکن لحوم جدید
 بولنوردی و اطراف اصفهان اجق اولوب طشره دن دخی نندارک
 و احضار ممکن ایدی شهر اصفهان محصور اولدوغی کبی اچیلر دخی
 اولرینک قپولرینی محکم قیادیلر و ناس ابله اختلاط ایتیموب تحاشی
 واجتناب و کندولرینی لیل و نهار محافظه اوزن اولدیلر میرمچود دخی
 جاسوسلر و سائطیله احوال اچیاندن خبر الحق عجملره ذخیره و برمیبلر
 و شکرلرین فروخت ایتیمه لردیو خفیه نذیبه اولندیلر عدد مقتولان
 از شمشیر و هلاک شد کان از قحط در شهر اصفهان نذیبه شهر لده
 طوغوب بیویوب جنک و قتال کور میوب و هرج و مرج و فتنه فسادلرینی
 مشاهده ایتیموب با خصوص سرحد لده محاصره شدنلرینی بلیویوب
 فزونیا زبله پرورده اولان بلدی و سائر بونلرک امثالی ساده دللر نعمت
 و احتی اذعان ایتیموب بو کونه تقریر و خبری مبالغه یه حمل ابله کاشلردو
 مع هذا که شهر اصفهان بر بلده عظیمه و خطه واسعه اولوب درون
 شهرده ممکن بلدی و مسافر و مجاور و عسکری اولنلردن غیری اطراف
 بلاد و قری ضلقی دخی شهره کیروب همان انساندن عبارت دریای عمان
 اولمش ابدی اثنای حروب و قتالده مقتول اولان قزلباشلرک عددی
 بکرمی بیکه بالغ اولدوغی صدقه بقین برتواتردن لکن فات قحط دن هلاک
 اولنلرک تعداد و تخمین بروجه حد امکانده اولیویوب بر قاج کره بوزیک
 اولدوغنده

اولد غنده دخی استنباه قالمیوب اولی وانسب اه لان تعیین عددده کف ۶۹
لسان قلم قائمقدرتسایم کردن شاه حسین تاج شاهی و تحت یرانی بجانب
میر محمود و ضبط شهر اصفهان و احوال ساره در میان اغوان و عجم میر محمود
اصفهانده وقوع بولان احواله نقیر و قطیر خمیر او ایحق غیر شهر اصفهان
دسترسی اوله جغنده اشتباهی قالمیوب محاصره تمشیی شدننده بر مقدار
نسهیلی ره اگوردی و عسکر بنی بر مقدار کیر و چکوب تلفتی من بعد جائز
گورمدی سر بلوکار بنی چ اغروب عجم اوزر بنه وارلمیه دیون تنبیه ایلدی
برادکی کوند نصیکه عجمله کیریشان حالی اغواندن اعلی و ادنایه معلوم
اولیحق اغوان عسکری اصفهانده یوریشه اذن طلب ایلد بلر و مطلق بلرند
مصدر اولوب میر محمود و میا محبسی دفعنه سعی ایدوب کوچینه
تحویل ایلدی و بنه هر فردی بر اویر بنه کوندروب خدمت مأمورده
ثابت الاقدام اولد بلر و میر محمود یوریشه جواز ویرمدی زیر اموال
و خز بنه شهر غارت اولد و غندر غیر یو محض حمتدن تعیب و مشقتدن
صکر عسکرندله همزام وقوعندن خوف ایدوب حزمه احتیاط ایدردی و
یو کونلرده شاه سر اینده دخی ماکولات و مشره با تهر بر رذن مقداری زاد
و ذخیره قالمیوب و با جمله اطرافدن معاون و ره دندن یاسر کلی ایدروب
شاه عاقبت خواب غفلتدن بیدار اولدی و ایش نیمه منجر اولد و غن ایلدی
لباس فاخره سن چقاروب یاس و ماتم کیاسن کیدی اندرین سرایی کزوب
خادم و ندیم و تعلقانیه اغلشرق و داعلشدی سر ایدن طشره چقوب
میدان اسواق قحط ایله هلاک اولمشلر ایله مال مال اولمش کوردی دروننده
رفق و شفقت همچان ایدوب دینداری مثال سحاب ایدار اشکیار اولدی

صوت بلند ابله اغلیوب کوردوگی ندیم وخادم وناسه متوجه او اوب
 وداعه بشلمدی وکاه خطاب وکاه عتاب ابله بوکونه کلامه اغاز ایلدی
 ای بنم صاد قلمر محبتم ابله محنته کرفتار اولمش قوللرم بو بحر بلادده
 یارد اشلرم نار غیرتم ابله یاخمش یا قلمش صد اقتکار لرم بو قضای مبرمه
 رضادن غیری چان مزو بو حکم ازله تسامیدن اوز که منالمر یو قدر بناء
 دولتمزی الیز ابله هدم ایتدک جناب حقندن مستغرق اولدوغمز نعمتک
 شکرن بلدک نفاق و شقاق واختلافز ابله دوشمنلریزی ایقلندردق
 سو ندیمر وقصور و کسور رای ابله ماملکمزی یادالنه و یردک قضای
 ازل ناشایسته فعلمز ایچون تحت ایرانی بزه لایق کور میوب اخره و یردی
 سزی و بری تقدیر خدا غیره بنده قلدی چون ارادت علیه بو کاتعلق
 ایتدی شاه جدیده واروب جمله مز سرفرو و اکفول اولمقدن غیری
 چان قالمدی شهری کزوب و صوت بلند ابله والواع ای تحت شاهی
 الوداع ای ملک ایران الوداع ای تاج دار الوداع ای شهر اصفهان الوداع
 دیوب شاه وناس واعلی و ادنی برمر نمده اغلشد پله کاه و اینینلری
 افلاکه چقوب جولغه ده و اغوانلر اوردوسنده اشکان اشید پلوردی
 و اول کون اخشامدک بو حال اوزن کزوب اغلشوب اخشامه قریب
 شاه وناس سرایه واروب جمع اولد پلر و مشورت ایدوب شهری اغوانه
 تسامیده اتفاق اید پلر چون صباح اولدی شاه حسین معتمد لردن برقاج
 کسنه بی میر محمود ابله مکالمه یه کوندروب نور دپله سی قیز بی دخی
 تجهیز ایدوب میر محمودک یاغنه کوندردی مکالمه یه مأموز اولانلر
 کندولر بنه سپارش اولنان شروط و قیودی ایراد و میر محمود دخی قبول

ایدوب

۷۰. ایدوب ویره مواد لری غقد اولند قده کیر و عودت اولند پلر بعد شاه
 کتورمک ایچون مخصوص ندرک وائلر انتخاب اولنوب میر محمود
 کندور جالندن بر قاج کسنه بی معاکور ندردی شاه حسین کوندیران
 اتلر سوار اولوب وعادت ایران اوزر الا پلر قوروب میر محمود جانبنه رو
 براه اولدی میر محمود دخی رجالیله حاضر و اماده شاهک قد و مننه مترقب
 اولدی و شاه ایچون براوطه حاضر لنوب برمندراوزر بتمه سوزنی مقعد
 دو شنبوب اورتهیره بر بالین قود پلر بعد شاهه اگر ام نه صورنده اوللودر
 دیومذا کره ایند پلر بعضیلر شاه شاه ایران اولوب الان میر محمودک
 قاین پدیری و مقدمه ماجله اغوانک افندیسی بولنغله استقبال در واکورد پلر
 لکن میر محمود استقباله تنزل اینیوب انجق دیوان خانه ده کندی
 رجالیله شاه حسینی ایاغ اوستند بکلیوب شاه حسین رجالیله کلوب
 دیوانخانه به چقد قلدند میر محمود بر قاج ادم یرشاهه استقبال ایدوب
 یری بر لر بنه سلام ویردی لر و شاه حسین میر محمودی قوچوب والندن
 واپکی کوزندن بوس ایدوب قو بنندن بر صر غوج چقاروب کندی ایله
 محمودک باشنده اقدی واللهم مالک الملک ایتی او قویوب بو معنای متضمن
 بر مقدار کلامه نصیره میرم تقدیر ازل تاج و تخت ایرانی بندن الوب سکا
 لایق کوردی و همان مبارک اولسون دید که شاه حسین کندور جاننه
 و بعد میر محمودک رحالنه عطف نظر ایدوب بو کونه خطاب ایتدی بکه ای رجال
 وناس بو کوندکن مالک ایران شاه بن ایدم الان تحت و تاج و مملکی فراغت
 ایدوب میر محمودک بد تصرفنه قصر ید ایتدم و بن دخی تحت حکمنه کیردم
 پیر نه نصیره سزک و یرم شاهمز بودرد بد کده اولا گند و سنی پدیری مقامنه

قبول رجاسنه شروع نائياهل و عيالنه وضع يد رضا و مير ميوب والدي
مقامنه تنزبل نالسا اولاد لرينه رنجيده يي رواكور ميوب كو چك قزند اشلري
مقامنه استخدا م رابعيا نغد موجود رجالك صداقتلري بوانه كنجبه
عجرب و مشاهد اولنغله بكا صداقت ايله خدمت ابلد كلري كبي سكا دخی
صداقت و استقامته ثابت الاقدام اولملري ماملول اولنغله خور و حقير
اولملر يني شايسته كور ميوب عزيز طوته سن خامسا مملكتنه اولان فقرانك
اوزرندن ظلم و غدر دفع و رفع سادسا احكام شرع ميبني هر حالده اجرا ده
صرف مقدور ايله سن ديو نيازي تمامنه مير محمود شاهي اوطه يه دعوت
ابدوب يركو ستردي شاه حسين مندن التفات ايجيوب كنان او توردی
مير محمود دخی مندر اوستنه او تور مغه رغبت ايجيوب مندر ك اول بر كنارنده
زانواوزن او توردی بعده شاه حسين كند و مهر بيله و بالجمله ايران دولتي
خانلر پنك و معروف اولان اعيان و رجالك اسملر بيله مضما و مهر لر بيله
مهور تحت و تاج و ملك ايران فراغتني متضمن بر كاغد چقاروب مير محمودك
النه صوندي اولدخی قارشو سنده قائم ديوان كائينه و يروب جهر بيله
قرا ت ابلد كده ينه مير مر قومك يد بنه و يردی در حال معتبر و معتقدلري
اولان مشايخدن بر كسته يي احضار ابدوب يانلر بنه كلدی شاه و مير
اچكيسي دخی ديزاوزن كلوب اولدخی بران مير محمودك باشنه و بران شاه
حسپنك باشنه قويوب دعار و ثنار اتمامنده تحت و تاج ايراني مير محموده
نبريك ابلدی بعده با جمله رجال عجم كلوب سرفرو و مير محمودك دامن
بوس ايدوب بيعت ايتد بيلر بعده خانان و ضابطان و اعيانان اعوانيان
كلوب لار دخی دامن بوس ايله رسم تبريكي احيلا ايتد بيلر فعلي هذا شعر

دانا و طر بفق هائف غایبدن الهام ایله مذهبنا حق دیدوکی تاریخ نکته ۷۱
امیز مفهومینه موافق شاه اسماعیلده ظهور وابتد ابولان دولت شاهان
طغوز نفر شاهان کراهانک تقریباً یکپیوز بکرمی سکر سنه مقداری مدت
ممالک ایرانه استیلا برله حکومتلری بوگون شاه حسینده تمام اولوب غالباً
دفترلری بونده دور بلوب حتم اولدی ضبط شهر اصفهان و ترتیب الای و رفتن
میر محمود و شاه حسین بدولت خانه و جلوس میر محمود در تحت شاهی
بعده میر مرقومک خان اولی اولان امان الله خان سرای شاهی اولان
دولتخانه ضبطنه مامور اولوب کوندردی و خان ثانی اولان نصر الله خان
برمقدار عسکر یله قزوین جانبلیرینک یوللرین محافظه و اولطر قلمرده
طهماسب حرکتمه نظارت ایچون ارسال اولندی شهر اصفهان ضبط
اولنوب قیولر بنه عسکر تعیین اولندی مرو و اید جکری سو قالم تظهیری
ایچون ادملر تعیین اولنوب لاشه لرد فن اولنوب یوللر بیقنوب مهما
امکن روایج قبیحه از اله اولندی شاه حسین ایچون غیره اوطه دوشنوب
ایته اسکان اولندی ذکر اولنان احوال جمعه کوننه مصداقت ایدوب
ایرتسی کون ارام و استراحت اولندی درون اصفهان مامور اولنلر اهنام
ایدوب مامور اولد قلمری خدمت امکان مرتبه سی بر بنه کتوردی او چنجی
کونکه یوم بازار ایدی الابلر ترتیب اولنوب شاه و میراتلره سوار اولوب
شهر اصفهان توجه اولندی اغوانلر لندن قتل اولنان قزلباش لاشه لری
اذر جاری بغچه سنده بغلغله شاهه کوستر مک قصد بله اول یولدن
کیدلک ثنبیه اولندی شیراز کوپر یسنه وارد قدح جمله الای و میر و شاه
کو پرویه اوغرامیوب کچدن عبور ایتد بلر اپکی یول اغزی نام محله

کلند کده میر محمد ظو غری یولمن اصفهانہ کیدوب شاهی ایسه دیکر
طریقہ کوندرد پلر فراچہ وانکاتره وندرلانده بالیوزلی میر محمد
استقباله کلوب اوکونه دشدیلر وقرلباشلردن برفرد الایه کلسون
وسیر طریقہ یوللرده بولمسون دیو محکم ننبیه ایدوب مناد پلرندا
ایتدر دیلر طرف طرف اغواندن عسکر و سوقاقلر باشنه زیبق تعبیر
اولنورطو پلر قونلوب مستوفی تو فنکچیلر حاضر واماده قلنوب
قرلباشلرک حیلہ و خدعه سندن کرکی کبی حزم و احتیاط ایتد پلر وجه
مجرراوزن سرای شاهی اولان دو تختانیه وارد پلر اندرون سراپده اولان
خدما وندما سرای شاهی یی ترین ایدوب میر محمد ک مری اولان
حولی ده سر تا پای پریای سمند میره دیبای ذیبای ذریاف دوشیوب
اوزندن کچورد پلر و بوضورت اوزن عزت و اکرام ابله تخت شاهی یی
اجلاس ایتد پلر شاهک خادم اغاری کلوب بیعت و مقام خدمتہ قائم
اولد پلر و اندرون سراپده موجود سارندما و خدمه باجمه کلوب میره
سرفروورسم بیعتی بر بنه کتورد پلر بعد کیرو قلان رجال دولت و خانلر
ولختیارلر و اصفهانده موجود ایش ارلری و عسکرلری کلوب بیعت
ایتد پلر و صداقت و استقامت برله من بعد میره خدمت و خلوص
و طوبتہ ثابت قدم و راسخ الدم اوله جقلر پنه عهد و امان ایتد پلر میر
مجر دیک دخی قحطک شد تیلہ خلقک مضابقه سی معلومی اولغله حل و عقد
امور مباشرندن اول ذخیره مهمه سنه صرف مقدر ایدوب اغوانلر
اورد و سندن اصفهانہ ذخیره کتورلسون دیو فرمان و همان اول کوند
پهای ارزاق تنزله یوزطو توب اخشامه دک دورت و قیه دقیق اپکی غروشه
ایندی

ایتدی فعلی هذ ابرقاج کوز ایچنده تحصیل ارزاق نائسه اهتتام اولوب نان
 ولحم ایله خلق بر مقدار کفاقلندی بوخبر شایع اولوب طشره لرده
 مسبوع خاص وعام اولیجق اصفهانده صاحب خانه وملاک متصرفلری
 اولوب محاصره شدئندن فرار اولدیلر اولر بنه گلکه رغبت ایتدی بلر و یوما
 فیوما اصفهانده خلق چوق اولغله یاسلادی بلر بعضی میر محمود رسم عجمه
 مراعت کوس تروب ضیافت ترئین امر ایلدی وامورد ولئی مشورت ایچون
 کند و سندن بیعت ایدن عجم خانلر پی و بککری پی و سائر اسنشان اربانی
 دعوت ایلدی شاه حسینیه خلوص و صداقتله پایدار اولانلره اگرام
 صورتی اظهار و خیانتله بولنلری جمله قتل ایلدی انجق هویزه خانی
 ایله میر محمود بیئنده مقدما عهد و امان جاری اولغله انی قتل ایتدیوب
 حبس موئید ایله حبس ایلدی خان مرقومک عوجه سی اوغلی
 محاصره دن اول میر محمود کلوب مسبوق خدمت و مشهود الصداقت
 بولغله یر بنه هویزه یه خان نصب و تعیین ایلدی میر مرقوم شاه حسینیه
 خلوص و صداقتی مجرب اولان و جاهه خطاب ایدوب شاه کزه ایلدی بککری
 صداقت و استقامتکز مجرد ز رفعتکزه علت مستقله اولوب بککری خلوص
 اوزن خدمتک اولور سکن ملاحظه سیله بولند بککری مناسبی سزه ایقا
 و مقرر ایتدی واروب مامور اولد بککری خدمتک سعی بلیغ وجد او فی ایدوسن
 فعلی هذ اشاه کز جالی میر محموده رجال اولوب اعتماد الدوله سی بنه اعتماد
 الدوله ولدی مرقوم اعتماد الدوله اوته دن بروا باعن جد عجم شاهلر بککری
 خدمتکده صداقت و استقامت برله شهرت بولمش کسنه لردن اولوب
 بود فعه میر محمود جانبدن خدمت مرقومه اعتماد الدوله مرقومک

ذمت خلوص و همت استقامت نه تفویض اولوب الباس خلعت برله
 امتیاز قلند قد میرمچودک ایاغنه رونهاده قلوب بوکوتنیاز مندانه
 تضرع ایلد بکه میرم هر حاله امر بنه اطاعت وانقیاد برله ما مور بیورد قلمری
 خدمانده صدق خلوص اوزن صرف مکت ایدرم انجق طهماسب
 ظهور ایدوب انکله جدال و قتال اقتضا ایلسه شاهزاده امر قوم کر منه
 مستغرق اولدیغ ولی نعم افندیك اوغلی اولوب خاندان شاهیدین
 اوزریمه اولان حقوق نان و نعمت یا شمیدن اشمش برحالت لازمه ال عایه
 اولغله اولمای نعم افندی بلریمه عدویانه سل شمشیر و کافر نه انکار نعم برله
 جانبلر بنه قصد یله انداختن کمان و تیر بو قوللر بنه نسبت امر دشواری
 الجسارت بلکه بویله بر فعل شنیع ارتکاب محالاندن اولغله میرم بقولدی
 طهماسب ايله حروب وقتاله امر ايله و بوگونه عنان اختیارم ایلد
 اولدوغی خصوصه قولنی کر مندن عفو ايله دیدکده میرم محمود اعتماد
 الدوله نیک بوگونه ناشر ال کرم و شا کر ال نعم حق شناس و خاطر پرور صداقت
 شعار کلامندن غایت ايله حظ ایدوب من بعد خدمت و کالتدن عزل بلامتک
 و عدلر بنی متعین و افر تحسین و چوق افر بنلر سو بلدی و رجال عجمه
 علی مراتبهم اطهار ملاطفت و نوازش خاطر لر بنه رعایت کوستروب
 هر فردی منسوبنده ابقاه تقریر بقدر قدر اغواندن اوزر لر بنه بر خاطر دخی
 تعیین ایلدی انجق تعدیل و تسویه منازعات و دعوائ حقوق عبادده
 حل مشکلات و احقاق حق خصمه داده اجرای شریعت قانون ایرانی اوزن
 دیوان بکری نیک عهد ذمتلر بنه تفویض اولنه کلد و کنه بنهاء بو مقام
 ایلد دپکرانک استخدا میروا کور لمیوب جنس اغوا یاندین صاحب زهد

و تقوی

و تقوی کامل و روش ید عالم قواعد شریعت مستقیم و معتدل اعتقاد ۷۳
ایلدکاری بر کسندی انتخاب و امتیاز ابدوب دیوان بکی نصب و تعیین
و بو خدمت واجب الدقت و لازم العفتی انکذمت اهما مننه سپارش
ایلدی دیوان بکی مرقوم دخی اجرای قوانین شرع نمودن بر مرئیه
جدوسی و اطهار عفت و عصمت ایلدیکه جمله قزلباش انکشت تحیری
دندان تفکره قویوب باعث زوال دولتری اولان اسبابی هنوز فکر
و اذعانه باشلدیلر و سبب زوال دولتری اولان سوء حالرینه ندامت ولن
ینفعهم الندم ایله نادملر اولمغه یوز طوندیلر احوال جمع و تحصیل
خزیننه از جانب میرمچود عجم شاهلرینک خزیننه منده موجودی قیم
الات و اسباب و جواهر و بساط اگر چه وفرت اوزن بولندی لکن سیم
وزن دارنقود اقل قلیل ایلدی میرمچود جانبندن جمله سی ضبط اولندی
بعده رجال عجمک هر برندن بر مبلغ آنچه و جوهر طلب و انوب خواه
نا خواه تحصیل اولندی حال بو که رجال عجم شاهلرندن زیاده خزیننه
مالک لولمشدر ایلدی جولغه دن و اصفهان دن تاجر لردن و غیر بیلردن
حتی ملوک نصار ایلیچیلرندن دخی بر بهانه ایله مبلغ و افره طلب و انوب
طوعا و کرها جمع و تحصیل و میرمچوده تسایم اولندی میرمچود دن
غیری رجالی و سرکارده اولانلری دخی جروجع اموال سوداری غالب
اولمغله انلر دخی بر تقریب و بهانه ایله اموال کثیره جمع و ادخار ایلدیلر
و عسکر اغوانده متعین علوفه لو عسکر اولیوب کسب و تحصیل ایلدکاری
اموال غنائیک نحسی حا کلرینه تسایم و باقسن بینلرندک تقسیم ابدوب
طواپف عسکر دخی اموال غنائیدن منول اولدیلر حا کلری طرفندن

بخشش وقوعی دخی نادر واقع اولوب انجق اصفهان فتحند نصیره
 سرکارده اولانلرینه تعیینات ویر بلوب عسکر طوا بڤنه دخی احیاناً
 ذخیره ویر بلوردی ارسال کردن عسکر برای فتح قزوین و وقعه قزوین
 اصفهان شهری وجه محرر اوزنه فتح و تسخیر اولند قد نصیره برای قدر
 زمان مرورنده قزوین شهری دخی فتح و تسخیر اولنق مراد اولنوب میر
 محمودک خان اولی اولان امان الله خان سکر بیک عسکر ابله قزوینه
 تعیین وار سال اولندی و میر محمود طرفندن قزوین اها ابله سنه خطابا
 امر یازیلوب کوندرادی مضمونده سکر که قزوین اها ابله سز امرم
 وصولنده انقیاد ابدوب شهر قزوینی اول جانبه ما مور سر عسکریمه
 تسلیم ابله سز و طهما سب اند بولنور سه بلا عوق و تا خیر طرفزه
 کونندن سز امره انقیاد ابلد بکنر صورنده اموال و اهل عیالکتر و عرض
 و اشتیا کتره تعرض اولنمیوبینه اولد و غنکتر حال اوزنه منال و مناسبتکتر
 کند و کتره ابقا و مقرر قلنوب اسوده حال اولور سز و اغوانلردن طرف کتره
 بردر لوضرر و کتره ترتب ابله جا اولور سه طرفزدن تضمین و تکمیل اولنور
 و الا امره اطاعت اتمیوب عناد و مخالفت و مقاومته جسارت ابله جک
 اولور سکر عون جناب حق ابله باد ظفر و غلبه طرفزه وزان اولد قده
 بر فرد بکره بطر بقله امان ویر لمیوب عمو ماقتلی و استیصال اولنور سکر و بو
 سیاقده شاه حسین طرفندن دخی مکتوبلر یازلدی و ندار ککر کور بلوب
 لشکر اغوان جانب قزوینه روان اولدی قطع منازل طی مراحل ابله رک
 قزوینه یقین اولد قلرنده طهما سب خبرالوب یاننده موجود عسکر ابله
 نپیزه فرار ابلدی اغوانلر وصولنده شهر قزوین عسکر دن خالی
 اولجق

اولی حق و کند و لری دخی طهما سبمه استناد ابله جنك و محافظه نندار گری بی ۷۳
چندان اهتمام ابله کور میوب غفلت اوزن بولنملر ابله لشکر اغوانك بختا
وصول رنده میر محمودك امرینی واکا منضم شاه حسین مکتوبلرینی
کورد کلری برله شهر قزوینی بلا قتال وجدال و بلا منازعه لشکر اغوانه
تسایم ایتدیلر و درون قزوینده قوناقلر نندارک اولنوب با جمله اغوانی
قوناقلره توزیع ابدوب بشقه بشقه قوندر دیلر لهالی قزوین لشکر اغوانه
و سردار لری اولان امان اللهه اکرام ابدوب و افره دیه لر و یردی لر علی
روایه سردار و اغوان قناعت ایتیموب طمع خامه دوشدیلر و میر محمودك
لمر و وعده بنه مخالف حرکت و وضع اقدام ایتدیلر عاقبت قزوینلی طاقت
کتور میوب خفیه مشورتلره باشلدیلر و قزوین شهر نده یوز بیك قزلباش
موجود تخمین اولنوب سکر بیك اغوانی کوزلرینه کستر دیلر سکر
طقوز کون مقداری زمان بو حال اوزن کچوب قزلباشلر اغوانلره سوره
قصده یك دل و یك جهت مترصد فرصت اولدیلر چون معتاد
بلد لری اوزن کجه لده جاملر اچلد قده جامجیلر بوری چالوب بووجه
اوزن خلقی نومدن ابقاط و جاملر اچلد یغن اعلام ایدر لر مش پس بو حالنی
ملعنترلرینه اتفاق اوزن مباشرته وسیله اید بنوب بر کجه اغوانیان خواب
راحت و پستر غفلتده بالین امن و امانه باش قوبوب کند و حال رنده ایکن
قزلباشلر ايسه ملعنتده جمله معهود و فساد تمسپتنده متفق اندرون
اولوب انلردن هر فردیدار و اتفاق لری اوزن اغوانلر بیطر بقله اکاه اولمیه لر
دبو معتاد اولان وقتندن اول جامجیلر بوریلرینی او فرهب بوریلرینك
صداسی اشد لدیکی برله قزلباشدن هر مهماندر اغواندن کند و خان سنده

اولان مهمانی بلا توقف هر نه طریقه ممکن اولورسه قتل ابله دیوسرا
و خفیه اتفاق و سرتاقلرده دخی حاضر و آماده بولماق اوزن قول قول
ادملر تعیین اولنغی ترکیم و نصیم ایتدیلر و اغوانلردن برفرد اللرندن
بر طریقه رها بولماق اوزن عظیم تدارک کور دیلر شب معهودده
اتفاقاری اوزن تمشیی مراملرینه مباشرت دخی ایتدیلر اغواندن بربلوك
بیدار بولنوب احوالنه یوزدن اید و کن فهم ایتدیلر و عجاله ائله بنوب
چار ستوره چقدیلر هر جانیدن قزلباشلر هجوم ایدوب عظیم قتال ایتدیلر
سردار اغوانیان اولان امان الله مجروح اولوب بیک مقدار چاپک اغوانیله
کوجیله فرار ایدوب اصفهانده دوشدی دورت بیکدن مجاوز اغوان
قزلباشلر ائله مقتول اولدیلر ماملکه لرینی باجمله ترک ایدوب نچه لر
عریان و بریان جانلرین قورتاروب کلدیلر و نچه لر یول بولمیبوب
چول ابله قندهار سمتن طوتوب کیتدیلر بیان قتل عظیم در اصفهان
بیک یوز اوتوز بش تار یخنده بووقعه ظهور ایدوب غیری اغوانیان فکر
واندیشه یه واروب کندولرینه عارض اولان ضعف ملاحظه سی موجب
الم و کدر لر ی اولدی و اصفهانلوردخی بو حالی اشدوب بوکونه فساده
جسارت ایدوب جکلرین عین الیقین بلوب کال مرتبه ده خوف ایتدیلر
و طایفه قزلباش اسمالت ابله و نوازش خاطر لرینه رعایت اولنوب
الباس لباس کرام و توجهیه مناسب ابله کندولر بنه دوست اولمیه جقلرینی
بالمشاهده اذعان و ادراک و تحقیق ایتدیلر و دفع محذوره کال حزم
و احتیاطی و سرعت و میادرتی اهم مهمانن شمار بله هم اندیم میر محمود
جانبندن عموم ضیافتی ترتیب اولنوب شهر اصفهانده بقیمه السیوف
والقط

۷۰ **والقحط رجال واعيان وايش ارلى پيوجوان ميرك ضيافتنه دعوت**
 اولنوب مهمان اولد پلر اكرام صورتلري اظهار اولنوب معتاد عجبانه
 رعايت مراسمي احيا اولندي ولمصلحة مألوف اولد قلري عيش وعشرت
 محبتلرينه جواز كوسترلدى اوج بيك مقدارى قزلباش بو حال اوزن
 ضيافت ميرده موجود اولوب جمله سى قتل وطعمه شمشير اغوانيان
 اولد پلر ميرزارستك اون ايكي ياشنده برنوجوان پرهنر وصاحب معارف
 اوغلى اولوب كه بار اغواندن بري كندويه اوغول ابدخس ابدى قضايله
 مجلسه حاضر بولنوب هر چند كه اغوانلر شفاعت ابدوب تحليصى يابنده
 ميرمخوده نياز مند اولد پلر رجائى قرين قبول اولميوب اول نورسيده
 جوان پرهنرى دخی قتل ايتد پلر پس بو طر بقله قزوين وقعه سى
 ظهورندن اغوانيانه واقع اولان وحشت ودهشت بر مقدار دفع و رفع
 اولوب قلوب اغوانه نوعا امنيت حصوليله يوزلرينه اب راحت سرپلدى
 ومقتول اولان قزلباشلرك لاشه لرى شاه سرايى او كنده ميدانه براغلىدى
 بو كادخى قناعت اولنميوب مقتول اولانلرك اولادلى ارانوب وشهر
 اصفهانده كوزه كورينوب جنكه قادرا اولان قزلباشلر اخذ اولنوب
 قتل اولندي اندرون سراي شاهيده پرورده اولان ايكي يوز نفر مقدارى
 عجم خان زاده و كورجى بك زاده لر پنه د پلد كاري محله كه كنه رخصت
 ويرلوب هر برى برجانبه باشن الوب كتمك ملا حظه سيله شهر دز طشره
 چقد قند قفادن اغوانلر تعيين اولنوب قتل اولند پلر و دورت بشركون
 ايچنده اغوانلر حوالى شهري كشت و كذار ابدوب قزلباشلردن
 بو يد قلري ايش ارلى وسوز صاحبلىرى و جنكه قادرا اولنلر پنه امان

ویرمیوب قتل ابلدیلر جمال عجمدن انجق بکرمی بش ثفر کسفه بی
صاغ قوبوب باقیمری استیصال اولندی و بوند نصکره اعتماد الدوله
دخی اطفیله معامله برطرف قلوب کند و سندن عنفیه یمش بیک
تومن اچیه طلب اولنوب تحصیل اولندی و باجمله مقتوللرک اموال
واشیباری مصادره اولنوب درخزینه قلندی اشبو قزوین وقعه سی
سینه سی اولان مقتل عظیمه متواری خاک هلاک اولان قزلباشلرک
عددی باجمله جنکرده قتل اولنانلرک عددینی اشدی واغوانلرک
دخی جمع اموال سود اسنه وادخار خزینه هولرینه باعث وبادی بو
اولدی وافر ادقزلباشدن برفرده من بعد برطر بقیله اعتماد یابی بو محله
محکم سد و بند اولدی کفتاری پند امیز سیاح ای دل بیکانلر در دین
گوروب شاد اولمه دشمنک بلاده کوروب مغرور اولمه بو کون بکیارین
سکا مضمون اوتمه بو چرخ فلکک اقبال وادبارینه اعتبار ایتنه سعدنه
وفاونه محسند بقاز بنهار بردر لو حالنه طینه بنده سی اولدوغک دولتک
دکل مهمانی اولدوغک کسه نک زوالن کورمه ای کوکل عاقل ایسک تماشا
ارزو سیله بو بله برهنکامه قیامت نشانده بولنه ولی نعمتندن رنج و الم
کور دک ایتسه ده زوال دولتن تمنی قلمه مرد اول نفاق و شقاق و خیاتی
ارتکاب ایتنه اشنادن بیکانه بکایکدر دیمه قصور اعمالک وسوء افعالک
تختنده سکا حقندن مقدر اولان جزا دشمنک الیه ترتیب اولنق ارزو سندن
اولمه جرم و جنایتک ابله دشمن و بیکانه نک پیخه قهرینه و دست بی
رحمنه کرفتار اولیوب ولی نعمتک افندک استناک الینه دوشمکی سکا نعمت
عد ابله دوست النندن سم و حنظل دشمن النندن و سکر عسل تناوانندن
سکا اولی شمار ابله احوال عالم کون و فسادی چون بو مرتبه ده تجریه
قلدک

قلدك طبایع ناسی اختلاف اوزن بولدك ممالك غرب خاقینی قتل نفوسه
 اتقی وارجم اجناس عثمانیانی انعام واحسانده اجود واکرم اهالی شرقی سفك
 ذماده خلف و عدده لاف و کذافده ابلغ و اغلب بلدك بوجه امور عظامی
 چون بالمعاينه کوردك حسب حالک فهم و ادراکه براینه مجلا بولدك من
 بعد عاقل ایسك دعای دوام استغالیله بولندغك دولتک قدرنی بلدك
 رفیع شدن قدر اغوان و تعیین حدود و مراتب در میان ناس بوندن
 صکره میرمچود کند و اجناسی و عسکری اولان اغوان طایفه لرینه رفیع
 قدر و تعظیم شان و اعتبار طریقه دخی نوازش خاطر لرینه رعایتلر
 مراد ایدوب منادیلرندا ایتدردی ممالک ایرانده و با خصوص شهر
 اصفهانده واقع اولان طوائف مختلفه من بعد اغوانلره اکرآمده
 مراسم تعظیم رعایت و اغوانلره مصادفت ایلدک کلمری محالرده ایاغه
 قاقوب و قارشولرند قاقیلر اولوب وال بغلیوب بوللرده دخی قالدرمدن
 اینوب تعظیم ایله بول و یروب هر حالده لازم کلان اکرآمده قصور
 ایتمه لر دیو تنبیه ایلدی و اجناس ناسک هر صنفینه مرتبه ده حد تعیین
 ایدوب جمله نك رتبه ده اعلی و اقدمی اغوانیان ثانیان درکز بنیان ثالثان
 ازمنیان رابعاهنددن کلان منتانین خامساتش پرستان سادسا
 بهودیان سابعار فاضیان که جمله دن ادنا و احقر اولمق رتبه سنه نزیل
 مراد اولنوب صورت و سباق مرقومه حفظ وصینات اولمق محکم تنبیه
 اولندی ندرک کردن ذخایر برای اصفهان بو ائناده شهر اصفهانده
 واقع زاد و ذخیره قلت بولوب خلقه مضایقه ال و یردی پس میرمچود
 فکر و ملاحظه ورجالیله مشورت ایدوب نصر الله نام خانی اوج بیگ
 کز پده اغوانله چته لره تعیین ایدوب کوندردی ملکنی کشت و کذار ایدوب
 اطاعت ایدن بلاد و قری خقله تی علی حالهم ابقا

وقري اهلند راى ويروب اصفهانه بر مقدار زخيره كوندون لرواطاعت
 ايتمينلر اهل بسن قتل واموال وارز اقلري نهب وغارت ايله لرد بو فرمان
 ايلدى منزل مشروح اوزن نصر الله خان اصفهان دن چقوب همدان
 جانبلر ينه متوجه اولدى نجه نجه بلاد قري اهل ايسى اطاعت ايدوب
 راى ويرلدى و ذخيره ويروب اصفهانه كوندردلدى نجلرى دخی عناد
 و مخالفت و مقاومته مباشرت ايدوب قتل واموال وارز اقلري ياغما
 وغارت اولدى و نجلرى كندولر ينه كال مرتبه ده استحكام ويرمش
 بوانغله ظفر ميسر اولميوب على حالهم رك اولندى همدان قري بنده دركزين
 نام شهره وارد قلمزنده اهل ايسى استقباله چقوب نصر الله تبريك قدوم
 رسمن اجر او كندولرى تابع اولد بلر شهر مزبور نك اهل ايسى سنى مذهب بلر
 اولوب شاه عباس عصر هم موصل حوال بسندن اجلاى وطن وهمدان
 نواچ بسنده اسكان اولنمشلر ايلدى نصر الله خان دركزينه بر قاج كون
 مكث ايدوب انلردن دخی الئى بيك عسكردار ك ايدوب طقوز بيك
 عسكرايله همدان حوال بسنده غارت مباشر اولدى اطاعت ايدنلره راى
 ويروب مخالفت كو سترنلر ايله مقاتله و مغلوبى اولنلرى قتل واموال
 اشيارلر نى ياغما و ايكى بيك قزلباش عسكرايله شاهك هر كاه سنه راست
 كلوب بر مقدار مقاومت نكزه قزلباشلر مغلوب وليحق هر كاه يى اللردن
 الوب كز يده لر نى مير مجوده كوندردى النان بى حد و بى حساب حيوانان دن
 واموال غنيمت دن ماعد اللى بيك دوه يه ذخيره تحمیل ايدوب بو نجه
 عسكرايله سگسن كون مقدارى زمان مرونده اصفهانه كلدى بر قاج
 كوند نكزه عسكرا تعيين اولنوب يوز بيك نفوس دن مجاوز دركزين
 اهل ايسى اموال وارز اقلر يله اصفهانه نقل و شهر مزبورده صاحب سز

اولان

اولان خانه زده اسكان ابلدی وانلره مرادلی اوزن نجه نجه املاک دخی ۴۶
توزیع وتملیک ابلدی بوجیه نفوس اصفهان ایچنده غایب اولوب هیچ
عدم ووجودلی معلوم اولدی وبنه شهرک اکثری محالری خالی قالدی
مشورت کردن اغوائیان برای ندرک عسکر بوندن بوبله اصفهان شهری
محافظة سنه درکین اهل اسی کفایت ایتدوکن میرمخود ادراک واغوان
عسکرینک دخی کز بدسی بوجیه وقایع تقریبله تلف اولوب اشدا احتیاج
ابله عسکر جدید و اصفهانی طولدرمغه برجه خلقه محتاج اولدقلرین
ملاحظه ایدوب پیرواناری اولان ارباب استشان ابله بوبابه مشورت
ایتدیلر و خلاف چنسلری وعدوی دینلری اولان عسکر و خلقه دخی
اعتماد کلی ممکن اولیوب مهمالمن کند و جنسلرندن عسکر ورعایا
وبرایاندارکی اهتمامنده اولدیلر و اصفهان شهرینک انا فانا محافظه سی
عسکروافر وجود بنه محتاج اولدوغندن غیری بر طرفدن دشمن ظهور
ایدراحتمالیله بولمرواجب لاذعانده تا خیروتانی مناسب کورلیوب
قندهار جانبلیرینه عسکرندارکی ایچون عجاله تهنید کسندلر کوندرملک
مناسب کورلدی و میرمخودک ایشکلر اغاسی اولان عبدالله اغانام کسنه
انتخاب اولنوب هدایای کثیره و خز بنه و افره ابله قندهار ارسال اولندی
وصول بولدقده ارسال اولنان هدایای تسلید نصبره عسکر تحریرینه
مباشراوادی از زمانده مرادلرینه موافق اهل و عیالرله معا اصفهانه کلک
اوزن و افر اغوان تحریر اولنوب حاضر و اماده قلندی صغار و کبار و ذکور
واناث مجموعی او توزینک دوه یه تحمیل اولنوب بر بلوک عسکر ابله اغای
میرقوم ابله معاسلامت برله اصفهانه واصل اولدیلر بعد قندهار خلفی

گروانیله کوچوب و یا نگرینه بر مقدار اغوان مسکری قوشلوب اصفهان
گله که باشلد بلرگاه اون بیک دوه و گاه بش بیک دوه ابله اتی بدی دفعه ده
وافر خلق کلوب نهاییه تنه میر محمد و والد سی دخی اوج بیک دوه دن
مرتب کار بان ابله دوه یه سوار اولمش اصفهان کلدی بوصولت اوزن کلان
کار بانیله برر بلوک مسکر کلوب میر محمد و دك مسکری کفایت مرتبه سی
وفرت بولدی انجق اغوان ببنندن بخشش وهدایا عادت و عسکره متعین
علوفه نظامی جاری اولمیوب کلان مسکره بر طرف کوستروب
وارک فلان محلی فتح ابدک اطاعت ایتمز رایسه قتل و غارت ابدوب غنیمت
الوک دیوب بو طریقه اغنا ایدردی خزینه سندن بفرده بر حبه ویرمزدی
قدارک اغوانیان برای فتح و تسخیر بلاد در حوالی اصفهان میر محمد و دك
مسکری وفرت بولجه کند و لرینه هجوم اعدان نوعا امینت کلوب قلوب
مسکره دخی قوت کلدی بر مقدار نظام و انتظام مسکردن مسکره توضیح
اوقات و اکور میوب مسکری ایش ابله مشغول قلمق مصباحت ادا اولندی
چون طهماسبک احوالی پریشان اولوب عجم ایغه سی کند و سنه
مسکریا زلمغه رغبت ایتمد کاری اغوانک معلومی اولمش ابدی اول جانبدن
چندان خوف و اندیشه قالمیوب اصفهان حواله بسنده واقع بلادک
تسخیری تدارکی کوزلدی و زبردست نامنده برخان سر مسکر تعیین
اولنوب بر مقدار مسکر ابله تسخیر بلاد تعیین اولنوب قرب اصفهان اوج
ساعت مسافه مقداری یرده واقع کز نام قصبه فتحنه عازم اولدی قصبه
مزبون ده وافر قزلباش تجمع ایدوب اطرافه عمیق چند قاروطو پراقدن
قوی بدنلر ابله استحکام و یروب وافر زاد و ذخیره دخی تدارک ابله
اغوانلره

اغونلره اطاعت ایتیموب مقاومتته اقدام ایتدیلر عاقبت لاغم ابدوب ۷۸
 یوریشیلهدیلر اندنینه قرب اصفهانده واقع بن اصفهان نام قصبه یه
 واردیلرانی دخی محاصره ابدوب عظیم جنکرا ایتدیلر قصبه مرقومه ده
 مجتمع قزلباش غایت ابله کثرت اوزن اولدوغندن غیریمقدمادخی اغونلر
 جانبندن دفعاتله کندولرینه تعرض سبقت ایتکله کندولرینه غایت ابله
 متانت و یرمشلر ایدی بودفمه محاصره ابله ظفر مپسرا اولمیوب عاقبت
 کعب تعبیر اولنور ایش رستلری کتوردوب لاغم امرینه مباشرت و یوریش
 قدارکی کورلدی لاغم ابله بطرف اچلوب عسکر اغوان یوریش اوزن ابلکن
 قزلباشلردن ادملر کلوب امان دپلدیلر سر عسکر اولان زبردست
 خان دخی فی الاصل بن اصفهانی اولوب قصبه مرقومه اهل ایل سنک سلامتی
 عمده مافی الضمیری اولغله شروط و قیود ویره متانت اوزن عقد
 اولنوب قصبه مرقومه ضبط و اچمند بولنان زاد و ذخیره اصفهان
 نقل اولندی میرمچوده بوخبر و اصل اولدقدی فی الاصل قصبه مزبوره
 قزلباشلرینه عداوتی زیاده اولغله ویره ابله انوب کندولرینه امان
 و یرلدیغندن حظ ایتیموب من بعد وسیله انتقام اولمق ایچون برتھمت
 ابله متهم قلغه چوق سعی ایلدی قزلباشلردخی حالدن خبیر اولوب اغوانک
 ثعجز و جفالرینه حمل ابدوب هر درلونا شایسته حرکتلرینی حضم
 ایتدیلر و بدرلوتھمت و بهانه و علت طرفلرندن ظم و ورده عظیم تحاشی
 ایتدیلر و بوائناده لطف علی خان اصفهانندن فرار ابدوب بن اصفهان
 داخل اولغله قزلباشلر اخذ و قید و بند ابله میرمچوده کوتوردوب تسلیم
 ایتلر ابله صداقت اوزن اولدق لربنی اثبات ابدوب میرمچودک مرقوملرک

حقیقه اولان نارغضبی بو تفریله بر مقدار سکونت بولدی فرستادن عسکر برای
فتح شیراز میر محمود نصر الله خانی بنه سر عسکر نصب و تعیین ابدوب اوج
بیک اغوان والی بیک درک زین عسکر یله شیراز فتحه تعیین و ارسال
ابدی خان مر قومه اثنای راهه مرور ابلد و کی قصبات و قری اها ایلسی
اطاعت ابدوب بر محله مخالفت ککو ستر مد پلر و فی الاصل نصر الله خان
هندستانه کعب طایفه سندن اولوب عجم ایچنده شجاعت و بهادر ایلد
شهرت بولوب اغوانلر پیننده بختی کشاده پلدرم خان دیکله معروف
اولمش ایدی حتی اصفهانک محاصره سی اثناسنده اصفهان امدادینه طشره دن
کلان قزلباش عسکر یله اغوانلر پیننده اون ایکی دفعه صواش واقع اولوب
پدی دفعه ده اغوانلر غالب و بش دفعه ده مغلوب و منهزم اولمشلر ایکن
نصر الله خان امداد لر بنه پنشوب وسیله سلامت و باعث ظفر و غلبه لری
اولمش ایدی و کندوسی سر عسکر بولند و خی جنکرده مغلوبیت
وانهزام طرفلر نده وقوع بولمیبوس سببدن اغوانیانک معتقدی و مسند
غلبه سی اولوب قزلباشلر دخی کند و سندن خوف و خشیت اوزن
اولد قلری اعتقاد یله خان مر قومه عظیم انانیت و غرورال و یرمش ایدی
بو حال اوزن فتح بلاد ابدرک طقوز بیک عسکر یله وقتاکه قرب
سیرازه وصول بولدی شیراز اها ایلسی دخی سائرله قیاس بلا توقف
شهر و قلعه شیرازی اغوانلره تسلیم ابدرلر امید و اعتقاد نده ایکن عکس
قضیه ظهور ابدوب اهای شیرازی حرب وقتاله حاضر و مقاومتیه اماده
بولدی لر و هماندم مدافعه یه اقدام ایتدی لر نصر الله خان قزلباشلرک
بو گونه حرکت و جسارتلر نی کور یچک کند و سنه غیرت ال و یروب

و در حال

۶۸ در حال عسکری تریب و تنظیم ایدوب پوریش ایلدی و شدت
و کرمیت اوزن طرفیندن جنک اوله رق شهره تقرب ایتدی لر خان
مرقومک ايسه غیرت و شجاعتی حسن ندیرینه غالب اولغله جبهه
عسکرده بولنوب دانه توفنک اصابتیله انداخته زمین تلف اولدی
اغوانلر سردارلرینک زمین هلاکله غلطان اولدوغن کوروب
هجوملر نده اقدامدن ابار و مقابله دن روگردان اولوب سردارلرینک
نعشیلر رجعت و بر مقدار کیر و چکلد کله بر حولد یوارینه سپر لنوب
طور دیلر والار نده بولنان قزلباشلرک جمله سن شیراز لویه قارشو قتل
و بو حال ابله اوزاقدن پنه محاصره امر پنه اقدام و کندولرینی محافظه یه کاله
اهتمام ایدوب واقع حالی اصفهانده میر محموده عرض و افاده ایتدی لر میر
محمود نصرالله خانک شهید اولدوغن اسماع ابدیچک غایتله ملول اولوب
ماتر کیدی و برمصنح بر به بنا اولنوب نعشه سن نقل و انده دفن اولنق
اوزن نذیمه واپکی بر به دار نصب ایدوب اوقاف تعیین ایلدی وزیر دست
خدانی نصرالله برینه سر عسکر تعیین ایدوب عجاله عسکره کوندردی
نصرالله خانک فوتی خبری شیوع بو ایچق معرفتیله اطاعت ابدن بلاد
وقری خلقی پنه جمله عصیان ایلدی زبردست خان عسکر اغوانه وصول
بولدقه مشتد و متمادی جنک لر اولوب شیرازه ظفر مفسر اولدی زیرا
شیراز خانی عاقل و مدبر کسنه بولنوب شهر شیرازه کال مرتبه استحکام
و پروب زو اودو خایر و عسکرده کرکی کبی ندارک ابله صرف مقدر و ایش ایدی
حتی قبل المحاصره مسکت قارشو سنده سواحل بحر فارسده ساکن قبایل
عربدن الحاجی عبدالباقی نام خانه و افر اچه کوندروب بر مقدار عسکر ابله

اسمنداد رجا ابلش ابدی اولدخی الثامسی اوزن شیراز امدادینه وافر عسکر بله
 کلکی متعهد اولمش ابدی شیراز خانی و اها ایلسی الحاجی عبد الباقی خان متعهد
 اولدوغی اوزن امداد لرینه کلور امید بله سکرزای مقداری مدت شد ابدی
 محاصره یه تحمل و اغوانلردخی بو ایامده جنک وجد الله کر میت اوزن
 حرکتدن خالی اولمیبوب عسکر لری نصف مز تبه سی تلف اولمش ابدی
 ونصر الله خانک شهادتی تقریدله مقدمه اطاعت ابدن بلاد و قری اها ایلسی
 دخی عصیان ابدوب اغوانلر زاد و ذخیره ده مضایقه اوزن اولمشلر ابدی
 برکون اتفاقا وقت عصر ده الحاجی عبد الباقی خان اثنی بیک عرب و بر مقدمه
 فزلباش عسکرین جمع ابدوب بی حساب ذخیره ابله شیراز امدادینه
 کلایوردی و اغوانلره خبر کلندی سر عسکر زبردست خان بو خبری اشدی بچک
 سکر بوز اغوانله فی الحال اتملوب قارشو واردی و بر محله شیراز امدادینه
 کلان عرب و عجم عسکر بله ملاقی اولوب رستمانه جنک ایتدی و عجم
 عسکر بیک چوغی طعمه شمشیر اغوانیان اولوب ایکی یوز نفر مقداری
 عرب ابله الحاجی عبد الباقی خان میدانده قالدی خان مرقوم دخی غیور
 و جسور و شجاع و بهادر کسنه اولمغله بو حال ابله مقاومتدن بوز دوند میوب
 عاقبت اولدخی قتل اولندی بازار کار کار قتال کاسد اولنجه زبردست خان
 مهمات و ذخایری اغوانلر اورد و سنه نقل ابدوب جمله سی غنی اولد بیلر و ادم
 کوندر وب شیراز خلقنه واقع حالی بلدر د بیلر ایام محنت ون ایبالغ اولوب
 چون طول محاصره شیراز اها ایلسنه مضایقه و یروب زحمته کرفتلو
 اولمشلر ایدی و امداد لری امید دخی بو یوزدن یاسه مبدل اولدی
 قیری شهر شیرازک اغوانلره تسایمی کند ولرینه مصاحبت کورندی

۸۰ سخان واعيان شیراز و ساژ ایش ارلری اتفاقیله خانک قرداشی ویره
موادی مکالمه سنه طشره کوندردی چون اغوانیان شیراز اها لپسنک
کمال مضایقه سنه و قوف تام تحصیل ابلشلر ایدی شیراز خلقنه امان
ویرمه میل و رغبتلری اولدوغندن کلن ادمه جوابی عوق و تاخیر
ابدوب برکون فحاشه یوریش ایله شیرازی اخذ و ضبط ابلتیلر سر عسکر
مرقوم شهره طفره پسر اولدقده اموال وارزاق ناس یاغمه و غارت اولنسون
دیو اغوانه اذن و رخصت و یردی انحق قتل نفوسدن احتراز ابدلر
دیو محکم تنبیه ایلدی وجه مشروح اوزن شهرک ضبطی مپسر اولدقده
نچه فقرانک اچلق ایله هلاک اولدوغن کوردیلر و برعنا محاکمه کربازر کلنک
انبارنده مجموع شیراز خلقنه اوج ای مقدری زمان کفایت ایلدی کلک
بغدای بولندوغن زبردست خانه خبر و یردیلر صاحبی بولدورب نچون
بو فقرایه بغدای اتفاقی اتمدک دیو عتاب و حبس ابدوب اچلق ایله هلاک
مرتبه سی تعزیر ایلدی شهر ضبط اولدقده بر مقدار محافظ تعیین اولنوب
باقی عسکر اطرافه چته لره تعیین اولنوب کوندردی دورتیوز مقداری
اغوان بندر عباس جانبنه راهی اولوب مروزیلر کبری بلاد و قری اها لپسنی
اطاعت ایتدوردوب حاللر نجه بر مقدار مالترین الوب بندر عباسنه
واردیلر محل مزبور اها لپسنی اغوانلر کله چکنی اشدی بچک اموال وارزاقلر ایله
سفیند لره سوار و هر مز جزیره سنه کو چدیلر بندر عباسده انحق انکلر
و فلنک اچیلری توابعلر ایله قالوب انلردخی اولرینک اطرافنه چند طغر
کسبک ایله کندولرینه استحکام و یروب جنکه حاضر اولمشلر ایلکن اغوانلره
استقبال یچون ادم کوندوردیلر قزلباشلر اموال وارزاقلر ایله هر مز جزیره
سنه نقل و کندولری اچیلک تقریدله اول دیارده مسافرنه اقامت اوزن

اولد قلمر بنه خبر و پرد کلمر نده اغوانلر تعدی و دست درازلق ایشیوب بر مقدار
ما کولات و مشرو بانیمله اکتفا ایدوب رجعت ایلد بیلر ولکن اثنای
طر بقلمر نده کند ولر بنه خسته لک اصابت ایدوب اللی نفری سلامت ایله
عودت با قیسی یولده وفات ایتد بیلر سر عسکری فر بدون خان از جانب
طهماسب و عزیزنش بایالت بر یقز وین معار که سفدن صکره طهماسب
ینه تیر یزدن قاقوب کاه قزوین و کاه طهرانده مکث و اقامت و کاه
حوایلر نده کشت و گزار و مهما ممکن عسکر ته ار کندن حالی اولیوب
شیراز شهری اغواندن محاصره اولندوغنی اشمش و باش و الحاجی عبد
الباقی خانک شیراز آمد ادینه وار مق ایله متعهد اولدوغنی معلومی اولمش
ایدی پس اغوانک بر فرقه سی شیراز جانب ایله مشغول ایکن بر ورده
بر مصاحت کور بلور ملاحظه سیمله سکر بیک فرزلباش و بر مقدار
شهر سو نلو و ساژدرتی بکرمی بیک مقداری عسکره فر بدون خانی سر
عسکر نصب ایدوب جولواصفهانده بریه ایالتی اوزر بنه کوندردی و بو کونه
نیمیه و تومیه ایلد بیکه اول یالته وصوله عجله ایدک زیرالحوالیده نجه نجه
بلاد و قری هنوز اغوانلره اطاع ایشیوب انلردن دخی ممکن مرئیه ده
عسکر تخریر و جمع ایدک بعد کل یکنند نام شهره واروب انده مکث ایدک
و شهر مزبور بر بلند عظیمه اولوب اطرافده واقع قزلباشلر انده تجمع
و چند قلمر و دیوار ایله کند ولر بنه عظیم استحکام ویرمشلر در و شهرک
انباری اولق ایزن شهره بر ساعت مقداری مسافه ده قلعه مثالو طوپر اقدن
خند کلمر و دیوار ایله محاط بر حصار یا پوب ایچنه عسکر و ذخیره
یغمشلر در بو تقریبله اول جانبه کلان اغوان بلوکار بنه غایبه
لقتدارین تحمیل و وافر اغوان تلف ایشلر در طهماسبیک ایسه بو کونه

ند بیده

قد بیرندن مرادی یواید بیکه سر عسکر مرقوم محل مز بورده اقامت و تحصن ۸۱
ایدوب شهر اصفهان اطرافنه اول محلدن بیانی عسکر کوندن و بوتقر ببله
اغوانی نجی زدن خالی اولیبوب میر محمود عاقبت غیرته کلوب و بالذات
اخذ انتقام سوداسنده و شوب بونلرک اوزر بنه حرکت ایله اصفهان
شهر بی خالی قویه و بوضورتده اغوانک بریلوکی شیرازده و میر محمود
دخی اصفهانندن اوج دورت قوناق مسافه ده بونمق صورتنه طهماسب
مترصد فرصت اولوب کند و عسکر ببله اصفهان شهر بنه دخوله فرجه
بوله و شهری بوتقر ببله ضبط اید میر محمود و نوب شهره قصد اید و سه
فریدون خان در قفا اغوانی اشغال اید و شیرازده دخی عبد الباقی خان
اغوانلری اشغال ایدوب بوتقر ببله بینلرنده افتراق واقع اولوب بری
برلر بنه امداد و اعانتدن عاجز اولد قلمی حاله طهماسب تمسبت مافی
الضمیرینه سهولت بوله پس اشبو مصم اولان صورت قوندن فعله کلک
ملاحظه سیله فریدون خان عسکر ببله صوب مأمور بنه راهی اولدی
ایالت مرقومیه وصول بولد قدنجه نجه ارمنه قریه لری اغوانلره اطاعت
ایش و کندولر بنه طرفلرندن رای ویرلمش بولندی ایش ارلری و سوز
صاحب لری کتوروب نچون اغوانلره اطاعت ایتد بکزدیوالئی یوزدن مجاوق
وعا یا کله سنی قلع ایدوب طهماسبه کوندردی و اغوان کله سیدردیو
عرض ایلدی بو اثماده الحاجی عبد الباقی خانک انهرامی و سیرازک اغوانلر
الینه گرفتار اولمسی خبری کلوب فریدون خانک اورد و سنده داستان
اولدی و سمع طهماسبه دخی حقیقتی اوزن لاحق اولدی بو خبر موحسن
کرک طهماسبک و کرک فریدون خانک همتلر بنه فتور و عزیتلر بنه

قصور و کسور کتور و ب عسکر لپنه دخی وحشت و دهشت ال و یردی
 طهماسب و فریدون بو حالت حیرت اشتمال تفکر نه ایکن میر محمود
 بنفسه اصفهان دن وافر عسکر ابله حرکت و فریدون خان صوبنه
 سرعت ایلدی فریدون خان دخی میر محمود ک بنفسه حرکت و عزیمتن
 خبر ایچقاندیشه یه واردی و عسکر نی جمع ایدوب حاضر و آماده قلدی
 و کندوسی بر بوکسک یره چقوب میر محمود ک عسکر ک کثرت اوزن
 و حرکت شدت و کر میت اوزن اولدوغن مشاهده ایدیک دروننه
 خوف و هراس عارض اولوب قفای عسکره توجه برله فرار سمتن
 کوستردی خان مرقومی عساکر قزلباش قفاده کوریک قراری فران
 تبدیل نیتنه اولدوغنه حمل ایدوب جمله عسکر قزلباش جنکه مباشرندن
 فی الحال رؤکر دان اولوب فران یوز طوندیلر میر محمود ک عسکر قزلباش
 عسکر بی فرار ایش بولدقلرنه کل پکنند شهر پنه قصد و یوریش
 ایتدیلر لکن شهر مزبوره کمال استقامت و یریلوب اطرافنه بعید القعر
 خندقلر قازلش و خارجنه بر یوجه دیوار بنا اولمش بولیدوغندن
 اغوانلرک شهره دحولنه حایط مرقوم سد سدید مقامنده مانع حاجز
 اولدی چون اغوانلرک جنک ابله ما لوف نیمون غرق اولمش بر معلم فیلاری
 وار ایدی دیواری فیله یقدر و ب تله اچدیلر و اول تله دن هجوم ایدوب
 شهری کل پکندی فتح ایدوب دروننده موجود قزلباشلرک اکثرین طعمه
 شمشیر قلدیلر و در عقب شهر مزبور جوارنده قلعه مثللو بنا اولنان جمع
 ذخائر و محل تحصنلری اولان حصار لپنه توجه و محاصره برله مضایقه
 و یردکلرنه دروننده موجود قزلباشلر امان دیوب و یره ایتدیلر میر

محمود دخی ویره لرین قبول ابدوب خصاری اخذ و قزلباشلره مال ۸۲
وجانلر بله امان و یروب سلامت بولد بیلر فریدون خانلر انهم زامی کاپکنند
شهر بنگ قهر بله فقی حصارک ضبطی و الحاصل بووقایعک مجموعی
اوج ساعت مقداری زمانده تمام اولدی اطاعت کردن اهالی کشان بو حالی
اطراف بلاد خلقی مشاهده ابدیجک نجه لری طوعا اغوانلره اطاعتی
معقول و مناسب کوروب کند ولری تسایم اولدی لری ایالت مز بونده واقع
کشان شهری اهاپسی دخی بورائی حسب حاللر پنه مناسب عد ابدوب
وافرهد ایا ابله میر محموده ایچی کوندر د بیلر و شروط و قیود ویره بی تحریر
ابدوب کوندر د بیلر میر محمود دخی ویره لر بی قبول و کند و بنفسه کشانه
واروب اخذ و ضبط و کفایت مرتبه سی محافظلر نصب و تعیین ابدوب
جانب اصفهانه روان اولدی اصفهانه داخل اولدوغی کونده عظیم الابلر
قور بلبوب اوج کون دخی دو نماوشنلا کرایتد بیلر و بوند نصکره میر محمود
برجانبه حرکت سودا سنده اولیوب من بعد اصفهانده اقامت عزیزینه
قرار ویردی وقعه امان الله خان میر محمودک خان اولی اولان امان الله خان
اغواندن اولیوب میر محمودک او ایل حکومتنده سرحد هندستاندن
کابل نام شهر دن قندهار کلوب میر محموده انتساب ابدوب و کتخدا سی مقامنده
اولمش ابدی مرقوم امان الله عاقل و کامل و جنک امورنده غایت ابله مدبر
کسنده اولوب میر محمودک عجم دیار پنه بو مرتبه ده تعرضنه و بو کونه امور
عظایمه وضع ید و مباشرتیه باعث و بادی امان الله خانک رغیبی و توصیه
و تربیه سیمله اولمشدر حتی هنوز کرمانه حرکتلرندن اول میر محمود ابله
امان الله بدینده جاری اولان عهد میثاق بونیک اوزر پنه جاری اولمش

ایدیکه صوب مراملر بنه حرکت ایلدکاری کوندن حصول مراملری
 وقتنه دکن عجم دیار نندن کسب و تحصیله تادر اولد قلمری اموال و اشیا
 هر نه دکلو اولور سه نصیفی میر محمودک و نصف اخری امان الله خانک اوله
 برکون میر محمود ایلله امان الله خان بریره کلوب محبت و سلفه وقوع بولان
 بعضی احوال لر بنی در خاطر و مکالمه و مذاکره اثنا سنه امان الله مابین لر نده
 واقع میثاق و عهد سابقه یی یاد و نذکیر و میر محموده بو کونه خطاب
 ایلدیکه جناب خدای متعال حضر نلری بزم کبی عاجز لره خاطر و فکر یزه
 کلیان وحد و وظیفه مز اولمیان امور عظامی محضی عنایت نندن فتح و تسخیر
 ایدوب بو نعمت عظامانک شکر و نشری و هر حاله حقوقک احقاق
 و عدل و انصاف قانونلرینک احیاسی اوزر یزه فرض منزله سفه
 اولوب دوام و قیام سلامت بوجمله به رعایت ایلله مقدر اولوق امر محقدر
 بوبله اولد قده مبادی مباشرت اموره مابین زده واقع عهد و میثاقه و ما
 ایدوب لطف حق ایلله قبضه تصرفه وصولی مپسر اولان اموال غنائیک
 و مالک و افره نک نصیفی بنم حق صریحیم اولوب میثاق و عهد یزه مقتضاسجه
 طرفه تسام اولوق مطلوب بدر دبدکه میر محمود بو کلامدن غایت
 انکسار خاطر ایلله مألول اولوب فکر و اندیشه یه واردی و امان الله خانه
 خطاب و عتاب ایدوب بو قدر الله کیرن مال کثیر ایلله اکتفا ایدوب بنم
 مال و ملکده شرکت سود اسندن فراغت و بود عوایی من بعد فراموش
 ایلله دبدکه دفع مجلس قلوب امان الله خانه سنه کیتدی و در عقب
 شاهلر صرغوجنه تقلید بر صرغوج یا پدروب باشنه کیدی و کمال
 تهور نندن نه ایدیکه بلیموب میر محموده جواب کوندر دیکه چونکه عهد
 و امانه

۸۳ و امانه و فایمیتوب خلف ایتدک بن دخی من بعد سنک خدمتند اولم
وفی الاصل سنک قبیلندن دکلم هندستان پادشاهی توابعندم سنک
بکاردرلو حکمک جاری دکلدرو شهد نصکره توابع اولان عسکریمی الوب
وظیم اولان کابله کیدرم دیوب بر قاج کوند نصکره کابل اطرافند اولان
عسکر دن ایکی بیکندن مجاوز عسکر ایله اصفهان دن قالقوب عازم راه
اولدی میر محمود دخی اغماض العین ایدوب امان اللهک کیتدوکی چندان
مهمی اولدوغی صورتی اظهار ایتدی اوج کوند نصکره امان الله
خان کابل سوداسندن فراغت و طههاسبک یاننه عزیمت ایلش دیوب
میر محموده خبر کلهک میر محموده عظیم خوف و وحشت ال و یروب
در حال قیو خلقیله انلره سوار اولوب اصفهان دن طشره اوغرادى و بحاله
قفادن اون بیک عسکر سرعت ایله کلوک پنشوک دیونقییه ایلدی چون
اغوان عسکرى سریع حرکتلر اولوب چاپک سوارلر دروایام خالیده
ترتیب نظاملری دخی حسن صورته افراغ اولش بولندی بر ساعت ایچند
حاضر و اماده لر اولوب میر محموده قفادن بنشد پلر و الغار ایدوب ایکنجی
کون امان اللهه ملاقی اولد پلر میر محمود عسکرندن بلاوج محمد خان نام
کسنه امان اللهی کوروب سو قصد پله حمله ایلدی میر محمود بحاله دفع
ایدوب و کندو بنفسه دوستانه وضع اوزن امان اللهک یاننه واروب
او پوشوب قوجشد پلر بر مقدار عسکر دن ایریلوب خلوت ایتد پلر
ومیر محمود امان الله خانه نیاز مندانه معامله برله بنی خاک ایله یکسان
ایلمکی روا کورمه دیو التماسلر ایله خاطرین اله الوب ارضا ایلدی و بنه
پنلر نده عهد و میثاق رسمی تجرید اولنوب میر محمود امان الله خانک

هسکرین الوب کندو عسکرینه خم والحاق وامان الله معتمد کسنه لر
 قوشوب اصفهانه ارسال وعزت واکرامی کافی الاول کماله اولوب انجق
 کوزدن ایرمیوب یاننه مخصوص ادملر تعیین اولنق اوزن قائم مقامی
 اولانه کاغد تحریر ایلدی میرمحمد ایسه بوغایله سنی دفع ایلد که حاضر
 واماده اولمش عسکر وافرله ایله بر مقدار بلاد تسخیری ملاحظه سیله
 بختیاری ولورستان وکوک کیلان مملکتلر بنه عزم راه ایلدی نکته
 اصحاب فراست ودقت وحقیقت شناسار باب فطنت نفرسلر بنه
 کورن میرمحمد امان الله خانه غدرو عهد و میثاقده وفادار و یمننده پابدار
 اولمیوب بو محله امور عظامه مباشرت ونجه نجه مهلکه دن رها و سلامت
 ومیرمحمد مشاربالبنان اولسنه سبب و علت مجرد امان الله اولدوغی
 جمله معلوم ومسلم ایکن تطیب خاطر امان الله ایله اهتمام لازمه امور دن
 اولمش ابدی سلطنت وحکومت شرکت قبول ایشزدیسه بنه طریق
 اخر ایله تطیت خاطر لری ممکن ایکن نفسانیت و بی وفالک وعهد
 ومیثاقده بی ثبات و یمننده حانت اولغی ار نکاب ابدوب بو حالت
 تاسایسنه من بعد میرمحمد حقنده بخت بر کشته لکنه بادی اولدی دیو
 اصحاب فراست حکم ایتدیلر فعلی هذامیر محمد ایالت اصفهانک جنوب
 وغربنده ولورستانک اتصالنده واقع بلاد بختیاری بی عزیت و واصل اولیجق
 بختیاری قومی عسکر ندارک وحاضر واماده بولنوب علی الغفله میر
 محمدک عسکرینه هجوم ایتدیلر وچوق کسنه لر بی قتل واموال
 واشیالر بی غارت ابدوب بنه رجعت ایتدیلر میر محمدده ایسه غیرت

ال و یروب اخذ انتقام هو اسیدله بوئلر ک دیار بنی کشت و کذا روئهب و غارت
 سو داسیدله کوک کیلان نواچسنه توجه ابتدی اتفاقا بر کجه عظیم قار
 باغوب میر محمود اول نواچیدن بر جانکه چقوب کتمکه مجال بولیب هر
 طرفدن نمری اولان طرف یقاری برف شتا ابله محکم سد و بند او یحق قزلباشلر
 فرجه بولوب اطراف و اکنافن احاطه ایتدی لر اوج ای مقدری شدت
 شتا و صولت برد و کثرت برف سد ممانعت ایدوب او طو ایدده پابند اختیار
 اولدی لر هر جانبه جست و جوی صحرای نیهده سرگردان اولمش اسماط
 بنی اسرایله دوندی لر اوج ای مرورنده قارلار بیوب انهار صغار و کبار طغیان
 ایلدی قزلباشلردخی جسری قطع ایدوب بو بوزدن دخی عظیم مضایقه
 و یردی لر حواه نا حواه صولردن یکمکه مجبورلر اولوب چوق اموال
 و عسکر تلف ایتدی لرینه سلامتلی حد امکانده اولیب مکر بختیاری
 خانی قاسم خان اصفهان اندقد نصره میر محمود کلوب حدندن زیاده
 خان مرقومه میر محمود جانبندن التفات و اگرام اولمش بو انغله دوستلغه
 بناء خان مرقوم میر محمود خفیه ادملر کوندروب اولکرداب بلادن اغواندن
 پرفرد ساحل سلامتیه چقمق متصور دکل ایکن خانک ادملری دلیل
 ورهبر اولوب رها بولدی لر و بالجمله مهماتلر بنی پراخوب یالکز اوج بیک
 اغوان سواری و پیاده عریان و بریان اصفهانه دوشوب کیجه نیک
 بروقتنه خفیه شهره کیردی لر بو وقعه ده میر محمودک عسکری
 کند و سندن دلکیر اولوب جمله سی روگردان اولغله یوز طوتمش ایدی
 و نازفتنه اشتعال بولغله چوق قالماش ایدی میر محمود دخی مهمما مکن
 تطیب خاطر عسکر یله اهتمام ایدوب نوازش خاطر لرینه رعایت واللی

تومن آنچه چقاروب عسکرینه بخش ایلدی چون بویوزدن عسکر
اغوانیانه ضعف طاری اولدی اول ایام صیغه برجانیه حرکت ممکن
اولیوب کندورین محافظه برله اصفهانده مقیم اولدیله بعد زمان
قندهاردن بمقدار اغوان وهند عسکری کلوب ودرکز بنیلردن
هسکریازوب بمقدار قوت بولدیلر اغوانک ضعیف طهماسبه معلوم
اولوب اولدخی اصفهانه کلک اوزرندارکن کورمش ابدی لکن طرف
دولت علیه دن تبریز شهر بیک فتح و تسخیری مراد اولنوب طهماسب تبریز
امدادنده بولنغی اصفهانه کیمکه و چچ ابدوب اول جانیه عزیت ابلش
بولندی عزیت کردن میرمحمد ودرای تا دپ اهالی شهر کز بواثانده
قندهاردن اصفهانها یکی بیک کوچ دوه سی کلورکن اثنای طرفه
کز شهرینک خلقی عصیان ایدوب قارشولر بینه چقوب جمله سنی اخذ
وضبط و اغواندنچه کسنه لری قتل ایلدکلی خبر اصفهانده شیوع بولدی
میرمحمد و اغوان تهون کلوب شهر مز بورک خلقی استیصال اولنوب من
بعد قندهاردن کلوب کیدنلره قزلباشلردن بدرلوماق قالماق اوزن
رای وندیبر ایتدیلر بر قاج کوند نصکره اغوان عسکری حاضر اولوب
کز شهر بینه عزیت ایتدیلر شهر مز بورده واقع قزلباشلر بوار القده حوالی
شهرده بولنان خلقک جنکه قادر اولنلر بنی ایچ رویه الوب بر عظیم جمعیت
اولدیله و شهر اطرافنه خندقلر ایله برقات دخی استحکام و یروب
وافر ذخیره دخی ندارک و جنکه یرامیان صبیان و نسوان و پیران
مقوله لرینی طشره چقاروب طاغلمره قاجور دیلر و اطرافده واقع نباتاتی
اتشه اورب علف و ما ککولات اقسامنی بالکلیمه افنا ایتدیلر بواثانده
کعب طابغه سندن بروافر کسنه اتفاقا کز شهرنده بولنوب قزلباشلر ایله
معاقیانغی اقتضا ایتدی طابغه مزبور نکه افسه اغوانلره میل و رغبتی
عجملردن

۸۵ هجملردن زیاده اولغله میرمخوده خفیه ادم کوندروب بزکعبطایفه سی
شهرک فلان طرفنده فلان قیومحافظه سنده ایزکایدیکزده طرفزه کلکه
سی ابدوک بسزکله جنک ایتمیوب قیولری اچه رز دیو خیر کوندرمشلم
ابدی وقتا که میرمخود عسکر بله کز شهرینه واردی حوالی شهرده علف
وما کولاته دائرشنی قالمیوب خراب و بیاب اولمش بولدی چون کعبلرک
دخی وعدلرینه اعتمادی درکار ایدی رؤساء عسکری احضاروشهر دایرا
مادار محاصره ایله احاطه اولنوب کتوردیکه زذخیره فنا بولماز دن فتح
وتسخیره اقدام واهتمام اولنه دیو محکم تنبیه ایلدی و بونیت اوزن مباشرت
اولنوب درون شهرده واقع کعبطایفه سی اغوانلره خفیه قیو اچمق
تدبیرنده ایکن قزلباشلر اطلاع حاصل ایدوب جمله سن قتل ایلدیلر
وبالدفعات طشره چقوب اغوانلر ایله جنک وجان حقیله اوغراش ایدوب
ووافرکله و دل الوب غالب کلدیلر عاقبت اغوانلرک بر قاج کون ایچنده
ذخیره لری دخی دوکنوب بلای قحطه گرفتار اولدیلر ناچار تسخیر شهر دن
ما پوسلر اولوب رجعت واصفهانه عود ته عزیمت ایتدیلر قزلباشلر
اغوانلرک رجعت عزیمتلرنده اولد قلرین مشاهده ایدیمک صغیر و کبیری
زنه سی و مرده سی سوار و پیاده سی اغوانلرک اردینه دوستوب بنشدیلر
مردانه حرکت ایدوب صواش ایتدیلر اغوانلر منهزم اولوب اکثر یا ئلف
اولدیلر و باجمله مهمانلرینی براغوب ککیتدیلر بقیه السبوف اولنلر
برجزه عسکر اولوب میرمخود ایله اصفهانده داخل اولدیلر ظهور جنون
میرمخود بوابکی وقعه دنصکره میرمخود فکر اندیشه یه واروبنی حضور
اولدی ضعیفی ادراک ایدوب عدولرندن خوف و وهمه دوشدی یخت

برگشته لکنه حمل ایتک غمیله لیل و نهار اکل و شربی و خواب و راجنی ترک
 ایدوب عقلنه خفتال و یردی و ووهم و سوسه یه تابع اولوب کند و سندن
 اثر جنون ظاهر اولمغه یوز طوتدی انجامنده شیخلر کتور دوب او قوتد بلر
 انلردن برینه تسایم اولوب تعایم و تریه سیله قرق کون خلقدن کسلوب
 و برگوشه ازواده خلوت و جله چکوب ار بعینه کردی شیخک کند و سنده
 و یرد اولق اوزن تعیین ایلد و کی اسم اعظمه مداومت ایتدی بو حالت
 میرمجوده سبب سلامت اولور ماخووظ و ما مول ایلکن برگون جنونی عقلنه
 غالب اولوب چله دن چقدی و سوسو تکو بو کند و کند و سیله سو بلشوب
 طشلره و ددیوار لره و اعجلره سلام و یره رک کز مکه باشلدی و یاتنه کلوب
 کیدن احباب و اشنا یه میهوده سوز لر سو بلکه و بی معناعتاب و خطاب
 گفتار بنه باشلدی شیخ یا تندن لیل و نهار ایرلمیوب خد متنده مقدم اولدی
 و ندما و خد مایه بو حالت نشانی کشف کرامت و اثر مبادی و لایتدردی و
 جنونی ستر و کتم ایلکنه عظیم اجتهاد ایلدی و قرق کون مدنی بو حال
 اوزن گاه عاقل و گاه جنون ال و یروب کچوردی مدت از و اتمام اولیقینه بو
 حالت کند و سندن زایل اولمیوب یوما فیومنا مرض جنون زیاده اولوب
 ترقی بولدی قتل کردن و اسنیصمال کردن میرمحمد شهزادگان عجم میرمرقوم
 برگون دیوانخانه ده کزینورکن انسانی افکارده اتش تهوری اشتعال بولوب
 امر ایلد بکه شاهک اولاد لر نی و قرداشلر نی و سائر ذکور دن اولوب خاندان
 شاهی دن اولان اقربا و پیوند قرابت ایلله شاهلره تعلقلری ثابت اولوب
 دو اتخانه ده موجود کسنه لری بریره کتوروب و میانلر نندن قوشاقلر نی
 چوزوب اول قوشاقلر ایلله اللرین ارد لرینه بغلیله لرو بصورت اوزن حضورینه
 کتون لر اغوانلر امریته امثال برله اولاد و اقربا دن یوز بش نفر کسنه

و شاه

۵۶ **وشاه عباس اولاد لرندن اولوب پيرو اختيار اولمش و شاه سايمان عصر نه**
گوزلرینه ميل چكلمش اوج نفر كسنه يي جمله وجه مشروح اوزن قيد و بند ايله
گشان كشان ديوانخانه ده مير محمودك حضورينه كتور دپلر و صف صفا يدب
قارشو سندن بطور درد پلر و باشدن باشليوب اغيرينه كلجه جمله سنك بويني
اورلسون دبو امر لپلدي جلادني امانلر لمره مباشرت ابدي چك شهزاده لك
لالاري و خادم اغاري و سائر خدمت لر نه بولنان امكدر لري كير پيدانلر بن چاك
و چاك ابدوب اغلشد پلر پدر ما حب شفقت بو اوه واهي و فر ياد ايتيني اشدي چك
درد مند في الاصل بيتاق اولغله لنگ ولو ك افتان و خيزان فر ياد روس اولغله
صربت ايتدي و هر چند كه مير محمود ايله سبقت ابدن عهد و ميثاق ذكر و ياد
و عهد و فانيار ايله نور دپلري اولاد لر ينك خلاصه ايچون صوت حزين و فر ياد
غرين ايله مير محموده خاك ياي اولوب جبين رقيبي زمين مز لته نهاده و سوده
قلدي تير يازي هدف مقصوده اصابت ايشيوب رجا و نياز ي قبوله قرين
اولدي مر قومون لراسند شاه حسين اولاد لر ندين ايكى كوچك شهزاده
بولنوب پدر لري شاه حسينك صوتن اشدوب كلديكن كور يچك پچان
معصوملر پدر لري فر ياد رسلري اولور ا ميد ايله قوشوب پدر لر ينه جان
انديلر محمود جان بندين اثر مر حمت كور يچك شاه حسين بوزي قويون اولاد لري
اوزرينه قيانوب شاه و معصوملر قنار قصابه كيرمش غم و بره كي
چاغر شد پلر و شاه حسين بنى قتل ايله معصوملره قيمه ديوفر ياد و فغان ايله
يوزين يره سوروب چوق يالواردي عاقبت مير محمودك بغري سنك
نشانه بر مقدر تان تير و شاه حسينه خطاب ابدوب سكا بغش لدم دپدي
چه فايده بو ههنگامه قيامت اترده معصوملر ك ذهره لري چاك اولوب

ایکی کون ایچنده ایکسی دخی وفات ایدوب کتید بلر روایت کاتبه فی سبب
 اسنیصال شهزاده کان اشبو شاه حسین اوغلارینک و خاندان شاهدن
 اولان سائر کسینه لک قتل واسنیصال اولملرینه باعث مجرمیر محمودک ایکی دفعه
 انهمندن صکره کند و سنه عارض اولان وهم ووسوسه در کند وضعف
 حالن ادراک ایلد کده خوفه دوشوب اغوانلرک دخی کند و سنه اولکی کبی
 اعتباری قالمیوب عجملردن دخی کند سنه وحشت ودهشت ال و یروب
 بر طریقته فرصت یاب اولمیه لردیو عرق شاهی نی قطع واسنیصال فکرن
 ایلدی و اگر چه بعضلرک روایتی بو بله در که بالاده ذکر اولندوغی اوزن اثنای
 محاصره ده طهما سبک فرارند نصکره تحت شاهی یه اجلاس اولنوب بش
 اون کون شاهه ولی عهد اولان میرزا صغی بو ائشاده دولت خانه دن فرار ایدوب
 بختیاری یه وصول و اول دخی اول جانبلمرده تسلطن دعواسنه ذاهت اولمش
 اوله حتی طهما سب خبر الدقه کند و سنه ادم و کاغد کوندروب معینه دعوت
 ایلد کده میرزا مرقوم بنم سکا بردر لو ضرارم یوقدرو یا نکه وارم و ایشکه دخی
 مانع اولم دیو جواب و بر مش دیو کفت و کوی اولمش ایدی لکن بوجمله نک
 اصلی اولمیوب مطلق اولاد و انساب شاهی اسنیصال ایچون بر بهانه و تصنع بر خبر
 غیر صادق قدر بیماری میر محمود وقتا کده میر محمود شیخک تعلیم و تربیه سیه
 لربعینی تکمیل ایدوب چله دن چقدی و من بعد دفع و سوسه ایچون شاهک
 اولاد و انسابی بو مرتبه ده قتل واسنیصال ایتدی ینه مرض جنونه دوام پسر
 اولمیوب یوما فیو مارتقی بوادی جا بجا عقلی با انکلیمز ایل اولوب اینده موجود
 بولننلری بلمیوب انلری دخی ضرب و قتله مباشر اولوردی کاه سرخوش
 و مد هوش کی بلند او از ابله چاغرر باغرردی خد ماوند مایو وحشت
 ودهشت ال ویره ب یانندن قاپر کیدر لردی مرقوملر عاقبت دیوانه نک ضبط

وز بطنه عاجز اولوب براوطه قیاد بیلر و اوزر بنه قیولی محکم سد و
 بند و طشه دن محافظه ایلدی لر اول دخی نجه ایله میوب ایچمیوب یا تمیوب
 او یوم میوب بی تاب و طاقه صاحب فراش اولدی هر چند که معالجه بانه
 دقیقه فوت ایتمیوب سعی و کوشش قلدی لر فاقته نشان بر اثر ظهور ایتمیوب
 ما یوس و نا امید اولدی لر خزینه سنندن اچه چقاروب چوق صدقه
 ویردی لر کند و سنندن رغیبه اولمشلرک تطیب خاطر لر نده اهنام ایتدی لر
 جولغه خلقنک نوازش خاطر لر بنه رعایب ایچون راهی لر بنه بیگ تومن
 نقود و جوهر ویردی لر و فلنک ایل سننه دخی بیگ تومن اچه ویروب نجه نجه
 رعایت و اگر املر و عیدین ایتدی لر لکن کون بکون خسته لکی مشتد اولوب
 بطنده بروجع پید اولدی و جمع شدتدن لالز بنی و او موز لر بنی دبش لر بله
 قویاروب فزیاد ایدردی بر قاج کوند نصیkre وجود نده یان لر اچلوب بدنی
 غریبال کی دلك دلك اولدی تلمری چوریوب قور نلغنه باشلدی طیبی لر
 و جراحی لر بیمار ندن عاجز اولوب وجودی منشنش و بدر ایجه اولدی
 فرستادن سید علی خان بجانب قزوین و انهزامی اوست میر محمودک
 حیاتندن طو ابقا غوان ما یوس اولحق کند و حواللری مشورتنه مباشر
 اولدی لر چون طهما سبک جمعیتی قزوین طرف لر نده شیوع بولمش ابدی
 میر محمودک دخی بو حاله کرفته لر اولدی و غی اطراف و اکنافه ایتمید بلوب
 شایع اولور سه دشمنلر او یانوب بو یله بر فرضی لامحاله کتدی لر بنه غنیمت
 عدایدوب حرکت ایدر لر دیو خوفه دوشد بار بو محذورک دفعته حزم
 و احتیاط ابدوب قزوین طرف لر بنه طهما سبک نظارت و اول طرف لر رده
 دبه بان اولق ایچون سنکز بیگ اغوانه ملید علی نام خانی سر عسکر ابدوب
 صوب مقصوده ما مور قلدی لر اغوان عسکری قزوین چابا لر بنه قریب

اولد قلمزنده ميكرطهما سنك تيريزامدادى ايچون حاضر واماده قلد يقي
وافر قزلباش عسكرى اغوانلرك اول جانبلره كلد وكن خبر ايحق على الغناه
اغوانلره هجوم ايتد بلر و عظيم جنك ايتدوب اغوانلر منهزما فرار و اصفهان
واصل اولد بلر انهرام خبرى اغوانلرى تشويشه يراغوب عظيم كدر چكد بلر
جلوس اشرف بجاي مجود و قتل كردن مجود را غيرى خواه ناخواه مير مجود
يرينه كندولر ينه حاكم نصب و تعيين اولمق فكر و ائديشنده اولد يلر مير مجودك
بيوك قرداشن قند هاردن كتورمك مناسب كورد بلر انجق مسافه بعيد
ويا م صيف اولد بغندن ناشى طول زمانه محتاج اولوب بومقدار مدت
چمردن امنيت و عسكردن مدخى باشن اولمق نظام جمعيت و برائشه مباشرت
حصول تشيت حد امكانده اولماق ملاحظه سيلاه مير مجودك عيسى
مير عبد اللهك اوغلى اشرف سلطانى محمودك يرينه كندولر ينه حاكم نصب
ايلكى جمله اغوان مناسب كورد بلر و بر بطوك اغوانى كوندروب اشرف
سلطانى زنداندن چقارد بلر و شاه سزانه تحت حكومته اجلاس مراد
ايتد بلر مير مجودك خادملرى وقعنه دن خبر اولمق سراى قبولر يني
قبابوب مدفعه ايتد بلر و ايكى ساعت مقدارى زمان طوب و توفنك ايله
جنك و قتال ايتد بلر انجامنده بر تقرييله بول بولوب سرايه كيرد بلر و
قبولر اچدروب اشرف سلطانى سرايه كوتوروب تحت حكومته اجلاس
مراد ايتد بلر چونكه سابقه هنوز قنده اوده ايكى اشرفك پدرى مير
عبد اللهى مير مجود قتل ايدوب تحت قنده ايله اول تقرييله جلوس
ايلش ايدى اشرفك در مته پدرى انتقامى چا پيكير اولوب مترصد فرصت
اولمش ايدى و مير مجود دخی هر حالده اشرفك دن امين اولوب بر بهانه ايله
در زندان ايلش ايدى بو ائساده فرصت ال و يروب محمودن انتقام

۸۸ سودا سنده دامن در میان قلدی و اغوانه خطاب ایدوب پدرم قتل
ایچون میر محمود قصاص اولد قچه تحت حکومته صعود اینم و بوغایله
عظیمه یی بو بنهالم دبو جواب قطعی ویرد که القتل بالقتل دیوب اغوانلر
میر محمود کفر استند باسن کسوب اشرفک حضورینه کتورد بیلر و اشرفی
مقصودند بو طریقه ارض او تحت شاهی به اجلاس ایدوب رسم مالوف
اوزن بیعت ایتدی لر اشرف سلطان دخی تحت حکومتده قرار دان
اولد وخی کی میر محمود کف نام وندی لر یی و کند و محافظه سی خدمتده
اولان بشپوز نفر حضاری اغوانلر یی قتل و سائر تعلقات و محرم اسراری
اولنلری اخذ و حبس ایتدردی ذکر سبقت ایدن امان الله خان
دخی بو اراده نفسانیت ایدوب میر محمود ابله اولان ماجرا دن ناشی اشرفی
بو کونه افعال ناشایسته یه وضع بله چوق کچ یوب ترغیب بدن خالی اولدی
و جزاء سبته تسمیه مثلها مفهومی مقتضا سنجه امان الله دخی اشرف خان
الندن جزا سن بولدی اوصاف و مناقب میر محمود میر محمود اورتیه بویلو
بغدا یی بکزر لو کوجک کوز او کسنه ایدی و کوزلری دا انا حرکت ایدردی
عبوس چهره لو قبیح المنظر ایدی تازه مدور قرال صقاللوو باشی کویا
اموزلرینه یا پیشمش قصه بیونلو ایدی غایت بله ضابط و حکمتی اجرا ده غیور
و عدولری حقند جبار و قهار ایدی و با جمله اغوانی قورقودوب کند و سنه
اطاعت ایتدردمش ایدی بو مرتبه ده که جنک شد تدرند دخی کند و سنه
محالفته اقتدار لری قالماش ایدی میرمر قومک | کرچه جود و کرم و انعامی
یوغیدی لکن خلقی مال غنیمت ابله احیاده علوهیت ایدی جنک کرده
عسکرینک او کونه دوشوب بنفسه مقصودینی حصوله کتور مکده اهتام
ایدردی بردفعه ده حصول پذیر اولمیان ماده یه تکرار و تکرار اقدام

و حصولنه جد تام ابدردی او بخوی از او یوب اکثر اوقانه میداریدی
نفسی عزتته و تن پرور لکه راغب اولیوب طعام دن هر نه بولنسه بر ابدی
ونه یرده اولسه یا توردی نچه دفعه بر یغمور لقا بله قناعت ابدوب بر قاج
کونلاک یوله هجوم اعدایه بو حال اوزنه کیدردی غایت چاپک سوار فارس ابدی
سفر اشناسنده قره غوللری هر بار کند و کزوب یوقلاردی و بر کسنه یه
بو امر خطیری ایناغازدی شرع مبین اوزنه اقتضا ابدن قصاص و تعزیر
و تا دیمه بر کسنه نك شفاعة یا ننده مقبول اولیوب حکم شرعی تنفید
ابدردی و بر در لو کیفه مبتلا دکل ابدی شاه حسینک قیزی نکاح ابدوب
من بعد جاری بر غبت و بقینلق ایتمدی شاه حسینک قیزندن بر ارکک
او غلی اولوب بعضیلر قولی اوزنه اشرف جلوسنده قتل اولندی و بعضیلر
کوزلرینه میل چکادی دیر لکن بو عاجزه حقیقی معلوم اولدی بیان
احوال برادر میر محمد و میر محمد دقند هارده تحت حکومته صعود ایلدی یکی
وقتده بیوک برادری قندهاره والی نصب اولمش ابدی و محمودك بمالك ایرانه
کلوب اصفهانده قراردادده اولدوغی ایامده ینه قندهاره والی و محمودك قائم
مقامی اولوب بو اثناده محمودك برینه جلوس مرقومك ارثا و عرفا حقی ابدن
صاحب عقید و غنه ارباب فراست بر قاج سبب بیان ایشلر در اولوالی
مرقوم درویش نهاد اولوب اصلا کند و سنده سلطنت هواسی یوغیدی
ثانیا اشرف سلطان حسن اختیار و ارادتیله تحت اصفهانی کند و سنده
قصر بد و فراغت و سودای سلطنتدن طوعا کف یدایتمیه جگنی
عین الیقین بیلوب مقاومته کفایت مقدای عسکرندار کی دخی دشوار الحصول
اولمش ابدی زیرا قندهاره اطرافندن ایشه و کوجه یرار عسکر قالیوب میر
محمودك کونده اصفهانه نقل اولمش ابدی و هندستان حد و دنده واقع

طوائف

طو اېف مختلفه دن اکرچه عسکرندارکی ینه ممکن اولوردی لکن ۸۹
کندوسی اوتدن برودرویش طبیعت اولوب نقود ادخارنده چندان
طبعی اولمیوب خزینه تدارکنده اولماش ابدی پس بو مثالو علل وار
ایک مع الاستحقاق قرنداشی میرمحمد کیرینه بردرلور غبت اطهار اتمدی
پیان مقدار عسکر اغوان وعدا پشان میرمحمد اصفهانه کلد بغه
ته مقدار موجود عسکری ایدوکننده روایات اختلاف اوزن درو بو
خصوص تخمین و تقریبی اولغله اصابت دخی امر مشکدر مبادی
قدوملرنده شاه حسین کلان اغوا زنه مقدار عسکر در دپو امور دپه کار
ازموده ادملر کوندروب تخمیس و تخمین ایتدرمش ابدی جمله جاسوسان
اون بش بیک عسکر در دپو تخمینلرنده اتفاق ایدوب شاه وناس دخی جمله
بو اعتقاد ه ذاهب و عجملر بیننده تو اتر برله بو بله کفت و کوی اولمش ابدی
بعضی عسکر احوالن کور میان بلیان ارامنه طایغه سی افراط ایدوب بوزالی
بیک عسکر در دپو تخمین ایدر لردی بوفقیق ارسه اقلیم اور و پیاده
سیاحت ابله کشت و گذار ونجه نجه ملوکک معدود الافراد و معلوم
المقدار عسکر لر نی مشاهده ابلش بولند و تمدن نیم غالباً اصابته قرین اولان
تخمینم بو بله در که اغوانلرک عسکری اصفهانه کلد کلرنده فرق بیکه بالغ
اولوب زیاده اولق احتمالی دخی بو غیدی و عسکر اغوانلرک قدومی شناسنده
جولفنده بولنوب وفرح اباده کلد کلرنده و بعد جولفندی محاصره و بعد
اصفهان محاصره ایلد کلرنده اوج دفعه اغوان عسکر نی اچقدن کوروبه
بالمشاهده بو مقدار ایدوغنی تقریباً ایدم فی الواقع نصف جهان
عنوانیله شهرت بولمش شهر اصفهان کی برخطه واسعه محاصره
واحاطه اولنوب ینه اطرافین امداد قصدنده اولوب کلان عدو هجومنده

مانعت عقلا دخی بحق بومقدار عسکر ابله صورت امکان بولمق بدیهیدو
مع هذا که طشره دن اصفهان امدادینه شد و حل ابدن قزلباش عسکر ابله
جنک ابدوب و جسر شیرازه هجوم ابدوب بدی سکر دفعه اغوانلرده
عظیم انهزام واقع اولوب چوق عسکر لری تلف واجل ابله دخی چوق
گسنه لری اولمش ابدی حتی اصفهان اخذ و ضبط اولند قدن صکره
برمقدار غا ابله لری بر طرف اولوب میرمچودر و ساء عسکرینی حضورینه
کتوردوب نه مقدار صاغ و سالم عسکر ی وار شمار اولنوب دفتر
اولنسون دیو تنبیه ابلدی بر قاج کون مهلت ابله اهنام اولنوب یرا لودن
غیری جنکه یرا بکرمی بیک عسکر موجود در دیو میرمچوده دفتره یردیلر
حالا که بوندن اقدام نچه لری دخی مال غنیمت ابله ولایتلرینه عودت و جولغه
تسخیرند نصکره حضاری اغواتنک اکثری وطنلرینه کشش ابدی بو عبد
حقیر ایسه علم طب ابله برمقدار استنا اولوب بازار کار کزار قتال
صا ولد قه تقریب طبابت ابله اشراف اغوانیله اکثریا کوریشوب
الفت و مولست پیدا اداش ابدم حتی میرمچودک اشکر اغاسی عبدالله
اغایله کوریشوب انای مصاحبتک دبدم کد نیم افندم اصفهانی
سکر بیک ویا اون بش بیک ادم ابله محاصره ابدوب الدبکر دیومیان
خلقه تواتر بولمش بر امر عجیبدر بونک حقیقتن افاده بیورک دبدکده
ایکی قول دخی غلطدر دیو جواب و یروب دبدیکه قندهاردن بوجانبه
توجه ابلدی کمزده ایشه کوجه یرا یما از طقسان بیک ادم ندرک ابدوب
یواله روانه اولمش ابدک بر قاج مرحله برویک کدی کمزده پیر و اختیار مقوله سی
عجزه و سائر لرون سکر بیک ادم ایربلوب کیر و کیتدیلر اولمش و خسته
اولمشلرییز

اولشلر يز دخی ایکی بیگه بالغ اولور و الحاصل اصفهانی محاصره ایلدینکمز .
اثناده میراویس وقتندن قالمش جنک کورمش اون دورت بیگ اغوانز
واو ایدی وسکز بیگ حضاری اغوانیله دورت بیگ بلاوج عسکری
دخی بولنوب سائر عسکر یز کعب و هندستان عسکری ایدی دیوب
اغای مرقومک تقریری بزم تهنیمزه قریبدر احوال اشرف سلطان
میر اشرف میرمچود ایله قندهار دن معا چقوب اکثریا جنک کرده بله
بولنشلر ایدی بعد میرمچود میر اشرفه خانلق و یروب ککندوسنه
مخصوص بر بلوک عسکر بله بعضی یر لره تعیین ایدوب کوندوردی
اشرف دخی عاقل وصاحب رأی و ندبیر اولوب مأمور اولدوغی
خدمت لری وجوده کتوروب شجیع و بهادر و خلقنه خیر خواه و متواضع
اولدوغندن عسکر طایفه سی ککندوسنه میل و محبت ایتمش ایدی
وبعضی امور لری مشورتلرنده رأی و ندبیری پسندیده اولوب خبلی
اعتبار بولمش ایدی حتی کلنا بادنام محله شاه حسین مصالحه یه طالب
اولوب اشرف سلطان قوی سندات ایله صاحبی جایز کورنلردن اولمش
ایدی میرمچودک ایسه دماغنده عجم عسکرینک انهر امند نصکره شاهلق
هوایسی جاپکیر اولدوغندن اشرف صاحبه رغبت کوستر دیغندن
اشرفه دلکیر و خاطر مانده اولمش ایدی لکن ایله مقید اولوب اظهار
ایتمش ایدی و اشرف دخی خبیر واکاه اولوب محموددن خوف و تماشی
اوزن اولقدن خالی دکل ایدی حتی روایت اولنور که اصفهانک
محاصره سی اثناسنده شاهک سر اینده زاد و ذخیره نیک کمال مرتبه ده
قات و مضایقه اوزن اولدوغنده اشرف سلطان اطلاع حاصل ایدوب

میر محموده سوء قصد ایچون یا خود برغیری مقصودینه وصول ایچون
 بر کجه بولندوغی جانبدن ایچروده شاه حسینه بر معتمد اد میلاد بیک بطمان
 مقداری ذخیره کوندردی و مکتوب یازوب مفهومنده شاهدن بر مقدار
 خزینه طلب ایدوب دبد بکه بکا تابع اولان عسکرک قلوبن صید ایچون
 طرفزه بر مقدار خزینه کوندرسک بن عسکرک ابله ایرباوب میر
 محمود ابله مقاومه مباشرت ایدرم و سن دخی ایچرودن عسکر ابله هجوم
 ایدوب بو طریقه سلامت بولورسن ایچق معلومک اولسونکه بنم
 مرادم اغوانلره قصد اولیوب بلکه بو طریقه میر محموده بر حنه
 ویرمکدر مبلغ مزبوری ویرمکه قایل اولدوغک حالده بو یوزدن
 مرادیز حاصل وایش بر طرف اولدقده بکا و اغوانلردن بر فرده طرفکردن
 بردرلو ضرر و زیان ترتب ابلیمه جنکه عهد و میثاقلر ایدوب اعتماد
 ویره سزدیو تحریر ایش ایدی شاه حسین خدعه حریمیه حمل ایدوب
 اشرفک تحریراته اعتبار ایشیوب مقید اولدی میر محمود قضیه به
 واقف و ایچق غایت ابله مغبر خاطر اولدی لکن ستر و کتم ایدوب انفعال
 خاطرین کسننه یه بلدرمدی بر قاج کوندن صکره اشرف سلطانی
 اصفهاندن تبعید و بو طریقه شاهله مکاتبه و معامله طریقلرینی سد
 و بند ابلک مراد ایدوب اشرفی بر مقدار عسکر ابله اطراف و اکنافدن
 اصفهانه امداد کلیه دیودد بیدبان اولمغه کوندردی بیان فرستاده کردن
 میر محمود اشرف خان را زندان اصفهان فتح و تسخیر اولدوغی برله اشرفی
 حضورینه احضار ایدوب ایچون شاه حسینه ذخیره ویردک دیو
 غضبونه خطاب و عتاب ایدوب در حال زندانه کوندروب حبسی

ایتدردی

۹۱
ایتدردی وینه حبس اولدوغی یرده تعییناتی ویر بلوب اکرام اولنق اوزن
تنبیه ایلدی زیر اغوان عسکری ایچنده بختی کشاده لکنه نصر الله جله یه
غالب حسن ندبیرده ایسه اشرف سلطان فایق الاقران اولوب بونلرک
وامان الله خانک و میاچی اولان عالمک رأی و ندبیر لری محمودک اب روی
اولوب دولت و رفعتنه باعث و اعدایه غلبه سنه بادی اولمش ابدی
استمالت دادن اشرف خان باهالی ایران اشرف سلطان تحت شاهیه
جلوس ایدوب صاحب حکم و حکومت اولیحق رفیق و ملایت اظهار
ایدوب حلم و تواضع و عدل و عدالت قصدن کوسروب کسنه یه
دخی حدینی تجاوزه رضا و یرمدی اطراف و اکنافه ادملر و کاغذلر
کوندروب مفهومند اهل بلاد و قری یه اعلام و افاده ایدوب اشاعت
ایدی که بوانه کلنجه کرک بزه تابع اولان و کرک تابع اولمیان بلاد و قری
اهالیسی بوندن بوبله راحت و اسوده حال اوزن اولوب اغوان عسکرندن
بالکلیه امین اوله سز لا محاله چوق زمان مرور ایتیموب ایران دولتی کیمه
قراردان اوله جق ایسه نمایان اولور باری مملکت خراب اولیوب تقدیر ازل
کیمه نصیب و مقدر قلدیسه معمور و آبادان بولوب متصرف اولمش
اولورد پیر استمالت و یردی تطیب کردن اشرف خان شاه حسین را و نسلی
دادن خاطر اوست و ارمال کردن نعشه شهرزاد کان بشهر تم بعد شاه
حسینک یاغنه واروب انک دخی نسلی خاطرینه اهتمام ایدوب دبد بکم
بنم بدرم الم اوزن اولمه من بعد سنک انکسار خاطرینه باعث اوله جق
برایشه وضع بد و رضا که مخالف امور عزیمت ایتیم زینهار تنی ظالم
وغدار و جبار روی و فاعوجم اوغلو میر محموده قیاس ایلله بی جرم و کناه

اولاد لريكي قتل ايدوب كند وسند ذره دكلو مرحت اثرى و ذاتنه و فائشانى
يوغيمش چون وقوع بولوش بر قضا در بو كا صبر دن غيرى علاج يوق
وجناب حق دن اجر جزيل بر له مكافاتنه دخی شبهه يوق انجق دپلرسك
تطیب خاطر ك ایچون اولاد لك ككلرینی جمع و صند و قه لره قویوب
اجدادك مدفنی اولان قم شهرینه کوندر و ب دفن ایتد و نهم دبد كده
شاه حسین بر مقدار مطب اولوب و بو خصوص غایت ارزوی درونی
اید و کفی اشرف خان فهم و ادراك ایدی بچك امر ایلد بکده شاه حسینك
مقتول اولان اولاد لر دن هر بری ایچون برر صند و قه یا پلوب بحالته
احضار اولنه مقتول اولنارك ایسه نعشه لری باعجه نك برکوشه سنده
شاهان سالفه نك بو کونه مصاحت ایچون بناوند ارك ایتد کبری زیر زمینه
وضع اولنش ایدی اشرف خلك امر بله صند و قه لری کتور و وزیر
زمیندن شهزاده لر نعشه لرینی چقاروب شاه حسینك حضور نده عود
و عنبر و کافور و سائر انجیره ابله معتاد لری اوزنه تریسه دن صکره ککلرینی
یشقه بشقه صند و قه لره قویوب محکم قپاد پلر و اوج قطار دوه احضار
اولنوب صند و قه لری تمجیل ایتد پلر و صند و قه لری و دوه لری ابرشیم
قالچه لر و سیم و زر ابله اسانمش چوقه لر ابله شاهانه تجهیز ایتد پلر و قم شهری
فقر اسنه تصدق ایچون بیک تومن اچقه و پرد پلر و اول قالچه و چوقه لری
شاهزاده لك مدفنی اوله جق تریسه لره وضع ایدوب بر مبلغ اچقه دخی وقف
ایچون پرد پلر و معاکمك اوزنه بر بیراق اغوان ابله بر بیراق قزلباش عسکرینی
دخی تعیین ایتد پلر و بو خبر ابله بر کورجی ضابطنی مقدمه قم شهرینه
کوندر دپلر ضابط مر قوم واروب واقع حال دن خبر و یرد کده تم اهل بسنه

اعتماد

اعتماد کلیوب بوامری محالاندن عدایدوب جیله به حمل ایتد پلر و خبر ۹۲
رسان ضابطک کوزلرینه فی الحال میل چکد پلر ازین جانب اشرف خان
کمال مرتبه ده استمالت مرادایدوب امر ایلد بکه مناد پلرند ایدوب اصفهان
شهرندن نعلشهری الا پلر ایله چقان لر ورسم قدیلری اوزن قاعد
دیرینه لرینی اجرا و مراد اید نلر تا تم شهرینه وارنجه تشبیه ایدلر و معتاد لری
اوزن تعظیم و نکریمه رخصت ویر پلر ایلد لری پس بر یوم معینه
الایر قور پلر اغوان بیراخی صند و قه لر تمیل اولنان دوه لر قد اماند
و عجملر بیراخی خلفند شهر اصفهان دن طشره چقد پلر اصفهان خلقینک
صغیر و کبیری ذکور و انائی پیر و صبیانی تشبیه حاضر و فریاد و فغان
ایدلرک برهنکامه قیامت نشانیله شهر دن طشره چقد پلر و اصفهان دن
بدی مرحله مسافه ده اولان تم شهرینه متوجه اولد پلر بر ایلکی ساعت
مسافه دن صکره نسوان و صبیان عودت ایدوب قزلباشلرک بجه لری تم
شهرینه وارنجه معا کیمتد پلر بدی کوند تم شهرینه واروب درون شهره
برکسنه قومیوب طشره ده قوندرد پلر طهما سبه عجاله واقع حالی اعلام
ایدوب صند و قه لر دفنند استنیدان ایتد پلر طهما سب دخی اذن و یروب
صند و قه لره استقبال ایدلر و کمال تعظیم برله رسم مالوفلرینی یرینه
کتوروب دفن ایدلر دیو تمبیه ایلدی فعلی هذا برکون شهره کیروب ترب لری
اجدیلر و جزع و فزع عظیم ایلد صند و قه لری تر به لره معتاد لری اوزن
دفن ایلد پلر اشرف خان جانندن ارسال اولنان مبلغی فقرایه تصدق
و بقیه سن وقف ایدوب خدمت اتمامند عودت ایلک مراد ایدوب
عجملر اغوانلره علی مراتبهم اهدا و هر فردک رعایت خاطر بله اهتمام ایتد پلر

و بوحال اوزن اصفهانه رو براه اولوب گلد پلر شاه حسين بوجمله دن
 خبير او ايحق دروني مخطوظ اولوب خاطر پريشاني غايت خوش اولدي
 تجربه كردن اشرف خان شاه حسين را در ارزوي تخت شاهي اشرف
 سلطان بوندن بو پله شاه حسينك دروننده سلطنت سوداسي وار ميبرد
 ديو تاجر مراد ابدوب بركون زيارت طريقيه شاهك ياته وارد مي اناي
 صحبتده شاهه خطاب ابدوب شاهم بن بو تخت ايرانك رجلى اولدوغى
 بلدم و بو غايله عظمى يه و شاهلغك بار كيرانته تحمل ابد ميه حكيمى فهم
 و ادراك ايتدم دبلر سلك ملك و تاج ايراني نيه سكا قصر بد ابدوب تخت
 شاهي يه جلوس ابله ديد يكنده شاه حسين دخی اشرف سلطانك بوكونه
 تكليفى قصده مقارن ابدوكن اذعان ابدوب جوا بنده اكر تخت شاهي يه
 بنم ليا فتم اوليدي جناب متعال اليدن الوب سكا ويرمزدى چون تقدير
 اذل سكا لايق كوردى مبارك اولسون و دنيا لطور دقچه طور وب پابدان
 اوله سن بنم مروت شعارم او غم قضا و قدر ابله ظهور ابدوب شاه
 بولندوغم تقريله باشمه كلان بونجه سرانجام دنصكره تخت و تاج
 سوداسي و حكومت هواسي صحيفه دروغدن بالكلمه محور زائيل اولوب
 بوكونه شيمه رغبت اثرى دخی قايلما شد و بقيه عمرى كوشه ازواده دوام
 دولتكه دعای خيرا بله اشتغال اوزن كچور ملك اقصداى مراسم و خلوص
 اوزن مافی الضمير مدروسندن نياز مند اولدوغم انجق بودر كه بر تاج كون
 عمرم دخی و ارايمه بكا ضرورت چككى روا كور ميه سز عمرم اخر اولجه اولاد
 اچمى دروغدن زائيل اولدوغم بلوب دل مجروحى صيانت ابدوب بكا
 عنف و قهر بله معامله بي لايق كورمه ديد كده شاه حسينك بوكونه عاطفت

و شفقت

و شفقت انکیز نیازمندانه کلامندن اشرف سلطانه مرحمت ال و یروب ۹۳
شاه حسینده مدار معاش ایچون ماه بجاه ویره کاند کبری چب پولی تعبیر
اولنور ابکیوز تومن ایچه بی تضعیف ابدوب بر قاج ایام مرورنده چب پولی
یرینه ابد ابکیوز تومن ایچه تعیین ایتد بیلر و شاه حسین اندرون سرای
شاهیده واقع بانجه لره و قصور بی نظیره و سرایک دبلدیکی محالیرینه واروب
دبلدوکی وجه اوزن صفای خاطرین تحصیله و شاهک محبتی اینیه احد ائنه
غالب اولغله ناتمام اولان قصورک مقتضای طبیعتی اوزن تکمیلنه اذن
ویر بلوب بر فرد ممانعت ایلمیه دیو محکم تنبیه ایتد بیلر تکلیف کردن شاه
حسین تزویجی دخترش با اشرف خان بویابده دخی شاه حسین
مخطوط و اشرف سلطانک کند و سنه بوکونه عاطفت و مودت آثار وضع
و نخر کتندن دلشاد اولوب بر کون اشرف سلطانله ملاقاتنده
مافی الضمیرینی کشف ابدوب دبد بکه نم او غلوم شان و شهرت ملوکه
شایان هدیه بهیه علاقه افزایه دار بر شینه مالک اولدو غم معلوم کرد
الحق نورد بده لرم اولاد لر یندن بر با کره دخترم جاریه کز باقی قالمشدرانی
سزه و یروب قبول بیون سز و سز بر اولادم و اول دخی بر اولادم اولوب
بنی پندر بکر مقامنه قویوب دبد ار بکر ابله دلشاد بیون سز و یانکزدن
دور و مهجور اولغی روا کور میه سز دبد که اشرف سلطان حظ موفور
اظهار ابدوب فی الحال اطراف و اکناف ممالکه استمالت ایچون نکرار و نکرار
مفصل کاغدلریازوب مفه و منده بوند نصیکره جمله کز طر فزندن امین
اولوب راحت و اسوده اولک من بعد بویبهوده حرور و قتال ابله تلف
نفوس روا کور لمیوب ما اینده اولان یروودت و عداوت عن قریب الفت

و موافقته و ستقاق و نفاق صدق و وفاقه متبدل اولق اسبلك حصولی
 قوت قریبیه کلوب و بپنژده اوزلشلوب دوستلق یرقوی صورتی افراع
 اولنق مأمول و ماخو طمز دردیو تحریر اولندی فرستادن ایاچی از جانب
 اشرف سلطان بجانب شهزاده طهماسب اشرف سلطان اطراف ممالک
 واقع قزلباشلره وجه محرر اوزن استمالت کاغذ لرینی کوندر دکنصکره
 طهماسب طرفلرینک دخی خاطر لرین اله الملق مناسب عد ابدوب عظیم
 ندرک ابله ایاچی کوندر مکه قرار و یردی و اون عددا ت حاضر ابدوب
 شاهک خزینه سنه بولنان مجوهر اکر لر و ذی قیمت رختلر و مزین
 بساطلر ابله تجهیز و تزین ابدوب ایاچی ابله طهماسبه هدیه نامیله
 کوندردی و محبت نامه یازوب مفهومندک نیم دو ستم بولنه کلجه ما پینده
 وقوع بولان احوال من بعد نسیم منسیا فراموش اولنسه سزادو
 و ما بپنژ وجه مناسب اوزن توفیق اولنسه شایاندر و بوند نصکره برودت
 و عداوت معامله سی طرفینه موجب ملالتدر و ما بپنژده اوزلشلوب
 ممالک ایرانک نظامی اهتمامه علی الانفاق بذل مقدور قلمت الزم لواز مدن
 اولمشد رزیرا تاج سنه دن بر و وقوع بولان اختلال سببیلله اطراف
 ملوک ممالک ایرانه وضع بد عزیمتندک اولوب سزه و بزه قصد قیدندک
 اولدقلری امر محققدر مسقو کفره سی دخی فرصت بولوب حالیا نچه
 برلره استیلا اینمشد رودوات عالییه عثمانیه یوما فیوما ممالک ایرانه وضع بد
 اینتکده در بودر دک علاجنه بر کون اول اهتمام طرفینه نافع بر مصالحتدر
 پس ایاچیمز واروب مراد و مقصود نیز معلوم اولدقدک مملکت الدن کمدن
 نظامی ندرکنه بالذات کند و مز مباشر اولالم ایچلر توسطیلله اولسه

طول

طول و دراز زمانه محتاج اولوب احتیالدرکه ایش ایشدن چکوب مراد نیز ۹۳
حاصل اولمیه انسیب و اوفق اولان بودرکه طهران ابله تم ماییننده برمناسب
عملی مکالمه ایچون تعیین اولنوب سنو بزبالذات معلوم المقدار و متساوی
الاقتدار عسکر ابله اول محله جمع و طرفینک عسکری قوندریلوب
کند و مز میانه ده دوستانه کوریشوب ایشتمزی کند و مز کون لم وصلح
و صلاحی شروط و قیود قویه اوزن بنا ایدوب قوی عهد و میثاق ابله
تا کید ایدو لم دیوب مضمون نامه شهزاده طهما سبک مفهومی اولیحق
قطعا حدعه احتمالن فکر اندیشه و حزم احتیاط طریقن ملاحظه ایشوب
مضمونیه عمه حاضر و اماده اولدی زیر ابوندن اقدم دخی اشرفک
سوزلینه اعتماد حاصل ایدوب مکاتب دلفری مضمونیه فریفته اولمش
ایدی میان فرستادن نامه از جانب اشرف بجانب طهما سبک در سابق
اصفهانک محاصره سی احیاننده اشرف سلطان شاه حسبنه خفیه بر
مقدار ذخیره کوندر دیکه بهانه ابله فتح و تسخیر شهر واقع اولدوغنی برله
میر مجود بالاده ذکر اولندوغنی اوزن اشرف سلطانی زندانه وضع ایش
ایدی اشرف سلطان زندانه محبوس ایکن طهما سبک خفیه نامه
کوندروب مفهومنده قزلباش عسکرینی جمع ایدوب اصفهان اوزر بنه
کلمکه بذل مقدور ایدو سن و بز اغوانلرک اولوزنده معلوم الاسامی بجه
کسنه ل ابله انفاق و اتحاد و سوز برلکین ایشزدرا اصفهان کلوب عسکر بکر
کوندریکه کبی مرقومون اغوان اولوری کلوب بنی زنداندن اطلاق
وجه سی بکا اقتدار ایدوب سکا تابع اولورن بزم بر حالنزی مشاهده ایدن
اغوانلرک اکثری کلوب بزه تابع اولورلر و ماییننده عهد و میثاق ایدوب

اطمینان حاصل اولدوغی برله وار قوتی بازویه کتوروب میر محمودی
اخذ ایدرز و سنک الینه تسایم ایدرز دیو محریرا و انمش ایدی و میر
محمود عجم رجالی قتل عام ایلدینی اثناده لمصاحت حیانه قودوغی بکرمی
بش نفر رجال عجمک دخی اشرفک نامه سی مفهومی موکد مکتوبلری
واروب طهما سبک منظوری اولدقه اشرفک تحریراتی صدق و خلوص
اوزن دردیو اعناد ابلش و عجمه جواب یازوب اشرفه کوندر مش
ایدی و بوتدیبه مخالفت ایدنه لعنت اولسون کلامن نامه سنه خانمه
یازمش ایدی اشرف ابله طهما سب بومصاحت تشبثی تدبیرنده ابلکن میر
محمود جانبدن سید علی خان سر عسکر تعیین اوتوب بر مقدار عسکر
ابله طهما سب احوالی تجسس و حرکتنه نظارته ما مور اولوب قزوین
جانلرینه عزیمت ایتمشلر ایدی اتفاقا تبریز آمدینه کیده جک عجم
عسکر بله اغوان عسکری مصاصدقت ایدوب حروب و قتال عظیمدن
صکره اغوان عسکری منهزم اصفهانه عازم اولدی و بو اثناده اشرف
سلطانک زنداندن چقوب تحتله جلوسی و میر محمودک قتل و قعه سی
دخی واقع اولمش بولمغله میر محمودک قتل ایتدوکی رجال عجمدن بقیه
السیوف اولان مارالذکر بکرمی بش نفر رجال عجم اتفاق و عزل
و نصب و قتل و سایر اصفهانه متد اول امور و نقیرو قطمیر تحریر ایدوب
نهائنده اشرف سلطانک بونک و نلر ده سزه ارسال ایلدینی نامه سنده
متعهد اولدوغی دوستلق و عهد و امان جمله فتح و لغو اولوب غافل
اولیه سیز زیر زندانده اولدوغی وقتده سرکته ایلدوکی اتفاق ضروری
ولغرض ایدی شمدی ایسه طریق اخر ابله مرادی حاصل اولوب قولمده

صادق

صادق اوله جغی بروجله ما مول دکلدردیوب مکتوبی تبدیل نام و قیافه
 برکسنه ننگ الینه و یروب طهما سبه کوندر دپلر سر عسکر سید علی خان
 بعد الانهزام اصفهانه کلورکن مکتوبی کوتورن کسنه یی اخذ و مکتوبی
 لندن الوب نظر ایلد کک غیابنده وقوع بولان احواله و قوف حاصل
 ایدوب اشرف سلطانک حضورینه شتاب و مکتوبی الیه و یردی دقت
 ایله منظوری اولدقده مفهوم کیم ایدوب کسنه یه سو ایلدی و سید
 علی خانه دخی زینهار وزیرهار ستر و کیم ایدوب سن دیو محکم تنبیه ایلدی
 سفرکردن اشرف خان بجانب قزوین برای اخذ طهما سب بر قاج کون
 مرورنده اشرف سلطان فرح اباده بنش ایدوب بعضی رجالن دعوت
 ایلدی و بقیه السیوف اولان بکرمی بش نفر رجال عجمی دعوت ایدوب
 جمله سن قتل ایلدی بر مقدار ارامدن صکره رجالنه خطاب ایدوب
 معلوم المقدار عسکر بله متعین ضابطان و سر بلو کوری عبالده حاضر و اماده
 اولوب یاغنه کلورک دیو تنبیه ایلدی معمداری اولنلرینه طهما سب وزیرینه
 عزیزتین بلدردی اشرف سلطان سرایه کتیبوب فرح اباددن قپو خلقیه
 انلره سوار اولوب صوب مقصوده متوجه اولدی ایکی ساعت ایچنده
 بکرمی بیگ مقداری چاپک سوارا غوان عسکره حاضر و اشرف سلطان
 قفادار اولوب یئشد پلر بوندن اقدام مصالحه اموری ایچون ارسال
 ایلدیغی ایلی دخی قزوینه واروب اشرفک اصفهاندن چقدوغی کوندن
 برکون اولجه نامه سن طهما سبه تسلیم ایدوب کند و سنه و افر اکرام وانمش
 ایدی اصفهانده وقوع بولان وقایعدن طهما سب و رجالی جمله غافل
 و ایاجی یی بر قاج کون اکراما کت و نامه ده تحریر اولنان مصالحه احوالینی

مشاویں ابدوب چله سی معقول و مناسب کورد پلر وارسلان نام مخفی
بر مقدار عسکر ابله عجاله وارمق اوزن قم شهرینه تعیین ابلد پلر تا کم طهران
ابله قم اراسنده محل مکالمه و التقای عسکرین اوله جق پرلرده اغوانلرک
بو مصاحت تنفید و تمشینی بنتیله زاد و ذخیره جمع و ندرکنه مباشرت
ایتد کلرینی تجسس ابدوب طهما سبه عرض و سایر اقتضا ابدن احوالی
دخی بلدروب اکا کون طهما سب دخی محل مزبوریه وجه مصمم اوزن امر
مصالحه مکالمه سی ایچون عازم راه اوله عزیمت کردن ارسلان خان از جانب
طهما سب بجانب شهر قم و قدوم عسکر اشرف خان بقزوین و مقابله
وانهزام لشکر عجم ارسلان خان بر مقدار عسکر ابله قزویندن چقوب قم
شهری جاننده روان اولدی همان چقدوغی کون بر مقدار مسافه قطع
ابلد کده کورد بکه قارشو سنه بر عظیم عسکر کلیور حال نی یوزدن ابدوکن
فهم ابدوب سرعت ابله رجعت و طهما سبک یانته جان اندی شاهم
باشمزک ندرکن کون لم زیر اشرف سلطان نجه بیک عسکر ابله شتاب
ابدوب اوزر یزه کلیور طهما سبک رحالی فی الحال جمع اولوب مشاویں
ایتد پلر چون وفرت اوزن حاضر و آماده عسکر لری بولندی اغوانه
قارشو چقوب مقاومت اقدامی مناسب کورد پلر و بونیت اوزن جمله سی
انلنوب شهر دن طشره چقد پلر اغوانه قارشو وارمق اوزن ایلکن حجر
عسکر ی بریره تجمع ابدوب طهما سبه عرض ابلد پلر که شاهم بز جمله مز
او غورینه فد اولور زوانشاء الله دشمنه غالب اولور زانچق من بعد سکا
اعتماد الدوله اولنلری قزلبا شلردن نصب ایتیموب حجر طایفه سندن
نصب ایلد جکنه عهد و الیزه قوی سند احسان ابله دبد کلرند

طهما سب

۹۶ طهمااسب خواه ناخواه راضی اولوب متعهد اولدی طوا ایف قزلباش
ایسه خبیر اولیحق انلردخی مجمع و بز دولتمیزده سنی اعتماد الدوله استمیز
دیوب پینلرنده عظیم نزاع ایله شقاق واقع اولدوغنی طهمااسب مشاهد
ایدی بچک بوکونه عسکر ایله دشمنه غلبه میسر اولدوغنی جزم ایدوب
اغوان عسکری دخی کورنگله همان بر مقدر ادم ایله طریق مازندراتی
طو توپ اول جانبه فرار ایلدی ارسلان خان ایسه قزلباش عسکر ایله اغوانه
یقین بولوب جنکه اقدام و قزلباش عسکری منهزم و کندوسی کوچیله
سلامت بولوب طهمااسبک اردنجه مازندرانه قاچدی اشرف خان دخی
سالما غانما الصفهانه عودت ایلدی بود فعه دنصکره اشرف سلطانتک
عجم طوا یغنه ایلدوکی استمالت و کولریوز ایله رفق و مرحمت اوزن معامله
والحی کوندروب مصالحه یه رغبت و انعام و احسان وهدای ایله خاطر لرینه
رعایت جمله سی حمله و خدعه حریره اولدوغنی ظاهر و اشکار اولدی
ابحق زندانده ایکن میرمچود کندوسی قتل ایدر خوفندن و میرمچوددن
انتقام الملق سود اسندن ناشی طهمااسبه یازدوغنی مکتوبک مالی غالباً
حقیقت حال اولق اوزن ایدی باقی مدارا و استمالتیه دار عجملر حقنده
اظهار ایلدوکی ملائمت محضی دک اولوب اقصای مرامی طهمااسبی انا ندروب
برطریق یقیله طهران و قم شهر لری ار اسنه کتوروب اطرافن احاطه و برنقر بیله
اله کتوروب اخذ ایلمک ایدی زیراطهمااسبی اله کتوروب اخذ ایلمسه غیر
جمله قزلباشلر کند و سنه اطاعت ایدر لرو و مالک ایران بونقر بیله شاه اولغه
اقتدار حاصل ایدر ملا حظه و اعتقادی کند و سنه جا بکیر درون اولمش
ایدی با خصوص کد دولت علیه عثمانیه ایله مسقو جاری پیننده طهمااسبی

تحت شاهي به اجلاس وعدوريني دفع بانبه اتفاق اولمش فيو اشرف
خانك سمعنه بو بله بر خبر مو حش لاحق اولمغله طهما سبك غابله سنه
دوشوب مراسله و بوجه دوناخشات وهدايا كوندروب طهما سبي
عجالة بر طرف ابلکه مسارعني بوندن ناشي اولمش ابدی اهتمام کردن اشرف
خان برای جمع و تحصيل خزينه چون اشرف خان طهما سبي مازندرانه
قاچروب اول طرف غايله سي بر مقدار بر طرف اولدی بر قاچ ايام اصفهانه
مکت و اقامت امکاني روغنا اولدی غيری جر اموال ناس ابله محصيل خزينه
سود اسنه دوشدی اغوان طايفه سي خانلرندن عنقاو ممول اون اپکی
کسنه يي اخذ و قتل ابدوب ماللرين مصادن ابلدی وسائر رجالندن
ممول اولنلری خبر الوب اکثری ماللرين الوب کندولرين زندانه وضع
ابلدی مير محمودك مرضي موندك جولغه لويه و فلنك اچيسنه وسائر
انعام ابلدوکی مال نه ايسه تحصيل ابدوب الدی احوال امان الله خان
اشرف خان مير محمودك يريه تخته جلوس ابلدكده امان الله خانی
کندوسنه اعناده الدوله نصب و تعيين ابلش ابدی خان مرقومك دخي
طمع غالبی اولوب بر هفته ايجنده قزلباشلردن طقساز ييك تومن اچه
الدى اشرف خان خبر الوب امان الله خانی احضار و ابقلرندن صلب
ابدوب بر کون و بر کجه اول حال اوزن قويوب بالجملة مالک اولدوغی
جواهر و نقودی اظهار ابله مجبور قلدی جمله سن اشرف خان اخذ و قبض
ابدوب من بعد امان الله خانك حياتی و مماتی معلوم اولميوب نجه
اولدوغنی بر کسنه بلدی بيان احوال ميانجي مير محمود بعد اشرف خان
مير محمودك ميانجيسي اولان شيعنی اخذ ابدوب جس ابلدی و جمع و محصيل

۹۷ ابلدوکی نفود و جواهر کثیره بی الندن الدقه اطلاق و هدیه طریقیه
بر مقدار شی و یروب و یاننه ادملر قوشوب کند و ولایتی اولان کابل
شهرینه کوندردی امان الله خان مزبور شیخک همشیره زاده سی اولوب
کابلدن کلوب میر محموده معا انساب و نجه نجه امور عظامده بولمشلر
ابدی و ابکی دخی اغوان مسکرینک اب روی اولمشلر ابدی و شیخک
خارق عاده نجه نجه احوالی سو بولنوب کرامته حمل ایتمشلر ابدی
و معتاد لری اوزن بجنکه شروع ابلد کارنده شیخ عسکرک او کونه کوب دعا
و ثار ابدوب بعد عدویه جمله و هجوم ابدورلدی و دعاسیله مباشرت
ابلدکاری جنکرده غالب اولورلدی اول سبیدن جمله اغوانک معتبری
و معتقدی اولمش ابدی میر محمود دخی یاننه کلدکجه استقبال ابدوب
دست بوس ابدردی فی الواقع تماما اغوان ایچنده مر قوم میانچی مثللو کولر
یوز لوطتلو دلولو حلیم و سلیم برکسنه یوغیدی اغوان ایچنده محمد بلاوج
خان و سید علی خان و عجمیاندن زبردست خان اشرف خانک
موضعندن متضرر اولمیوب عزت و رفعت بولد بلر ساثر لری متضرر اولوب
کیمک مالنده و کیمک عرضنه نقصان کلدک کسنه از قالدی احوال قرنده اش
اشرفی خان اشرف خانک کوچک قرنده اش اشرفک جلوسن کوردوکی
گبی فرار ابلدی عاقبت اشرف خان اخذ ایتدردوب کوزلرینه
میل چکدی احوال مادر میر محمود اشرف خان میر محمودک والد سنی
احضار ابدوب نچون زندانده اولدوغم حالده بکاصاحب چقمک دیو
خطاب و عتاب و شهزاده لک نعشی اولدوغی زیر زمینده اوج کون و اوج
کیجه حبس ابلدی بعد اطلاق ابدوب خانه سنه کوندردی بعد شاه

حسینک باکره قیزی کند و سنه تزوج ایلدی و میر محمود اهلنه شرم
 جوارنده بر سر ای و یروب انده اسکان ایلدی و کفاف اوزن تعینات
 و یردی لکن طشره چقمغه وان وار مغه اذن و یرمدی خاتمه چون بو حقیر
 و فقیر سیاح پر قصور کز زمین ایراند خطه واسعه اصفهانده سیره و تماشای
 وقایع برله مدت مکث و اقامت پر محنتم بکرمی الی سنه یه بالغ اولدی وینه
 حوادث غریبه ظهوری و هرج و مرج ملل متنوعه و قومی آرام و سکونت
 بولیبوب گاه میان اغوائیانه فتنه و گاه عجیبانده شقاق و نفاق و عصیان
 و نغیبه و قومی تقریبله هر یوم توج در یای حروب و قتال احتمالی در کار
 ایلدی بو بحر بلا مهلکه سندن برکنان چقمق و بونهلکه عظیمه کرد بندن
 ساحل سلامتیه جان اتمق فکر و ملاحظه سی اندیشه سیله سرگردان
 وادی حیرت اپکن اشرف خان جانبندن در دولت علیه یه کوندر ملک
 اوزن باجمی تعیین اولوب صوب مأمور سنه عزیمت تمکله بو بیچاره دخی
 رفاقت و بو فرصتی غنیمت عد ایدوب حمدائم حمد ابو یله بر تقرب دلفریب
 ابله بمالک محروسه دولت علیه عثمانیه یه وصول برله سلامت و راحت
 واطمینان مپسر اولدی الحمد لله علی کل الحال و الیه المرجع و المالک
 تمت الترجمة بعون الملائک الوهاب فی غرة شهر ذی الحجه سنه احدى
 واربعمین ومانه و الف تمت النسخة الفریبه علی ابدی الضعفا المأمورین
 بعمل الطبع بدار الطباعة المعبرون فی غرة صفر تطیر سنه اثنی واربعمین
 و ما یه و الف فی البلدة الطیبة قسطنطنیه

صانها لله عن الاقات

والبلیه

